





دانشگاه آزاد اسلامی

واحد یاسوج

دانشکده علوم انسانی، گروه فقه و مبانی حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق «M.A»

عنوان:

بررسی فقهی و حقوقی مجازات اعدام با تأکید بر جرائم مواد مخدر
و روانگردان‌ها

استاد راهنما:

دکتر عبدالرحمان افضلیان

نگارش:

محسن مصلحی

شهریور ۱۳۹۵



تاریخ برگزاری جلسه: 1395/06/24

نام و نام خانوادگی دانشجو: محسن مصلحی رشنه: فقه و مبانی حقوق اسلامی شماره دانشجویی: 930595099

موضوع: بررسی فقهی و حقوقی مجازات اعدام یا تأکید بر جرائم مواد مخدر و روانگردانها

نام و نام خانوادگی اعضای هیأت داور	سمت اعضاء	مرتبه علمی:	پایه:	شماره حساب:	امضاء
1- دکتر عبدالرحمن افضلیان	استاد راهنما	مرتبه علمی:	پایه:	شماره حساب:	
2- دکتر قوام کریمی	استاد داور	مرتبه علمی:	پایه:	شماره حساب:	
3- دکتر علی پورجوهری	استاد داور	مرتبه علمی:	پایه:	شماره حساب:	
4- ناظر (نماینده تحصیلات تکمیلی)					

الف) دفاع از پایان نامه در تاریخ 1395/06/24 با نمره اعضای هیأت داور (از 18 نمره) با عدد ۱۷/۵ با حروف هفتاد و پنج به تصویب رسید.

مدیر تحصیلات تکمیلی

این قسمت توسط پژوهش دانشگاه تکمیل می گردد:

ب) نمره حاصل از ارزشیابی مقاله/مقالات دانشجو برابر ضوابط (تا سقف 2 نمره) معاسبه و نمره نهایی دفاع از پایان نامه (مجموع نمره دفاع و مقاله) یا درجه و با عدد و با حروف تعیین گردد.

مدیر امور پژوهش / معاون پژوهشی

این فرم در 3 نسخه:

- امور مالی
- پژوهش
- آموزش



تعهدنامه اصالت رساله یا پایان نامه

این جانب محسن مصلحی دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته تخصصی در رشته فقه و مبانی حقوق که در تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۲۴ از پایان نامه / رساله خود تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوقی مجازات اعدام با تأکید بر جرائم مواد مخدر و روانگردان‌ها» با کسب نمره ۱۷/۵ و درجه بسیار خوب دفاع نموده‌ام بدین وسیله متعهد می‌شوم:

- این پایان نامه / رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط این جانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و.....) استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده‌ام.
- این پایان نامه / رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره‌برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و..... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- چنانچه در هر مقطعی زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می‌پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با این جانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی‌ام هیچ‌گونه ادعایی نخواهم داشت.

محسن مصلحی

تاریخ و امضاء:



معاونت پژوهش و فناوری

بنام خدا

منشور اخلاق پژوهش

بایاری از خداوند سبحان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و بهواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، مادانشجویان و اعضاء هیات علمی و احدی دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مدنظر قرار

داده و از آن تحفظی ننمایم

۱- اصل برانت: التزام به برانت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه ی علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلاینند.

۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.

۳- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه ی نتایج تحقیقات و انتقال آن به بهکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.

۴- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.

۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.

۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه ی افراد، سازمان ها و کشورهای افرو و نهادهای مرتبط با تحقیق.

۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.

۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه ی بهکاران پژوهش.

۹- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه ی کشور در کلیه ی مراحل پژوهش.

این پایان نامه توسط دفتر تحقیقات و آموزش ستاد

مبارزه با مواد مخدر حمایت مالی شده است.

تقدیم به:

تقدیم به

مهربانان؛ پدر و مادرم:

آن دو فرشته‌ای که از خواسته‌هایشان گذشتند،
سختی‌ها را به جان خریدند و خود را سپر بلای
مشکلات و ناملایمات کردند

تا من به جایگاهی که اکنون در آن ایستاده‌ام

برسم

و تقدیم به همسر و فرزندان گلم که با همراهی
صبورانه خود همواره مرا یآوری مهربان بوده
است.

به خاطر همه حمایت‌ها و زحمات بی‌دریغشان

سپاس

سپاسگزاری

سپاس خداوندی که حمد را بهای نعمتش قرار داد و با تشکر فراوان از جناب آقای دکتر عبدالرحمان افضلیان که در جریان انجام پژوهش از رهنمودهای ارزنده ایشان بهره‌مند بوده‌ام. و همچنین تقدیر و تشکر از حمایت‌های مادی و معنوی ستاد مبارزه با مواد مخدر در جهت تکمیل پایان نامه اینجانب.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
	فصل اول: کلیات و مفاهیم تحقیق
۳	۱-۱- مقدمه
۵	۲-۱- بیان مساله
۷	۳-۱- پیشینه‌ی تحقیق
۸	۴-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق
۱۰	۵-۱- سؤالات تحقیق
۱۰	۶-۱- فرضیات تحقیق
۱۱	۷-۱- اهداف تحقیق
۱۱	۸-۱- روش تحقیق
۱۱	۹-۱- اهداف کاربردی
۱۲	۱۰-۱- روش تجزیه و تحلیل
۱۲	۱۱-۱- ابزار گردآوری
۱۲	۱۲-۱- تعریف واژه‌ها، مفاهیم
	فصل دوم: تحلیل و بررسی مواد مخدر و روانگردان‌ها
۱۵	۱-۲- طرح بحث
۱۵	۲-۲- تعاریف
۱۵	۱-۲-۲- تعریف مواد مخدر
۱۶	۲-۲-۲- تعریف مواد روانگردان
۱۶	۳-۲- تاریخچه مواد مخدر
۱۸	۴-۲- تاریخچه مواد روان گردان
۲۰	۵-۲- اقسام مواد مخدر و روانگردان
۲۱	۱-۵-۲- اقسام مواد مخدر
۲۱	۱-۱-۵-۲- تریاک
۲۱	۲-۱-۵-۲- مرفین
۲۱	۳-۱-۵-۲- هروئین

۲۲ متادون ۴-۱-۵-۲
۲۲ کوکائین ۵-۱-۵-۲
۲۳ حشیش ۶-۱-۵-۲
۲۳ ماری‌جوانا ۷-۱-۵-۲
۲۳ نخ ۸-۱-۵-۲
۲۴ اقسام مواد روانگردان ۲-۵-۲
۲۴ اپیوئیدها و ضد اضطراب‌ها ۱-۲-۵-۲
۲۵ محرک‌ها و توهم‌زا ۲-۲-۵-۲
۲۸ حلال‌های ارگانیک ۳-۲-۵-۲
۲۸ تأثیرات مواد مخدر و روانگردان ۶-۲
۲۸ تأثیرات مواد مخدر و روانگردان بر جسم و روان انسان ۱-۶-۲
۳۱ تأثیرات مواد روانگردان و مخدر بر اجتماع ۲-۶-۲

فصل سوم: بررسی حقوقی مواد مخدر و روانگردان‌ها

۳۴ مقدمه ۱-۳
۳۵ ارتباط مواد مخدر و روان‌گردان‌ها با جرم و خشونت ۲-۳
۳۵ تأثیر مواد مخدر و روان‌گردان‌ها بر جرم و خشونت ۱-۲-۳
۳۶ ممنوع کردن مواد مخدر ۲-۲-۳
۳۶ مواد مخدر و روان‌گردان‌های ترکیبی ۳-۳
۳۷ مواد روان‌گردان جدید و بازار شبکه مجازی ۴-۳
۳۷ جرم مرتبط با مواد مخدر ۵-۳
۳۸ ایجاد تعادل میان حقوق کیفری و پیشگیری ۶-۳
۳۸ بازاندیشی جنگ بین‌المللی علیه مواد مخدر ۱-۶-۳
۳۹ تأثیر منفی جرم انگاری مواد مخدر ۲-۶-۳
۴۰ آگاه‌سازی و رویکردهای کاهش خسارات ۳-۶-۳
۴۰ ارزیابی آگاه‌سازی ۱-۳-۶-۳
۴۱ محدود کردن دسترسی به مواد مخدر ۲-۳-۶-۳
۴۲ در نظر گرفتن خطرات بهداشتی در برنامه‌های کاهش آسیب‌ها ۳-۳-۶-۳
۴۳ مردم آسیب‌پذیر ۴-۳-۶-۳
۴۴ جرائم مربوط به اعتیاد به مواد مخدر ۷-۳
۴۷ الگوی کیفری و ارزیابی انتقادی آن ۸-۳
۴۷ نظریه بازدارندگی مجازات‌ها ۱-۸-۳
۴۹ انتقادهای ناظر به الگوی کیفری ۲ - ۸ - ۳

- ۳-۹- تأثیر رابطه‌های اجتماعی افراد با میزان ارتکاب جرم ۵۲
- ۳-۱۰- بررسی تأثیر مجازات مجرمین مواد مخدر بر کیفیت زندگی خانواده‌های آنان ۵۴
- ۳-۱۱- قربانیان واقعی کیفرهای مربوط به مواد مخدر ۵۵
- ۳-۱۲- کیفیت زندگی ۵۶
- ۳-۱۳- سیر تحولات قانون‌گذاری در زمینه مبارزه با مواد روانگردان و مخدر در حقوق ایران ۵۸
- ۳-۱۴- سیر تقنینی قوانین مربوط به مواد مخدر در ایران ۵۸
- ۳-۱۴-۱- اصلاح قوانین منع کشت خشخاش و استعمال تریاک در سال ۱۳۳۸ ۵۸
- ۳-۱۴-۲- اصلاح قوانین منع کشت خشخاش در سال ۱۳۴۲ ۵۹
- ۳-۱۴-۳- شدت بخشیدن به قانون مجازات مرتکبین اصلی جرائم مندرج در قانون اصلاح منع کشت خشخاش سال ۱۳۴۸ ۵۹
- ۳-۱۴-۴- تشدید قوانین مربوط به مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر سال ۱۳۵۹ ۶۰
- ۳-۱۵- مصوبه ۱۳۷۶ در مبارزه با مواد مخدر ۶۰
- ۳-۱۵-۱- اصلاحیه مصوبه مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۷۶ ۶۰
- ۳-۱۶- دوران قبل از انقلاب جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تا سال ۱۳۳۴ (سیاست کنترل) ۶۱
- ۳-۱۷- از سال ۱۳۳۴ تا انقلاب اسلامی (سیاست تولید و توزیع دولتی) ۶۳
- ۳-۱۸- دوران پس از انقلاب جمهوری اسلامی ایران (سیاست تحریم و مبارزه) ۶۴
- ۳-۱۸-۱- تغییر بنیادین مجازات‌های مواد روانگردان ۶۶
- ۳-۱۸-۲- تغییر نگرش در خصوص اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان ۶۹
- ۳-۱۸-۳- تغییر مجازات مصادره اموال به مصادره اموال ناشی از همان جرم در جرایم مواد مخدر ۷۱
- ۳-۱۹- مواد روانگردان و مخدر از دیدگاه حقوق کیفری ایران ۷۲
- ۳-۱۹-۱- بررسی عناصر تحقق جرائم مرتبط با مواد روانگردان و مخدر ۷۲
- ۳-۱۹-۱-۱- عنصر معنوی ۷۲
- ۳-۱۹-۱-۲- عنصر مادی ۷۳
- ۳-۱۹-۱-۳- عنصر قانونی ۷۴
- ۳-۱۹-۱-۳-۱- حمل مواد مخدر و روانگردان ۷۴
- ۳-۱۹-۱-۳-۲- تولید و ساخت مواد مخدر و روانگردان: ۷۵
- ۳-۱۹-۱-۳-۳- خرید یا فروش مواد مخدر و روانگردان: ۷۵
- ۳-۱۹-۱-۳-۴- در معرض عرضه قرار دادن مواد مخدر و روانگردان ۷۶
- ۳-۱۹-۱-۳-۵- نگهداری و اخفاء مواد مخدر و روانگردان ۷۷
- ۳-۱۹-۱-۳-۶- وارد کردن و صادر کردن مواد مخدر و روانگردان ۷۸
- ۳-۱۹-۱-۳-۷- استعمال مواد مخدر و روانگردان ۷۹

۲۰-۳- جرایم مرتبط با آلات و ادوات تولید، ساخت و استعمال مواد مخدر و روانگردان	۷۹
۲۰-۳-۱- قرار دادن مواد مخدر و روانگردان یا آلات و ادوات استعمال در محلی به قصد متهم کردن دیگری	۸۰
۲۰-۳-۲- ساخت یا تعبیه‌سازی جهت حمل مواد مخدر و روانگردان در وسایل نقلیه	۸۰
۲۰-۳-۳- ترانزیت مواد مخدر	۸۰
۲۰-۳-۴- کشف خشخاش، کوکا و شاهدانه	۸۱
۲۰-۳-۵- نگهداری، اخفاء و حمل بذر خشخاش، کوکا و یا شاهدانه	۸۱
۲۱-۳- آئین دادرسی و شیوه رسیدگی به جرائم مرتبط با مواد روانگردان و مخدر	۸۲
فصل چهارم: بررسی فقهی و حقوقی مجازات اعدام با تأکید بر مواد مخدر و روانگردان‌ها	

۴-۱- اعدام	۸۵
۴-۲- مجازات اعدام و بازدارندگی جرائم مواد مخدر و روان گردان	۸۵
۴-۳- تاریخ مجازات اعدام	۸۶
۴-۴- عقاید علمای حقوق در رابطه با مجازات اعدام	۸۸
۴-۵- چگونگی مجازات اعدام در حال حاضر	۸۹
۴-۶- جانشین کردن مجازاتی بجای مجازات اعدام یا اجرای مجازات اعدام	۹۲
۴-۷- طریقه اجرای مجازات اعدام	۹۳
۴-۸- محل اجرای مجازات اعدام	۹۳
۴-۹- مجازات‌های تبعی اعدام	۹۴
۴-۱۰- عدم توفیق الگوی کیفری اعدام و کاستی‌های نظریه بازدارندگی مجازات اعدام (مواد مخدر)	۹۵
۴-۱۱- تأثیر اربابی مجازات اعدام (مربوط به مواد مخدر)	۹۷
۴-۱۲- پیامدهای لغو اعدام در برخی کشورها	۹۸
۴-۱۳- تأثیر ترس از مجازات اعدام در مجرمین بالقوه	۹۸
۴-۱۴- آثار مخرب اعدام در اجتماع	۹۹
۴-۱۵- آمار مقایسه‌ای تأثیر لغو مجازات اعدام	۱۰۱
۴-۱۶- دلایل موافقان و مخالفان مجازات اعدام	۱۰۲
۴-۱۷- آیا الغاء مجازات اعدام برای اجتماع مفید است یا خیر؟	۱۱۶
۴-۱۶-۱- دلایل طرفداران الغاء مجازات اعدام	۱۱۶
۴-۱۷-۲- دلایل مخالفین الغاء مجازات اعدام	۱۱۷

فصل پنجم: مبانی فقهی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر

۵-۱- فقه و مواد مخدر	۱۲۱
----------------------------	-----

- ۱۲۱-۲-۵-تبيين و تشریح مبانی فقه.....
- ۱۲۱-۲-۴-کتاب و سنت.....
- ۱۲۲-۲-۲-کتاب.....
- ۱۲۳-۳-۲-سنت معصومین (ع).....
- ۱۲۳-۳-۵- بررسی مبانی فقهی اسلام پیرامون مواد مخدر.....
- ۱۲۳-۱-۳-۵- بیان مستندات فقهی در مورد مواد مخدر.....
- ۱۲۵-۲-۳-۵- بیان فتاوی مراجع عظام در مورد مواد مخدر.....
- ۱۲۷-۴-۵- آراء فقهای امامیه پیرامون مجازات اعدام در قبال جرائم مواد مخدر.....
- ۱۲۹-۵-۵- راهکارهای فقه برای مبارزه.....
- ۱۳۰-۱-۵-۵- ادله طرفداران مجازات اعدام مرتکبین مواد مخدر، از باب افساد فی الارض.....
- ۱۳۲-۲-۵-۵- ادله طرفداران مجازات اعدام مرتکبین مواد مخدر از باب محاربه.....
- ۱۳۳-۳-۵-۵- دلایل طرفداران تعزیری بودن مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر.....
- ۱۳۴-۴-۵-۵- دلایل طرفداران تعزیر حکومتی.....
- ۱۳۴-۶-۵- مجازات‌های بازدارنده.....
- ۱۳۵-۷-۵- بحث.....
- ۱۳۹-۸-۵- نتیجه‌گیری.....
- ۱۴۰-۹-۵- پیشنهادهای کاربردی.....
- ۱۴۶- منابع و مأخذ:.....

عنان

بررسی فقهی و حقوقی مجازات اعدام با تأکید بر جرائم مواد مخدر و روانگردان‌ها

نگارش

محسن مصلحی

چکیده

اعتیاد به مواد مخدر به‌عنوان یک بلای اجتماعی، پدیده‌ی شوم و خانمان‌سوز به‌شمار می‌آید. تمامی جوامع انسانی و بیشتر دولت‌ها بر این موضوع اتفاق نظر دارند که مواد مخدر و جرائم ناشی از آن، نسل بشریت را مورد تهدید قرار می‌دهد. بنابراین، صاحب‌نظران معتقدند که حل این معضل اجتماعی نیازمند مبارزه‌ای مستمر در ابعاد نظامی، انتظامی و سیاسی تا تلاش‌های اقتصادی و فرهنگی است. در کشور ما یکی از ابزارهای مقابله با این پدیده اعمال مجازات‌های شدید و سنگین بوده و مجازات اعدام و حبس‌های طولانی‌مدت به‌عنوان نمونه‌هایی از پیشگیرهای کیفری در نظر گرفته شده است. هدف این پژوهش با توجه به نظراتی که با مقابله فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر به دست می‌آید، ارائه راهکارهایی جهت جلوگیری یا حداقل محدود کردن آن است. در این پژوهش روش تحقیق از حیث هدف، توصیفی - تحلیلی و از حیث شیوه‌ی انجام تحقیق، اسنادی و کتابخانه‌ای است. در نهایت در خصوص امکان تعیین مجازات اعدام و توجیه فقهی آن در مورد جرائم مواد مخدر تنها از ۳ طریق افساد فی الارض، تعزیر شرعی و حکم حکومتی امکان‌پذیر است. با بررسی متون فقهی و ادله‌ی شرعی می‌توان گفت که توجیه مجازات اعدام در قالب افساد فی الارض و تعزیر شرعی فاقد وجهت شرعی و غیر منطبق با موازین اسلامی است. تنها راه باقی‌مانده حکم حکومتی و رعایت مصلحت جامعه می‌باشد. بنابراین برای حفظ دین و نظام اسلامی زمانی که مصلحت اقتضا نماید ولی امر می‌تواند از باب احکام حکومتی مجازات اعدام پیش‌بینی کند.

کلیدواژه‌ها: مبانی فقهی، مبانی حقوقی، مجازات اعدام، جرایم مواد مخدر، روانگردان‌ها

فصل اول

کلیات و مفاهیم تحقیق

۱-۱- مقدمه

اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک بلای اجتماعی، پدیده‌ی شوم، خانمان‌سوز و بلیه بزرگ جهانی به شمار می‌آید. جامعه بشری از پیدایش تاکنون با بلاها و بحران‌های مختلفی مواجه بوده که برخی از آن‌ها موجودیت و بقای انسان‌ها را در معرض تهدید قرار داده و برخی نقشه جغرافیایی و سیاسی جهان را دستخوش تغییر و تحول نموده است. مسئله مواد مخدر، استعمال و اعتیاد در همه کشورها پیشینه تاریخی دارد ولیکن آنچه این پدیده را به عنوان بلیه جهانی، تهدیدکننده امنیت ملی و بین‌المللی و عامل تأثیرگذار بر سلامت فکری جسمی و اخلاقی انسان‌ها تبدیل کرده، قاچاق بین‌المللی آن، گسترش این تجارب سیاه مرگ‌بار، اعتیاد و مصرف آن در جهان است و پس از تجارت سلاح و مهمات، پرسودترین معامله جهانی است. از این در فرآیند اقتصاد جهانی، جایگاه قاچاق مواد مخدر را نمی‌توان نادیده گرفت. هنگامی که بحث از بحران در جوامع بشری پیش می‌آید و تاریخچه بحران‌ها بررسی می‌شود، در هر زمان یک موضوع خاص، موضوعی بحرانی بوده که توانسته است جامعه را مورد تهدید اساسی قرار دهد. زمانی بلایای طبیعی و راه‌های مبارزه با آن، زمانی بیماری‌های فراگیری و روزگاری جنگ‌های جهانی یا حتی قومی و قبیله‌ای بحران محسوب شده است. از دیرباز دام مواد مخدر نیز به عنوان بحرانی برای جوامع در نظر گرفته شده و دولت و ملت‌ها درصدد مقابله با این بحران عظیم برآمده و بر آن بودند تا خود را از آن نجات دهند (اکبری قزوینی، ۱۳۸۴: ۲).

جرائم مواد مخدر از جمله جرائم سازمان‌یافته‌ای است که دارای ابعاد بین‌المللی می‌باشند. از طرفی جرائم مرتبط به مواد مخدر متأسفانه غم‌انگیزترین تراژدی نسل حاضر است و از این پدیده استعماری که ارمغان شوم استعمار یاد کرد. مواد مخدر مخرب‌ترین عامل برای روح و روان بشری است، از یک طرف مواد مخدر در نظام اقتصادی کشورها اختلال شدیدی ایجاد نموده و از طرف دیگر، اعتیاد به مواد مخدر، تبعات سوء بهداشتی را در پی خواهد داشت. برخی از نویسندگان مصرف مواد مخدر را در ردیف جرائم بدون قربانی دانسته‌اند اما بزه دیدگان اعتیاد در دو طبقه بزه دیدگان مستقیم و محسوس و بزه دیدگان غیرمستقیم و نامحسوس قرار دارند. بزه دیدگان مستقیم اعتیاد، در وهله نخست شخص معتاد و در درجه دوم خانواده او می‌باشند. بزه دیدگان غیرمستقیم نیز کانون خانوادگی ملی یعنی کشور، در تمام ابعاد اقتصادی، فرهنگی، امنیتی می‌باشد (اکبری قزوینی، ۱۳۸۴: ۳).

بدون شک پدیده قاچاق مواد مخدر، اعتیاد و ناهنجاری‌های رفتاری ناشی از کاربرد این مواد، یکی از معضلات بزرگ جامعه بشری به خصوص در عصر حاضر به شمار می‌آید. تمامی جوامع

انسانی و بیشتر دولت‌ها بر این موضوع اتفاق نظر دارند که مواد مخدر و جرائم ناشی از آن، نسل بشریت را مورد تهدید قرار داده و هم‌چنان مورد تهدید قرار می‌دهد و صاحب‌نظران و آگاهان متعددی تردید ندارند که حل این معضل اجتماعی نیازمند مبارزه‌ای مستمر و همه‌جانبه از ابعاد نظامی، انتظامی و سیاسی تا تلاش‌های اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. با بررسی متون فقهی، مواد مخدر در صدر اسلام و در زمان تبیین احکام اولیه به معنای امروزی مصداق عملی نداشته، بعداً با پیدایش و شیوع آن در جوامع بشری، توسط فقها و مراجع عظام تقلید برای آن مصداق و مجازات معین شده است. در جوامعی چون جامعه ما که اکثر افراد آن از مردم مسلمان و معتقد به احکام نورانی اسلام تشکیل شده است. بر عهده علما و دانشمندان است که با تبیین معارف، اخلاقیات و احکام دین، وظیفه و تکالیف شرعی فرد را در این باره مشخص نموده و جامعه به‌ویژه جوانان را از ورطه مفاسدی مانند مواد مخدر باز دارند (جوآفرید، ۱۳۷۶: ۴). با توجه به حساسیت نظام جمهوری اسلامی ایران به مواد مخدر و پیچیدگی مسائل مربوط به آن، تحقیق و اجتهاد فقهی و حقوقی در فروع مختلف مربوط به مواد مخدر، جرایم و مجازات آن یک امر ضروری به نظر می‌رسد. بدیهی است که هر کشوری برای مقابله با جرایم و از جمله مقابله با جرایم مواد مخدر، راه‌های خاص خودش را دنبال می‌کند، البته در بسیاری از موارد مشترکاتی نیز در جهان وجود دارد. از طرفی قوانین کشور ما برگرفته از نظام حقوقی اسلام است و این نظام حقوقی، با توجه خاص به مصالح و منافع فردی و اجتماعی و درجه‌بندی نمودن آن‌ها، نظام کیفری خود را به‌صورت یک نظام کیفری، برای جرایمی که مصالح و منافع ثابت و لایتغیری را هدف قرار می‌دهد، مجازات‌های ثابت و غیرقابل تغییر تحت عنوان «حدود و قصاص» در نظر گرفته شده است. برای جرایمی که به مصالح و منافع کم‌اهمیت‌تر و یا متأثر از شرایط زمان و مکان و ویژگی‌های مجرم است، مجازات‌های غیرثابت و انعطاف‌پذیری را تحت عنوان «تعزیرات» تعیین نموده است (حسن‌زاده، ۱۳۸۲: ۳).

در سایر جرائم مواد مخدر بزه دیده وجود ندارد، یعنی خریدار و فروشنده هر دو مجرم بوده و نفع آنان در این است که اقدام خود را اعلام نکنند، در نتیجه آمار سیاه را بالا برده و همواره از یکدیگر در مقابل دستگاه‌های انتظامی و پلیسی حمایت می‌کنند. از این‌رو آزاداندیشان سراسر جهان از بدو پیدایش این پدیده ضد انسانی (مواد مخدر) ضرورت مقابله و برخورد قاطع با آن را احساس کرده‌اند. در حال حاضر، معضل اعتیاد و جرائم مواد مخدر، یک واقعیت عینی جوامع است و به‌یقین هیچ‌کس در جامعه نمی‌تواند منکر این مسئله ملموس شود، به‌طوری‌که دیدن واقعیت به معنی اعتراف به وجود آن است و بالطبع تعمق و تأمل بیشتر درباره توجیه، تبیین و بررسی بی‌طرفانه علل رشد مواد مخدر در جامعه و سرانجام برخورد قاطعانه، تصویب قوانین و ایجاد راهبردهای اساسی برای دولت‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و کلیه اقشار جوامع را می‌طلبد. در کشور ما به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی در ارتباط با مواد مخدر و آثار زبان‌بخش و مصیبت‌بار آن، قانون‌گذاری از چندین دهه پیش به وضع قوانین و مقررات

پرداخته‌اند. یکی از ابزارهای مقابله با این پدیده، یعنی مواد مخدر و جرائم ناشی از آن، از جمله مواد مخدر (خرید و فروش، حمل، توزیع و...) در قوانین ایران، اعمال مجازات‌های شدید و سنگین بوده و مجازات اعدام و حبس‌های طولانی‌مدت به‌عنوان نمونه‌هایی از پیشگیری‌های کیفری در نظر گرفته شده است.

در بین مجازات‌های پیش‌بینی شده برای مرتکبین جرائم مواد مخدر، مجازات اعدام از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است؛ زیرا مجازات اعدام در بین مجازات‌های بدنی علیه تمامیت جسمانی، شدیدترین آن‌ها است. در واقع مجازات اعدام، همواره آخرین ضمانت اجراست که باید در نظر گرفته شود و در مهم‌ترین جرایم تجویز می‌شود. به همین لحاظ، بررسی مبانی و پیامدهای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر محور اصلی این پژوهش می‌باشد.

۱-۲- بیان مساله

جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان یکی از معضلات جامعه جهانی و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه است. اهمیت این موضوع زمانی افزایش می‌یابد که به این نکته توجه داشته باشیم که کشور ما، همجوار کشوری است که تولیدکننده انبوه این مواد است. در این میان، راه‌های مختلفی برای مبارزه با جرائم مربوط به این مواد مورد توجه قانون‌گذاران تمامی کشورهای جهان قرار گرفته است که سنگین‌ترین آن‌ها، مجازات اعدام است. این مجازات که از سوی برخی کشورها برای مبارزه با جرائم یادشده تعیین شده است، از سوی قانون‌گذار ایران نیز مورد تأیید واقع شده است. با توجه به سیر تاریخی قانون‌گذاری در این زمینه، معلوم می‌شود که از همان اوان پیدایش این مجازات برای جرائم یادشده، مخالفت‌ها و موافقت‌ها در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند که این موضوع تاکنون نیز ادامه داشته است.

لازم به ذکر است که بیشتر مباحث در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش مجازات اعدام در این زمینه، معطوف به کمیت و کیفیت بازدارندگی و قدرت پیش‌گیرندگی آن است. همچنین در نظام حقوقی ما که یک نظام مبتنی بر شریعت اسلامی است، بحث از فقهی یا غیرفقهی بودن این مجازات در خصوص جرائم مواد مخدر و روان‌گردان نیز مطرح است. (کاظمی، ۱۳۹۴، ص ۲)

از سوی دیگر، از آنجاکه اگر ثابت می‌شود، مجازات اعدام در جرائم یادشده در زمره مجازاتی است که از سوی شرع معین شده و به تعبیر دیگر از تعزیرات شرعی محسوب می‌شود، بحث بر سر بازدارندگی آن در نظام حقوقی ما بی‌هوده می‌شود؛ زیرا در این صورت، بر فرض ثابت شدن عدم بازدارندگی اعدام در این جرائم، موضوع وجود حکمت در احکام الهی و امور خفیه، مانع بحث بر سر اصلاح اعمال این مجازات می‌شود. از آنجا که افساد فی الارض و محاربه، دو جرم جداگانه محسوب نمی‌شوند، مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان را نمی‌توان از تعزیرات

شرعی شمرد و بر آن اساس، می‌توان آن را در مواردی تعدیل کرد و یا حداقل شرایطی را ایجاد نمود که این مجازات، از بازدارندگی لازم برخوردار شود. (علایی، ۱۳۵۷، ص ۷۳)

جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان از دغدغه‌های همیشگی و به‌خصوص سال‌های اخیر جهان (به دلیل تولید و صدور انبوه) و به‌ویژه کشور ما بوده است. بدین جهت، کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلفی در این خصوص به تصویب کشورهای جهان رسیده است. همچنین، کشورها در حقوق داخلی خود نیز در این زمینه، به قانون‌گذاری پرداخته‌اند. در این میان، مجازات اعدام، محور بحث حاضر است. نقش بازدارندگی مجازات اعدام در خصوص جرائم مواد مخدر و روان‌گردان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نظام حقوقی ایران (به‌عنوان یک نظام مبتنی بر شرع) ماهیت فقهی این مجازات در مورد جرائم یادشده نیز محل بحث است.

از بدو تأسیس نخستین شکل‌های اجتماعی که احتیاج به وجود نظم و ایجاد مقرراتی برای حفظ امنیت و تنظیم روابط اجتماعی احساس شد، ضمانت اجرای مقررات تنظیمی نیز مدنظر بوده است. البته، در جوامع نخستین، عمده تضمین‌ها (مجازات‌ها) با انگیزه‌های متفاوتی از قبیل انتقام‌جویی، اجرای عدالت، سزادهی و یا حمایت از جامعه وضع شده بود که مجازات اعدام همواره در رتبه اول مجازات‌ها قرار داشت (امیرعلایی، ۱۳۵۷، ۷۵). اگرچه با تغییر زمان و مکان، از لحاظ نحوه اجرای این مجازات، روش‌های متفاوتی اعمال می‌شده، با این حال تا دهه پیشین، هیچ‌گاه از سیاست کیفری جوامع مختلف بشری حذف نشد. در دهه‌های اخیر، با پیدایش مکاتب مختلف کیفری، مشروعیت مجازات اعدام متزلزل شد. در برخی از کشورها، به‌طور کلی از فهرست مجازات‌ها کنار گذاشته شد و در برخی دیگر نیز به‌صورت قانون متروک درآمد و برخی نیز شمار اجرای آن را به حداقل ممکن کاهش دادند (آنسل، ۱۳۶۵، ص ۴۰).

با این وجود، در نظام حقوقی ایران، مجازات اعدام، از مجازات‌های پیش‌بینی شده از سوی قانون‌گذار است. یکی از جرائمی که این مجازات برای آن وضع شده است، جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان است. بدین ترتیب می‌توان گفت شدیدترین پاسخ کیفری به قاچاق مواد مخدر در ایران و برخی کشورها مجازات اعدام است. با وجود این، از زمان شروع نخستین بحث‌ها در مورد مجازات اعدام برای جرائم مواد مخدر و روان‌گردان، مخالفت‌ها و موافقت‌ها در این خصوص وجود داشت. عده‌ای با این استدلال که هرچه مجازات سنگین‌تر باشد، احتمال وقوع جرم پایین می‌آید، با مجازات اعدام موافق بودند. در مقابل، عده‌ای با این استدلال که این مجازات، توانایی بازدارندگی لازم را ندارد، با این امر مخالفت می‌کردند. (ذبحی، ۱۳۹۲، ص ۱۹)

به‌هرحال همان‌طور که اشاره شد، این مجازات در مورد جرائم یادشده، وارد نظام حقوقی ما شد و گرچه در سطح جهانی، در بین اندیشمندان، اجماعی در خصوص حذف این مجازات وجود دارد، اما این مجازات در نظام حقوقی ایران، همچنان به قوت خود باقی است. بنابراین، در شرایط کنونی، به نظر می‌رسد بررسی این موضوع چه از لحاظ سیاست جنایی جرائم مواد مخدر و روان‌گردان و چه از لحاظ اصول حقوق جزا و چه از لحاظ فقهی ضرورت دارد تا بتوان به

نتیجه‌ای علمی و روشن در این مورد رسید. تحقیق حاضر تلاش کرده است که ماهیت این مجازات را در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان از بُعد شرعی و حقوقی مورد بررسی قرار دهد و از سوی دیگر، معین سازد که اعمال این مجازات در جرائم یادشده چه تأثیری بر بازدارندگی این جرائم در نظام حقوقی ایران دارد؛ که با توجه به تفکیک بازدارندگی از کارآمدی، به نظر می‌رسد مجازات اعدام در جرائم مورد بحث، از کارآمدی لازم برخوردار است، اما این مجازات از بازدارندگی در این جرائم برخوردار نیست. تحقیق حاضر، با تکیه بر نظریه‌های حقوقی، سیر تاریخی مجازات اعدام به‌طور کلی، طرح استدلال موافقان و مخالفان مجازات اعدام و... نشان می‌دهد که نه تنها وجود یا عدم این مجازات در یک سیستم حقوقی، به مسائل و مقتضیات گوناگونی بستگی دارد که از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکان دیگر قابل تغییر است، بلکه در خصوص بازدارندگی این مجازات هم به‌طور کلی و مطلق نمی‌توان اتخاذ موضع کرد. در نتیجه، برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب در تحقیق حاضر، باید این مجازات را در سیاق خاص جرائم مواد مخدر و روان‌گردان سنجید.

۱-۳- پیشینه‌ی تحقیق

بررسی‌های مقدماتی نگارنده در مطالعه موضوع، حاکی از این است که در خصوص مبانی فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر، تألیف یا اثر مستقلی وجود ندارد و پایان‌نامه‌ای با این عنوان مشاهده نشد، اما پایان‌نامه‌هایی که در ارتباط با این موضوع وجود دارد عبارتند از:

۱- جوانفر (۱۳۷۶)، در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «مجازات‌های بدنی (اعدام و شلاق) در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر»، به بیان، نقد و بررسی موارد، مبانی و تأثیر مجازات‌های بدنی (اعدام و شلاق) که در قانون مزبور جرایم و مجرمین مواد مخدر مقرر پیش‌بینی شده، پرداخته است. از روش‌های نمونه‌گیری افراد از نظر تعداد، جنس و ... هم‌چنین مصاحبه و آمارگیری استفاده کرده و در نهایت به این نتیجه دست یافته است که در مورد مجازات اعدام، پیشنهاد می‌شود تا مجازات حبس ابد به‌جای آن جایگزین و توصیه می‌شود.

۲- حسن‌زاده (۱۳۸۲)، در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «گذشته و حال نظام دادرسی جرایم مواد مخدر در حقوق کیفری ایران» به بررسی آشنایی با روند رسیدگی به جرائم مواد مخدر در کشور و هم‌چنین بررسی حقوقی از متهم مواد مخدر پرداخته که در اثنای رسیدگی به پرونده‌های مواد مخدر، نادیده گرفته شود. در نهایت نگارنده به این نتیجه کلی دست یافته است که پس از اجرای مجازات اعدام در سال‌های متمادی که هدف عمده واضحین قانون کاهش جرائم و ارباب و عبرت سایرین بوده و نه تنها توفیق چندانی حاصل نشده است بلکه تبعاتی از قبیل بی‌سرپرست شدن خانواده و ... و عدم کاهش جرائم مواد مخدر بنا به آمارهای ارائه شده در متن تحقیق داشته است.

۳- جعفر کوشا (۱۳۸۴) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و نقد علمی - کاربردی مجازات اعدام در قبال جرائم مواد مخدر»، به بررسی تأثیر مجازات عدم اعدام در کاهش جرائم مواد مخدر پرداخته که این مجازات، از سال ۱۳۳۸ زمانی با شدت فراوان و مدتی با مسامحه اجرا گردیده است. در نهایت نگارنده پایان‌نامه فوق، به این نتیجه دست یافته که مجازات اعدام تأثیری در کاهش جرائم مواد مخدر ندارد.

یکی دیگر از راه‌های تأمین نظم و امنیت اجتماعی، مبارزه و برخورد جدی با فساد و انواع انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی است. حضرت امام خمینی (ره) آن دسته از افرادی که انحراف اخلاقی دارند و جامعه را به فساد و تباهی می‌کشانند را به‌عنوان غده سرطانی معرفی کرده و معتقدند: آن که فاسد می‌کند جامعه را و دست از فسادش بر نخواهد داشت، او را باید از جامعه جدا کرد؛ او یک غده سرطانی است که جامعه را فاسد می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۸)، رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی انحرافات اجتماعی را خطری می‌دانند که حیات اجتماعی را هدف قرار داده است. ایشان می‌فرمایند: «مسئله مواد مخدر واقعاً مهم است یعنی؛ یکی از حساس‌ترین مراکز حیات اجتماعی ما را هدف گرفته است، خیلی خطرناک است، جوان‌های ما، دختر و پسر ما، در مقابل یک سیل عظیم هدایت شونده بی‌پناه است.

عوامل متعددی در ایجاد ناامنی اجتماعی در یک جامعه دخیل هستند که به‌طور کلی به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند. از جمله اعتیاد، فقر، فساد، فحشا، تبعیض، بیماری و اختلال روانی که معظم له، رواج مواد مخدر، اعتیاد، بیکاری و هم‌چنین سیاست‌بازی‌های جاه‌طلبانه و غیرمسئولانه را از عوامل ناامنی می‌دانند و در کنار این عوامل دخالت‌های دشمنان خارجی و تحرکات خارجی و برخورد غیرقاطع که موجب تردید و تزلزل می‌شود را از عوامل ناامنی دانستند. «اشتغال وقتی نباشد یا کم باشد یعنی وقتی بیکاری در جامعه باشد، این خودش یکی از عوامل است؛ سیاست‌بازی‌های جاه‌طلبانه و غیرمسئولانه از عوامل ناامنی است؛ دخالت دشمن خارجی و تحریکات خارجی از عوامل ناامنی است؛ هیچ‌کدام از این‌ها به شما ربطی ندارد. اما کسی که باید شانه استوار و مستحکم خودش را زیر این بار بدهد، شما باید به میدان بیایید و با ناامنی به همه ابعاد آن مبارزه کنید» (جاویدی، ۱۳۹۱).

۱-۴- اهمیت و ضرورت تحقیق

اعتیاد یک بیماری اجتماعی است که عوارض جسمی و روانی دارد و تا زمانی که به علل گرایش بیمار توجه نشود، درمان جسمی و روانی فقط برای مدتی نتیجه‌بخش خواهد بود و فرد معتاد دوباره گرفتار «مواد اعتیادآور» می‌گردد. اعتیاد به مواد مخدر یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی است که عوارض ناشی از آن تهدیدی جدی برای جامعه بشری محسوب شده و موجب رکود اجتماعی در زمینه‌های مختلف می‌گردد. هم‌چنین ویرانگری‌های حاصل از آن زمینه‌ساز سقوط بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی شده و بدین

ترتیب سلامت جامعه را به‌طور جدی به مخاطره می‌اندازد. تحلیلگران مسائل سیاسی و اجتماعی بر این باورند که در تهاجم و نفوذ فرهنگی، پدیده مواد مخدر مهم‌ترین عامل به تباهی کشیدن و انحطاط اخلاقی جوامع به شمار می‌رود. متأسفانه گسترش دامنه مصرف مواد مخدر در جامعه امروز به حدی است که حتی قشر متفکر و تحصیل کرده را نیز به سمت خود کشانده است. جهان می‌بایست از نیم‌قرن پیش که منشور آتلانتیک نوشته و اساسنامه سازمان ملل تهیه شد به آثار شوم مواد مخدر توجه می‌کرد یا دست کم در همان اوایل دهه ۱۹۶۰ که موج شدید اعتیاد نمایان شد به‌گونه‌ای با تولید و تجارت غیرقانونی مواد مخدر مبارزه می‌کرد. از زمان برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی مواد مخدر در سال ۱۹۰۹ در شانگهای کنترل مواد مخدر به‌عنوان یک نگرانی جهانی مطرح شد. سیستم بین‌المللی کنترل به تدریج از سال ۱۹۲۰ تحت نظارت مجموعه‌ای کشورهای و از سال ۱۹۴۶ تحت نظارت سازمان ملل ایجاد گردید. توصیه‌های کنفرانس سران سیزده کشور جهان در شانگهای اساس نخستین کنفرانس بین‌المللی تریاک در سال ۱۹۱۲ هلند قرار گرفت. پس از تشکیل اولین مجمع جامعه در سال ۱۹۲۰ کمیته مشورتی برای قاچاق تریاک و سایر داروهای خطرناک به وجود آمد و کنوانسیون‌های ۱۹۲۵، ۱۹۳۱، ۱۹۳۶، پروتکل‌های ۱۹۴۶، ۱۹۴۸، ۱۹۵۳ و سرانجام کنوانسیون‌های ۱۹۶۱، ۱۹۷۱، پروتکل ۱۹۷۲ و کنوانسیون ۱۹۸۸، مواد مخدر را یکی از مشکلات عمده جهان معرفی کرد. گزارش‌های بین‌المللی کنترل مواد مخدر، برنامه کنترل دارویی سازمان ملل متحد، پلیس بین‌المللی (شاخه مواد مخدر) و بسیاری از کشورها درباره وضعیت مواد مخدر در جهان همه حاکی از تشدید مواد مخدر در کشورها می‌باشد. تمامی کشورها دچار پیامدهای مخرب و ویرانگر قاچاق مواد مخدر و سوءمصرف آن می‌باشند. دولت‌ها تلاش گسترده‌ای را در تمامی سطوح برای متوقف ساختن تولید و قاچاق این‌گونه مواد به کار برده و بر اساس مجموعه معاهداتی که تحت نظارت سازمان ملل به تصویب رسیده است می‌بایست گزارش عملکرد خود را به سازمان‌های بین‌المللی ارائه نمایند. در پاسخ به معضل سوءمصرف مواد مخدر و روانگردان و آثار سوء آن در دهکده جهانی، کشورهای جهان در سال ۱۹۹۸ در اجلاسیه مهمی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد آن را برگزار نمود، شرکت و تصمیمات مهمی را اتخاذ کردند. در این اجلاسیه ضرب‌الاجل‌هایی برای سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸ تعیین شد تا کشورها در قالب دو برنامه پنج‌ساله اقداماتی را در زمینه کنترل مواد مخدر در عرصه‌های ملی و بین‌المللی به انجام رسانند.

در آستانه ورود به قرن بیست و یکم جوامع بشری با مشکل بزرگ اجتماعی و روانی سوءمصرف مواد مخدر مواجه هستند و علی‌رغم کوشش‌های به عمل آمده و هزینه‌های بسیار سنگین مبارزه با آن هنوز راه‌حل مناسب و قابل قبولی برای چیره شدن به این معضل بزرگ جهانی به دست نیامده است. ایران به دلیل اینکه در سر راه یکی از مسیرهای مهم حمل‌ونقل مواد افیونی

قرار دارد و به دلایل دیگر تاریخی و اجتماعی یکی از قربانیان بزرگ سوءمصرف مواد در جهان به شمار می‌رود.

در این پژوهش با توجه به اهمیت مواد مخدر و روانگردان و تأثیر سوءمصرف این مواد بر فرد و جامعه سعی شده است ضمن بیان تاریخچه و انواع مواد مخدر و روانگردان، مبانی فقهی و حقوقی پیرامون این مواد مورد بررسی قرار گیرد تا تأثیرپذیری اسناد فقهی-حقوقی و کنوانسیون‌های مربوط به مواد مخدر و روانگردان بر قوانین داخلی ایران مشخص گردد.

۱-۵- سؤالات تحقیق

سؤال اصلی:

تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرایم مواد مخدر و روان گردان چگونه است؟

سؤالات فرعی:

۱- آیا مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر و روان گردانها از تعزیرات شرعی است؟

۲- چه مجازاتی به تأثیرگذاری اعدام برای جایگزینی این مجازات می‌تواند مؤثر باشد و توسط قانون‌گذار تدوین گردد؟

۱-۶- فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی:

مجازات اعدام از ضمانت‌های اجتماعی اجرایی است که از گذشته در تمام جوامع و تمدن‌ها وجود داشته و قربانیان بسیاری گرفته است. از قانون شش هزار ساله حمورابی گرفته تا قوانین جدید و معاصر شاهد اعمال این کیفر در برابر برخی از جرایم و افعال هستیم. با وجود این که امروزه این مجازات در بسیاری از کشورها به طور کامل لغو گردیده و بسیاری از اسناد و معاهدات بین‌المللی نیز اعمال آن را نقض حقوق بشر می‌پندارند، ولی هنوز هم دولت‌ها و کشورهای بسیاری هستند که به دلایل سیاسی، مذهبی، اجتماعی و... این مجازات را در قوانین خود حفظ و به اجرا می‌گذارند. اما آنچه بر استحکام و بقای این مجازات در طول سالیان سال، با وجود مخالفت‌های بسیار افزوده است و پشتوانه محکم آن بوده، از سویی نتایج علمی و تجربی و از سویی دیگر، آموزه‌های مذهبی، به ویژه در کتب آسمانی تورات، و انجیل و قرآن بوده است. اخلاق مذهبی نیز با تأثیر از این آموزه‌ها عقوبت مرگ را برای برخی جرایم اخلاقی دانسته، بر آن تأکید دارد و پاسخ‌های قاطعی نیز در برابر مخالفان ارائه داده است.

فرضیات فرعی

- ۱- از آنجا که افساد فی الارض و محاربه، دو جرم جداگانه محسوب نمی‌شوند، مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان را نمی‌توان از تعزیرات شرعی شمرد.
- ۲- تبدیل به مجازات‌های حبس، عدم اقامت در یک محل معین یا اجبار به اقامت در یک محل معین و عدم اشتغال به برخی از مشاغل و ممنوعیت از آن‌ها برای مجازات‌هایی که اعدام برای آن‌ها پیش‌بینی شده می‌توان مجازات‌های مناسب برای جایگزین مجازات اعدام باشند.

۷-۱- اهداف تحقیق

هدف اصلی:

بررسی فقهی، حقوقی مجازات اعدام با تأکید بر جرائم مواد مخدر و روانگردان‌ها

اهداف فرعی:

- ۱- بررسی میزان بازدارندگی اعدام قاچاقچیان در توزیع مواد مخدر و روانگردان‌ها
- ۲- بررسی تغییر قوانین مربوط به اعدام قاچاقچیان مواد مخدر در کاهش آمار اعدام
- ۳- اطلاع‌رسانی از آسیب‌های ناشی از قاچاق و مصرف مواد مخدر و روانگردان‌ها

۸-۱- روش تحقیق

روش انجام این تحقیق توصیفی است. در جمع‌آوری مطالب تحقیق، علاوه بر استفاده از کتاب‌های معدودی که در این زمینه وجود داشت، از مقاله‌های مربوط به مجازات اعدام بهره گرفته شد. علاوه بر آن از سایت‌های اینترنتی و پایان‌نامه‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر در غنی‌تر شدن مطالب نهایت استفاده شده است.

۹-۱- اهداف کاربردی

- ۱- دانشجویان رشته حقوق جهت آگاهی و انجام تحقیق‌های علمی
- ۲- آگاهی و اطلاع‌رسانی مناسب به مردم و مجرمین مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها
- ۳- ارائه راهکارهایی در جهت کاهش مشکلات حقوقی
- ۲- ارائه راهکارهایی برای مسئولین قوه قضائیه

۱۰-۱- روش تجزیه و تحلیل

در این تحقیق شاخص‌های ارزیابی عوامل مرتبط با «بررسی فقهی، حقوقی مجازات اعدام با تأکید بر جرائم مواد مخدر و روانگردان‌ها» مورد تجزیه و تحلیل توصیفی قرار گرفته است. با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، به روز بودن آن و چالش‌های پیش رو نکات مبهم و چالش‌ها به‌طور دقیق توصیف و سپس هر یک از آن‌ها مورد تحلیل و بررسی موشکافانه قرار می‌گیرد به‌گونه‌ای که خواننده با مطالعه موضوع به تمام ابعاد آن واقف گردیده و با مطلب نامأنوسی روبرو نگردد.

۱۱-۱- ابزار گردآوری

روش تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی است که در ضمن توصیف مسائل مربوط به موضوع مورد تحلیل قرار می‌گیرد. روش اصلی اطلاعات کتب مقالات و سایت‌های اینترنتی می‌باشد با توجه به نو بودن موضوع اطلاعات کمی در این زمینه وجود داشته که برای تطبیق موضوع با مسائل حقوقی موجود اطلاع از دیدگاه فقهای عظام و حقوقدانان ضرورت یافت. بعد از جمع‌آوری اطلاعات و تنظیم از طریق فیش‌برداری و فرم‌های مربوطه، فیش‌ها با توجه به‌عنوان موضوع جزئی و فصل‌بندی تحقیق طبقه‌بندی شده و اطلاعات و مطالب در بخش‌های مختلف آورده خواهد شد و تجزیه و تحلیل به‌صورت توصیفی-تحلیلی انجام خواهد گرفت.

۱۲-۱- تعریف واژه‌ها، مفاهیم

اعدام از نظر لغوی و اصطلاحی:

اعدام، واژه‌ای عربی به معنای نابود کردن و از بین بردن (نیست گردانیدن) (ابو زهره، بی‌تا، در فرهنگ معین کشتن (فرهنگ فارسی معین). نیست گردانیدن، نایاب گردانیدن چیزی (اردبیلی، ۱۳۸۵)، سلب حیات شخص توسط دولت (اصغری، ۱۳۷۲). شایان ذکر است که اعدام در برخی جاها تحت عنوان قتل عمد از سوی دولت‌ها و یا سران و رهبران مذهبی و آیینی علیه شهروندان با عناوین گوناگون نام برده شده است (اصفهانی، ۲۰۰۵ م). در طول تاریخ همواره دولت‌ها و یا افراد و گروه‌های غالب و یا دارای قدرت، برای ترساندن مخالفین و یا افرادی که اعمالی خلاف قانون وقت را انجام داده‌اند از آن سود جسته‌اند. اعدام می‌تواند حکمی باشد که از سوی دستگاه قضایی کشورها صادر شده است (البوطی، ۱۳۸۴).

روان‌گردان‌ها

ماده مخدر یا روان‌گردان عبارت است از هر چیزی که در مقادیر اندک موجب تغییرات قابل توجه در جسم، فکر یا هردو می‌شود. ماده مخدر یا روان‌گردان از سد خونی - مغزی عبور می‌کند و باعث رخداد تغییراتی در خُلق، ادراک یا عملکرد مغزی می‌شود، درحالی‌که بسیاری از

داروها و مواد دیگر نمی‌توانند از این سد عبور کنند. طیف این مواد و داروها از برخی داروهای طبی و تجویزی تا الکل، محرک‌هایی همچون کوکائین، توهم‌زها، مواد استنشاقی، نیکوتین، اوپیوئیدها، فن سیکلیدین، مواد آرام‌بخش و خواب‌آور و ضد اضطراب را شامل می‌شود. (آذرینا، ۱۳۹۰)

مواد مخدر

هر چیزی به غیر از غذا که به‌منظور تغییر عملکرد بدن و روان استفاده شود ماده مخدر نام دارد.

در تعریفی دیگر به هر ماده‌ای که عملکرد طبیعی بدن را به لحاظ روانی، جسمانی و عاطفی تغییر دهد ماده مخدر می‌گویند. (فرها، ۱۳۸۹).

مواد مخدر صنعتی:

محرک‌ها: که موجب تحریک اعصاب می‌گردد و با اثر بر مرکز پاداش مغز اثرات لذت بخشی مانند سرخوشی، کاهش خستگی، احساس هوشیاری بیشتر، بالا بردن خلق را موجب می‌گردد. از این گروه رایج‌ترین مواد مورد مصرف در کشور عبارتند از: مت‌آمفتامین که با نام خیابانی اسپید، کریستال، آیس و بخصوص با نام شیشه.

توهم‌زها: که موجب ایجاد توهم در شخص می‌گردند و در سراسر تاریخ به‌عنوان قسمتی از مراسم مذهبی ادیان مختلف مصرف می‌شده و در حال حاضر نزدیک به ۱۰۰ نوع ماده توهم‌زا شناخته شده که مهم‌ترین آن‌ها اکستی و آل اس دی می‌باشد. (زکریایی، ۱۳۸۵)

جرم

«پدیده جرم مبتنی بر رفتاری است که از طرفی مخالف نظم اجتماعی است و از طرفی دیگر باید این رفتار در قانون جزا پیش‌بینی و مستوجب کیفر قانونی باشد بنابراین تا وقتی رفتار غیرعادی و زیان‌آور شخص به اجتماع با متون قانونی منطبق نباشد مرتکب قابل تعقیب نیست.» (گلدوزیان، ۱۳۸۴)

«جرم-درواقع -یک خطای عمومی است از آن جهت که عامه مردم به‌طور کلی از ارتکاب آن متأثر می‌شوند جامعه به‌وسیله جرم تهدید یا آزرده می‌گردد. برای مثال جرم تجاوز جنسی اثری بیش از ایراد ضرر به قربانی دارد با ارتکاب تجاوز جامعه مورد ته دید قرار گرفته و از امنیت آن کاسته می‌شود زیرا متجاوز ممکن است دوباره حمله کند بنابراین جامعه حاضر نیست که دریافت غرامت را به عهده قربانی واگذار نماید. (کلارکسون، ۱۳۷۱)

فصل دوم:

تحلیل و بررسی مواد مخدر و

روانگردان‌ها

۲-۱- طرح بحث

اعتیاد یک بیماری زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی است. عوامل متعددی در آسیب‌شناسی سوء‌مصرف و اعتیاد مؤثر است که در تعامل با یکدیگر منجر به شروع مصرف و سپس اعتیاد می‌شوند. اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی است که عوارض ناشی از آن تهدیدی جدی برای جامعه بشری محسوب شده و موجب رکود اجتماعی در زمینه‌های مختلف می‌گردد، همچنین ویرانگری‌های حاصل از آن زمینه‌ساز سقوط بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی شده و بدین ترتیب سلامت جامعه را به‌طور جدی به مخاطره می‌اندازد.

مبارزه و کنترل مواد مخدر و روانگردان فرآیند پیچیده‌ای دارد از این‌رو در گام نخست باید با ماهیت و تاریخچه این‌گونه مواد در جهت یافتن بهترین راه‌حل برای مبارزه با آن اقدام نمود. لذا در این فصل سعی شده به بررسی ماهیت، تاریخچه، اقسام و نیز اثرات مخرب مواد مخدر و روانگردان بر جسم و اجتماع پرداخته شود.

۲-۲- تعاریف

۲-۲-۱- تعریف مواد مخدر

مخدر در لغت به معنی ماده سست کننده و آنچه که اعصاب را سست و بی‌حس کند اطلاق می‌شود (عمید، ۱۳۶۵) و به‌طور خاص به ماده‌ای گفته می‌شود که موجب اختلال در حرکات ارادی و عدم تعادل رفتاری و تقویت جسمی در افراد می‌شود. تعریف دیگری که می‌توان از مواد مخدر ارائه نمود: ترکیباتی که کارکرد مغز را به‌صورت هیجان، افسردگی، رفتار نابهنجار و عصبانیت یا اختلال در قضاوت و شعور تغییر می‌دهد. (سازمان بهزیستی کشور، ص ۸) واژه مخدر در لغت اسم فاعل «خدر» از مصدر تخدیر می‌باشد که دارای معانی متعددی است و این معانی عبارتند از:

۱- سستی و خماری و گیجی که بر شرب خمر در ابتدای مصرف عارض می‌گردد.

۲- ضعف بینایی و سنگینی چشم به سبب خاشاک و امثال آن.

۳- شدت گرما در روز و وزیدن باد در آن و نبودن هیچ‌گونه نسیمی.

کلیه داروهایی که مصرف آن‌ها باعث عادت گردد از نظر فرهنگ عامه مخدر محسوب می‌شود، درحالی‌که بسیاری از آن‌ها نه‌تنها مخدر نیستند بلکه همان‌طور که اشاره شد باعث تغییرات دیگری در مصرف‌کنندگان می‌گردد که در بعضی موارد اثرات متضادی به ظهور می‌رسد. (شهیدی، ۱۳۷۵)

به‌عبارت‌دیگر هر نوع ماده اعتیادآوری که مصرف نابجا و سوء استعمال گردد و وابستگی جسمی یا روانی در فرد ایجاد نماید ماده مخدر تلقی می‌شود.

اداره کل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور، مادهٔ مخدر را این‌گونه تعریف کرده است:

هر ماده‌ای که استفاده مکرر آن اعتیادآور و مضر باشد و عدم استعمال به‌موقع آن موجب بروز آثار محرومیت (Syndrome) شود آن را مواد مخدر می‌گویند.

سازمان بهداشت جهانی (WHO)^۱ در سال ۱۹۸۲ پیشنهاد کرده است که «دارو یا مادهٔ مخدر در مفهوم کلی آن هر ماده‌ای ترکیبی از چند ماده شیمیایی است که از جمله موارد مورد نیاز بدن برای بقاء سالم آن به شمار نرفته و مصرف آن‌ها احتمال تغییری در کارکرد بیولوژیکی و حتی ساخت بیولوژیکی بدن را مطرح می‌سازد.» (سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۶۸)

۲-۲-۲- تعریف مواد روانگردان

مواد روانگردان فرآورده‌های دارویی، شیمیایی و صنعتی هستند که بر روی سیستم اعصاب مرکزی بدن تأثیر می‌گذارند. به‌عبارت‌دیگر داروهایی که بر رفتار، هشیاری و یا خلق‌وخو تأثیرگذارند روان‌گردان نامیده می‌شوند. (شعاع کاظمی، ۱۳۸۶)

بر مبنای کنوانسیون مواد مخدر و روانگردان، ۱۱۱ مادهٔ روانگردان تحت کنترل این کنوانسیون که در سال ۱۹۷۱ به تصویب رسیده قرار دارند و مواد توهم‌زا، محرک، بی‌حس‌کننده و مواد آرام‌بخش و خواب‌آور را نیز در برمی‌گیرد.

تعدادی از داروهای شیمیایی که در امر پزشکی کاربرد دارند و برای معالجه و درمان بیماری‌های مختلف جسمی و روانی به کار می‌روند با توجه به خصوصیات ترکیبی آن‌ها اعتیادآفرین نیز می‌باشند.

استفاده بدون مجوز پزشکی و بی‌رویه آن‌ها بعضاً همان آثار مواد مخدر را دارند و حتی بعضی هم خطرناک‌تر از مواد مخدر هستند و لذا استفاده از آن‌ها تحت یک نظام کنترل شده قرار گرفته و کنوانسیون‌های بین‌المللی با توصیه سازمان بهداشت جهانی به این امر توجه کافی مبذول داشته و مقرراتی در این زمینه وضع کرده‌اند. (ساک، ۱۳۸۶)

۲-۳- تاریخچه مواد مخدر

با بررسی آثار مکتوب و لوحه‌های گلی که از سومریان باقی‌مانده است چنین استنباط می‌شود که سومریان اولین کسانی بودند که تریاک را کشف کردند و علاوه بر اینکه از آن به‌عنوان یک داروی مسکن استفاده می‌کردند از آن به‌عنوان یک داروی شادی‌بخش نیز استفاده می‌کردند. علاوه بر سومر اقوام آشور، مصر، یونان و رم نیز تریاک را می‌شناختند و از آن استفاده می‌کردند. برخی مورخین معتقدند که برای اولین بار تریاک از هند به دربار خاقان چین فرستاده شده

^۱ World Health Organization

است. با توجه به مصرف بی‌رویه تریاک در قرون اخیر در چین به نظر می‌رسد که در چین کهن مصرف تریاک رواج داشته (ساک، پیشین) و چینی‌ها اولین مردمی بودند که با تریاک آشنایی داشتند.

در مصر باستان نیز خشخاش کشت می‌شد راجع به مصرف تریاک در کتاب سینوهه پزشک مخصوص فرعون که ۱۳۵۰ سال قبل از میلاد نوشته شده چنین آمده است که قرار بود دندان پادشاه بابل را بکشند. دیورابوریاش که پادشاه مصر بود سینوهه را احضار کرد و سینوهه قبل از کشیدن دندان وی قدری تریاک وارد رگ او کرد و اطباء دیگر که حضور داشتند از او پرسیدند که چه شد که پادشاه احساس درد شدید نکرد؟ سینوهه گفت: دارویی که من وارد رگ او کردم دارای خاصیت از بین بردن درد و یکی از داروهای درجه اول مصر است و این گیاه هرگونه درد را از بین می‌برد.

اطباء یونانی نیز ترکیباتی از تریاک را برای بیماری‌های مختلف جسمی و روانی تجویز می‌کردند. یونانی‌ها تریاک را اپیوم نامیده و اطباء بزرگی نظیر سقراط ترکیباتی از تریاک را برای بیماری‌های مختلف جسمی و روانی تجویز می‌کردند و سابقه استفاده از مواد مخدر در یونان بیشتر جنبه مصرف طبی داشته و اعتیاد ابعاد وسیعی نداشت.

در اروپا، مجارستان اولین کشور اروپای شرقی است که با خشخاش آشنا شد و گیاه‌شناسان این کشور هزار و دویست سال قبل از میلاد مسیح آن را می‌شناختند.

در شبه جزیره عربستان، پزشکان عرب بعد از گشوده شدن کشورهای مختلف به‌وسیله نیروهای مسلمان در سراسر دنیای آن زمان استفاده از تریاک را گسترش دادند.

با شروع انقلاب صنعتی و بسط تجارت و ارتباط و از همه مهم‌تر نیاز صنایع نو یا انقلاب صنعتی به سرمایه روند جدیدی در مسائل مختلف جهانی آغاز شد در این میان تریاک نیز نقش تازه‌ای پیدا کرد. این ماده در کنار سایر ترفندهای استعماری به‌عنوان وسیله‌ای برای جذب سرمایه‌های کشورهای جهان سوم و نابودی فرهنگ و اقتصاد ملی کشورها مورد مبادله کلان قرار گرفت.

سابقه دیرین استعمال مواد مخدر در ایران و بسیاری از کشورهای آسیایی به هزاران سال قبل می‌رسد. حشیش به صور گوناگون به‌طور استنشاقی یا خوراکی خالص و یا مخلوط با مواد دیگر مصرف می‌شده است. خوردن جوشانده گز خشخاش نیز به‌عنوان دارو تا سال‌های اخیر ادامه داشته است. گیاهانی که تریاک و حشیش از آن‌ها به دست می‌آیند از گیاهان بومی ایران بوده‌اند. به نظر می‌رسد اقوام ساکن فلات ایران با خواص روانگردان و دارویی این مواد آشنایی داشته‌اند. برای مثال طبق نوشته هرودت، سکاها که از اقوام آریایی بودند از نوعی حمام بخار بنگ (حشیش) به‌عنوان جزئی از مراسم عزاداری استفاده می‌کردند.

اکثر مؤلفین اشاعه تریاک به‌عنوان داروی مخدر در ایران را از زمان شکست ساسانیان به بعد می‌دانند، لکن حتی پس از ظهور اسلام و تا قرون بعد از آن هم ایرانیان دچار مشکلات ناشی از مصرف تریاک شدند. (شهیدی، پیشین)

قدیمی‌ترین اسنادی که به مسئله اعتیاد و مصرف تریاک اشاره دارد، نوشته‌های مورخینی است که از زمان غزنویان به بعد مسئله استفاده از تریاک را ثبت کردند. بعضی از نویسندگان استعمال تریاک را ره‌آورد لشگریان چنگیز مغول یا سوغات لشکرکشی نادرشاه به هندوستان یا انگلیس به دست زمامداران صفویه می‌دانند ولی به احتمال قریب به یقین اعتیاد از حدود هزار سال پیش به صورت محدود در ایران وجود داشته و دانشمندان و پزشکانی چون ابوبکر محمد زکریای رازی و ابن سینا از جمله اوّلین کسانی بوده‌اند که به خواص دارویی تریاک آشنا بوده‌اند در دوره صفویه تریاک‌خواری شیوع پیدا کرد تا حدّی که بعضی از پادشاهان این سلسله معتاد بودند.

با توجه به مطالبی که قبلاً ذکر شد نمی‌توان گفت مصرف مواد مخدر مثل تریاک و حشیش از این دوران شروع شده است ولی مدارکی در دست است که اشاعه اعتیاد در این دوره به خاطر امنیت و رفاهی که پیدا شده بود بیشتر از ادوار گذشته است. (سعیدپور، ۱۳۴۱)

تریاک خوردن در میان ایرانیان از آغاز دولت صفوی معمول شد. بسیاری از درباریان و سرداران سپاه به خوردن این مواد معتاد بودند. در زمان شاه‌طهماسب اوّل خوردن تریاک به قدری میان شاهزادگان و سران دولت رواج داشت که همیشه مقدار زیادی از آن در انبارهای شاهی موجود بود و در زمان شاه‌طهماسب دوّم اعتیاد چنان بالا گرفت که همیشه مقداری تریاک از خاک عثمانی وارد می‌گردید. (فلسفی، ۱۳۴۷)

در زمان سلطنت قاجاریه، کشیدن تریاک یکی از وسایل تجمل دربار بود و به دلیل گرانی قیمت و کمیاب بودن مورد استفاده طبقات ثروتمند و اشراف بود. ایادی انگلیس مردم را به کشیدن تریاک تشویق می‌کردند و سیاست سلطه‌گری انگلیسی که مبتنی بر معتاد نمودن اتباع کشورهای بی‌دفاع بود، تقلید کشورهای استعمارگر قرار گرفت و تعداد بی‌شماری از مردم کشورهای زیر سلطه آنان نیز به بلای خانمان‌سوز اعتیاد و خطر جدّی این بلای خانمان‌سوز مبتلا گردیدند.

۲-۴- تاریخچه مواد روان‌گردان

اکس‌تیزی روان‌گردانی نودساله می‌باشد که فرمول اصلی این دارو متیلن دی‌اکسی مت آمفتامین با علامت اختصاری MDMA می‌باشد که در سال ۱۹۱۴ توسط آلمانی‌ها به‌عنوان سرکوب‌کننده اشتیاق برای مصرف داروها تولید و در جلسات روانکاو و روان‌درمانی بیماران روانی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در دهه ۱۹۵۰ نظامیان آمریکا آن را به صورت دارویی مرکب مورد آزمایش قرار دادند و در دهه ۱۹۶۰ مصرف وسیع آن توسط انسان‌ها آغاز گردید و تا سال ۱۹۸۵ به دلیل توانایی MDMA در ایجاد روابط گرم و صمیمی پزشکان و متخصصان، آن را به‌عنوان درمان‌کننده بیماران روانی

مورد استفاده قرار می‌دادند. این دارو به‌طور معمول از طریق خوراکی به مقدار ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلی‌گرم مصرف و اثرات اولیه بین ۲۰ تا ۴۰ دقیقه پس از مصرف تجویز می‌شود و در ۲ تا ۴ ساعت پس از مصرف به مرحله اوج می‌رسد.

MDMA با تأثیر بر نرون‌های حاوی سروتونین و آکون‌ها باعث اختلال در حواس شده و آثاری چون تغییر در ادراک زمانی، تغییر در ادراک بینایی، تغییرات گفتاری، کاهش دفاعی بدن و ... را تا ۲ تا ۴ دقیقه پس از مصرف ایجاد می‌کند و در ادامه باعث کاهش خواب، کاهش توان و تمایل به انجام کارهای فکری و بدنی، خستگی و ... می‌شود.

توطئه‌گران غربی به سرکردگی آمریکا با حضور طالبان در افغانستان و ایجاد چهره‌ای ناخوشایند از اسلام در ادامه میزان تولید مواد مخدر در افغانستان را روزبه‌روز افزایش دادند تا اینکه این میزان در سال ۱۹۹۹ بالغ بر ۴۵۰۰ تن گردید. در سال ۲۰۰۰ نیز بر اساس نقشه از پیش طراحی شده تولید در افغانستان توسط طالبان ممنوع اعلام شد و تولید ۴۵۰۰ تنی سال قبل ناگهان به ۲۸۰ تن کاهش یافت. لذا از همان سال یعنی سال ۲۰۰۰ ورود و مصرف قرص‌های روانگردان اکس‌تیزی در کشور ایران رواج بیشتری یافت و این تولیدات دنیای غرب وارد کشور شد. نکته جالب اینکه در سال ۲۰۰۱ با توجه به اینکه بهره‌ای بنام طالبان دیگر خوشایند جامعه نبود و مأموریت آن‌هم به اتمام رسیده بود با اجرای نقشه ۱۱ سپتامبر این مهره جای خود را به نظامیان آمریکائی داد تا با حضور در افغانستان ضمن افزایش تولید مواد افیونی نظارتی مستقیم بر ورود قرص‌های روانگردان و مواد افیونی به کشور جمهوری اسلامی ایران بر عهده بگیرند.

اکس‌تیزی از سال ۲۰۰۱ بر اساس توطئه غربیان به سرکردگی آمریکا با تحولاتی که توسط گروه طالبان در منطقه علی‌الخصوص افغانستان ایجاد شد رواج یافت و در بین جامعه و مخصوصاً نسل جوان مصرف‌کنندگانی را جذب نمود.

متیلن دیوکسی مت‌آمفتامین MDMA که به‌عنوان اکس‌تیزی، آدام، XTC، E و X هم شناخته می‌شود، شبه‌آمفتامین مصنوعی است با خواص توهم‌زایی و تحریک‌کنندگی. این دارو که دارای خواص و اثرات مخرب کم‌نظیری است از تولید و مصرف آن در جولای ۱۹۸۵ غیرقانونی اعلام گردید ولی در سال‌های اخیر مصرف آن به‌طور روزافزون در سراسر جهان رواج یافته است و شاید بتوان گفت مهم‌ترین اثر مصرف ترکیبی آن با سایر داروها ایجاد احساسات عمقی و پایدار در دل‌بستگی و پیوستگی می‌باشد.

بر اساس آمار در جهان در فاصله سال‌های ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ مرگ ناشی از مصرف قرص‌های اکستازی حدود ۴۰۰ درصد افزایش یافته است. همچنین از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ بیمارستان‌های سراسر جهان با ۹۰ برابر افزایش شمار مسمومیت با قرص‌های اکستازی مواجه شده‌اند. (روزنامه همشهری، ۱۳۸۹)

در حال حاضر، این قرص‌ها در شکل‌های مختلف و با اسامی مختلف از جمله نام کمپانی‌های ماشین‌سازی، ادیان آسمانی و نهادهای گروه‌های موسیقی مختلف در داخل کشور توزیع می‌گردد و نوع جدید آن نیز در حال تولید و عرضه به بازار است که مصرف آن معادل خوردن چندین قرص خواب‌آور در یک لحظه است و فرد را گاهی تا مرز یک هفته نیز به خواب فرو می‌برد.

از انقباض رگ‌های ماهیچه، کاهش قدرت دفاعی بدن و کاهش بینایی چشم و حتی کوری گرفته تا مرگ، مسمومیت و اختلال حواس همگی از آثار سوءاستفاده از این قرص‌ها هستند. جالب اینکه در میان تمام تأثیرات این قرص‌ها بر سیستم‌های گوارشی یا دفاعی و گردش خون بدن، هیچ تأثیر مثبتی دیده نمی‌شود و جالب‌تر اینکه با وجود تمام این مشکلات که در درازمدت، فرد را دچار احساس پوچی و تباهی می‌کند و در اکثر موارد، باعث خودکشی یا خودسوزی نیز می‌شود. هنوز جوانانی هستند که به این تولید ضد فرهنگی و ضد انسانی نازیبست‌های آلمانی پاسخ مثبت می‌دهند و برای همیشه به تباهی خود منجر می‌شوند. گفته می‌شود تمایل فرد به شنیدن آهنگ‌های عجیب و با صداهای گوش‌خراش و انجام حرکت دایم سر و گردن به صورت سریع و تند، شاید از اثرات موضعی استفاده از قرص‌های روانگردان باشد.

اکستازی و مواد روانگردان تاریخچه‌ای به قدمت مواد مخدر در ایران ندارند و قابل تغییر و تنوع شکلی هستند به‌عنوان مثال اکستازی در عرض ۲ سال در ایران ۲۰۰ نوع بود الآن تبدیل به بیش از ۱۵۰۰ نوع شده است و تنوع شکلی پیدا کرده است. (آقایی، ۱۳۸۴)

۲-۵- اقسام مواد مخدر و روانگردان

بر اساس دیدگاه‌های مختلف، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی به عمل آمده است و هر کدام از جنبه خاص به این تقسیم‌بندی مبادرت نموده‌اند. مثلاً از دیدگاه قانونی و از حیث اشتراک در میزان مجازات، مواد افیونی و حشیش و مشابه آن را در یک گروه و سایر ادویه مخدره را در گروهی دیگر قرار داده‌اند. از دیدگاه پزشکی هم بر اساس اشتراک در نوع و اثر این مواد قائل به تقسیماتی شده‌اند از جمله مواد مسکن، خواب‌آورها، آرام‌بخش‌ها، مواد محرک و مواد دلیریوم‌زا.^۱

^۱ - حالت هیجانی، هزیان، از خود به خودی را گویند.

۲-۵-۱- اقسام مواد مخدر

۲-۵-۱-۱- تریاک

این ماده مخدر که از قدیم‌الایام در بین سایر مواد مخدر معروفیت بیشتری دارد، از شیر خشک شده تخمدان نارس گیاه کوکنار (خشخاش) به دست می‌آید. تریاک ابتدا خمیری شکل بوده ولی بعد در اثر مجاورت هوا سخت می‌گردد و رنگ آن حالت خمیری قهوه‌ای تیره است ولی پس از خشک شدن رنگ آن بازتر می‌شود. تریاک بوی مخصوصی داشته و مزه آن بسیار تلخ است. (هاری لودرمن و جان ادگانل، ۱۳۷۱)

کشیدن تریاک در کشورهای مختلف شرق به طرق مختلف انجام می‌گیرد ولی عموماً اساس آن‌ها یکی است. به این ترتیب که حبه‌های کوچک تریاک را با سوزن یا وسیله دیگری در برابر آتش قرار می‌دهند که بسوزد و دود آن را از سوراخی که در پیپ‌های مختلف‌الشکل تعبیه می‌گردد با دهان فرو می‌کشند. ماده فعال تریاک سولفات مرفین است. در بین معتادان حرفه‌ای خوردن تریاک به صورت ترکیب با چای و قهوه و حبه‌های ریز یا تزریق زیرجلدی مشاهده می‌شود و ماده‌ای که از سوزاندن تریاک به هر نحوی به دست آید، با هر درجه مرفین که باشد سوخته تریاک گویند.

۲-۵-۱-۲- مرفین

مرفین از تریاک استخراج می‌شود و یا مستقیماً از ساقه خشخاش به دست می‌آید و به صورت پودری کریستالی به رنگ قهوه‌ای روشن و یا سفید می‌باشد و ذرات آن در زیر ذره‌بین شبیه کریستال‌های سوزنی است. مرفین آلکالوئیدی از تریاک بوده و معمولاً به صورت سولفات مرفین مصرف می‌شود. ز هر ۱۰ کیلوگرم تریاک حدود یک کیلو مرفین تهیه می‌گردد. عنصر اصلی تریاک که خاصیت تدخیری به آن می‌دهد در واقع همین مرفین است که در لابراتوارهای مجهز به طرق شیمیایی به دست می‌آید. (هوشمند ویژه، ۱۳۷۰)

مرفین عموماً به صورت تزریق زیرجلدی استعمال می‌شود. مصرف عمده مرفین در کشورهای اروپایی و عمدتاً برای تهیه هروئین از آن می‌باشد. از نظر دارویی، ضد درد بوده و با اثرات رخوت‌زایی که بر روی مغز دارد، باعث کنترل دردهای شدید می‌شود و به همین خاطر مصرف مجاز آن فقط در بیمارستان‌ها می‌باشد.

۲-۵-۱-۳- هروئین

هروئین از کلمه هیروس یا هیرو به معنی مرد قهرمان گرفته شده است. هروئین یکی از ترکیبات مرفین می‌باشد که با عمل استیلاسیون به دست می‌آید. این ماده به رنگ سفید مایل به کرم دارای طعمی تلخ و بی‌بو است که پس از مدتی نگهداری بوی ترشی و سرکه می‌دهد. هروئین، قوی‌ترین و مخرب‌ترین ماده مخدر دنیا به شمار می‌آید که در سال ۱۸۷۴ توسط یک

دانشمند انگلیسی ساخته شد. هروئین از طریق کشیدن از راه مجاری تنفسی، تزریق داخل رگ‌ها و تزریق زیرجلدی استعمال می‌شود. مصرف هروئین از طریق مجاری تنفسی با زورق به این صورت است که لبه زورق سیگار یا هر نوع زورق دیگر را به طرفی که از جنس کاغذ است تا می‌کنند و با آن یک لوله می‌سازند، سپس هروئین را که معمولاً حدود ۵ سانتی‌متر است روی سطح زورق دیگری می‌ریزند و یک تکه مقوای بریده و نازک را به صورت چوب کبریت درآورده پس از آتش زدن روی زورق گرفته سپس دود حاصله را از دهان استنشاق می‌کنند. در استعمال تزریقی، ابتدا معتادان از رگ‌هایی که جلوی ساعد دست‌ها نمایان است استفاده کرده، پس از آنکه مدت طولانی از تزریق نقاط مختلف دست‌ها گذشت و دیگر این نقاط جوابگو نبود نوبت به پشت دست، ساق پا، گردن و در نهایت بیضه‌ها می‌رسد. (ترجمان، ۱۳۷۷)

۲-۵-۱-۴- متادون

یک ماده مخدر مصنوعی است که در جنگ جهانی دوم به علت کمبود مرفین برای تسکین مجروحین به وسیله آلمانی‌ها ساخته شد. در حقیقت متادون یک داروی برطرف‌کننده درد است که برای تسکین سرفه هم از آن استفاده می‌کنند. گرچه متادون خود یک ماده اعتیاد آورنده قوی است ولی به‌عنوان یک داروی پزشکی برای ترک و معالجه معتادان به تریاک، هروئین و مرفین از آن استفاده می‌کنند. اثرات دارویی آن تا حدی شبیه به مرفین است، با این تفاوت که پس از مصرف، مدت بیشتری طول می‌کشد تا اثرات آن ظاهر شود و به مدت طولانی‌تر در بدن باقی می‌ماند. (ترجمان، ۱۳۷۷)

۲-۵-۱-۵- کوکائین

یکی از مواد مخدر توان‌افزای طبیعی می‌باشد که از برگ کوکا تهیه می‌شود. کشورهای بولیوی، کلمبیا و پرو بزرگ‌ترین محل رشد و نمو کوکا به شمار می‌روند. نخستین بار بومیان کشور پرو از برگ این درخت برای تسکین درد و رفع خستگی استفاده نمودند. کوکائین ماده مؤثر رگ‌برگ‌های این گیاه است که به اری‌تاکسیلین شهرت دارد. رنگ آن سفید شفاف و همانند کریستال ریز می‌باشد و با مختصر تکانی بلورهای ریزان بر روی هم می‌غلطند. این ماده یک ضد درد موضعی بسیار قوی است. از پوست و مخاط بینی هم جذب می‌شود. گرد کوکائین از راه بینی استنشاق و یا در رگ تزریق می‌شود که خاصیت آن، ایجاد نیرو و هیجان می‌باشد و استعمال زیاد آن موجب جنون، افزایش فشارخون و ضربان قلب، درجه حرارت بدن، کم‌اشتهایی و سنگ‌کوب می‌شود. (ترجمان، ۱۳۷۷)

۲-۵-۱-۶- حشیش

ماده‌ای به رنگ سبز تیره و گاهی قهوه‌ای مایل به سبز شبیه حنا که از گل، برگ و ساقه گیاه شاهدانه مؤنث و از ترشحات چسبنده آن‌ها به صورت صمغ به دست می‌آید. حشیش حاوی ماده‌های شیمیایی بنام T.H.C (تترا هیدروکانابینول) است که ماده مؤثر آن به شمار می‌رود. حشیش در طبقه‌بندی مواد مخدر، جزء مواد توهم‌زای طبیعی می‌باشد. آثار مصرف حشیش تغییر در درک رنگ و صدا، افزایش اشتها، کاذب، تند شدن ضربان قلب، قرمزی چشم، اختلال حافظه، گیجی، به هم خوردگی تعادل حرکتی، علائم روانی شدید می‌باشد. (ترجمان، ۱۳۷۷)

۲-۵-۱-۷- ماری‌جوآنا

در آمریکا برگ‌ها و گل‌های شاهدانه آمریکایی را خشک می‌کنند و از آن توتون سبزرنگی به دست می‌آورند که همان ماری‌جوآناست. چون این توتون خیلی زبر است برای پیچیدن آن از چندین دور کاغذهای سفید یا قهوه‌ای‌رنگ استفاده می‌کنند و آن را ریفر می‌نامند. مشتقات آن را به صورت دسته‌جمعی در محل‌هایی بنام تیهاد تدخین می‌کنند. این سیگار به‌کندی می‌سوزد و خیلی زود خاموش می‌گردد، به همین دلیل معتادان با پک‌های سریع و دسته‌جمعی مانع خاموش شدن آن می‌شوند و برای اینکه از این سیگار استفاده کامل بشود در اماکن سربسته استعمال می‌گردد. (ترجمان، ۱۳۷۷)

در آخر این مبحث جا دارد از ماده مخدر جدید دیگری به نام برنز و نخ که در چند سال اخیر وارد بازار شده و بنا به گفته کارشناسان هنوز اطلاعات دقیقی از ترکیبات شیمیایی این مواد در دست نیست توضیحاتی بیان نمایم.

۲-۵-۱-۸- نخ

این ماده را گروهی جزء دسته مواد مخدر و گروهی دیگر آن را جزء مواد محرک و روان‌گردان می‌دانند. این ماده حدود ۳ سال قبل وارد کشور شد، هدف از ساخت این مواد به نظر می‌آید این بوده که مشکل چند موادی بودن معتادان را حل کنند زیرا که هم تأثیر مخدرات (گروه مرفین) را داراست و هم تأثیرات مواد روان‌گردان را به دنبال دارد اما هنوز بعد از این مدت نتوانسته است با وجود مصرف‌کنندگان بی‌شماری که در کشور هست جایی برای خود در بین قاچاقچیان و مصرف‌کنندگان پیدا کند. این ماده به صورت نخ شمع در اندازه‌های ۱۰ سانتی‌متری می‌باشد و بالاترین قیمت را در بین دیگر مواد مخدر به خود اختصاص داده است و شاید مهم‌ترین دلیل کمبود آن در بین مصرف‌کنندگان و بی‌تفاوتی آن‌ها به این ماده همین قیمت بالای این ماده است. طریقه مصرف آن به این صورت است که یک سر این نخ را با شعله بسیار کم روشن کرده و پس از سوختن مقداری از آن شعله را خاموش کرده و دود حاصل از

آن را به صورت مشامی به داخل بینی می‌کشند که سریع‌ترین تأثیر را بر روی فرد بین موادهای دیگر می‌گذارد و در مدت‌زمان کم اگر فرد مصرف این مواد را ادامه دهد جسم او کاملاً نحیف شده و دستگاه عصبی بدن را تا ۵۰٪ مختل می‌کند. اعتیاد به این ماده هیچ راه درمانی برای سالم شدن دوباره بدن و روح و روان ندارد. فرد معتاد یا باید همچنان به مصرف خود ادامه دهد تا بمیرد یا قطع مصرف کند و مثل یک شخصی که دچار قطع نخاع شده به زندگی ادامه دهد. طریقه دیگر مصرف نخ، پیچاندن آن به دور سیگار است که پس از روشن کردن سیگار شروع به کشیدن می‌کنند و شیوه استعمال مادهٔ مخدر برنز روی یخ تبخیر و پس از آن استنشاق می‌شود و نخ نیز با خراش روی پوست جذب بدن افراد می‌باشد.^۱ (سایت Isfahhan Majid، مادهٔ مخدر جدید برنز و نخ)

۲-۵-۲- اقسام مواد روانگردان

الف) اپیوئیدها و ضد اضطراب‌ها.

ب) محرک‌ها و توهم‌زا:

۱- محرک‌ها

۲- توهم‌زا

ج) حلال‌های ارگانیک.

۲-۵-۲-۱- اپیوئیدها و ضد اضطراب‌ها

۱- اپیوئیدها:

این دسته از داروها، آنالژژیک‌های صناعی نظیر پیتیرین و متادون می‌باشد. علاوه بر اثر تمایلی (جاذب) سرخوشی‌آور، این داروها باعث بی‌بوست، کاهش اشتها و کاهش میل جنسی می‌شود. حتی این دارو از طریق وریدی مصرف می‌شود و به سرعت وابستگی ایجاد می‌کند. وقتی این دارو متوقف می‌شود از تحمل کاسته می‌شود، به طوری که یک دوز مصرفی بعد از یک دوره پرهیز نسبت به زمانی که قبل از این دوره خواهد داشت، تأثیر بیشتری دارد.

۲- ضد اضطراب‌ها:

رایج‌ترین داروهای نسخه شده روان‌گردان ضد اضطراب‌ها هستند. این داروها از راه دهان مصرف می‌شوند. بسیاری از بیماران میان‌سال به خاطر بی‌خوابی و اضطراب شروع به مصرف بنزودیازپین کرده، وابستگی پیدا می‌کنند و آنگاه برای به دست آوردن آن به پزشکان مختلف مراجعه می‌کنند. بنزودیازپین‌ها امروزه به دو دلیل جایگزین باریتورات‌ها شده‌اند:

۱- بنزودیازپین‌ها شاخص درمانی بسیار بزرگتری دارند.

^۱ - سایت Isfahhan Majid، مادهٔ مخدر جدید برنز و نخ.

۲- باربیتورات‌ها سریعاً به پیدایش آنزیم‌های میکروفرمی کبدی^۱ منتهی می‌شوند و تحمل فیزیولوژیک به وجود می‌آورند، درحالی‌که بنزودیازپین چندان خاصیتی ندارد. (گودرزی، ۱۳۷۲)

انواع داروهای ضد اضطراب عبارتند از:

- ۱- باربیتورات‌ها: کلوباربیتال، پنتوباربیتال و داروهای دیگر.
 - ۲- بنزودیازپین‌ها: دیازپام، کلردیازپوکساید، فلورازپام، اگزازپام و ...
 - ۳- سایر داروها: میروپامات، متاکوالون، گلوته، تیما، کلرال هیدراته.
- ۱- **باربیتورات‌ها:** از طریق خوراکی و وریدی مصرف می‌شوند. برخی از افراد مسن‌تر به باربیتورات‌های تجویز شده وابسته می‌شوند که در داخل از چندین سال قبل به‌عنوان خواب‌آور و برای آن‌ها تجویز شده است. افراد وابسته قشر جوان هستند که کپسول‌ها را حل کرده و از طریق ورید به داخل بدن تزریق می‌نمایند و مصرف‌کنندگان داخل وریدی جوان اغلب دچار سوءتغذیه می‌باشند.
- ۲- **بنزودیازپین‌ها:** بنزودیازپین‌ها باعث نشانه‌های مسمومیت مشابه با باربیتورات‌ها می‌شوند. هنگامی‌که این داروها برای مدت طولانی مصرف شوند وابستگی ایجاد می‌کنند لیکن به‌طور گسترده ۶-۸ هفته به‌عنوان حدی که بدون خطر وابستگی است، پذیرفته می‌شود.
- سندرم محرومیت بنزودیازپین‌ها مشخص می‌شود با:
- تحریک‌پذیری، اضطراب، خواب‌مغشوش و آشفته، تهوع، افزایش حساسیت، لرزش، سردرد، درد عضلاتی و ...

۲-۵-۲-۲- محرک‌ها و توهم‌زا

۱- محرک‌ها:

داروهای مذکور سبب بی‌خوابی شده و حالت هیجان در مصرف‌کننده ایجاد می‌نمایند که معروف‌ترین آن‌ها «آمفتامین^۲» است.

آمفتامین تا سال ۱۹۳۰ برای درمان افسردگی، تحریک سیستم عصبی ساخته شده، بعدها جزو داروهای روان‌گردان اعلام گشت.

از انواع گوناگون آمفتامین، سپید (سرعت)، آیس^۳، متکالینون^۴، فنیتلن^۵، پمولین^۶ می‌باشد.

^۱ - حالتی که کبد دچار اختلال می‌شود و سم در بدن بیمار افزایش می‌یابد.

^۲ - Amphetamine.

^۳ - Ice.

^۴ - Methcalinon.

^۵ - Phenlikin.

^۶ - Phemolin.

۱-۱) انواع داروهای محرک‌زا:

۱- آمفتامین ۲- دکتروامفتامین ۳- متامفتامین ۴- فن متوازین ۵- کوکائین ۶- اکستازی
لازم به ذکر می‌باشد چند نوع ماده محرک جدید به‌تازگی وارد کشور شده که به‌اختصار به
توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

• گرد فرشته یا **Angel**:

این ماده روانگردان محرک بسیار قوی حدود ۳ یا ۴ سال قبل وارد کشور شد که در مدت کوتاه
فجایع وحشتناکی را به دنبال داشت. این ماده روانگردان قوی را که مصرف آن در بین
دانشجویان آمریکا مرسوم بود و به قول خودشان به آن‌ها توانایی پرواز و رفتن به آینده را می‌داد
که بتوانند آینده تحصیلی خود و نحوه امتحانات خود را کشف کرده تا بتوانند با بهترین رتبه
مدرک تحصیلی خود را اخذ کنند، اما چیزی که عاید بیشتر این مصرف‌کنندگان تیره‌بخت شده
بود بدنی خرد شده و توهمات طولانی مدت بود.

در این بین سوداگران مرگ طبق معمول آرام ننشسته و بهترین راه درآمد حاصل از آن را
مردمان ساده کشورهای جهان سومی دانستند. در کشور ما بین دانشجویان و گروهی از جوانانی
که آرزوهای غیرممکن در سر داشتند استقبال شدیدی از این ماده شد که متأسفانه به مرگ
بیشتر آن‌ها در اولین یا دومین مصرف انجامید. این گرد را هم می‌شود به‌صورت مشامی مصرف
کرد و هم می‌توان آن را در شراب حل کرد و خورد که فرد پس از مصرف در عالم خیال به
بلندی‌ها می‌رفت و احساس می‌کرد مانند فرشته‌ها بال درآورده و ناگهان به پرواز درمی‌آید که
خودتان حتماً می‌توانید حدس بزنید چه اتفاقی برای آن فرد بخت‌برگشته خواهد افتاد. این ماده
به‌سرعت بازار مصرف و خرید و فروش خود را از دست داد.

• تسبیح:

امروزه ماده جدید روانگردان دیگری بنام تسبیح وارد ایران شده است. این ماده جدید همان
آمفتامین است که پایه اولیه برای ساخت شیشه محسوب می‌گردد. این ماده مخلوطی از
آمفتامین با شیشه و چند اسید خطرناک دیگر است که به‌صورت تسبیح درآمدی است و شیوه
استعمال آن به‌صورت تدخینی و دهانی می‌باشد و عوارض آن مانند سکتة مغزی، کاهش شدید
نور چشم و از بین رفتن حس چشایی می‌باشد.^۱

• شیشه:

در بین مواد روانگردان، شیشه بسیار پرمصرف است که به اسم‌های آیس، کریستال هم می‌باشد.
این ماده در برخی حالات به شکل خرده‌شیشه و یا تکه‌های یخی می‌باشد. مهم‌ترین ترکیب این
ماده روانگردان آمفتامین است که در زمان جنگ جهانی دوم به‌عنوان یک داروی مؤثر در رفع
افسردگی سربازانی که مشغول جنگ بودند و فرصت استراحت نداشتند برای بالا بردن سطح

^۱ - www.kavosh.com.mavadravangardantavahomza

انرژی از این ماده استفاده می‌کرده‌اند. شیشه به‌صورت تدخینی یا کشیدنی استعمال می‌شود که برای استفاده آن از پایپ شیشه‌ای استفاده می‌شود.

معمولاً کسانی که شیشه استفاده می‌کنند تا ۷۲ ساعت نمی‌خوابند و رفتارهای بی‌پروا از حالت نئشگی ماده محسوب می‌شود و سپس با از بین رفتن اثر این ماده در بدن شخص مصرف‌کننده طوری احساس کوفتگی می‌کند که ممکن است تا ۴۸ ساعت یا دو شبانه‌روز به‌صورت پیوسته خواب باشد و پس از بیداری سردردهای شدید، بی‌قراری، لرزش و حرکات غیرارادی در او به وجود آید. شیشه بعد از ۶ ماه اختلال شدید در عملکرد دریچه پروستات و دفع ادرار و اسپرم، باعث آسیب‌های شدید کبدی و جوش‌های صورت و ایجاد عفونت در دستگاه گوارش (مخصوصاً روده‌ها)، کوچک شدن بیضه‌ها در مردها و تضعیف قوای جنسی می‌گردد.

• قرص یزو:

این قرص محرکی بسیار قوی است و می‌توان آن را جدیدترین محرک تولید شده در جهان دانست. این قرص تولید داروسازان کشور تایلند است. قرصی است بیضی‌شکل و تقریباً سبزرنگ که تأثیر و نئشگی آن دقیقاً مثل شیشه است، این قاچاقچیان پس از استقبال شدیدی که مصرف‌کنندگان مواد آمفتامینی و متامفتامینی از شیشه کردند حالا قرصی را تولید کرده‌اند که همان تأثیر شیشه را داراست و از سال ۲۰۰۹ میلادی در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گرفته است با این تفاوت که هنوز به کشورهای دیگر قاچاق نمی‌شود و فقط در مجالس شبانه‌ای که در خیابان‌ها وجود دارند فروخته می‌شود آن‌هم نه به‌صورت قرص کامل بلکه به‌صورت یک دود فروخته می‌شود و کسانی که به این کشور مسافرت می‌کنند و البته تعدادشان هم کم نیست از این قرص استقبال شدیدی می‌کنند که بالاترین و مهم‌ترین دلیل تأثیر آن میل شدید جنسی در بین آقایان و خانم‌ها می‌باشد.

این قرص را همانند هروئین بر روی فویل یا ورق آلومینیوم انداخته و حرارت بسیار کمی به زیر آن می‌دهند و دود حاصل از آب شدن این قرص را مانند تریاک می‌کشند. پس از مصرف دوباره می‌توان این قرص تکه تکه شده را که سریعاً خشک می‌شود به‌راحتی از روی فویل برداشت و درجایی دیگر گذاشت تا دوباره شخص بتواند آن را راحت مصرف کند.

۲- توهم‌زا:

توهم یک تجربه درک در غیاب تحریک خارجی ارگان حسی است. به‌عنوان مثال شنیدن یک‌صدا در زمانی که کسی در حال صحبت کردن در فاصله قابل شنیدن نیست. توهم دو خصیصه عمده دارد:

۱- به‌صورت یک درک واقعی تجربه می‌شود و به‌عنوان یک تصور نیست.

۲- به نظر می‌رسد از دنیای خارج می‌آید. در بعضی از حالات پزشکی مانند هیپوگلیسمی^۱.

^۱ - Hypoglycemia (کمبود قند خون).

دلیریوم ترمنس^۱ تهدیدکننده و تیروتوکسیکوز^۲ توهم ایجاد می‌شود و دانه‌های نیلوفر پیچ، جوز هندی از جمله مواد گیاهی توهم‌زای جدیدی است که آزمایش و تحقیق درباره آن‌ها اخیراً آغاز گردیده است.

دیگر داروهای توهم‌زا عبارتند از:

۱- لیزرژیک اسید دی اتیل آمید (LSD)

۲- دی متوکسی میل آمفتامین (STP-DOM)

۳- تری متوکسی آمفتامین (IMA)

۴- دی متیل تریپتامین (DMI)

۵- سیلوسبین

۶- مسکالین

۷- متیل دی اکسی متامفتامین

۸- فن سیکلیوسین

۲-۵-۳- حلال‌های ارگانیک

انواع زیادی از چسب‌ها، حلال‌ها، پاک‌کننده‌های فرار بوده و می‌توانند به خاطر آثار روانگردان استنشاق شوند. این مواد مشتمل بر، کروزن، چسب پلاستیک و لاستیک، تینر رنگ می‌باشد. ماده مربوطه از ظرف بعضاً بسته‌ای است که می‌تواند عمل غلیظ سازی را انجام دهد یا از یک پارچه آغشته یا پاکت پلاستیکی استنشاق می‌شود. علائم مسمومیت با حلال: اختلال جهت‌یابی، عدم هماهنگی راه رفتن، تهوع، استفراغ و اغما.

۲-۶- تأثیرات مواد مخدر و روانگردان

۲-۶-۱- تأثیرات مواد مخدر و روانگردان بر جسم و روان انسان

تأثیراتی که مواد روانگردان و مواد مخدر در بدن دارند با تأثیراتی که در روان می‌گذارند، متفاوت است. (دانش، ۱۳۷۹)

تفاوت تأثیرات از لحاظ جسمی عبارت است از:

۱- مواد روانگردان باعث تخریب سلول‌های عصبی مغز می‌شوند.

۲- مواد روانگردان و محرک‌ها باعث افزایش سرعت ضربان قلب و فشارخون می‌شوند.

۳- مواد روانگردان باعث سفتی عضلات، قفل شدن آروراه‌ها و رفتارهای تهاجمی می‌شوند.

^۱ - این بیماری معمولاً پس از ترک الکل بلافاصله ایجاد می‌شود و از علائم آن می‌توان بی‌قراری شدید، تحریک‌پذیری، عصبانیت و پرخاشگری اشاره کرد.

^۲ - وقتی غده تیروئید در بدن پرکار شود، علائمی چون تپش قلب، بالا رفتن حرارت بدن، بی‌قراری، اضطراب و افزایش فشارخون را به دنبال دارد؛ به این بیماری تیروتوکسیکوز می‌گویند.

- ۴- مواد مخدر باعث اختلال در دستگاه گردش خون و دستگاه گوارش می‌شوند.
۵- مواد مخدر برعکس روانگردان‌ها باعث کندی سرعت قلب و فشارخون می‌شوند.

تفاوت تأثیرات در روان انسان:

- ۱- مواد روانگردان حاوی مسکالین که نوعی آلکالوئید سمی است می‌باشد که سبب ایجاد وهم و خیال شدید است.
۲- برای ترک مواد روانگردان و محرک‌ها زمان خیلی طولانی نیاز است.
۳- شخص مصرف‌کننده مخدر به لحاظ روحی روانی و زندگی اجتماعی کمتر دچار مشکل می‌شود تا مصرف‌کننده روانگردان.
۴- ترک مواد مخدر تا ۹۰ درصد جسمی بوده و حالات روانی شدیدی را به دنبال خود ندارد.
راجع به آثار و خطرات مصرف مواد مخدر لازم به توضیح است که مواد مخدر به چهار گروه تقسیم می‌شود:

(۱) Depressant

مواد مخدری که واکنش‌های مغز را آهسته می‌کنند.
اثرات: کم شدن سرعت تنفس و ضربان قلب، کم شدن فشارخون، خواب‌آور (هروئین، تریاک، مرفین)

الف) هروئین:

از خشخاش به دست می‌آید و شکل تغییریافته مرفین است. از جمله خطرات این ماده مخدر این است که بسیار اعتیادآور بوده و به سهولت در چربی حل می‌شود. مغز انسان نیز مقدار زیادی چربی دارد بنابراین در مقایسه با مرفین و مشتقات آن، هروئین پس از مصرف در زمان کوتاه‌تری روی مغز اثر می‌کند. کدئین نیز که از مشتقات تریاک است به‌آسانی در سیستم گوارش جذب شده و استعمال بیش‌ازحد آن، تنفس را متوقف کرده و سبب مرگ می‌شود و چون با موادی همچون گچ ترکیب می‌شود استعمال تزریقی آن سبب خارش و حساسیت در بدن می‌شود. صدمه به قلب و عروق خونی، عفونت، سوءتغذیه و آسیب به کبد و کلیه از دیگر عوارض آن است.

ب) تریاک:

با مصرف تریاک ابتدا نوعی خوشحالی زودگذر به شخص دست می‌دهد. پس‌از آن مرحله منفی آغاز می‌شود که فرد را به مصرف مجدد تریاک وامی‌دارد، حرکات ارادی معتاد پس از مرحله اول کند می‌شود و شخص نسبت به امور بی‌تفاوت می‌شود.

تریاک سبب مسمومیت حاد و مزمن می‌شود. در مسمومیت حاد که خیلی سریع بروز می‌کند بیمار دچار سردرد، سرگیجه، سنگینی سر می‌شود و سپس احساس تشنگی شدید می‌کند. آنگاه بیمار به خواب عمیق فرو رفته و به‌طرف مرگ سیر می‌کند. مردمک چشم تنگ می‌شود و دیگر به تحریک نور پاسخ نمی‌دهد.

تنفس نیز خیلی آهسته می‌شود و از ۴ تا ۵ بار تنفس در دقیقه تجاوز نمی‌کند. مرگ ممکن است در طی چند دقیقه تا چند ساعت در اثر اغما و وقفه تنفس پیش آید، گاهی نیز مسموم با یک بهبودی زودگذر، چند روز زنده مانده و سرانجام جان می‌سپارد. مسمومیت و مرگ با تریاک، فراوان مشاهده می‌شود.

۲) Stimulant

مواد مخدری است که به سیستم عصبی بدن سرعت می‌بخشد و از اثرات آن بیش‌تر شدن سرعت تنفس و ضربان قلب، بیش‌تر شدن فشارخون و بی‌خوابی می‌باشد. کوکائین: استنشاق آن از راه بینی سبب آسیب بر پرده میانی بینی می‌شود و در آن ایجاد حفره می‌کند و آن قدر خطرناک است که با اولین مصرف می‌تواند سبب سکته قلبی شود. مشکلات تنفسی، آسیب به ریه، تشنج و مرگ ناگهانی از عوارض دیگر آن است. در درازمدت پارانوئید، توهم، خشونت و کاهش وزن می‌شود و به مغز و قلب نیز آسیب جدی می‌رساند.

۳) Hallucinogen

مواد مخدری است که باعث حالت‌هایی مثل هذیان می‌شود. اثرات: از دست دادن حافظه، لرزش، استفراغ، تغییر خلق و خوی رفتاری.

۴) Inhalant

مواد مخدری که از طریق استنشاق استفاده می‌شود. اثرات: آهسته شدن فرآیند مغز، بیشتر شدن ضربان قلب و سردرد. راجع به آثار و خطرات مصرف برخی از مواد روانگردان به تفکیک ذیلاً توضیح خواهیم داد:
الف) اکستازی (Ecstasy):

خطرات: افزایش شدید گرمای بدن که بسیار خطرناک است، فرد برای رفع تشنگی ممکن است آب فراوان بنوشد که این خود سبب رقیق شدن بیش‌ازحد خون و از میان رفتن تعادل سدیم خون شده و سبب تورم اعضاء بدن همچون مغز و در نهایت مرگ فرد می‌شود. آسیب به کبد، کلیه، مغز، توهم‌گویی، استفراغ و تشنج از دیگر عوارض آن محسوب می‌شوند.

ب) کتامین (Ketamin):

خطرات: در کوتاه‌مدت سبب مشکلات بینایی، عدم تعادل و هماهنگی، توهمات وحشتناک و در درازمدت سبب احساس گم‌گشتگی و جدایی از واقعیت می‌گردد.

ج) متادون (Methadone):

خطرات: سبب کما و مرگ می‌گردد.

چ) آمفتامین (Amphetamines):

خطرات: در کوتاه‌مدت سبب احساس اضطراب، افسردگی و خستگی می‌شود. همچنین موجب افزایش ضربان قلب و تنفس، اختلال در دید، خشکی دهان، سرگیجه و خشونت، مرگ ناگهانی

و سکتة قلبی شده و در درازمدت سبب توهم، وحشت‌زدگی، کاهش وزن، آسیب به مغز و حافظه، تشنج و مرگ می‌شود.

(د) قارچ‌ها (Magic Mushrooms):

خطرات: درد شکم، اسهال، تهوع و مرگ در پی مصرف قارچ‌های سمی.

(ه) جی اچ بی (GHB):

خطرات: تهوع، خواب‌آلودگی، احساس گم‌گشتگی، تشنج و مشکلات تنفسی.

(و) حلال‌ها (Inhalants):

خطرات: در کوتاه‌مدت سبب تهوع، سرفه شدید، خفگی و در درازمدت سبب سردرد، خونریزی بینی، کاهش حس بویایی، کاهش اکسیژن و آسیب به مغز، آسیب به کلیه‌ها، کبد و سیستم عصبی و شش‌ها می‌شود.

(ز) استروئیدها (Steroids):

خطرات: افزایش فشارخون، کلسترول بالا، بیماری کلیه و کبد، صدمه به قلب، دیابت، یرقان، افسردگی، رفتارهای خشونت‌آمیز.

(ح) سرکوب‌گرها و مسکن‌ها (Depressant = Tranquilizers):

خطرات: اعتیادآور، کاهش انرژی، کاهش حافظه، افسردگی، بی‌خوابی.

(ط) پی سی پی (PCP):

خطرات: عدم تمرکز، اضطراب، افسردگی.

(ی) اکسی‌کنتین (Oxycontin):

خطرات: تهوع، اضطراب، لرزش و تعریق.

به‌طور کلی مواد روانگردان از نظر آثار و عوارض جسمی به چند گروه تقسیم می‌شوند:

(۱) محرک‌ها: افزایش انرژی، هوشیاری ذهنی و فعالیت جسمانی، کاهش خستگی، سرکوب گرسنگی، افزایش ضربان قلب و فشارخون.

(۲) سرکوب‌گرها: کاهش انرژی، هوشیاری ذهنی، ضربان قلب، فعالیت جسمانی و سرعت تنفس و سرعت واکنش، خواب‌آور.

(۳) توهم‌زها: تغییر و اختلال در خلق‌و‌خو، ادراک و حواس بینایی، شنوایی و احساسات، القای حالت رؤیا، القای بی‌حسی و کرختی و رخوت.

۲-۶-۲- تأثیرات مواد روانگردان و مخدر بر اجتماع

به دور از هرگونه تعصب و نگرش جمودگرا، امروزه اکثر جامعه‌شناسان، روانشناسان، پژوهشگران و علمای آسیب‌های اجتماعی نقش مبانی معنوی همچون باورهای دینی و ارزش‌های اخلاقی و وجدان اجتماعی را در پیشگیری و علاج کج‌روی‌ها بسیار مؤثرتر از عوامل محیطی شناسایی و تأیید نموده‌اند و می‌توانیم بگوییم در ایجاد و تقویت این مبانی خانواده، مدرسه و اجتماع

سرخورده اصلی می‌باشند که در صورت تمرکز این سه بر این‌گونه عوامل، بسیار نادر است که فرد دچار ناهنجاری گردد.

مصرف طولانی‌مدت مواد موجب اختلال در بهداشت و سلامت جسمانی و روانی فرد می‌شود که با بروز بسیاری از بیماری‌های مزمن و خطرناک همراه است. به‌علاوه از آنجا که اعتیاد بیشتر به هنگام ایجاد و ساخت خانواده و در ارزشمندترین سال‌های زندگی، از نظر میزان کارآیی، بیشترین تأثیر را بر زندگی خانوادگی و شغلی فرد می‌گذارد. مواد روانگردان تنها به فرد مصرف‌کننده آسیب نمی‌رساند بلکه به هر کس که با وی در تماس باشد آسیب می‌رساند.

خانواده مکتب اصلی رسوم اجتماعی است و ممکن است کاری که یک شخص در یک خانه انجام می‌دهد منتقد و معترضی نداشته باشد اما اگر این کار را در اجتماع انجام دهد معترض و منتقدان زیادی داشته باشد. هرچه یگانگی و وحدت جامعه بیشتر باشد نظم اجتماعی بهتر و آسان‌تر برقرار می‌شود و هنجارها و ارزش‌ها مورد احترام بیشتری قرار می‌گیرند. بسیاری از انحرافات و کج‌روی‌ها در بدو تولد با پند و اندرز و ارشاد و تشویق قابل اصلاح بوده و در مقابل برخی از انحرافات باید استوار، قاطع باشد.

تحقیقات نشان داده است نوجوانانی که دارای مشکلات رفتاری هستند بیشتر از دیگر افراد در معرض داروهای غیرقانونی قرار می‌گیرند. همچنین این افراد ارتباط خیلی کمتری با والدین و دوستان خود دارند. (فاضلی، ۱۳۸۱)

بر طبق آمار، دختران فراری که از خانواده طرد می‌شوند و به خیابان روی می‌آورند و در معرض کسانی که مواد مخدر و روانگردان را مصرف می‌کنند و یا حمل می‌کنند، قرار می‌گیرند.

استعمال مواد مخدر و روانگردان می‌تواند بار روانی منفی بر روی خود مصرف‌کننده و سپس خانواده وی داشته باشد، توضیح اینکه فردی که دست به مصرف این مواد می‌زند، در چنین حالی مخفی‌کاری فرد استعمال‌کننده نسبت به سایر اعضای خانواده و مخفی‌کاری اعضای خانواده نسبت به سایر خویشان، تبعاً فشار روانی خاصی بر روی اعضای آن خانواده و حتی گاه خود فرد وارد می‌سازد و چه‌بسا موجب طرد فرد استعمال‌کننده از خانواده و گروه دوستان و همسالان و حتی طبقه خویش می‌گردد و گاه فشار این امر به حدی است که موجب جدایی خود فرد یا یکی از اعضای خانواده می‌شود و می‌توان در این مواقع به متلاشی شدن خانواده‌ها به‌صورت حذف فیزیکی، سرخوردگی‌های اجتماعی و عاطفی، فشار افکار عمومی جامعه بر خانواده فرد مصرف‌کننده که همگی حکایت از بار روانی و سنگین استعمال مواد بر خانواده دارد. (خسروی، ۱۳۸۱)

فصل سوم

بررسی حقوقی مواد مخدر و

روانگردان‌ها

۳-۱- مقدمه

مواد مخدر خطری است که نسل جدید را تهدید می‌کند. کارشناسان در مورد خطر این مواد هشدار می‌دهند و جوانان و مسئولین را به آگاهی فرا می‌خوانند اما علیرغم همه این‌ها سوداگران به کار خود مشغول می‌باشند و تلاش و تبلیغات وسیعی برای جذب جوانان به کار گرفته‌اند. اگرچه مواد مخدر اعم از سنتی و صنعتی همه کشورها را تهدید می‌کند، اما کشور ما به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و هم‌مرز بودن با بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان از مشکلات بیشتری برخوردار است.

استفاده از قرص‌های روانگردان در پنج سال گذشته افزایش چشم‌گیری داشته است، این موضوع با توجه به عوامل دیگر حامل پیامی نه‌چندان خوشایند برای جامعه جوان ایران است. در کشور ما هرچند آمار دقیقی از تعداد مصرف‌کنندگان قرص‌های روانگردان و مواد مخدر، واردات و فروش آن‌ها در دست نیست و اطلاعات نشر شده نیز تقریبی و از روی حدس و گمان است اما اطلاعات جمع‌آوری شده از بعضی بیمارستان‌های کشور مبنی بر افزایش مراجعات به اورژانس بیمارستان‌ها در شب در اثر آسیب دیدن بافت مغزی، کلیه، کبد، عدم تعادل و فراموشی می‌توان شاهی بر افزایش مصرف‌کنندگان مواد روانگردان از جمله اکستازی در بین جوانان باشد و باین‌وجود هنوز به مرحله‌ای نرسیده‌ایم که امکان جلوگیری از افزایش مصرف آن وجود نداشته باشد.

مدیر کل بازپروری ستاد مبارزه با مواد مخدر در همایش یک‌روزه مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر، با اشاره به مواد صنعتی روانگردان بیان نمود: مصرف مواد صنعتی و روانگردان در ایران رو به گسترش است و معلوم نیست در این زمینه کی به بحران خواهیم رسید. امروزه بحث دنیا مواد مخدر نیست و مواد صنعتی روانگردان جای آن را گرفته و رو به رشد است. مواد صنعتی در تولید ارزان‌تر، حمل‌ونقل راحت و تنوع بیشتر با مواد مخدر متفاوت است. (سایت اخبار ایران، ۱۳۸۳)

استفاده از اکستازی در ایران به‌خصوص در سال‌های اخیر در مهمانی‌های شبانه رو به افزایش است. متأسفانه جوانان تحصیل کرده و مرفه از مصرف‌کنندگان اصلی آن به شمار می‌آیند. در تمام کشورهای عضو سازمان ملل از جمله ایران مصرف مواد روانگردان جرم است هرچند که در قانون مبارزه با مواد مخدر ایران نامی از اکستازی نیست اما به سبب قرار گرفتن در ردیف روانگردان‌ها مصرف آن غیرقانونی است. کارشناسان معتقدند در خانواده‌های مشکل‌دار خصوصاً در خانواده‌هایی که جوانان با خانواده خود مشکل دارند گرایش به سوی مصرف اکس وجود دارد. (فصلنامه دانشکده پرستاری و مامائی، ۱۳۸۳)

در کشور ما آمار دستگیری معتادین بسیار بالاست و شمار وضعیت این مقدار زیاد، توان بالایی را از دستگاه قضایی به خود اختصاص می‌دهد و موجب وقفه و انسداد در امور قضایی شده است و مرکز بازپروری نیز جوابگوی نیازهای فعلی نیست و امکانات درمانی برای معتادان نیز فراهم نمی‌باشد. (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۷)

با عنایت به موارد فوق، تدوین قوانینی کاربردی در زمینه مبارزه با مواد مخدر و روانگردان در عرصه حقوق داخلی امری است ضروری.

در این فصل ابتدا به بررسی تاریخچه مبارزه با مواد مخدر در حقوق ایران و سپس به بررسی قوانین موجود در این زمینه خواهیم پرداخت.

۳-۲- ارتباط مواد مخدر و روان‌گردان‌ها با جرم و خشونت

۳-۲-۱- تأثیر مواد مخدر و روان‌گردان‌ها بر جرم و خشونت

«هیئت بین‌المللی کنترل مواد مخدر» در گزارش خود پیرامون تأثیر جزئی مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها بیان می‌کند که جرائم مرتبط با مصرف این مواد بیشتر خشونت‌آمیز نبوده و جرائم جزئی تلقی می‌شوند، این گزارش علت ارتکاب این جرائم را انگیزه اقتصادی می‌داند. با وجود این، ارتباط میان مواد و روان‌گردان‌ها و جرم بسیار پیچیده‌تر از آن است که به نظر می‌رسد، زیرا مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها ممکن است منجر به ارتکاب جرائم خشونت‌آمیزی هم چون سرقت به عنف شود. باین‌همه این هیئت بیان می‌دارد که «به‌سختی می‌توان بدون توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار فرد، از رابطه علی مستقیم میان خشونت و مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و اختلافات راجع به کنترل قلمروها ارتباط پیدا می‌کند (جنگ‌های میان گروه‌ها بر سر قلمرو تحت کنترل و حل‌وفصل بدهی‌ها میان یکدیگر). پژوهش‌های علمی سه رابطه علی مهم را در این زمینه مورد شناسایی قرار داده‌اند که خود تأییدی است بر گفته‌های پیشین؛ این سه رابطه عبارتند از:

- آثار داروشناسی مواد مختلف (حشیش، تریاک، کوکائین، متامفتامین)؛
- آثار اقتصادی ناشی از نیاز به فراهم کردن مواد؛
- روابط نظام‌مند توضیح‌دهنده خشونت‌های مرتبط با قاچاق این مواد و نیز سبک زندگی معتادان و قاچاقچیان این مواد و تأثیر آن‌ها بر اجتماع و اطرافیان (پولت، لافورتون و بروچو، ۲۰۰۸). در تمامی کشورها، نوع واکنش به مصرف این مواد به تعریف آن کشورها از قانونی بودن، رفتارهای فرهنگی و عوامل اقتصادی بستگی دارد (ساگانت والر، شاو مارگارت، ۱۳۹۲).

۳-۲-۲- ممنوع کردن مواد مخدر

سال ۲۰۰۹، سالگرد صدمین سال تصویب نخستین موافقت‌نامه در رابطه با مواد روان‌گردان غیرقانونی، یعنی کمیسیون تریاک شانگهای^۱، بود. مواد مخدر و روان‌گردان‌ها موضوع بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی است که در پی ریشه‌کن کردن تولید، توزیع و مصرف این مواد هستند:

- کنوانسیون ۱۹۶۱ در رابطه با مواد مخدر
 - کنوانسیون ۱۹۷۱ در رابطه با مواد روان‌گردان
 - کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل در رابطه با مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان‌ها
- این کنوانسیون‌ها همگی به تصویب بیشتر اعضای سازمان ملل رسیده‌اند. چهار دسته اصلی مواد مخدر و روان‌گردان‌های ترکیبی عبارتند از: حشیش: این ماده با استفاده از برگ (ماری‌جوآنا)، صمغ (حشیش)، یا روغن (روغن عسل یا روغن قرمز) گیاه حشیش تهیه می‌شود؛ کوکائین: ماده‌ای است محرک که از برگ کاکائو تهیه می‌شود؛ افیون‌ها (مسکن‌ها): مواد مخدر هستند که از تریاک به دست می‌آیند و از مادگی گل پاپاور گرفته می‌شوند؛ از رایج‌ترین افیون‌ها، هروئین است؛ آمفتامین: محرک‌هایی هستند که در آزمایشگاه تولید شده و هم به صورت قرص و هم به صورت پودر مصرف می‌شوند.

۳-۳- مواد مخدر و روان‌گردان‌های ترکیبی

به موادی گفته می‌شود که تنها در آزمایشگاه و از طریق فرایندهای شیمیایی تولید شده باشند. در سال ۲۰۰۷، بین ۲۳۰ تا ۴۶۰ هزار تُن آمفتامین برای حدود ۱۶ تا ۵۱ میلیون مصرف‌کننده در دنیا تولید شد. در این سال ۷۲ تا ۱۳۷ هزار تُن قرص‌های اکستازی برای ۱۲ تا ۲۴ میلیون مصرف‌کننده روانه بازار شد. بنا به برآوردهای دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل تعداد مصرف‌کنندگان مواد ترکیبی بسیار بیشتر از مجموع مصرف‌کنندگان کوکائین و هروئین است (دفتر مبارزه با مواد مخدر جرم سازمان ملل، ۲۰۰۹).

دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل برنامه‌ای با عنوان برنامه اسمارت (نظارت بر مواد مخدر و روان‌گردان‌های ترکیبی: تحلیل و گزارش و بررسی روند تولید و مصرف آن) را طراحی کرده تا به این صورت دولت‌ها را در تولید، سازمان‌دهی، تحلیل و انتشار اطلاعات راجع به این مواد یاری کند. با پیشرفت روند اجرایی این برنامه اطلاعات نیز به همراه آن به روزرسانی می‌شود. (دفتر مبارزه با مواد مخدر جرم سازمان ملل، ۲۰۰۹).

^۱ Shanghai Opium Commission

۳-۴- مواد روان‌گردان جدید و بازار شبکه مجازی

در حالی که اینترنت همچنان به‌عنوان وسیله‌ای برای قاچاق مواد مخدر و تجارت غیرقانونی پیش‌سازهای شیمیایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، استفاده از به‌اصطلاح «نت تاریک» در حال رشد است. «نت تاریک» یک بازار مجازی است که غیرقابل دسترس است و شناسایی هویت مالکان وب و مصرف‌کنندگان آن برای مقامات انتظامی سخت و دشوار است. بنابراین، «نت تاریک» پناهگاه امن برای خریداران و فروشندگان مواد مخدر است که اصولاً دیجیتالی تجارت می‌کنند. گرچه تخمین نسبت معاملات مواد مخدر از طریق «نت تاریک» روشن نیست، ولی ارزش معاملات و گستره مواد مشمول در حال رشد است. با عقیم‌سازی یکی از برجسته‌ترین سایت‌های «نت تاریک» با نام «جاده ابریشم» مشخص شد که سایت یاد شده در دو تا پنج سال فعالیت، حدود ۲، ۱ میلیارد دلار درآمد داشته است. شواهد حاکی از استفاده قاچاقچیان از «نت تاریک» برای تجارت مواد روان‌گردان جدید، کانابیس، هرودین و کوکائین با کیفیت بالا ادامه دارد. در پایان، تعداد مواد روان‌گردان جدید بالقوه برای تجارت مواد افیونی از ۲۵۱ ماده در جولای ۲۰۱۲ به تعداد ۳۴۸ ماده در دسامبر ۲۰۱۳ افزایش یافته است.

۳-۵- جرم مرتبط با مواد مخدر

آمار جرایم ثبت شده مرتبط با مصرف شخصی و قاچاق مواد مخدر که به تفکیک مورد ارزیابی قرار گرفت، نشان می‌دهد که در طول دوره ۲۰۰۳ این جرایم برخلاف روند رو به کاهش جرایم به اموال و خشونت، روند رو به رشدی داشته است. در سراسر جهان، اغلب جرایم ناشی از مصرف، با مسرف‌حشیش همراه مناطق مختلف بستگی دارد. بر اساس گزارش‌های کشورهای عمده افراد دستگیر شده یا مشکوک مرتبط با جرایم مواد مخدر مرد هستند و زنان بیشتر در جرایم مربوط به آرام‌بخش‌ها دخالت داشته‌اند.

جمهوری اسلامی ایران با استمرار برنامه‌های کنترل و انسداد مرزهای شرقی کشور، تقویت و تجهیز مبادی ورودی و خروجی (زمینی، هوایی و آبی)، ارتقاء ظرفیت‌های کمی و کیفی و در اولویت قرار دادن اقدامات مقابله‌ای مبتنی بر اطلاعات که در نتیجه این اقدامات در سال ۲۰۰۴ دستگاه‌های مقابله‌ای ایران موفق شدند با اجرای حدود ۲۲۰۰ مورد عملیات، بیش از ۵۰۶ تن انواع مواد مخدر از جمله حدود ۱۳/۵ تن هروئین و ۱۲/۵ تن مرفین را کشف، بیش از ۲۷۷۰ باند قاچاق را متلاشی و بیش از ۳۳۰ آشپزخانه تولید شیشه (متمفتامین) را با ۴ تن شیشه منهدم کنند. هم‌چنین در شش ماهه سال ۲۰۱۵، دستگاه‌های مقابله‌ای موفق شدند از ۳۰۵ تن انواع مواد مخدر از جمله ۹ تن هروئین کشف کنند.

ضمن آن که در سه ماهه اول سال خورشیدی با اجرای ۶۸۵ عملیات و درگیری در مجموع ۱۵۰ تن انواع مواد مخدر و ۲ میلیون قرص و آمپول غیرمجاز و نزدیک به ۱۷ تن انواع پیش ساز تحت کنترل بین‌المللی را کشف، تعداد ۶۶۴۷۰ نفر قاچاقچی را دستگیر و ۱۹۱ قبضه سلاح را توقیف کنند که میزان کشف مواد مخدر و قرص غیرمجاز نسبت به مدت مشابه در سال قبل به ترتیب ۲۱٪ و ۵۳٪ افزایش نشان می‌دهد. در مجموع، تعداد ۲۹ هزار قبضه سلاح در ۲۵ سال گذشته از قاچاقچیان کشف شده است که این افراد در جریان قاچاق مواد مخدر، جرایمی هم چون آدم‌ربایی، تجاوز و قتل را نیز مرتکب می‌شوند (جزینی، ۱۳۹۴).

۳-۶- ایجاد تعادل میان حقوق کیفری و پیشگیری

۳-۶-۱- بازاندیشی جنگ بین‌المللی علیه مواد مخدر

نهادهای بین‌المللی هم چون دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل و هیئت بین‌المللی کنترل مواد مخدر، در عین این که همواره در حال تلاش برای حمایت و تقویت کنوانسیون‌های راجع به تولید، فروش و مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها هستند، کاملاً پذیرفته‌اند که پیشگیری (مقابله) از این موارد، آثار مخرب بسیار زیادی داشته است. پنج مورد از این نتایج به شرح زیر است:

- نخستین و مهم‌ترین اثر آن، ایجاد یک بازار سیاه بسیار پررونق و خشن است؛
 - دوم آنکه، تمرکز بر وضع و اجرای قانون در این رابطه، توجه به رویکردهای درمانی و بهداشتی را کم کرده، حال آنکه این معضل در نهایت مشکلی است مربوط به سلامتی و بهداشت جامعه؛
 - نتیجه سوم آن که تلاش برای مبارزه با این معضل و اجرای قانون در یک منطقه، سبب شده که انجام فعالیت‌های مرتبط با آن به منطقه‌ای دیگر سرایت کند؛
 - نتیجه مخرب چهارم این بوده که فشار و تمرکز بر روی بازار یک ماده خاص، در مواردی، ناخواسته، سبب ایجاد ماده‌ای جایگزین برای آن شده است؛
 - و بالاخره پنجمین نتیجه سوء این است که توسل به نظام عدالت کیفری در برخورد با مصرف‌کنندگان مواد که بیشتر متعلق به گروه‌های محروم جامعه هستند سبب می‌شود که آن‌ها هر چه بیشتر در حاشیه قرار گیرند و به این ترتیب از امکان درمان افرادی که حقیقتاً نیازمند درمان هستند، کاسته می‌شود (دفتر مبارزه با مواد مخدر جرم سازمان ملل، ۲۰۰۸).
- سازمان ملل در سال ۱۹۸۸ بر آن شد تا با «جنگ علیه مواد مخدر» تولید، قاچاق و مصرف این مواد را تا سال ۲۰۰۸ به نحو چشم‌گیری کاهش دهد و به این ترتیب به «جهانی‌سازی از مواد مخدر» دست یابد، با این حال، به تازگی بیان داشته که «با وجود تمامی تلاش‌ها و اقدامات فراوان به این هدف دست نیافته است». کمیسیون مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و دموکراسی آمریکای لاتین نیز ضمن اعلام این که سیاست‌های پیشگیرانه اهداف مورد انتظار را برآورده نکرده‌اند، بر

این عقیده است که راهبردهای پیشگیرانه و مبارزه علیه مواد مخدر و روان‌گردان‌ها نیازمند بازبینی است.

کمیسیون مواد مخدر سازمان ملل در مارس ۲۰۰۹ بر شکست رویکرد سرکوبگرانه محض صحه گذاشت و بر ضرورت محدود کردن راهبردها به پیشگیری، درمان و اصلاح معتادان تأکید کرد. هیئت بین‌المللی کنترل مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در برخورد با خشونت‌های مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها از رویکردی حمایت می‌کند که عناصر زیر را در برداشته باشد: توسعه اجتماعی اقتصادی، بازسازی شهرها، همکاری میان نهادها، کار و تلاش محلی، عدالت ترمیمی جامعه محور، عوامل جنسیتی، سن، عوامل نژادی و مداخلات باثبات و پایدار.

به همین نحو، مؤسسه ملی اعتیاد و مصرف مواد مخدر در آمریکا به حمایت از اقدامات پیشگیرانه‌ای برخاسته که مقرون به صرفه هستند، این مؤسسه چنین بیان می‌کند که «به ازای هر دلاری که صرف پیشگیری می‌شود، ۱۰ دلار از هزینه درمان مصرف الکل یا دیگر مواد کاسته و ذخیره می‌شود» (نایدا، ۲۰۰۴). باین حال، کاستن مواد مخدر و روان‌گردان‌های قاچاق هدفی است بین‌المللی که در رأس آن کاهش کشت خشخاش در افغانستان و کوکائین در آمریکای جنوبی قرار دارد. در سطح داخلی هم چنان مصرف‌کنندگان مواد مخدر و روان‌گردان‌ها مجرم تلقی می‌شوند.

۳-۶-۲- تأثیر منفی جرم انگاری مواد مخدر

قوانین داخلی بیشتر به مقدار موادی که کشف می‌شود میان مالکیت، مصرف مواد و قاچاق آن‌ها تمایز قائل می‌شوند. مقدار مواد هم‌چنین در نوع و شدت مجازات نیز مؤثر است. به‌عنوان مثال، در جمهوری لتونی برای مقدار کم مواد تنها به برخی مجازات اداری بسنده می‌شود، اما مقادیر زیاد، مجازات کیفری به دنبال دارد. به‌طور کلی، قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان‌ها شدیدترین کیفرها را به دنبال دارد، باین حال شدت کیفرها میان کشورها متفاوت است. به‌عنوان مثال، کیفر قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در عربستان (و برخی کشورهای آسیایی) ممکن است، حتی برای مقادیر کم، اعدام باشد (محسن بین، ۲۰۱۰)، گرچه بنا به گزارش دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل شمار اعدام‌های ناشی از قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان‌ها رو به کاهش است. جرم شناختن مصرف‌کنندگان مواد مخدر و روان‌گردان‌ها آثار منفی بسیاری را به دنبال داشته است، از جمله تأثیر بسیار متفاوت قوانین راجع به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها بر گروه‌های مختلف، به‌ویژه اقلیت‌های قومی، هزینه‌های بسیار بالای برخورد با اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها از طریق نظام عدالت کیفری، تأثیر سوء محکومیت‌ها و سابقه کیفری بر استخدام مجرمان و نیز بازار اجتماعی شدن آنان، پدیده همیشگی (پدیده درب چرخان) تکرار جرم و صدور احکام متوالی، مجرم شناختن حاملان مواد از کشورهای تولید کننده که بیشتر زن بوده، آسیب‌پذیرند و مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند. از

دیگر آثار جانبی وضعیت غیرقانونی مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در کشورهای تولید کننده و مقصد می‌توان به خشونت‌های جوانان و افراد بزرگسال، از بین رفتن پیوستگی اجتماعی و از هم پاشیدن محله‌ها و جوامع، نرخ بالای خشونت‌های مرتبط با جرائم سازمان‌یافته و قاچاق مواد مخدر، فساد در مقامات و در مواردی هم بی‌ثباتی سیاسی، اشاره کرد. در برخی کشورها، مصرف و داشتن مواد مخدر و روان‌گردان‌ها کیفرزدایی شده است، مانند کشورهای جمهوری چک، اسپانیا، پرتغال، ایتالیا و مصر، گرچه هنوز برخی مجازات‌های اداری از جمله جریمه نقدی یا توقیف گواهینامه اعمال می‌شود. در بلژیک دو نوع مصرف این مواد، کیفر می‌شوند: مصرف منجر به مزاحمت عمومی و مصرف نادرست. با تعریف مجدد این دو مفهوم در سال ۲۰۰۵، ممنوعیت مواد مخدر و روان‌گردان‌ها شامل مصرف این مواد در نزدیکی مدارس و مصرف بسیار آشکار آن در مکان‌های عمومی می‌شود. در برخی کشورهای آمریکایی، در نتیجه نرم کردن قوانین، مصرف درمانی مواد مخدر، به‌ویژه حشیش، مجاز شده است. بالاخره آن‌که در بسیاری از قوانین چنانچه مجرم خود «داوطلبانه» خواهان درمان باشد در حکم او تخفیف داده می‌شود.

۳-۶-۳- آگاه‌سازی و رویکردهای کاهش خسارات

فعالیت‌های آگاه‌سازی میان مصرف، اعتبار و نیز محصولات مختلف تمایز قائل می‌شوند. مؤثرترین این فعالیت‌ها آن‌هایی هستند که پیام‌های پیشگیرانه را برای عموم مردم یا گروه‌های خاصی منتشر می‌کنند.

۳-۶-۳-۱- ارزیابی آگاه‌سازی

آگاه‌سازی زیادند اما به‌ندرت مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، امروزه راهبردهای مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها بیشتر متشکل از برنامه‌های بسیار و همکاری میان نهادهای مختلف هستند. بیشتر برنامه‌های اجرایی از بخش‌های آموزشی، بهداشتی و درمانی و اجرای قانون برخوردارند. به‌عنوان مثال، اجرای راهبردهای ملی بر عهده کمیته‌هایی است که نماینده وزارتخانه‌های بهداشت، آموزش و جوانان و در موارد مقتضی وزارت کشور و دادگستری هستند. به همین صورت، در کامبوج، اجرای برنامه ملی کنترل مواد مخدر بر عهده نهاد ملی مبارزه با مواد مخدر است. این مقام در رابطه با پیشگیری و کاهش تقاضا برای این مواد با وزارت آموزش، جوانان و ورزش همکاری می‌کند. چنین فعالیت‌ها و همکاری‌هایی امروزه در سطح ملی و محلی امری عادی شده است. مخاطب بیشتر این برنامه‌ها پیشگیری از مصرف مواد مخدر، نوجوانان و کودکان هستند که برخی از آن‌ها در مدارس و از طریق دروس آموزشی به اجرا در می‌آیند. بسیاری از این برنامه‌ها سعی می‌کنند تا در مدارس در رابطه با تأثیر مواد مخدر و روان‌گردان‌ها اقدامات و آموزش دهند. به‌عنوان مثال، دولت شیلی در سال ۲۰۰۸،

فعالیت‌های آگاه‌سازی را در مراکز درمانی راه‌اندازی کرد. در ولز، برنامه پیوند مدارس ولزی به آگاه‌سازی در رابطه با مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در مدارس می‌پردازد، این برنامه توسط مأموران پلیس با همکاری آموزگاران برای کودکان و نوجوانان ۵ تا ۱۶ سال ارائه می‌شود. این برنامه در پی آن است تا کودکان را از خطرات مصرف مواد مخدر و تنباکو آگاه کند. با تمام این اوصاف، ارزشیابی این برنامه‌ها چندان رضایت‌بخش نیست. نتایج ارزیابی‌های صورت گرفته در خصوص برنامه آموزش مقاومت در برابر مصرف مواد مخدر در ایالات متحده که خود الگوی دیگری از این قبیل برنامه‌ها است، نشان می‌دهد که با وجود استقبال مدارس، پلیس، دانش‌آموزان و والدین از این برنامه‌ها، در طولانی‌مدت، این برنامه‌ها تأثیر چندانی بر مصرف این مواد ندارند (بلیش، گنجه و فلورز، ۲۰۰۸). فعالیت‌های تبلیغاتی به‌منظور افزایش آگاهی جامعه در خصوص خطرات ناشی از مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها یکی دیگر از فعالیت‌هایی است که امروزه در دنیا رواج یافته است. در آلمان، فعالیت ایمپیرمنت گالکز - ابزاری برای پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، در پی افزایش آگاهی جوانان و بزرگسالان در رابطه با آثار مصرف نادرست مشروبات الکلی است. آگاهی جوانان و بزرگسالان در رابطه با آثار مصرف نادرست مشروبات الکلی است. در ویتنام، طرح پیشگیری همه‌جانبه از مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها از طریق تعامل و ارتباط و بسیج اجتماع، با پشتیبانی دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل به دنبال آن است تا سطح آگاهی جامعه در این خصوص را از طریق رسانه‌های عمومی افزایش دهد (ساگانت و شاو، ۱۳۹۲).

۳-۶-۳-۲- محدود کردن دسترسی به مواد مخدر

یکی دیگر از زمینه‌های مربوط به پیشگیری از مواد مخدر، کنترل این مواد در مکان‌های تفریحی است. شورای ملی، آفریقای جنوبی در رابطه با اعتیاد به مواد مخدر، مرکز امداد مواد مخدر نانگوما، همواره در حال فعالیت در خصوص این موضوعات در شهرهای کوچک و مناطق روستایی بوده است. با وجود این، به نظر می‌رسد که علاوه بر قانون‌گذاری و اقدامات کنترلی لازم است که برای تغییر رفتارها در این مناطق از خود جوامع محلی نیز مدد جست. یکی از واکنش‌ها به مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در جوانان، «مسئول شناختن» والدین آن‌ها است. در برخی کشورها والدین این جوانان به خاطر کنترل نکردن رفتار فرزندانشان جریمه می‌شوند. البته باید گفت که مسئول شناختن والدین معمولاً در جاهایی به اجرا در آورده می‌شود که برنامه‌هایی برای آموزش والدین در نظر می‌گیرند.

۳-۶-۳- در نظر گرفتن خطرات بهداشتی در برنامه‌های کاهش آسیب‌ها

از کاهش آسیب‌ها گاه به‌عنوان کاهش خطر یا خسارت نیز یاد می‌شود و در پی آن است تا آثار مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها بر افراد و جامعه را کاهش دهد. در دهه‌های اخیر حرکت به سمت رویکردهای کاهش آسیب نسبت به معتادان به مواد، افزایش یافته است. بررسی راهبردها یا برنامه‌های اجرایی ملی در مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در ۹۶ کشور نشان می‌دهد که تعداد بسیار زیادی از این کشورها راهبردها کاهش آسیب را شروع کرده‌اند (با در گذشته آن را اتخاذ کرده‌اند). این نتایج با بررسی اسناد و آثار موجود در اینترنت، اسناد مرکز اروپایی نظارت بر مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و اعتیاد به آن برای اروپا و کمیسیون آمریکایی کنترل مصرف مواد مخدر برای کشورهای آمریکایی و حوزه دریای کارائیب حاصل شده است. از میان این کشورها، تنها ۲۵ مورد (۲۶ درصد) در حال حاضر هیچ‌گونه راهبرد مخصوص مصرف نادرست مواد روان‌گردان ندارند. با وجود این، بسیاری از کشورهای این گروه در گذشته برنامه‌هایی در این خصوص داشته‌اند (به‌عنوان مثال سنت کیتس و نویس). برخی دیگر در حال تصویب چنین راهبردهایی هستند (جامائیکا یا اوکراین) و عده‌ای دیگر دست به اتخاذ راهبردهای منطقه‌ای زده‌اند (اتریش). اتخاذ این رویکرد در کشورهای آسیایی و آفریقایی کمتر به چشم می‌خورد. این امر تا حدی به این دلیل است که در این کشورها اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها هنوز مشکل چندان جدی تلقی نمی‌شود (به‌عنوان مثال، در گُره یا عربستان سعودی) و نهایت آن که برخی کشورها راهبردهای مختلفی در رابطه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در پیش گرفته‌اند. سیاست‌های کشورها بیشتر به دنبال کاهش خطراتی هستند که مصرف مواد روان‌گردان بر سلامت افراد دارد. در اروپا، افزایش مرگ‌های ناشی از مصرف بیش‌ازحد مواد مخدر و شیوع ایدز در نتیجه استفاده از سرنگ‌های آلوده منجر به اتخاذ فعالیت‌های جدیدی شده است. به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۸۷، فرانسه، توزیع سرنگ در کشور را رایگان کرد و به توسعه برنامه‌های تعویض سرنگ‌ها پرداخت.

به همین صورت، استفاده از هروئین با تجویز پزشک در آلمان و سوئیس از «نرخ مرگ‌های ناشی از مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و جرائم مرتبط به تأمین آن کاسته است» (مرکز مطالعات امنیتی، ۲۰۰۷)، این امر در حالی تحقق یافته که تعداد مصرف‌کنندگان این مواد هیچ افزایشی نداشته است. در آمریکای لاتین، مفهوم کاهش آثار منفی مصرف این مواد بر زندگی و سلامت افراد است. گرچه این سیاست‌ها بیشتر نتیجه خود را در قالب کاهش آسیب‌ها نشان داده‌اند، با این حال، هنوز هم برخی کشورها به دلایل اخلاقی از اجرای آن‌ها خودداری می‌کنند.

۳-۶-۳-۴- مردم آسیب‌پذیر

بسیاری از کشورها با پذیرش شناخت موضوعات پیچیده منتج از استعمارگری و همانندسازی مردمان بومی و آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر مصرف مواد، برنامه‌های بسیاری را در رابطه با مصرف این مواد اتخاذ کرده‌اند. مصرف مواد اغلب افراد را به حاشیه می‌کشاند و دسترسی مقامات اجتماعی، درمانی قضایی به آن‌ها را مشکل می‌سازد.

برنامه‌ها و فعالیت‌های بسیاری نشان داده‌اند که همکاری و ارتباط با دوستان این افراد، در برقراری ارتباط با آن بسیار سودمند است. به‌عنوان مثال، در اوگاندا، طرح پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها توسط دوستان، تحت سرپرستی رابطه پیشرفت جوانان اوگاندا از جوانانی که در مناطق فقیرنشین زندگی می‌کنند استفاده کرده و آن‌ها را برای «آموزش به دوستانشان» تربیت می‌کند. تاکنون حدود ۴۰ جوان در رابطه با اعتیاد به مواد مخدر، درمان و بازپروری، آموزش داده شده‌اند، این افراد به جوانانی که دسترسی سازمان‌های غیردولتی به آن مشکل است کمک می‌کنند.

اتحادیه اروپا یکی از عناصر اصلی در اجرای موفق برنامه‌های راجع به اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها را پایه‌ریزی آن‌ها در اجتماع می‌داند. این امر مستلزم مشارکت دادن سازمان‌های اجتماع محلی، گروه‌های اعتقادی، سازمان‌های غیردولتی و نیز ادارات محلی از جمله دوایر، درمانی، خانوادگی و جوانان است. گاه در کشورهای در حال توسعه، جوامع محلی تاب اجرای برنامه‌های درمانی و پشتیبانی برای معتادان را ندارند. در میانمار، طرح جامعه محور کاهش تقاضا برای مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در سه شهر اصلی در ایالت شمالی که با پشتیبانی مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و جرم سازمان ملل اجرا می‌شود در پی آن است تا به جوامع محلی کمک کند تا خود طرح‌های کاهش مصرف را اجرا کنند. این طرح به دنبال آن است تا با آموزش کارگزاران محلی و تقویت سازمان‌ها، پایداری و ثبات طرح‌ها در پایان دوران کمک‌های مالی را تضمین کند.

بازپروری معتادان به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، هم از جهت آثار آن بر سلامت عمومی و هم از بابت پیشگیری از جرم و تکرار آن، یکی از موضوعات مهم پیش روی کشورهای مورد مطالعه است. اتخاذ برخی ترتیبات حقوقی (از جمله ایجاد دادگاه‌های مواد مخدر) در ایالات متحده، کانادا و بریتانیا بیان‌گر خواست و اراده مصمم این کشورها برای واکنش قاطع و سودمند به این مشکل است. در سال ۱۹۹۸، دادگاه مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در تورنتوی کانادا ایجاد شد تا بدین ترتیب حکم‌های مناسب‌تری در این رابطه صادر شود. گرچه ارزشیابی دستاوردهای این برنامه کارچندان ساده‌ای نیست، با این حال، گفته می‌شود که برنامه درمانی ۲۸ روزه، نرخ تکرار جرم را تا ۷۱ درصد کاهش داده است.

چنین دادگاهی در کشورهای دیگر از جمله شیلی نیز تأسیس شده است. نخستین دادگاه در سال ۲۰۰۴ ایجاد شد و اکنون ۱۸ دادگاه راجع به رسیدگی به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در

این کشور فعالیت دارند. بنیاد سیودادانا یک راهنمای روش‌شناختی منتشر کرده که توسعه این برنامه را تشویق می‌کند. در یک ارزشیابی در سال ۲۰۰۸ حاصل فعالیت این برنامه‌ها بسیار رضایت‌بخش نشان داده شده است.

در نتیجه بای گفت خیزش بین‌المللی برای «جنگ با مواد مخدر» که در دهه‌ی نود با پشتیبانی سازمان ملل و بسیاری از کشورها صورت گرفت و منابع بسیاری که برخی کشورها هم چون ایالات متحده، مکزیک و کلمبیا در این ره صرف کردند، نتایج مطلوب را در پی نداشته است. البته تلاش برای برخورد با قاچاق بین‌المللی مواد مخدر و روان‌گردان‌ها تا حدی ثمربخش بوده است و هم چنان هم در اولویت جای دارد، هرچند که امروزه رویکردهای پیشگیرانه رواج بیشتری یافته‌اند.

رویکردهای اجتماع‌محور اغلب توجه بیشتری به فاکتورهای محلی و بومی دارند و می‌کوشند تا «مزاحمت» یا اختلال عمومی ناشی از مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و نیز خطرات جمعی آن را بکاهند. رویکردهای مبتنی بر سلامت عمومی، واکنش‌هایی مبتکرانه را اتخاذ کرده‌اند که بیشتر بر افراد مبتلا تمرکز دارند و در پی آن هستند تا با درمان این افراد آن‌ها را یاری کنند که زندگی مستقلی را پیشه کرده و بار دیگر به آغوش جامعه بازگردند. این رویکردها هم‌چنین داده‌ها و ابزارهایی را برای شناسایی و رهگیری مواد و الگوهای مصرف جدید به دست داده‌اند که به افزایش اطلاعات در خصوص این پدیده‌ی در حال رشد کمک می‌کند (از جمله مرکز اروپایی نظارت بر مواد مخدر و روان‌گردان‌ها اعتیاد به آن). این رویکردها هم‌چنین ارزیابی‌های جغرافیایی برای نظارت و ارزیابی آثار طولانی‌مدت سیاست‌های مربوطه را نیز تسهیل بخشیده‌اند.

۳-۷- جرائم مربوط به اعتیاد به مواد مخدر

نمود و تجلی جرائم ناشی از قاچاق مواد مخدر، اعتیاد افراد جامعه به مواد مخدر است. در صورتی‌که سیاست جنایی در پیش‌بینی روش‌های خود در خصوص مبارزه با جرائم ناشی از قاچاق این مواد فوق عمل ننماید، برخورد با جرائم ناشی از اعتیاد توأم با مشکلات فراوانی بوده و اثرات نامطلوبی را در پی خواهد داشت. به این جهت، قسمت عمده مقررات کیفری در این باب، به جرائم مربوط به قاچاق مواد مخدر اختصاص دارد. این موضوع در قانون مبارزه به مواد مخدر نیز منعکس است.

اما با فرض سیاست جنایی مطلوب در خصوص جرائم ناشی از قاچاق مواد مخدر، بخشی از این سیاست که به امر محو و محدودیت اعتیاد به مواد مخدر اختصاص می‌یابد، باید واجد ویژگی مؤثری در کنترل، درمان و بهسازی معتادین باشد. سیاست جنایی در این زمینه باید دارای برنامه‌ریزی دقیق در پرداختن به علل گرایش فرد به اعتیاد، عوامل مؤثر در ترک اعتیاد و شناخت و محو علل گرایش مجدد فرد به اعتیاد باشد.

در این راستا، توجه به واکنش‌های کیفری و پاسخ‌های غیر کیفری؛ یعنی حقوقی، مدنی، اداری و روش‌های پیشگیری، درمانی دارای جایگاهی ارزنده است. قانون مبارزه با مواد مخدر، ضمن جرم‌الهام گرفتن کلیه مواد قانونی از روندی هماهنگ و منطبق با سیاستی اصولی که نشأت گرفته از تحقیقات و پژوهش‌های علمی و جهانی بوده و در آن نقطه نظرات کارشناسان علوم مرتبط نظیر جرم‌شناسان، حقوقدانان، روانشناسان، روان‌پزشکان، جامعه‌شناسان و متخصصین علوم زندان‌ها منعکس باشد، در مهار این پدیده شوم بسیار مؤثر خواهد بود دانستن اعتیاد، با الهام از سیاست جنایی درمانی، فرصت ترک اعتیاد به معتادین را به میل و اراده خویش داده است؛ اما تبصره این ماده که اعمال جزایی نقدی را پس از فراغت از مراکز درمانی مقرر داشته، با هدف اولیه، یعنی درمان معتاد در تضاد است. (نجفی ابرندآبادی، ۲: ۱۳۸۲)

به عبارت دیگر، تکلیف فردی که قبلاً اعتیاد داشته و پرونده وی در مراجع قضایی مطرح شده، لیکن متعاقباً ترک اعتیاد نموده، مشخص نگردیده است. از جمله واکنش‌های غیر کیفری می‌توان به مقررات به نامزدی مجلس شورا و یا شوراهای محلی یا قانون ازدواج و گذرنامه اشاره داشت که شرط بهره‌مندی از این‌گونه حقوق اجتماعی را عدم وابستگی به مواد مخدر دانسته است.

این امر می‌تواند عامل مهمی در جهت جلوگیری از اعتیاد افراد به مواد مخدر به شمار آید. از سوی دیگر نیز می‌تواند به بیکاری فرد معتاد در جامعه بینجامد و اقدامات متعاقب دیگری در پی داشته باشد. چنین فردی می‌تواند به حدی از جرم برسد که در نهایت به کیفر اعدام متهم شود.

اگرچه در غالب جرائم، هدف از به کیفر رساندن مجرم، اصلاح بزهکار و تهدید مجرمین بالقوه می‌باشد؛ اما نباید فراموش کرد که صرف تدوین قوانین و اجرای آن‌ها به تنهایی برای انصراف مجرمین بالقوه کافی نیست و ضرورت دارد به نقش و جایگاه پیشگیری عمومی به‌عنوان یک عامل تعیین کننده در مهار جرائم مواد مخدر توجه نمود.

به عقیده «انریکوفری» (از جمله پیشوایان مکتب تحقیقی دهه‌های آخر سده نوزدهم)، پیشگیری عام با تهدید کیفر، خیالی بیش نیست و می‌باید آنچه وی آن‌ها را جان‌نشین‌های کیفری می‌نامد یعنی، تدابیر اجتماعی برای کیفرها که از ارتکاب بزهکاری جلوگیری می‌نماید، وارد سیاست جنایی شود.

به همین جهت، هرگز نباید قائل شویم که قانون اساسی در اصل یک‌صد و پنجاه ششم، وظیفه انحصاری پیشگیری از وقوع جرم را در حیطه وظایف قوه قضاییه قرار داده و سایر دستگاه‌های کشور در این امر وظیفه‌ای بر عهده ندارند. همچنان که قانون‌گذار با آگاهی بر این امر، در قانون تشکیل نیروی انتظامی در سال ۷۰، یکی از وظایف این نیرو را نیز پیشگیری از وقوع جرم قرار داده و این می‌رساند که بسیاری از دستگاه‌های کشور در این بخش از سیاست جنایی

وظایفی را بر عهده دارند. برخی از مسئولین کشور ما اعتقاد کاملی برقرار گرفتن این گونه تدابیر در قلمرو سیاست جنایی ندارند و به نقش و جایگاه واقعی این اقدامات واقف نیستند. اگر بتوان با داده‌های علمی و استفاده از علوم تجربی، کارایی این بخش از سیاست جنایی را به بوته آزمایش کشاند، یقیناً نقش این گونه تدابیر در مهار جرائم مواد مخدر بهتر درک خواهد شد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲:۱۲)

اگرچه ممکن است برخی از مجرمین بالقوه با مطالعه قوانین کیفری و استحضار از وجود ضمانت اجرای خشن، در آینده مرتکب جرم نگردند و قوه قضاییه با اعمال مجازات‌ها نسبت به مجرمین بالفعل به این امر کمک نماید، اما باید دانست که عوامل بی‌شماری بر بزهکاری و بزهکار تأثیرگذار است که نادیده گرفتن این عوامل موجب عدم تحقق اهداف سیاست جنایی در کشور می‌گردد.

از آنجایی که قانون اساسی، مأموریت‌های خاصی را برای قوه قضاییه تعریف نموده و قوانین عادی، ابزار محدودی را در اختیار این قوه قرار داده؛ لذا نمی‌توان از این دستگاه انتظار داشت تا بتواند مدیریت مجمع تشخیص مصلحت نظام با تدوین متون قانونی، پاره‌ای از ضمانت اجرای کیفری را نیز پیش‌بینی نموده است. ضمانت اجراها باید به گونه‌ای تعیین شود که تهدید به اعمال مجازات فی‌نفسه بتواند نقش پیشگیری از ارتکاب جرائم را نیز داشته باشد. نمی‌توان انتظار داشت این ارگان پیشگیری اجتماعی را بر عهده گیرد؛ به عبارت دیگر، این قوه صرفاً وظیفه کنترل سرکوبگرانه مجرمین بالقوه را بر عهده دارد تا با هدف رعب‌انگیزی، بازدارندگی، سازندگی و بهسازی شخصیت مجرمین، مجازات‌ها را به مرحله اجرا در آورد؛ و با این وصف، در خصوص عموم افراد جامعه این نقش بسیار کم‌رنگ می‌باشد.

یافته‌های نوین جرم‌شناسی نیز ضرورت عقب‌نشینی قوانین کیفری و کنترل سرکوبگرانه و استفاده بیشتر از اقدامات و تدابیر اجتماعی و کنترل مقابله با جرائم مواد مخدر را ثابت نموده. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲:۱۳)

تا قبل از ارتکاب جرم توسط مرتکب، نهادهای دیگر کشور مثل سازمان بهزیستی، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فن‌آوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رسانه‌های گروهی و صداوسیما، گروه‌های اجتماعی، مساجد، خانواده‌ها، دانشگاه، مدرسه، محله و گروه‌های همسالان، با مکانیزم خاص خود به‌عنوان یک استراتژی ضد بزهکاری در جامعه فعالیت دارند.

هدف از چنین اقداماتی، تأثیرگذاری بر شخصیت و روان آن دسته از افرادی است که ممکن است در آینده درگیر روند دستگاه قضایی گردند تا فرصت‌های بزهکار را کم کرده و انگیزه را از اشخاصی که مهبیای ارتکاب جرم هستند بگیرند. دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، با مشارکت کلیه ارگان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط و استفاده از نقطه نظرات اساتید دانشگاه‌ها و یا برگزاری جلسات متعدد کارشناسی، اقدام به تدوین آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان

معتادان و افراد در معرض خطر اعتیاد نمود و این آیین‌نامه را جهت اجرا در اختیار کلیه ارگان‌های مسئول قرار داد. امید است با مشارکت ارگان‌های رسمی و کمک از گروه‌های غیررسمی و مردمی، شاهد افزایش روزافزون این قسمت از سیاست جنایی در کشور باشیم. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲:۱۵)

اتخاذ تدابیر لازم در جهت رفع معضلات زیر می‌تواند در کنترل جرائم مواد مخدر مؤثر واقع شود:

الف) پرداختن به روش‌های اصولی جهت حراست و کنترل دقیق‌تر مرزهای کشور.

ب) کاهش مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم مناطق مرزنشین.

ج) برخورد اصولی و کارا با عوامل خارجی و باندهای بین‌المللی. د) همکاری‌های بین‌المللی در جهت مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر به طریق مختلف، از جمله استفاده از کنوانسیون سال ۱۹۸۸. م، برای استرداد مجرمین مواد مخدر.

ه) رفع موانع فرار مراجعت اتباع خارجه به کشورشان.

و) از آنجایی که همجواری با دو کشور افغانستان و پاکستان معضلات فراوانی را در امر مبارزه با مواد مخدر برای ما فراهم آورده، لذا انجام نشست‌های منطقه‌ای و اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل و کمک به استقرار دولت مقتدر در این کشورها ضروری به نظر می‌رسد.

ز) اصلاح قوانین مربوط به مبارزه با مواد مخدر و روزآمد کردن آن قوانین.

ح) تهیه قوانین جامع پیشگیری در زمینه اعتیاد و نیز قاچاق مواد مخدر.

ط) گسترش همکاری‌های بین‌المللی و اجرای عملی کلیه مواد کنوانسیون‌های مصوب.

ی) همکاری نزدیک‌تر کلیه ارگان‌های مسئول. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲:۱۶ - ۲۱)

۳-۸- الگوی کیفی و ارزیابی انتقادی آن

مدل کیفی را با توجه به یک رویکرد سنتی - که آغاز آن به نیمه دوم قرن هجدهم برمی‌گردد و در اوایل قرن بیستم به افول گراییده است - و بر اساس نظریه بازدارندگی مجازات‌ها می‌شناسیم. احیای نظریه بازدارندگی از دهه ۱۹۶۰ به بعد، به ظهور رویکردی نوین در مدل کیفی منجر گردیده است که تاکنون نیز ادامه داشته و طرفدارانی یافته است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲:۲۱) این رویکرد به «الگوی عدالت کیفی» معروف است که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۸-۱- نظریه بازدارندگی مجازات‌ها

علی‌الاصول مدل کیفی را بر اساس نظریه بازدارندگی می‌شناسیم. مبانی نظریه بازدارندگی را باید در اصول اولیه مکتب کلاسیک حقوق جزا جستجو کرد. معمولاً نویسنده ایتالیایی «سزاربکاریا» (جعفری، ۱۳۸۱: ۳۵) را بنیان‌گذار این مکتب می‌شناسند، این اصول از رساله

جرائم و مجازات‌های او که برای اولین بار در سال ۱۷۶۴ به چاپ رسید (همان)، استخراج می‌گردند.

بکارها بسیاری از عقاید خود را از دانشمندان دیگری نظیر توماس آکویناس و برخی از نظریه‌پردازان تئوری قراردادهای اجتماعی مانند هابز، لاک، ولتر و روسو وام گرفته است، بر اساس تئوری قرارداد اجتماعی «... افراد گرد هم می‌آیند و توافق می‌کنند که جامعه‌ای را تشکیل دهند. این توافق بنابراین فرض است که آنان تعیین می‌کنند چه چیزی را به دست آورند و نگاه‌دارند و چه چیز را رها کنند. آنان به توافقی آگاهانه دست می‌یابند تا در اجتماع با یکدیگر زندگی کنند. هر فرد چیزی را از دست می‌دهد تا چیزی دیگر را به دست آورد» (همان: ۳۷)

در این رویکرد، به انسان چونان موجودی منطقی که دارای اندیشه‌ای آزاد جهت انتخاب است نگریسته می‌شود. بر اساس این انتخاب، او می‌تواند تشخیص دهد که چگونه زندگی کند و چگونه عمل نکند. از آنجاکه اهم عقاید بکارها مرهون نظریه قرارداد اجتماعی بوده است، توجه او و سایر کسانی که با او هم‌اندیشه بوده‌اند به وضعیت اجتماعی زمان و شرایطی که در آن می‌زیسته‌اند معطوف گشت. این امر خصوصاً در رساله «جرائم و مجازات‌ها» ی او مشهود است. او تلاش کرد با توجه به مفهوم کرامت انسانی پیشنهادهایی را برای اصلاح نظام کیفری زمان خود عرضه کند.

در این راه البته همکاری برخی از اندیشمندان معاصر او چون الساندرو وری مأموری در زندان میلان و برادر او پیترو اقتصاددان، نیز بر عمق اندیشه‌های او افزود. او تلاش کرد که به توجیه چرایی تحمیل مجازات جهت کنترل جرم بپردازد.

رساله جرائم و مجازات‌های بکارها به شدت، شرایط نابرابر و نامساعد حقوق کیفری عصر وی و به‌ویژه ایتالیا را مورد حمله قرار داد و با جسارتی تمام، برای اصلاح این اوضاع پیشنهاداتی سازنده ارائه کرد. برخی از این اصلاحات، ناظر به شدت (Severity)، سرعت (Promptness) و حتمیت (Certainty) مجازات است.

در حالی که پیشنهاد او برای تحمیل مجازات مساوی به خاطر ارتکاب جرائم مشابه در واقع به معنی الغای تحمیل مجازات‌های خودسرانه بود که به‌وسیله قضات و به‌ویژه کلیسا اعمال می‌شد. بر اساس استدلال او، مجرم هر که می‌خواهد باشد، جز مجازات؛ چیز دیگری نباید بر او تحمیل شود. (همان: ۴۳ - ۳۹)

تأثیر اندیشه‌های بکارها و اجرای آن‌ها در عمل، خصوصاً در قانون‌گذاری کیفری ۱۷۹۱ فرانسه، برخی از نقایص دیدگاه کلاسیک را آشکار ساخت (همان: ۴۹) از آنجاکه بر اساس عقاید او امکان ملاحظه اوضاع و احوال دیگری و رای توجه به فعل مجرمانه جهت تحمیل مجازات وجود نداشت، خصوصاً تغییراتی چند با توجه به ویژگی‌های شخصیتی مجرمان و نیز با توجه به

اوضاع و احوال غیرعادی زمان ارتکاب جرم و غیره مدنظر قرار گرفت که مجموعه آن‌ها اصلاحات دیدگاه کلاسیک را در پی داشته‌اند.

این اصلاحات به حقوق کیفری اجازه مطابقت با شرایطی از قبیل سن، جنس، سلامتی یا عدم سلامتی عقل و نیز توجه به آنچه از آن‌ها تحت عنوان کیفیات مخففه و کیفیات مشدده یاد می‌شود داده‌اند.

از این تحولات، مکتب دیگری از حقوق کیفری پا به عرصه وجود نهاد که از آن تحت عنوان «نئوکلاسیک» یاد می‌شود. نوکلاسیک‌های اوایل قرن نوزدهم با شعار محوری «نه بیش از آنچه سودمند است و نه بیش از آنچه عادلانه است» (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۵۴) راهی میانه را برگزیدند آن‌ها رد خصوص جرم، قلمرو مسؤولیت ناشی از آن و نیز مجازات‌های اصولی را مطرح نمودند که مورد استقبال قرار گرفت.

در این رابطه به‌ویژه باید از معیارهای نئوکلاسیک‌ها در رابطه با جرم یاد کرد که تأکید می‌کردند. جرم اولاً نقض یک تکلیف اخلاقی است. لیکن نقض هر تکلیف اخلاقی موجب تحقق جرم نمی‌شود. همچنین از آنجا که جرم موجب اعمال واکنش رسمی می‌شود تنها برخی کردارها باید جرم تلقی گردند و به عبارت دیگر قلمرو حقوق کیفری باید به حداقل کاهش یابد.

در همین جهت چهارمین معیار مورد تأکید نئوکلاسیک‌ها نیز قابل توجه است بر این اساس تأکید شده است که تنها باید نسبت به جرم تلقی کردن آن دسته از اعمالی اقدام کرد که تردیدی در ماهیت ضد اخلاقی و آثار خوب آن‌ها بر نظم اجتماعی وجود نداشته باشد. آن‌ها فراتر از بنیان‌گذاران مکتب کلاسیک پیش از ظهور مکتب تحقیقی به شرایط مؤثر بر وقوع جرم و تأثیر عنصر اراده از اوضاع و احوال پیرامونی توجه نشان دادند و تأکید نموده‌اند که فراتر از کودکان و دیوانگان مورد توجه مکتب کلاسیک برخی دیگر از بزرگسالان و غیر مجانین نیز ممکن است دارای مسؤولیت کامل کیفری نباشند.

از سوی دیگر نوکلاسیک‌ها با تمرکز بر هدف مجازات‌ها، «بر مجازاتی شایسته» و درعین حال اصلاح‌کننده بزهکار و مفید برای او و جامعه تأکید می‌نمودند. درست به همین دلیل است که آن‌ها را بنیان‌گذار کیفرشناسی نیز نام نهاده‌اند. (همان: ۷۸ - ۶۳)

۳ - ۸ - ۲ - انتقادهای ناظر به الگوی کیفری

سیاست‌گذاران و به‌ویژه سیاستمداران بر نقش مجازات برای مقابله با جرم بسیار تأکید می‌ورزند. آنانی که معتقدند باید «به جرم مجرم سخت گرفت» این اصطلاح در بین نویسندگان حقوق کیفری بسیاری رایج است:

پیشنهاد می‌کنند زندان‌های بیشتر ساخته شود، مجرمان بیشتری دستگیر شوند و مجازات‌ها شدیدتر و سریع‌تر اعمال گردد. برای مردم عادی، ممکن است این شیوه مطلوب باشد؛ اما

حقیقت آن است که ارتباط بین مجازات و تکرار جرم به آسانی درک شدنی نیست و چه بسا بسیار پیچیده تر از آن است که گمان می رود.

بازدارندگی خاص، در روشن ترین وضعیت، زمانی محقق می شود که شخصی که سابقه تحمل مجازات دارد از ارتکاب مجدد جرم در آینده خودداری کند (دادگران، ۱۳۸۲: ۷۱) تجربه تحمل مجازات، موجب می شود که مجرم اطمینان داشته باشد در صورت ارتکاب جرم، مجدداً مجازات خواهد شد.

مبانی و کارکردهای نظریه بازدارندگی مجازات ها هم از نظر فلسفی و هم به وسیله مطالعات جرم شناختی به سختی مورد حمله قرار گرفته است. انتقادات وارده بر این نظریه را می توان به دودسته تقسیم کرد: دسته اول به مبانی این نظریه و صحت و سقم فلسفی و انسان شناختی آن باز می گردد و دسته دوم به کارآیی و کارکردهای آن در عرصه عمل.

عقلانیت انسان، آزادی اراده و شباهت انسان ها با یکدیگر در کیفیت تصمیم گیری، از مبانی مورد توجه نظریه بازدارندگی است که به ترتیب زیر مورد انتقاد واقع شده است:

بند اول: عقلانیت انسان، مخالفان تئوری بازدارندگی قویاً این نظریه را که انسان به نحوی عاقلانه رفتار خویش را محاسبه می کند، رد می کنند. آنان معتقدند عقل گرایان کلاسیک نقش ضمیم ناخودآگاه انسان در تعیین رفتارهای او را فراموش کرده، نادیده گرفته اند. (ژودیت، ۱۳۸۸: ۴۱) به علاوه، این اندیشه که انسان به طور عاقلانه ای تصمیم می گیرد و رفتار خویش را تعیین می کند، در واقع بیش از حد ساده کردن موضوع است.

در این باره «لسلی» و «هورتون» در اثر خویش می نویسند: «برای او (مجرم) اتخاذ تصمیم، متبلورسازی تدریجی و غیرقابل درک عادات و ارزش هایی است که از کلیت تجربه اجتماعی او ناشی شده، استخراج می گردد. برای او این پرسش که «آیا» مرتکب جرم شود یا نه وجود ندارد. تنها پرسش این است که مرتکب چه جرمی گردد و چگونه آن را انجام دهد تا بیشتر سودمند باشد. (همان: ۴۸)

درست به همان ترتیب که بیشتر مردم «تصمیم می گیرند» آیا کاتولیک یا پروتستان باشند بدون اینکه در این باره به طور کلی فکری کرده باشند، به همان ترتیب نیز اکثر مردم تصمیم می گیرند که آیا مجرم باشند یا غیرمجرم رویکرد کلاسیک به عقلانیت انسان از طرق دیگری نیز مورد حمله قرار گرفته است.

مخالفان این نظریه معتقدند افراد می توانند در مورد اعمال خویش در برخی موارد تصمیم بگیرند، اما این امر درباره همه امور امکان پذیر نیست. بسیاری از مرتکبان قتل و زنا به عنف، ضرب و جرح و همجنس بازان و دیگر مجرمانی از این قبیل بیان می دارند که به اجبار مرتکب این جرائم شده اند، بدون اینکه در این باره فکر کرده باشند.

اینان عاقلانه مرتکب این اعمال نشده اند؛ بلکه نسبت به احساسات و ادراکات خویش واکنش نشان داده اند.

عقل‌گرایی انسان، به‌ویژه در ارتباط با نقش مجازات مرگ برای پیش‌گیری و بازدارندگی از ارتکاب قتل عمد مورد بحث قرار گرفته است. معمولاً این‌گونه ادعا می‌شود که قتل ناشی از یک وضعیت احساسی فوق‌العاده غیرطبیعی است و به‌طور عمد مورد ارتکاب قرار نمی‌گیرد. قتل با سبق تصمیم در واقع یک استثناست. به همین دلیل، ادعا شده است که حتی برای این نوع از قتل نیز مجازات مرگ فاقد تأثیر است. برخی نیز به این دلیل مرتکب جرم می‌شوند که ناخودآگاه، خواهان تحمل مجازات‌اند، گرچه برای تشخیص این امر، مدارک زیادی در دست نیست. (همان: ۲۰ - ۴۵)

بند دوم: آزادی اراده، جرم‌شناسان مکتب تحقیقی، به‌ویژه با آزادی اراده انسان که از طرف بنیان‌گذاران مکتب کلاسیک به‌عنوان یک اصل بنیادین پذیرفته شده است، مخالفت می‌کنند. برخی از آنان می‌گویند: «برای مجرم این پرسش که آیا مرتکب جرم شود یا خیر، اصلاً وجود ندارد و بسیاری دیگر، آزادی مطلق اراده را نمی‌پذیرند.

آن‌ها معتقدند انسان به‌وسیله عوامل متعددی که جنبه‌های مختلف زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهند، شرطی می‌شود. احساسات، ارزش‌ها، عقاید، مفاهیم درست و نادرست و غیره در زندگی او تحت تأثیر عوامل خارجی قرار می‌گیرند.

این عوامل حتی برای تصمیم‌گیری، فرد را تحت فشار قرار می‌دهند؛ بنابراین این رویکرد نمی‌تواند صحیح باشد که با همه مجرمان از آن جهت که قانون واحدی را زیر پا گذاشته‌اند، به‌طور یکسانی رفتار شود؛ درحالی‌که برای مجرمان، این قانون واحد، هرگز یکسان نیست. به‌جای مجازات، بازپروری و درمان فردی باید جانشین گردند. (محمودی، ۱۳۹۰: ۲۱۴)

بند سوم: تشابه اساسی انسان‌ها با یکدیگر، این فرض که همه انسان‌ها اساساً در ارزیابی رفتارهای خود با یکدیگر شباهت دارند، از دیگر موضوعات مورد اختلاف درباره نظریه بازدارندگی است. بن‌تام تلاش می‌کرد که درجه خاصی برای اعمال مجرمانه تعیین کرده، راجع به هر کدام از آنان پاسخ مناسبی پیدا کند تا مجرمان را از ارتکاب آن‌ها بازدارد. فرض اولیه او این بود که یک معیار و میزان جهانی و کلی برای رنج و لذت می‌توان یافت که برای همه انسان‌ها به نحو یکسانی اجرا شدنی باشد.

این اندیشه از جهات متعدد مورد ایراد قرار گرفته است؛ تا آنجا که در مکتب نئوکلاسیک، پذیرش چنین فرضی نسبت به مجانین و صغار که از ارزیابی رفتار خویش ناتوان‌اند، مردود شمرده شده است. حتی در مورد غیر مجانین و صغار نیز چنین فرضی نمی‌تواند درست باشد. (همان)

انسان ثروتمند و انسان فقیر به نحو یکسانی به ارزیابی فعل مجرمانه خویش که مستحق جزای مالی است نمی‌پردازند. به همین ترتیب، کسی که از وضعیت اجتماعی شایسته برخوردار است، به همان نحو در مورد مجازات زندان نمی‌اندیشد که یک ولگرد. (همان: ۲۱۷)

به‌علاوه حتی در میان مجرمانی که به حسابگری اعمال خویش می‌پردازند، این امر یکسان نیست. مجرم مواد مخدر با یک قاتل و او نیز با قاچاقچی به‌گونه‌ای یکسان به ارزیابی رفتار خویش نمی‌پردازند؛ علاوه بر آنکه در میان این گروه از مجرمان نیز ارزیابی رفتار یکسان نیست.

بدین ترتیب، مجازات‌ها نمی‌توانند به نحوی کلی و جهانی که بر همه مجرمان به‌طور واحدی قابل اعمال باشند، مورد محاسبه قرار گیرند. آنچه ممکن است برای یک بزهکار، مجازاتی سخت محسوب گردد، می‌تواند برای مجرمی دیگر فوق‌العاده مطلوب تلقی شود. این انتقادات و علاوه بر آن انجام کثیری از پژوهش‌های کاربردی و ارائه رویکردها و نظریه‌های نوین موجب ایجاد تحولات عمیقی در عرصه درک و فهم عدالت کیفری گردید.

اجرا و اعمال نظریه بازدارندگی که می‌باید دست‌کم موجب کاهش میزان کلی جرائم از یک‌طرف و کاهش میزان تکرار جرم از طرف دیگر گردد، در تحقیقات متعدد جرم‌شناسان مورد ارزیابی قرار گرفته و انتقادات شدید جرم‌شناسان را به همراه داشته است.

نویسندگان مختلف، خصوصاً جرم‌شناسان مکتب تحقیقی صریحاً به نظریه مذکور تاخته‌اند. برخی از آنان گفته‌اند: «این تئوری نه دیگران را از ارتکاب جرم باز می‌دارد و نه مانع از بازگشت مجدد مرتکب جرم به ارتکاب آن می‌گردد؛ و یا گفته‌اند: «مجازات نه موجب ارعاب مجرم می‌گردد و نه تأثیر ارعابی خاصی بر دیگران دارد و برخی دیگر نوشته‌اند: «ترس از مجازات، مانع فرد از ارتکاب قتل، سرقت، تجاوز به عنف یا ارتکاب هرکدام از جرائم دیگر نمی‌شود» (همان: ۲۲۱)

۳-۹- تأثیر رابطه‌های اجتماعی افراد با میزان ارتکاب جرم

تشکیک و تردید در تأثیر مجازات‌ها بر ارتکاب اولیه یا ثانویه جرم از جهتی دیگر نیز مطرح شده است. برخی از نویسندگان به این نکته مهم اشاره کرده‌اند که افراد دارای رابطه اجتماعی قوی‌تر نسبت به کسانی که فاقد چنین رابطه‌ای هستند یا رابطه ضعیف‌تری با جامعه دارند، کمتر ممکن است مرتکب جرم یا تکرار جرم گردند.

بدیهی است کشف این رابطه که چگونه ارتباط اجتماعی قوی موجب کاهش ارتکاب جرم یا کاهش ادامه ارتکاب آن می‌شود، امری مشکل است و پاسخ به این سؤال که آیا ارتباط اجتماعی قوی‌تر موجب بازدارندگی بیشتر مجازات می‌شود یا خیر، نیز پرسشی است که قطعاً به آن پاسخ داده نشده است.

این پرسش به نحو دیگری نیز مطرح شده است: آیا افرادی که دارای ارتباط اجتماعی قوی‌تری هستند بیش از دیگران از مجازات هراس دارند؟ و برعکس، کسانی که فاقد چنین رابطه‌ای هستند یا رابطه ضعیف‌تری دارند، کمتر از مجازات هراس خواهند داشت؟

بعضی نویسندگان تلاش کرده‌اند با ارائه فرض‌هایی متعدد، به پرسش‌های مذکور پاسخ دهند. «گراس مایک» و «مک لاولین» به بیان سه فرض در ارتباط با ضمانت اجرای رسمی ناظر به جرم و کنترل‌های غیررسمی اجتماعی و رابطه این دو با یکدیگر پرداخته‌اند. اولین فرض آن است که ضمانت اجرای رسمی تنها در صورتی مؤثرند که افراد ارتباط کافی با اجتماع داشته باشند. در چنین حالتی آنان در صورتی از ارتکاب جرم خودداری کرده یا از تکرار آن پرهیز می‌کنند که کنترل‌های غیررسمی اجتماعی را نیز دریافت کرده یا از دریافت آن در امان نباشند. به‌عنوان مثال، احتمال از دست دادن شغل یا ترک همسر در صورت محکومیت به مجازات، موجب خودداری این دسته از افراد از ارتکاب جرم است. (هابرماس، ۱۳۸۴: ۲۵)

این در حالی است که در فرض دوم، برخی دیگر معتقدند مجازات‌های رسمی بر چنین افرادی که دارای ارتباطی قوی با دیگران و جامعه هستند نمی‌تواند تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته باشد. آنان معتقدند مجازات‌های غیررسمی که از ناحیه جامعه (خانواده و...) تحمیل می‌شوند، در میان این گروه، در واقع، جانشین مجازات‌های رسمی می‌گردند؛ اما برای کسانی که فاقد چنین ارتباط اجتماعی قوی هستند، مجازات‌های رسمی جانشین ضمانت اجرای غیررسمی می‌شوند. (همان)

بدین ترتیب برای گروه اول، اعمال مجازات‌های رسمی یا بیم از تحمل آن تأثیر بازدارنده‌ای نخواهد داشت این نتیجه را نویسندگان دیگر از طرق دیگری مورد تأکید قرار داده‌اند. برخی از آنان تأکید کرده‌اند کسی که از لحاظ اخلاقی در سطح عالی قرار داشته و از ارتکاب جرم خودداری می‌ورزد، در واقع بیشتر از کسانی که فاقد چنین تعالی روحی هستند از مجازات‌ها می‌هراسد از جمع این دو فرض می‌توان چنین نتیجه گرفت کسانی که ارتباط اجتماعی قوی‌تری با جامعه دارند و یا کسانی که از تعالی اخلاقی شایسته‌ای بهره‌مندند، احساس منفی قوی‌تری نسبت به رفتار مجرمانه دارند و بدین ترتیب، هراس آنان از تحمل مجازات‌ها یا در معرض ضمانت اجرای رسمی قرار گرفتن بیشتر است. از اینجا فرض دیگری حاصل می‌آید که بر اساس آن، هم مجازات‌های رسمی و هم ضمانت اجرای غیررسمی با یکدیگر موجب افزایش هراس از ارتکاب جرم یا ادامه ارتکاب آن می‌گردند. (همان: ۶۷)

از این دیدگاه، احتمال ارتکاب جرم فردی که هم از ضمانت اجرای رسمی در هراس است و هم از کنترل غیررسمی جامعه خود را در امان نمی‌یابد، به حداقل کاهش پیدا می‌کند. این فرض به‌وسیله نویسندگان متعددی مورد حمایت قرار گرفته است.

در ارتباط با تأثیر بازدارنده مجازات بر مجرمان، همان‌گونه که اشاره شد، بسیاری از تحقیقات صراحتاً بر این دلالت دارند که برخورداری از سابقه تحمل مجازات، احتمال تأثیر ارعابی و بازدارنده مجازات لاحق را کاهش می‌دهد، این در حالی است که برخی از نویسندگان معتقد بودند تأثیر حتمیت و شدت مجازات در طول زندگی مجرم، ثابت و پایدار باقی می‌ماند.

همچنین در تأیید یافته‌های «کلاستر» و «گرینبرگ» برخی دیگر از تحقیقات حاکی از این واقعیت است که مفهوم حتمیت و شدت مجازات برخلاف آنچه معمولاً فکر می‌شود، در طول زمان ناپایدار است و تجربیات جنایی جدید، این مفاهیم را تحلیل برده، تغییر می‌دهند. (همان: ۶۹)

علاوه بر این برخی خاطرنشان کرده‌اند که ارتباط و درگیری قبلی با نظام عدالت کیفری ممکن است موجب تغییر برآورد و اظهارنظر فرد از شدت و حتمیتی گردد که به واسطه آن قرار است مجازات، مرتکب را از ارتکاب مجدد جرم بازدارد. (همان)

۳-۱۰- بررسی تأثیر مجازات مجرمین مواد مخدر بر کیفیت زندگی خانواده‌های آنان

در «جرم‌شناسی» و بررسی علمی جرائم، توجه به «قربانی» و «قربانی‌شناسی» جایگاه ویژه‌ای داشته و علاوه بر جرائم و مجرمین آنچه مورد مطالعه قرار می‌گیرد قربانیان جرائم است (برور و هانتز، ۱۳۷۷: ۳۲).

با توجه به اینکه بیشتر فعالیت‌های مربوط به مواد مخدر به وسیله افراد عادی و گروه‌های محروم جامعه انجام می‌شود، بنابراین، دستگیری و زندانی شدن این افراد تأثیر جدی بر «کیفیت زندگی» خانواده‌های آن‌ها خواهد گذاشت و اعضای این خانواده‌ها به‌عنوان قربانیان مواد مخدر و مجازات زندان سرپرست خانواده می‌باشند.

یکی از مسأله‌های اساسی در این پژوهش بررسی کیفیت زندگی خانواده‌های زندانیان مواد مخدر در مقایسه با قبل از زندانی شدن سرپرست خانواده بوده است. این پژوهش با استفاده از نظریه کنترل اجتماعی در جامعه‌شناسان خرافات و نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو در روان‌شناسی اجتماعی انجام شده است. نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش‌فرض استوار است که در بررسی تأثیر زندان بر خانواده‌های زندانیان می‌بایست بر روابط درون خانواده و گرایش فرزندان به بزهکاری توجه نمود.

نظریه مازلو به ابعاد مختلف کیفیت زندگی اعم از مادی و غیرمادی توجه نموده است. این پژوهش با روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری در این پژوهش همسران زندانیان مواد مخدر شهر شیراز بوده‌اند که ۵۰۰ نفر آن‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب و با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه حضوری مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند.

در پژوهشی درباره مورد مطالعه خانواده‌های زندانیان مواد مخدر شهر شیراز نتایج حاصل از آزمون نشان می‌دهد که وضعیت امرارمعاش خانواده، روابط اجتماعی اعضای خانواده، وضعیت تحصیلی فرزندان، نحوه جامعه‌پذیری فرزندان، بهداشت روانی خانواده، کنترل فرزندان و تمایل آن‌ها به رفتار بزهکارانه، به‌عنوان متغیرهای سنجش کیفیت زندگی، در مقایسه با قبل از

زندانی شدن سرپرست خانواده تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین، مجازات مجرمین مواد مخدر تأثیر منفی بر کیفیت زندگی خانواده‌های آن‌ها داشته است. (کمسیون پژوهش و فن‌آوری استان فارس ۱۳۸۱)

۳-۱۱- قربانیان واقعی کیفرهای مربوط به مواد مخدر

درباره قاچاق مواد مخدر و توزیع و مصرف و پیشگیری و مبارزه با آن و زیان‌های جسمی، روانی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن تحقیقات وسیع و متعددی انجام گرفته است (اسبرن ۱۹۹۷، سیربلو و شایدر ۱۹۹۱، گانت ۱۹۹۴، الگیولاندر ۱۹۹۷، ۴).

این تحقیقات به نقش عواملی چون روابط نامناسب والدین با فرزندان، پدران غایب یا منفعل، سرخوردگی‌های اجتماعی، طرد عاطفی از سوی خانواده، افت تحصیلی، ناسازگاری‌های زناشویی، اختلالات ارتباطی و شخصیتی و روان‌پزشکی، از خودبیگانگی و عدم اعتماد به نفس، بیکاری، در دسترس بودن مواد و ناکارآمدی رسانه‌های جمعی و سازمانی‌های آموزشی و فرهنگی در جرائم مواد مخدر اشاره نموده‌اند.

اما آنچه در این میان مورد غفلت واقع شده تأثیر اشتغال سرپرست خانواده‌ها به قاچاق و توزیع مواد مخدر و مصرف آن بر کیفیت زندگی اعضای خانواده‌های آن‌ها به‌عنوان قربانیان جرائم مواد مخدر و همچنین تأثیر مجازات زندان سرپرست خانواده بر کیفیت زندگی خانواده‌های آن‌ها در ابعاد مختلف نظیر بهداشت روانی خانواده، وضعیت تحصیلی فرزندان، وضعیت معیشت خانواده، بزهکاری فرزندان و به‌طور کلی ارضای نیازهای آن‌ها است.

در دهه‌های اخیر به‌منظور شناسایی افرادی که قربانی جرایمی نظیر مواد مخدر می‌شوند جامعه‌شناسی مفهوم قربانی‌شناسی را توسعه داده‌اند. در مورد با زندانیان مواد مخدر، قربانی‌شناسی به توضیح وضعیت ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی خانواده‌های این گروه از زندانیان می‌پردازد. اعضای این خانواده‌ها به علت فعالیت‌های مجرمانه سرپرست خانواده، و محبوس بودن در زندان و یا اعدام، در معرض آسیب‌های آشکار و خصوصی و پنهان قرار می‌گیرند.

با رویکرد نظری قربانی‌شناسی، خانواده‌های زندانیان مواد مخدر به‌عنوان کسانی تعریف می‌شوند که حقوق انسانی آن‌ها تحت تأثیر جرائم مواد مخدر و حبس‌های طولانی‌مدت تضییع می‌شود و چنانچه کیفیت زندگی آن‌ها کاهش یافته باشد می‌بایست این امر مورد توجه دولت‌ها قرار گیرد (مازلو، ابراهام اچ، ۱۳۶۷: ۱۲۱)

مسأله اساسی در این تحقیق^۱ بررسی کیفیت زندگی خانواده‌های زندانیان مواد مخدر به‌عنوان قربانیان این نوع جرائم است. مقایسه کیفیت زندگی این خانواده‌ها قبل از زندانی شدن سرپرست خانواده با کیفیت زندگی آن‌ها در موقعیتی که سرپرست خانواده در زندان به سر می‌برد، تأثیر مجازات زندان بر کیفیت زندگی خانواده‌های زندانیان مواد مخدر مشخص گردیده است.

خانواده‌های قربانیان اعدام در زمینه مواد مخدر که دارای سرپرست مادر هستند با چالش‌های جدی مواجه هستند زیرا یک الگوی طبیعی خانواده آن است که پدر و مادر حاضر باشند، به‌عنوان یک گروه حمایتگر عمل کند و هریک از اعضاء از لحاظ عاطفی، اجتماعی و مادی حمایت شوند. هنگامی که به علت اعدام شدن سرپرست خانواده، وضعیت عینی از این الگو تبعیت نکند کیفیت زندگی پایین می‌آید (مازلو، ابراهام اچ، ۱۳۶۷: ۱۲۵)

در این قسمت از پژوهش فرض بر این است که اشتغال سرپرست خانواده به جرائم مواد مخدر به معنی انحراف از این الگو و تضعیف نقش حمایتی و عاطفی خانواده برای اعضایش بوده و در نتیجه به کاهش کیفیت زندگی خانواده منتهی می‌شود.

بنابراین، هدف کلی این قسمت از بحث پاسخ به این سؤال بوده است که وضعیت کیفیت زندگی خانواده‌های زندانیان مواد مخدر در مقایسه با قبل از اعدام شدن مرد خانواده از دیدگاه همسران زندانیان چگونه است؟ و قاچاق و توزیع و مصرف مواد مخدر و مجازات زندان تا چه حد توانسته است ابعاد و عناصر کیفیت زندگی این خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار دهد؟

۳-۱۲- کیفیت زندگی

مفهوم کیفیت زندگی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان بخشی از شاخص‌های زندگی اجتماعی پدیدار شد. (مازلو، ابراهام اچ، ۱۳۶۷: ۲۳) در این زمان، رشد اقتصادی به‌عنوان هدف اصلی پیشرفت اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته مورد شک و تردید واقع شد و هزینه‌های رشد اقتصادی مطرح گردید و این امر که آیا «بیشتر» با «بهتر» مساوی است، بحث‌های بیشتری را برانگیخت.

مفهوم کیفیت زندگی که از این بحث‌ها ناشی شده است، به‌عنوان بدیلی برای مفهوم سؤال‌برانگیز «جامعه غنی و فراخ زیست» مطرح گردید و به‌عنوان مفهومی جدید باهدف پیچیده‌تر و چندبعدی به بحث‌های خط‌مشی اجتماعی و سیاست وارد شد. این مفهوم دربرگیرنده تمام یا بخش عمده‌ای از حوزه‌های زندگی و زیرمجموعه‌های آن است و علاوه

^۱ تأثیر مجازات قاچاقچیان مواد مخدر بر قاچاق مواد مخدر و خانواده‌های قاچاقچیان در استان فارس»، ۱۳۸۱، کمیون پژوهش و فن‌آوری استان فارس: شیراز.

بر بهبود شرایط مادی و غیرمادی فرد تضمین شرایط طبیعی زندگی برای نسل‌های حال و آینده را نیز در بر می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۵۱)

کیفیت زندگی با رویکردهای نظری متفاوتی نظیر رویکرد توسعه پایدار، رویکرد فرامادی، نظریه دو عامله هرزبرگ، نظریه مککلند، نظریه ناهمسازی‌های چندگانه و نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو مورد مطالعه قرار گرفته است.

رویکرد توسعه پایدار با نگاهی کلی پدیده کیفیت زندگی را مورد توجه قرار داده و این پدیده را به‌عنوان یکی از راهبردهای توسعه پایدار و همه‌جانبه در نظر می‌گیرد. این رویکرد در سطح کلان با پدیده کیفیت زندگی برخورد می‌کند و ابزار لازم برای سنجش کیفیت زندگی در سطوح خرد را در اختیار محقق قرار نمی‌دهد.

رویکرد فرامادی برای جوامع فرا صنعتی فرمول‌بندی شده و سنخیتی با جامعه ایران ندارد زیرا این جوامع از مرحله نیازهای فیزیولوژیکی گذشته‌اند و وارد مرحله فرامادی شده‌اند. نظریه هرزبرگ حاصل پژوهش‌های سازمانی است و در مورد شغل و حرفه مطرح می‌شود و بیشتر کیفیت زندگی شغلی را سنجیده است. نظریه مک‌کلند به علت اینکه بر تعداد محدودی از نیازهای انسان تأکید می‌کند، در این پژوهش کاربرد ندارد. (احمدی، ۱۳۸۴)

نظریه ناهمسازی چندگانه به علت اینکه صرفاً بر نیازهای روانی انسان تأکید نموده و همه ابعاد کیفیت زندگی را پوشش نمی‌دهد، برای این پژوهش مناسب نیست؛ بنابراین، با توجه به کاستی‌های نظریه‌ها و رویکردهای موجود به نظر می‌رسد که نظریه سلسله مراتب مازلو به‌عنوان یکی از نظریه‌ها برای بررسی کیفیت زندگی خانواده‌های زندانیان مواد مخدر مناسب باشد زیرا در پژوهش‌های متعدد و در سنجش کیفیت زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار گرفته و از حمایت و تأیید بالایی برخوردار است (احمدی، ۱۳۸۴: ۳۶۵)

به‌علاوه، در نظریه مازلو متغیرهایی نظیر میزان برخورداری از خوراک و پوشاک و مسکن و به‌طور کلی امرارمعاش خانواده و میزان ارتباط با دیگران مورد توجه بوده، بر محیط به‌عنوان متغیر ثابت و مستقل و تأثیر آن بر ارضای نیازها تأکید نموده است (مازلو، ۱۳۶۷: ۳۳)

در مورد تأثیر زندان بر کیفیت زندگی خانواده‌های معتادین، قاچاقچیان و توزیع‌کنندگان مواد مخدر، نظریه کنترل اجتماعی یکی از نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات می‌باشد که به تبیین آن پرداخته است. این نظریه بر این پیش‌فرض استوار است که عدم حضور والدین در مجموعه خانوادگی بر کنترل فرزندان تأثیر گذاشته و آن‌ها را به «رفتار بزهکارانه» سوق می‌دهد (همان: ۹۵)

در این نظریه دلایلی ارائه می‌شود که آسیب‌های اجتماعی، نوجوانان و جوانانی را تهدید می‌کنند که به علت غیبت‌های طولانی‌مدت سرپرست خانواده، به‌ویژه به دلیل ارتکاب جرائم،

وابستگی کمی به خانواده داشته و تعلقات و تقیدات آن‌ها به خانواده اندک است (احمدی، ۱۳۸۴: ۶۱)

بنابراین، هنگامی که تأثیر زندان بر کیفیت زندگی خانواده‌های قاچاقچیان و توزیع‌کنندگان مواد مخدر و معتادین به‌عنوان قربانیان جرائم موردنظر است، م‌بایست به طبیعت روابط درون خانواده و فرایند جامعه‌پذیری فرزندان در خانواده توجه نمود.

این نظریه در برخی از پژوهش‌هایی که تأثیر زندان بر خانواده‌های زندانیان را مطالعه نموده، مورد استفاده قرار گرفته است (احمدی ۱۳۷۸: ۴۳). هنگامی که سرپرست خانواده به زندان‌های طولانی‌مدت و یا اعدام محکوم می‌شود روابط درون خانواده سست گردیده، فرایند جامعه‌پذیری فرزندان ناقص و ضعیف خواهد بود.

نظریه کنترل اجتماعی هنگامی که با نظریه نیازهای مازلو ترکیب شود، می‌تواند چارچوب نظری مناسبی را برای تبیین موضوع کیفیت زندگی خانواده‌های زندانیان مواد مخدر و تأثیر زندان بر این موضوع فراهم نماید؛ بنابراین، نظریه مازلو در روان‌شناسی اجتماعی و نظریه کنترل اجتماعی در جامعه‌شناسی انحرافات مبانی نظری را تشکیل داده‌اند.

۳-۱۳- سیر تحولات قانون‌گذاری در زمینه مبارزه با مواد روانگردان و

مخدر در حقوق ایران

قانون‌گذاری در زمینه مواد مخدر را در قالب قوانین قبل و پس از انقلاب می‌توان بررسی کرد. از آنجا که بسیاری از این قوانین منسوخ است تنها از این لحاظ که سیاست کنونی ایران را در زمینه مواد مخدر آشکار ساخته و به کاستی‌ها و پیامدهای هر دوره قانون‌گذاری پرداخته شود، قوانین قبل از انقلاب را به‌اجمال بررسی کرده و عمده مباحث را بر قانون فعلی و بیان کاستی‌ها و احیاناً امتیازات آن متمرکز می‌کنیم.

۳-۱۴- سیر تقنینی قوانین مربوط به مواد مخدر در ایران

۳-۱۴-۱- اصلاح قوانین منع کشت خشخاش و استعمال تریاک در سال ۱۳۳۸

قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک در سال ۱۳۳۴ به تصویب رسید. مطابق این قانون کشت خشخاش و واردات مواد افیونی (تریاک و شیره و سایر مشتقات آن) جرم محسوب شده و آیین‌نامه اجرایی این قانون برای کسانی که از این قانون تبعیت نکرده و مجرم شناخته شدند مجازات جزای نقدی و حبس را در نظر گرفته است. شایان ذکر است که این قانون بعد چهار سال اصلاح شد و این‌گونه بیان شد که هرگونه ساخت و واردات تریاک، سوخته و شیره تریاک، کوکائین و انواع مواد مخدر صنعتی و شیمیایی که در لیست سازمان ملل متحد مشخص شده‌اند. شایان ذکر است موادی که برای مصرف آن‌ها شرایط و ضرورت‌هایی از سوی سازمان

بهداشت جهانی آورده شده است نیز جزو همین مواد افیونی به شمار آمده و مشمول این قانون شدند.

این مجازات‌ها برای بار اول به صورت ۵ تا ۱۵ سال و در صورت تکرار جرم این مجازات را به صورت مجازات اعدام در نظر گرفته شد. لذا، در این قانون مجازات اعدام فقط شامل سازندگان و واردکنندگان مواد و تکرارکنندگان جرائم مزبور بود (کاظمی، ۱۳۹۳).

۳-۱۴-۲- اصلاح قوانین منع کشت خشخاش در سال ۱۳۴۲

این قانون در مهرماه سال ۱۳۴۲ اصلاح شد و مجازات اعدام را برای موارد زیر در نظر گرفت

- ۱) واردکنندگان و سازندگان هروئین و مرفین زمانی که میزان مواد از ۵ گرم بیش تر باشد.
- ۲) واردکنندگان و سازندگان تریاک زمانی که میزان مواد از ۵۰۰ گرم بیش تر باشد.
- ۳) فروشندگان، تهیه‌کنندگان و کسانی که در معرض فروش تریاک، مرفین، هروئین در صورتی که میزان مرفین و هروئین همراه آنان بیش از ۵ گرم و میزان تریاک بیش از ۳ کیلو باشد، زمانی که جرم خود را تکرار کنند.
- ۴) حمل‌کنندگان، خریداران و نیز کسانی که مرفین و هروئین را مخفی کرده‌اند در صورتی که میزان آن بیش از ۵۰ گرم باشد و خریداران تریاک زمانی که میزان آن بیش از ۵ کیلوگرم باشد زمانی که جرم خود را تکرار کنند.

۳-۱۴-۳- شدت بخشیدن به قانون مجازات مرتکبین اصلی جرائم مندرج در

قانون اصلاح منع کشت خشخاش سال ۱۳۴۸

بعد از چند سال، قانون‌گذار مجدداً به فکر شدت بخشیدن به مجازات قاچاقچیان مواد مخدر افتاد و قانون اصلاح شده در سال ۱۳۳۸ را از جهات مختلفی مورد تغییر قرار داد. تغییرات شدید این قانون نسبت به قوانین سال ۱۳۳۸ را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

- افزایش تعداد عناوین مجرمانه‌ای که شامل مجازات اعدام می‌شدند. به‌گونه‌ای که هرگونه وارد کردن، خرید و فروش هر مقدار تریاک، وارد کردن، فروش و ساختن هر مقدار مرفین، هروئین و کوکائین، همچنین هرگونه نگهداری اعم از نگهداری در خفا و یا حمل و نقل تریاک بیش از دو کیلو، مرفین، هروئین و کوکائین بیش از ده گرم در زمره مشمولین مجازات اعدام قرار می‌گرفتند. شایان ذکر است که مرتکبان جرائم مزبور همان اولین بار اعدام می‌شدند در این قانون صلاحیت رسیدگی از دادگاه‌های عمومی سلب و به دادگاه‌های نظامی که واگذار شد. شایان ذکر است که این قانون شدیدترین قانون در طول قانون‌گذاری مربوط به مواد مخدر می‌باشد (کاظمی، ۱۳۹۳).

۳-۱۴- تشدید قوانین مربوط به مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر سال

۱۳۵۹

در این قانون برای موارد کشت خشخاش، وارد کردن، ساختن، خرید و فروش تریاک به هر میزان، هرگونه نگهداری و یا مخفی کردن بیش از یک کیلو تریاک، خرید و فروش و در معرض فروش قرار دادن هروئین و مرفین و کوکائین بیش از ۵ گرم زمانی که مجرمان جرم خود را تکرار کنند، مجازات اعدام در نظر گرفته شد.

۳-۱۵- مصوبه ۱۳۷۶ در مبارزه با مواد مخدر

تشدید قوانین مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر که در سال ۱۳۵۹ به تصویب رسیده بود به مدت ۸ سال و تا سال ۱۳۶۷ در ایران اجرا شد. در سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با تصویب مصوبه‌ای برای مبارزه با مواد مخدر باعث ایجاد تغییراتی در این قانون شد که مهم‌ترین موارد تغییر این سیاست عبارتند از:

بر اساس این مصوبه برای کشت خشخاش تکرار جرم به صورت چهار مرتبه می‌باشد، همچنین در این مصوبه برای واردات و صادرات، نگهداری، تولید و توزیع، بیش از ۵ کیلو تریاک و در مورد هروئین، مرفین و کوکائین نیز به مقدار بیش از ۳۰ گرم مجازات اعدام در نظر گرفته شد. شایان ذکر است که این قانون نسبت به قوانین قبلی در مورد مجازات اعدام تا حدودی از اعتدال برخوردار بود. (رحمدل، ۱۳۸۵)

۳-۱۵-۱- اصلاحیه مصوبه مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۷۶

به فاصله زمانی ۹ سال از تصویب این مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام به اصلاح آن اقدام کرد؛ و در زمینه مجازات اعدام اصلاحاتی صورت گرفت که به این صورت بیان شدند:

۱) در این قانون نیز همانند قانون قبلی برای واردات و صادرات، تولید، خرید و فروش و توزیع بیش از ۵ کیلوگرم تریاک مجازات اعدام تعیین شد ولی در این قانون این‌گونه مقرر شد که «هرگاه محرز شود که مرتکبان این جرائم:

- برای اولین بار این کار را انجام داده باشند.

- مواد را توزیع نکرده باشند.

- مقدار مواد به اندازه ۲۰ کیلو یا کمتر باشد.

در صورت وجود این سه شرط دادگاه مجازات اعدام را به حبس ابد کاهش می‌دهد. در حالی که در قانون قبلی فقط با وجود عدم موفقیت مرتکب در توزیع و فروش تریاک در داخل کشور، مقدار این مواد به هر اندازه که بود، مجازات مرتکب از اعدام به حبس ابد کاهش پیدا می‌کرد. این در حالی است که طبق قانون جدید، شرط معافیت از اعدام این است که میزان تریاک از

۲۰ کیلوگرم بیشتر نباشد. شایان ذکر است که این مورد نسبت به قانون قبلی شدیدتر می‌باشد (رحمدل، ۱۳۸۵).

۲) برای مخفی کردن و همچنین حمل و نگهداری تریاک زمانی که میزان آن بیش‌تر از ۲۰ کیلوگرم باشد و این جرم سه بار اتفاق افتاده باشد، مجازات اعدام را تعیین کرده‌اند. شایان ذکر است که این قانون از این نقطه‌نظر عملکرد ضعیف‌تری نسبت به قانون قبلی دارد.

۳) اگر حمل و نگهداری تریاک به‌صورت سازمانی و باندهای قاچاق باشد مجازات مرتکب اعدام خواهد بود که در قانون قبلی چنین نبود و در واقع قانون‌گذار سازمان‌یافته بودن جرم و قصد توزیع مواد مخدر در داخل کشور را یک کیفیت مشخصه بیان کرده و برای چنین افرادی در همان بار اول مجازات اعدام را در نظر گرفته است.

۴) در قانون جدید نیز همانند قانون قبلی برای حمل و نگهداری همچنین ساخت و تولید، خرید و فروش، واردات و صادرات بیش از ۳۰ گرم هروئین، مورفین و کوکائین مجازات اعدام تعیین شده است.

۳-۱۶- دوران قبل از انقلاب جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تا سال ۱۳۳۴ (سیاست کنترل)

نخستین قانون مصوب در زمینه مواد مخدر «قانون تحدید تریاک» مصوب ۱۲۸۹/۱۲/۲۳ است که نکات عمده در این قانون ۶ ماده‌ای به شرح ذیل است:

۱- وضع مالیات بر تریاک (ماده ۱)

۲- پیش‌بینی مدت هفت سال برای از بین بردن زمینه مصرف تریاک (ماده ۴)

۳- در نظر گرفتن تحصیلات معافیت از مالیات برای تریاکی که از کشور خارج می‌شود (ماده ۵)

۴- در این قانون سه نقص عمده وجود داشت که با هدف تحدید تریاک در تضاد بود:

الف) خرید سوخته تریاک خود نوعی تشویق برای مصرف آن بود.

ب) معافیت از مالیات هم صادرات آن را تشویق می‌کرد که لازمه آن تولید یا وارد ساختن مواد مخدر و در نتیجه رواج مواد مخدر در کشور بود.

ج) با پیش‌بینی مدت هفت سال، عملاً در این مدت رواج مواد مخدر به رعیت شناخته شد.

این وضعیت یعنی رسمیت دادن به ترویج مواد مخدر ادامه داشت تا اینکه برای اولین بار ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴، استعمال علنی تریاک و الکل و سایر مواد مخدر را جرم دانست پس از آن قانون «انحصار دولتی تریاک» در ۲۶ تیر ۱۳۰۷ به تصویب شورای ملی رسید این قانون نیز با آن که درصدد بود تولید و توزیع تریاک را زیر نظارت و در انحصار دولت قرار داده و در مدت ده سال با کم کردن یک‌دهم از مصرف داخلی در هر سال، استعمال تریاک

در موارد غیرطبی در کشور ممنوع گردید، به دلایل زیر در برآورده ساختن اهداف خود ناکام ماند:

- ۱- تحویل سوخته تریاک به دولت (ماده ۱۰) خود نوعی تشویق به اعتیاد بود.
 - ۲- طبق ماده ۱۲ این قانون مسافران حامل تریاک که به سرحدات وارد می‌شدند اگر بیش از یک مثقال را گزارش نمی‌دادند، حکم قاچاق به آن تعلق می‌گرفت و به نظر می‌رسد هدف از این مقرر چیزی جز دریافت حق گمرک نبوده است.
 - ۳- طبق ماده ۱۵ دولت مکلف شد با کسر یک‌دهم از مصرف داخلی در هر سال، در مدت ۱۰ سال استعمال تریاک را در تمام مملکت متروک کند ولی همین تجویز استعمال ۱۰ ساله خود حرکتی بود به سوی مسأله اعتیاد.
 - ۴- تبصره ماده ۱۵ مقرر می‌کرد «مؤسسه انحصار برای ورود تریاک از خارجه هیچ اجازه نخواهد داد مگر آنکه اطمینان حاصل نماید که به مصرف داخلی نخواهد رسید» و این نوعی تشویق به ترانزیت مواد مخدر بود.
- می‌توان گفت در این دوران چون تریاک یک منبع درآمد ملی محسوب می‌شد و صادرات قانونی و غیرقانونی آن سهم در تأمین ارز خارجی برای کشور بوده هیچ‌یک از قوانین مصوب کوچک‌ترین اثر در اجرای هدف ننمود و دولت وظیفه‌ای در درمان معتادان به عهده نگرفت. (ساک، پیشین)
- قدم بعدی در قانون‌گذاری، تصویب «قانون مجازات مرتکبین قاچاق تریاک» در ۱۶ مرداد ۱۳۰۷ بود که با هدف مبارزه با صادرات و واردات تریاک بدون اذن دولت، به تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورا رسید. این قانون نیز گرچه قدمی به جلو برای مبارزه با اعتیاد بود، اما به دلایل زیر نتوانست این اهداف را برآورده سازد:
- ۱- طبق ماده ۶، حمل و نگهداری سوخته تریاک تا ۱۶ مثقال مجاز بود و برای بیش از این مقدار جریمه مالی در نظر گرفته شده بود. علاوه بر اینکه تجویز کمتر از ۱۶ مثقال تریاک، خود نادیده گرفتن استعمال تریاک برای تهیه سوخته بود و می‌توانست یک سهل‌انگاری قانونی و دولتی، برای ترویج اعتیاد به شمار آید.
 - ۲- طبق ماده ۶ داشتن بیش از ۱۶ مثقال تریاک، در هر مثقال یک قران خراجی نقدی در نظر گرفته شده بود ولی در خود تریاک این جریمه عبارت بود از دو قران و پانصد دینار (ماده ۲) این در حالی است که سوخته تریاک خطر بیشتری از خود تریاک به همراه دارد و همین سیاست موجب شد قانون سوخته تریاک رواج یابد.
 - ۳- به دلیل پیش‌بینی مجازات نقدی و ضبط شیر و آلات و ادوات و نه مجازات دیگر، دامنه شیره‌کشی وسعت یافت و شیره‌خانه‌های متعددی در سطح کشور تأسیس شد.
- از قوانین و مصوبات دیگر در این دوره می‌توان از قانون تخفیف باندرول تریاک (مصوب ۱۳۰۲/۲/۱۴)، قانون طرز جلوگیری از قاچاق تریاک (مصوب ۱۳۰۸/۹/۳)، قانون اصلاح قانون

انحصار دولتی تریاک (مصوب ۱۳۱۳/۴/۲۵)، قانون اصلاح بعضی از مواد قانون مرتکبین قاچاق (مصوب ۱۳۱۹/۳/۱۴) و تصویب‌نامه‌های هیئت‌وزیران (مصوب ۱۳۲۵/۶/۱۸ و ۱۳۲۶/۹/۲) در رابطه با مواد مخدر نام برد که هر یک سعی در ساماندهی تولید و توزیع تریاک داشتند و چنانکه اشاره شد به دلیل سوددهی فراوان تجارت مواد مخدر و داشتن درآمد مالی، هدفی جز سود فراوان دولت در میان نبود و تمام این حرکت‌های ظاهری می‌توانست بر میزان معتادان بیفزاید.

۳-۱۷- از سال ۱۳۳۴ تا انقلاب اسلامی (سیاست تولید و توزیع دولتی)

چنانکه اشاره شد تا قبل از سال ۱۳۳۴ به دلیل قانونی بودن تولید، توزیع و ترانزیت مواد مخدر هرچند به صورت محدود و تحت نظارت دولت، شمار معتادان به دلیل دسترسی به مواد اعتیادآور رو به فزونی بود و در واقع مصوبه‌های آن دوران حرکتی بود برای تأمین منابع درآمد ملی تا اینکه در ۷ آبان ۱۳۳۴ با تصویب قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک قدمی اساسی در مبارزه با اعتیاد برداشته شد.^۱

این حرکت در نخستین گام‌ها به قدری حرکت جدی به شمار می‌آمد که ایران در تبصره واحده «قانون الحاق دولت ایران به پروتکل تحدید و تنظیم کشت خشخاش و تولید و تجارت بین‌المللی و تجارت عمده مصرف تریاک» (مصوب ۱۳۳۶/۸/۱۴) بر این امر تأکید کرد که: «الحاق ایران به این پروتکل به هیچ‌وجه تأثیری در قانون منع کشت خشخاش مصوب هفتم آبان ماه ۱۳۳۴ نخواهد داشت.»

متعاقباً آئین‌نامه این قانون در ۱۳۳۴/۱۰/۱۹ به تصویب رسید و در سال ۱۳۳۸ قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش برای رفع کاستی‌های قانون مورد تصویب قرار گرفت که تعریف و تعیین مواد مخدر را می‌توان از جمله اقدامات قانون‌گذار در این مقطع دانست. در این مدت «اصل عدم دسترسی به مواد مخدر و توسعه در درمان» مورد توجه بود ولی متأسفانه در این حرکت، تجارت غیرقانونی و قاچاق تریاک از خارج به ایران به‌منظور ارضای تقاضای شدید معتادین به تریاک افزایش یافت. تا جائیکه قانون‌گذار ناچار شد در ۱۳۴۷/۱۲/۱۳ قانون اجازه کاشت محدود خشخاش و صدور تریاک را به تصویب برساند. در این قانون مکرر به ترک تریاک و در نظر گرفتن ضمانت اجرای اخراج در مشاغل مهم در نظر گرفته شده و بر آن تأکید شده بود و به نظر می‌رسد در آن زمان چنین تصمیمی شایسته بود باین‌حال، می‌توان این حرکت را یک‌قدم به عقب و برگشت به اعتیاد و معتادپروری دانست. خصوصاً با توجه به‌عنوان قانون (اجازه کشت محدود خشخاش و صدور تریاک) که هم مواد مخدر را برای معتادان داخلی فراهم می‌کرد و هم صدور آن می‌توانست سلامتی کشورهای دیگر را هم به خطر اندازد.

^۱ - تأسیس سازمان مبارزه با تریاک، از پیامدهای مهم این قانون بود.

همچنین منوط کردن دست برداشتن دولت از این اقدام نا به جا به موقوف شدن منع کشت خشخاش در کشورهای همسایه، خود حرکتی بود در ترویج اعتیاد و به هر حال تولید حجم مواد مخدر چه در داخل و چه در خارج و همچنین مجاز دانستن تولید آن برای صدور، می توانست قدم بزرگی در افزایش حجم مواد باشد و از آنجا که در نهایت این مواد به مصرف می رسید، معتادان بیشتری را هم در دامان جامعه یا حتی کشورهای دیگر بر جای گذاشت. در عمل با قانونی شدن کشت تریاک و تأیید صوری بر محدودسازی آن، مسابقه تولید تریاک میان کشورهای منطقه شروع و به ازدیاد معتادان منجر شد.

متأسفانه این قانون هم به دلیل نبود فرهنگ مصرف در جامعه و صرفاً برخورد قانونی، نتوانست در امر مبارزه با اعتیاد کارگر باشد.

۳-۱۸- دوران پس از انقلاب جمهوری اسلامی ایران (سیاست تحریم و مبارزه)

چنانکه گذشت در قبل از انقلاب حاکمان وقت ضمن آنکه سعی داشتند از طریق تولید و صدور مواد مخدر درآمد ملی کشور را بالا ببرند و به سادگی از این سود سرشار نمی توانستند چشم پوشی کنند، قوانینی را هم در این راستا به تصویب رساندند، هرچند توجه به معتادان و درمان آنان نیز هیچ گاه دور از نظر قانون گذار نبوده و همواره راه های مختلفی را در نیل به این هدف می آزمودند.

با آغاز انقلاب اسلامی، به دلیل تازه کار بودن دولت جدید و مشغولیت های فراوانی که در تثبیت حکومت وجود داشت، از توجه به امر اعتیاد غفلت شد و دو مسأله اعتیاد را در کشور تشدید نمود:

۱- به دلیل آنکه در شرع فتوایی بر حرمت مصرف تریاک وجود نداشت، در تصویب قوانین مرتبط با اعتیاد اصل مسأله، مسأله ای نامشروع تلقی نمی شد و از این رو در آن فضای حاکم، قانون گذار درصدد دفع مطلق آن و برخورد با اعتیاد نبود.

۲- سیستم توزیع کوپنی تریاک در این زمان سیستم مناسبی به شمار می آمد، لذا دولت جدید در همین راستا حرکت کرد و در اوایل انقلاب با کشت مواد مخدر در داخل موافقت نمود ولی به دلیل کنترل نشدن کشت، علاوه بر موجودی انبارها، مواد دیگری هم از سوی کشاورزان کشت و بر میزان قبلی افزوده شد و تولید بیشتر با مصرف بالاتر ملازمه داشت که به نتایج زیانباری منجر شد.

با تصویب نامه مورخ ۱۳۵۷/۷/۲۳ هیأت وزیران، دولت موقت چراغ سبزی به کشاورزان نشان داد و باعث شد حدود ۴۰۰۰۰ هکتار زمین زیر کشت خشخاش قرار گیرد، علاوه بر آن که ۴۰ تن تریاک در انبارها نگهداری می شد به دنبال آن فروش تریاک خریداری شده از کشاورزان به

معتادان به موجب تصویب‌نامه‌ای در مورخ ۱۳۵۸/۶/۳ به مرحله اجرا درآمد و در ۱۳۵۸/۱۱/۶ مقرر شد تریاک‌هایی که توسط کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران کشف می‌شود، به وزارت کشاورزی و عمران روستایی فروخته شده و وجه آن به کمیته مرکزی امام پرداخت گردد. (ساک، پیشین)

با تصویب لایحه قانونی «تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادان» در ۱۳۵۹/۳/۱۹ در ماده ۲ برای کشت خشخاش در بار اول ۳ تا ۱۵ سال زندان در نظر گرفته شد. با تصویب این قانون کلیه مقررات و قوانین مربوط به منع کشت خشخاش و مجازات مرتکبین آن به استثنای تصویب‌نامه مورخ مرداد ۱۳۳۸ راجع به فهرست مواد، از تاریخ اجرای لایحه فوق ملغی‌الاثرا شد.

مهم‌ترین سیاست‌های کیفری را در این قانون می‌توان بدین شرح برشمرد:

۱- منع کشت خشخاش و پیش‌بینی مجازات ۳ تا ۱۵ سال زندان برای بار اول و اعدام در صورت تکرار آن (ماده ۲۰).

۲- پیش‌بینی اعدام برای وارد کننده، سازنده و فروشنده این مواد و همچنین برای کسی که بیش از یک کیلو را نگهداری، حمل و یا مخفی نماید.

۳- مصادره اموال منقول و یا غیرمنقول که به علت ارتکاب جرائم فوق تحت تعقیب قرار گیرند.

۴- جرم شناختن اعتیاد و دستگیری و مجازات معتادان و لگرد.

۵- مکلف شدن دولت به تهیه مراکز مجهز برای بازپروری و آموزش معتادان (ماده ۱۹)

همچنین طبق لایحه قانونی مصوب ۱۳۵۸/۲/۲۸، رسیدگی به جرائم مواد مخدر به دادگاه انقلاب واگذار شد. چنانکه ملاحظه می‌شود روح حاکم بر این قانون، مجازات‌گرایی است و در حالی که کشت خشخاش در کشور در اوایل انقلاب مجاز شناخته شده بود در این قانون مجازات اعدام برای آن در نظر گرفته شد.

پس از آن «قانون مبارزه با مواد مخدر» در ۱۳۶۷/۲/۳ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. عمده تغییرات این قانون را می‌توان چنین برشمرد:

۱- پیش‌بینی مجازات اعدام در قانون قبلی برای کسی که برای بار دوم به کشت خشخاش اقدام کند، چندان از وجهه شرعی برخوردار نبود و نمی‌توانست چنین مجازات سنگینی توجیه مناسب قانونی داشته باشد، جز شرایط حاکم بر جامعه آن روز که در قانون جدید مجتمع قدمی اساسی برای این امر برداشت و اعدام را (در ماده ۲) برای کسی پیش‌بینی کرد که برای بار چهارم به کشت خشخاش مبادرت کرده باشد.

۲- طی استفتای به عمل آمده از حضرت امام (ره) ایشان جواز حکم اعدام را به صدق مفسد فی الارض منوط کرده بودند که مصادیق آن مبهم و تنها مستند آن آیه مربوط به محاربه بود. (ساک، پیشین)

۳- تعیین مدت شش ماه برای ترک اعتیاد برای کسانی که کمتر از ۶۰ سال سن دارند و بعد از این مدت در مواد مذکور در ماده ۸ برای بار اول مجازات و در بقیه موارد برای بار اول مجازات تأمینی در نظر گرفته شد.

۴- پیش‌بینی مراکز بازپروری برای کسانی که ظرف مدت مقرر ترک اعتیاد نکرده باشند.

۵- اجرای احکام اعدام را به تأیید دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور منوط کرد. در این قانون، قید ولگرد که در ماده ۸ قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به‌منظور «مداوا و اشتغال به کار معتادین» آمده بود، حذف شد و استعمال مواد مخدر حتی با مجوز طبی جرم شناخته شد.

۶- معاف شمردن معتادان بالای شصت سال.

این قانون هم به دلیل کاستی‌های آن دست‌خوش تغییر و اصلاح قرار گرفت و با عنوان «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن» مصوب ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، در ۷۶/۶/۱۷ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. (ساک، پیشین) پس از آن در ۱۳۸۹/۵/۹ اصلاحات جدیدی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون فوق‌الذکر انجام پذیرفت و تغییراتی بنیادی و عجیب در قانون جدید صورت پذیرفت که به شرح ذیل به توضیح مختصری در رابطه با آن می‌پردازیم:

۳-۱۸-۱- تغییر بنیادین مجازات‌های مواد روانگردان

مهم‌ترین و عمده‌ترین اصلاح در این مصوبه، تغییر فاحش و جدی مجازات‌های مربوط به مواد روانگردان می‌باشد. ماده ۱ قانون مربوط به مواد روانگردان ۱۳۵۴/۲/۸ که تا قبل از اصلاحات حاضر حاکم بر جرایم مذکور بود، مقرر می‌داشت «مواد روانگردان به موادی گفته می‌شود که در فهرست‌های چهارگانه ضمیمه این قانون مندرج است ...» و این مواد نیز به‌موجب فهرستی چهارگانه تعیین شده بود که بررسی تخصصی این موارد خارج از بحث حاضر است. صرفاً قابل‌ذکر است که مواد جدول یک از نظر قانون‌گذار، بسیار خطرناک‌تر از مواد مندرج در سه جدول بعدی بود و به همین جهت مجازات مواد مندرج در جدول یک بسیار متفاوت از سایر جداول بود.

با این توضیح که ماده ۳ قانون مذکور مرقوم می‌داشت: «هرکس مواد مندرج در فهرست شماره یک را بسازد یا بفروشد یا برای فروش عرضه کند و یا بدون اجازه وزارت بهداشتی عالمماً وارد یا نگهداری یا حمل نماید حسب مورد به مجازات‌های زیر محکوم خواهد شد:

الف) برای ساختن به حبس دائم.

ب) برای فروختن یا به معرض فروش گذاشتن حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال.

ج) برای وارد کردن بیش از ده گرم حبس دائم و برای ده گرم یا کمتر حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال.

د) برای نگهداری و یا حمل غیرمجاز بیش از مقدار ده گرم حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال و برای ده گرم یا کمتر حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال.

تبصره- مواد مذکور و لو اینکه با مواد دیگری مخلوط یا محلول باشد از نظر مجازات خالص محسوب می‌شود مشروط بر اینکه به همان صورت قابل مصرف باشد.

ماده ۴ این قانون نیز در باب تعیین مجازات برای سایر مواد روانگردان، بیان می‌داشت: «هر کس مواد مندرج در فهرست‌های شماره ۲ و ۳ و ۴ ضمیمه این قانون را بدون اجازه وزارت بهداشت بسازد یا وارد یا صادر نماید علاوه بر ضبط مواد مزبور به حبس جنج‌های از ۶۱ روز تا ۳ سال محکوم خواهد شد.» و نهایتاً ماده ۸ این قانون نیز، در مقام تعیین مجازات برای نگهداری مواد مذکور در ماده ۴ این قانون به‌وسیله افراد غیرمجاز، علاوه بر ضبط مواد مذکور حبس جنج‌های تا شش ماه پیش‌بینی نموده بود ... (محمود جانکی، ۱۳۸۷)

بدیهی است که مجازات‌های پیش‌بینی شده در این قانون، خصوصاً با گسترش و فراگیری مواد فوق در طی سال‌های اخیر هماهنگی نداشت. به‌ویژه آنکه مواد روانگردان موجود در ایران (شیشه یا مفتامین) از جمله مواد مندرج در جدول دوم بود که مجازات سبکتری داشت. همین موضوع قانون‌گذار را به تکاپو واداشت تا با انجام تغییراتی اقدام به سنگین‌تر نمودن مجازات‌های فوق نماید که نهایتاً بعد از مدت‌ها بحث و اظهارنظر، نهایتاً اصلاحات حاضر به عمل آمد که قطعاً باید آن را انقلابی بسیار بزرگ و دور از ذهن در مجازات مواد روانگردان دانست.

به‌موجب این اصلاحات، جرایم مربوط به مواد روانگردان تابع مواد ۴ تا ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر قرار گرفت. با این توضیح که برخی از این مواد شیمیایی تابع ۴ تا ۷ قانون مذکور (یعنی مجازات‌های قانونی بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک که دارای مجازات‌های خفیف‌تری می‌باشند) قرار گرفته و برخی دیگر تابع ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر در کنار هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین (که مجازات‌های بسیار شدیدی دارند) قرار گرفته است!

از همه مهتر اینکه، شیشه که در قانون سابق زیرمجموعه جدول دوم بود که از مجازات‌های بسیار خفیفی برخوردار بود به طرز عجیبی مشمول ماده ۸ قرار گرفت. یعنی در حال حاضر، هر کسی که شیشه را وارد کشور کند یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید و فروش آن نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهد شد:

۱- تا ۵ سانتی‌گرم، از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا پنجاه ضربه شلاق.

۲- بیش از ۵ سانتی‌گرم تا ۱ گرم، از دو میلیون تا شش میلیون ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق.

۳- بیش از ۱ گرم تا ۴ گرم، از هشت میلیون تا بیست میلیون ریال جریمه نقدی و دو تا پنج سال حبس و سی تا هفتاد ضربه شلاق.

۴- بیش از ۴ گرم تا ۱۵ گرم، از بیست میلیون تا چهل میلیون ریال جریمه نقدی و پنج تا هشت سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.

۵- بیش از ۱۵ گرم تا ۳۰ گرم، از چهل میلیون تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.

۶- بیش از ۳۰ گرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

یعنی در حال حاضر حمل، نگهداری یا هر صورت ارتباطی دیگر با ماده روانگردان شیشه وقتی بیش از سی گرم باشد، دارای مجازات اعدام است. در حالی که در قانون سابق مجازات حمل و نگهداری شیشه هر چند اگر چند تن می بود، از شش ماه حبس فراتر نمی رفت! البته بدیهی است که این روش قانون گذار عقلانی نیست و منطقاً درست نبوده که موادی که تا چندی قبل، مجازات های این چنینی داشته به یکباره چنین تغییر دور از ذهنی نماید و بدیهی است که این اقدام در تعارض با اصول حاکم بر حقوق جزا و تعیین مجازات برای جرم است. (محمود جانکی، ۱۳۸۷)

درست است که مجازات های سابق شیشه، منطق چندانی نداشت و ضعیف بود ولی تشدید یکباره این مجازات تا این حد، از حالت قبلی هم غیرمنطقی تر بوده و در تعارض با عدالت است. به نظر می رسد قانون گذار که در مقام تشدید مجازات بوده حداکثر باید مواد روانگردان را مشمول مواد ۴ و ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر می دانست. در ارتباط با صلاحیت دادگاه رسیدگی به جرائم مربوط به مواد روانگردان باید اذعان نمود که تفاوت چشمگیر دیگری با قانون سابق به چشم می خورد. رسیدگی به جرایم مواد مذکور، از این به بعد مستنداً به ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۷۹، از صلاحیت دادگاه عمومی خارج و در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب قرار گرفته است.

برخلاف قانون سابق که آراء صادره از دادگاه نخستین، قابلیت تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان را داشت، با شمول قانون مبارزه با مواد مخدر این موضوع منتفی است و از این به بعد، در غیر مجازات اعدام، آراء صادره در زمینه مواد روانگردان، قطعی و در مورد اعدام نیز، صرفاً برای تأیید به دادستانی کل کشور و یا دیوان عالی کشور برای اعمال ماده ۳۲ قانون مذکور ارسال می گردد. یعنی از این حیث نیز، حقوق متهم تا حد زیادی نادیده گرفته خواهد شد و با زیر پا گذاشتن اصول حقوق دفاع، حق تجدیدنظرخواهی از این محکومین نیز سلب می گردد!

در عمل، جرایم مربوط به مواد روانگردان نیز به جهت شمول این مقرره ی قابل انتقاد در اکثر موارد قطعی است که این موضوع از ایرادات اساسی به قانون مذکور و همچنین جرایم فوق است. با این توضیح که در نظام قضایی ما که در دعاوی مدنی خواسته های مدنی برابر ماده

۳۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی در کلیه دعاوی غیرمالی قابل تجدیدنظر است و در دعاوی مالی نیز در صورتی که بیش از سیصد هزار تومان باشد قابلیت تجدیدنظرخواهی دارد و یا در قانون آئین دادرسی کیفری به موجب ماده ۲۳۲ قانون مذکور از جمله مواردی چون ضبط اموال بیش از یک میلیون ریال و جرایمی که مجازات قانونی آن بیش از سه ماه حبس یا شلاق (به هر میزان، حتی یک ضربه) و جزای نقدی بیش از پنجاه هزار تومان قابل تجدیدنظر است، مجازات حبس ابد در این جرایم خاص قطعی و در مورد مجازات بسیار سنگین اعدام هم صرفاً نیاز به تنفیذ در دادستانی کل کشور یا دیوان عالی کشور دارد یعنی باز هم تجدیدنظرخواهی در مفهوم دقیق آن مصداق ندارد.

بدیهی است که این مسئله هیچ سازگاری و تناسبی با میزان مجازات و عدالت نداشته و در تعارض مستقیم با اصول شریف فقهی و قانونی برائت و احتیاط در دماء مسلمین است چرا که کوچکترین اشتباه ممکن است موجب آسیب غیرقابل جبرانی بر متهم و خانواده وی و تبعاً جامعه گردد و بدیهی است هیچ کس هم نمی تواند ادعا کند که فرض اشتباه، حتی در دقیق ترین رسیدگی ها را ندارد. با توجه به این امر ضرورت اقدام به اصلاح جدی مقررات مذکور احساس می گردد. (محمود جانکی، ۱۳۸۷)

۳-۱۸-۲- تغییر نگرش در خصوص اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان

در خصوص بیمار یا مجرم بودن معتاد مباحث فراوانی میان روانشناسان، پزشکان و حقوقدانان تاکنون جریان داشته است. نگرش قانون گذار در این باب، در برهه های مختلف متغیر بوده است. با این توضیح که در قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۴، قانون گذار استعمال مواد مخدر بدون مجوز پزشکی را جرم تلقی می کرد. ماده ۹ لایحه قانونی راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۸ نیز، همین وضع را داشت البته در این قانون، اخراج کارمندان معتاد به مواد مخدر نیز به عنوان مجازات پیش بینی شده بود تا اینکه در تحوّل بزرگ، آئین نامه اجرائی راجع به قانون کشت محدود تریاک مصوب ۱۳۴۸ بین معتادان قائل به تفکیک شد و افراد معتاد زیر ۶۰ سال را مجرم و بالای ۶۰ سال را بیمار و برای آن ها کارت سهمیه پیش بینی کرد.

ماده ۲۰ لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین مصوب ۱۳۵۹، به معتادان ۶ ماه مهلت ترک داد. ماده ۸ این لایحه قانونی، استعمال مواد را بدون مجوز پزشکی جرم دانست و در همین قانون، کارت های سهمیه مواد مخدر نیز باطل شد.

در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۶۷ و همچنین اصلاحات سال ۷۶ کماکان اعتیاد جرم تلقی شده بود و برای آن مجازات شلاق و جزای نقدی پیش بینی شده بود. ماده پانزدهم این قانون و تبصره های ذیل آن صراحتاً بیان می داشت؛ اعتیاد جرم است ولی به کلیه معتادان اجازه

داده می‌شود، به مراکز مجازی که از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشخص می‌گردد مراجعه و نسبت به درمان و بازپروری خود اقدام نمایند. معنادان مذکور در طول مدت درمان و بازپروری از تعقیب کیفری جرم اعتیاد معاف بودند. (دهدار زاده، ۱۳۸۷)

برابر ماده شانزدهم این قانون، معنادان به مواد مخدر مذکور در دو ماده‌ی ۴ و ۸ به یک میلیون تا پنج میلیون اجرای نقدی و تا سی ضربه شلاق، محکوم می‌شدند و در صورت تکرار، برای هر مرتبه، مجازات هر بار تا ۷۴ ضربه شلاق تشدید می‌گردید و اگر مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و یا ارگان‌های دولتی یا وابسته به دولت می‌بود، علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق، به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شد ولی چنانچه در آینده ثابت می‌شد که محکوم، ترک اعتیاد کرده است مجدداً می‌توانست مراحل استخدام را طی کرده و مشغول خدمت در دستگاه‌های دولتی شود.

در اصلاحات اخیر، این مواد نیز با تغییر نگرش قانون‌گذار به‌طور عمده متحول شد. به‌موجب ماده ۱۵ اصلاحی، معنادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد در درمان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند. معتادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نمایند مجرمند و به‌موجب ماده ۱۶ اصلاحی نیز، معنادان به مواد مخدر و روانگردان مذکور در دو ماده ۴ و ۸ فاقد گواهی موضوع ماده ۱۵ و متجاهر به اعتیاد، با دستور مقام قضایی برای مدت یک تا سه ماه در مراکز دولتی و مجاز درمان و کاهش آسیب نگهداری می‌شوند، تمدید مهلت برای دوره سه‌ماهه دیگر با درخواست مراکز مذکور بلامانع است. با گزارش مراکز مذکور و بنا بر نظر مقام قضایی، چنانچه معتاد آماده تداوم درمان طبق ماده ۱۵ این قانون باشد، تداوم درمان وفق ماده مزبور بلامانع است.

برابر تبصره ۱ ماده ۱۶ اصلاحی، با درخواست مراکز مذکور و طبق دستور مقام قضایی، معنادان موضوع این ماده مکلف به اجرای تکالیف مراقبت بعد از خروج می‌باشند که بنا بر پیشنهاد دبیرخانه ستاد با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد و مطابق تبصره ۲ همین ماده، مقام قضائی می‌تواند برای یک‌بار با اخذ تأمین مناسب و تعهد به ارائه گواهی موضوع ماده ۱۵ این قانون، نسبت به تعلیق تعقیب به مدت شش ماه اقدام و معتاد را به یکی از مراکز موضوع ماده مزبور معرفی نماید. مراکز مذکور موظفاند ماهیانه گزارش روند درمان معتاد را به مقام قضایی یا نماینده وی ارائه نمایند. در صورت تأیید درمان و ترک اعتیاد با صدور قرار موقوفی تعقیب توسط دادستان، پرونده بایگانی و در غیراینصورت طبق مفاد این ماده اقدام می‌شود.

تمدید مهلت موضوع این تبصره با درخواست مراکز ذی‌ربط برای دوره سه‌ماهه دیگر بلامانع است و نهایتاً اینکه به‌موجب تبصره ۳ همین ماده، تخلف بدون عذر موجه از تکالیف تبصره (۷) ماده ۱۶ به حبس از نودویک روز تا شش ماه محکوم می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در خصوص معتاد سیاست تقنینی کاملاً تغییر نموده است و صرف‌نظر از ایرادات فراوانی که به نحوه قانون‌گذاری وجود دارد، سیاست جدید، گرایش به بیمار تلقی نمودن معتاد دارد مگر اینکه شخص بیمار از انجام تکالیف پیش‌بینی شده در این قانون خودداری ورزد که در این صورت به‌موجب تبصره ۳ ماده ۱۶ به حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه محکوم می‌شود. در واقع می‌توان گفت بر اساس مقرره جدید، اعتیاد با لذات جرم نیست ولی اگر شخص معتاد باشد و تکالیف مندرج در قانون را انجام ندهد، به جهت این ترک فعل مجازات می‌گردد.

در همین‌جا لازم به ذکر است که برخلاف اعتیاد، استعمال مواد مخدر و همچنین مواد روانگردان برای افرادی که اعتیاد به این مواد ندارند، جرم است و قانون‌گذار با تفصیل بین مواد ماده ۴ (تریاک، شیر، حشیش و ...) و ماده ۸ (هروئین، مرفین، شیشه و ...) مجازات‌های جداگانه‌ای تعیین نموده است. به‌موجب ماده ۱۹ قانون مذکور مواد دسته اول دارای بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی است در حالی که مواد دسته دوم دارای مجازات پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا ده میلیون ریال جزای نقدی است. یعنی هرچند در مورد اعتیاد گرایش به بیمار تلقی شدن وی در اصلاحات جدید وجود دارد ولی استعمال مواد مخدر کماکان جرم و قابل مجازات است.

۳-۱۸-۳- تغییر مجازات مصادره اموال به مصادره اموال ناشی از همان جرم در جرایم مواد مخدر

تغییر عمده سوم در اصلاحات ۱۳۸۹، تغییر منطقی مجازات مصادره اموال (که در جرایم مواد مخدر در بسیاری موارد شایع می‌باشد) به مصادره اموال ناشی از همان جرم است. به‌موجب بند چهارم از این اصلاحیه، در بند ۴ ماده ۴ و تبصره ۴ و بندهای ۴، ۵ و ۶ ماده ۵ و ماده ۶ و بند ۶ ماده ۸ و تبصره ۱ ماده ۸ به‌جای عبارت «مصادره اموال به استثناء هزینه زندگی متعارف برای خانواده محکوم» عبارت «مصادره اموال ناشی از همان جرم» جایگزین می‌گردد. بنابراین بعد از اصلاحات اخیر، صرفاً امکان مصادره اموال ناشی از همان جرم وجود دارد و دادگاه می‌تواند به‌صرف ارتکاب جرایم قانون حاضر، اقدام به مصادره تمامی اموال مکشوفه از متهم نماید. در حقیقت، بعد از تصویب این قانون، دادگاه حق مداخله در مورد سایر اموال متهم را نخواهد داشت. به‌عنوان نمونه در قبل از اصلاحات به‌صرف ارتکاب یکی از جرائم موضوع این قانون، ممکن بود حتی سهم‌الارث پدری متهم نیز مصادره گردد، بدون اینکه کوچک‌ترین ارتباطی به جرم داشته باشد که این مسئله با منطق حقوقی و عدالت‌سازگاری نداشت. ریشه این موضوع برگشت به قواعد بسیار بنیادین فقهی و قانونی نظیر قاعده تسلط، قاعده لاضرر، قاعده ید و قاعده حلیت دارد که مضمون کلی این قواعد این است که هر کسی بر مال خود مسلط است به‌نحوی که حق هرگونه تصرف و انتفاع در آن را دارد، مگر در مواردی که قانون

استثناء کرده باشد. این قواعد، تثبیت‌کننده مالکیت است و نه تنها در مکاتب الهی که حتی در نظام‌های عرفی، یک اصل اساسی و مسلم برای تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه است.

شارع مقدس نیز، توجه ویژه‌ای به این اصول داشته و آیات و روایات فراوانی در این خصوص یافت می‌شود.

به‌طور کلی به جهت حرمت فراوان مالکیت نمی‌توان بدون دلایل بسیار قوی از احترام به مالکیت مالک دست کشید و اقدام به مصادره کل اموال متهم نمود بدون توجه به اینکه این اموال، از راه مشروع حاصل شده باشد و یا از طریق نامشروع. درحالی‌که متأسفانه قانون سابق با زیر پا گذاشتن تمامی این اصول شرعی قانون و انسانی کل اموال متهم را قابل مصادره می‌دانست که غیرقابل دفاع بود ولی خوشبختانه در قانون جدید از این رویه باطل دست کشیده شده و صرفاً اموال ناشی از جرم قابل مصادره است منوط به اینکه دلایل کافی بر این امر نیز موجود باشد. در این خصوص نیز نکته قابل توجه اینکه ضبط وسیله نقلیه‌ای که حامل مواد مخدر شناخته شود منصرف از موضوع حاضر است و این وسیله به‌موجب ماده ۳۰ قانون مبارزه با مواد مخدر به نفع دولت ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می‌گیرد مگر اینکه حمل.

۳-۱۹- مواد روانگردان و مخدر از دیدگاه حقوق کیفری ایران

۳-۱۹-۱- بررسی عناصر تحقق جرائم مرتبط با مواد روانگردان و مخدر

از آنجا که برای تحقیق هر جرمی، وجود عناصر سه‌گانه، معنوی، مادی و قانونی لازم و ضروری است لذا به‌اختصار ذیلاً به توضیح هر یک از عناصر فوق خواهیم پرداخت.

۳-۱۹-۱-۱- عنصر معنوی

در بحث عنصر معنوی جرایم مواد مخدر و روانگردان بررسی این نکته ضرورت دارد که آیا برای تحقق این جرایم علم ضرورت دارد یا خیر؟ سوءنیت عام و خاص و انگیزه چه موقعیتی دارند؟ از لحاظ علم به حکم، قاعده کلی جهل به قانون رافع مسئولیت نیست، در اینجا نیز حاکم است ولی از لحاظ علم به موضوع باید گفت که تقریباً در کلیه جرایم مواد مخدر برای تحقق جرم، علم به موضوع لازم است یعنی فرد باید بداند، موادی که وارد یا صادر یا خرید و فروش می‌کند، مواد مخدر و یا روانگردان است. در غیر این صورت، با مخدوش شدن این جزء از عنصر معنوی، در واقع جرمی تحقق نمی‌یابد. (رحمدل، ۱۳۷۹)

در ارتباط با سوءنیت باید گفته شود که برای تحقق کلیه جرائم مواد مخدر و روانگردان، وجود سوءنیت عام در ارتکاب جرم لازم است، یعنی مرتکب باید بخواهد عمل مورد نهی مقنن را انجام دهد و مرتکب علاوه بر علم به موضوع باید بخواهد که مواد ممنوعه را وارد یا صادر یا

خرید و فروش کند. اگر در اثر اشتباه به جای یکی از موارد مجاز، ماده مخدر و روان‌گردانی را صادر کند یا خرید و فروش نماید، به لحاظ فقدان سوء نیت عام جرم تحقیق پیدا نمی‌کند. در بعضی موارد جرایم مواد مخدر و روانگردان علاوه بر لزوم وجود سوء نیت عام، وجود سوء نیت خاص نیز لازم و ضروری است. برای مثال، مرتکب جرم باید بخواهد که شخص مورد نظر وی مواد مخدر را مصرف نموده و معتاد هم شود. برای تحقق برخی جرایم مواد مخدر و روانگردان، انگیزه نیز مؤثر است مثلاً انگیزه کشت از گیاهان روانگردان باید تولید مواد روانگردان باشد.

۳-۱۹-۱-۲- عنصر مادی

عنصر مادی جرایم مواد مخدر و روانگردان با توجه به مقررات لازم‌الاجرای فعلی، عبارت است از فعل، ترک فعل، فعل ناشی از ترک فعل، داشتن و حالت که به اختصار به توضیح هر یک خواهیم پرداخت.

الف) فعل: مانند بیشتر جرائم، عنصر مادی جرائم مرتبط با مواد مخدر و روانگردان فعل است یعنی مرتکب باید عمل مادی مثبتی انجام دهد تا جرم تحقیق پیدا کند. به عبارت دیگر عنصر مادی جرم انجام عملی است که از طرف مقنن منع شده است مثل کشت، وارد کردن، حمل و تولید، صادر کردن و یا خرید و فروش مواد مخدر و روانگردان.

ب) ترک فعل: چنین به نظر می‌رسد که مقنن تکلیف ترک اعتیاد را بر عهده معتادان نهاده است و معتادان در واقع، با عدم ترک از دستور مقنن در جهت منفی سرپیچی می‌کنند و کاری را که مقنن خواسته است انجام بدهند، (ترک اعتیاد) انجام نمی‌دهند (عدم ترک اعتیاد). بنابراین، اعمال آن‌ها جنبه ترک فعل به خود می‌گیرد. لازم به ذکر می‌باشد جرایم مواد مخدر و روانگردان تنها ناظر به جرایمی هستند که موضوع آن‌ها مواد مخدر و روانگردان باشد، نه هر جرمی که در مقررات مربوط به مواد مخدر و روانگردان باشد. به عنوان مثال فراری دادن متهم، اطلاع ندادن وقوع جرم کشت مواد مخدر و روانگردان به مقامات مزبور را نمی‌توان جرایم مواد مخدر نامید.

ج) فعل ناشی از ترک فعل: در این مورد می‌توان سهل‌انگاری مأموران در انجام وظیفه را به فعل ناشی از ترک فعل تعبیر نمود. بدین توضیح که مأمور، مکلف به مراقبت از زندان و بازداشتگاه است و با عدم مراقبت و سهل‌انگاری، در واقع مرتکب ترک فعل می‌شود که نتیجه آن، ورود مواد مخدر و روانگردان به زندان است. برای مثال، مأمور از ایستادن در جلوی زندان خودداری می‌کند و در حین قدم زدن او، شخص مواد را به زندان وارد می‌کند یا مأمور در حین مراقبت خود به خواب می‌رود و مرتکب با استفاده از این سهل‌انگاری مأمور، مواد را وارد زندان می‌کند. اما باید اذعان نمود که منظور از فعل ناشی از ترک فعل، ترک عمومی فعل است و نه از

روی سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی! بنابراین می‌توان گفت در مورد جرائم مواد مخدر و روانگردان عنوان فعل ناشی از ترک فعل صدق نمی‌کند.

د) داشتن: یکی از اشکال دیگر عنصر مادی در مورد مواد مخدر و روانگردان، داشتن و نگهداری مواد مخدر و روانگردان می‌باشد. چون مقنن در واقع، طبق مواد ۳ و ۵ و ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ نگهداری و داشتن این‌گونه مواد را جرم‌انگاری نموده است.

ه) حالت: یکی دیگر از اشکال عنصر مادی در مورد جرایم مواد مخدر و روانگردان در قالب حالت و وضعیت تحت عنوان اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان جلوه‌گر می‌شود. چون مقنن، حالت اعتیاد را منع می‌کند و شخص با معتاد شدن دارای حالت ممنوعه می‌شود. در این مورد در تحلیل دقیق می‌توان گفت که اعتیاد نتیجه فعل است. یعنی شخص با نقض دستور مقنن (فعل)، دارای وضعیتی می‌شود که مورد نهی مقنن است که می‌توان آن را حالت ناشی از فعل نامید. (رحمدل، ۱۳۷۹)

۳-۱۹-۱-۳- عنصر قانونی

پیرامون عنصر قانونی جرایم مواد مخدر و روانگردان لازم است مختصری از جرایم مربوطه مستنداً به ماده قانونی و اصلاحات اخیر قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ مورد بررسی قرار گیرد:

۳-۱۹-۱-۳- حمل مواد مخدر و روانگردان

حمل در لغت به معنای انتقال مواد مخدر و روانگردان از نقطه‌ای به نقطه دیگر است. حمل مواد مخدر و روانگردان را از بعضی جهات، می‌توان نوعی نگهداری این مواد تصور نمود با این تفاوت که در اختیار داشتن مواد مخدر در عمل نگهداری، طولانی است اما در عمل حمل، این مواد در مدت زمان نسبتاً کمتری در اختیار فاعل قرار دارد.

از سوی دیگر مقصد فاعل در حمل مواد مخدر و روانگردان فقط حمل مواد، از نقطه مبدأ و تحویل آن در نقطه مقصد است لیکن در نگهداری، مقصد فاعل فقط نگهداری این مواد می‌باشد. در نتیجه هرگاه مواد مخدر و روانگردان توسط مرتکب از محلی به محل دیگر انتقال یابد عمل حمل مواد، محقق گشته است.

دیوان عالی کشور در آراء شماره‌های ۱۴۰ تاریخ ۴۷/۱/۱۱ و ۱۴۳ تاریخ ۴۷/۱/۲۵ و ۱۷۴۲ تاریخ ۴۵/۴/۲۲ نیز مطالب فوق‌الذکر را تأیید نموده است.

قانون‌گذار در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ در مواد ۳ و ۵ و ۸ برای حمل و نگهداری مواد مخدر و روانگردان ضمانت اجراء کیفری پیش‌بینی نموده است.

۳-۱۹-۱-۳-۲- تولید و ساخت مواد مخدر و روانگردان:

تولید به معنای پدید آوردن، زایاندن، به وجود آوردن و همچنین ایجاد کردن چیزی از چیز دیگر معنا شده است و در اصطلاح تولید تا تهیه مواد مخدر عبارتند از: استعمال مواد مخدر بدون اینکه در ترکیبات مواد اولیه تغییری حاصل گردیده باشد. مثلاً تریاک به وسیله تیغ زدن، مستقیماً از گرزهای خشخاش به دست می‌آید. (عمید، پیشین)

دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۱۰ تاریخ ۴۷/۹/۶ نیز به این امر تأکید و چنین استنباط نموده است:

«تهیه مواد مخدر ناظر به برداشت و جمع‌آوری محصول کشت خشخاش و به دست آوردن مواد افیونی است که از تیغ زدن گرز خشخاش و طرق مختلف به دست می‌آید.»

صدور رأی فوق‌الذکر به معنای آن است که عمل تهیه و تولید شامل اعمالی است که به‌طور مستقیم منجر به استعمال مواد مخدر شده باشد، بدون اینکه در ترکیبات این مواد تغییراتی صورت گرفته باشد. اما ساخت که در لغت به معنی ساختگی- مصنوعی و یا صنعت است، در اصطلاح عبارت است از ساختن مواد مخدر و روانگردان به‌گونه‌ای که در ترکیبات شیمیایی مواد اولیه تغییراتی حاصل گردد. در عمل ساختن، دو یا چند ماده شیمیایی با هم ترکیب شده و نهایتاً ماده‌ای جدید ساخته می‌شود. مثلاً برای ساختن هروئین، ماده‌ای شیمیایی بنام ایندرید استیک را با مرفین مخلوط نموده و در نتیجه هروئین که ترکیب جدیدی می‌باشد ساخته شده و با ترکیبات اولیه آن متفاوت است. (شاکری، بی تا ص ۱۰۲)

قانون‌گذار در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ در مورد ۴ و ۸ برای تولید و ساخت مواد مخدر و روانگردان ضمانت اجراء کیفی پیش‌بینی نموده است.

۳-۱۹-۱-۳-۳- خرید یا فروش مواد مخدر و روانگردان:

قانون‌گذار در بند ۳ ماده ۱ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ اعمال مجرمانه خرید یا فروش مواد مخدر و روانگردان را مقرر و در مواد ۴ و ۵ و همچنین ماده ۸ این قانون، مجازات‌هایی را به‌عنوان ضمانت اجراء و با توجه به نوع و میزان مواد مخدر پیش‌بینی نموده است.

موضوع قابل بحث این است که منظور قانون‌گذار از خرید و فروش مواد مخدر چیست؟ به عبارت دیگر آیا شرایطی را که قانون مدنی برای صحت معامله لازم و ضروری می‌داند در اینجا نیز لازم‌الرعايه خواهد بود یا خیر؟ (شاکری، بی تا)

در پاسخ به این سؤالات از مفاد رأی شماره ۱۷۴۲ تاریخ ۴۵/۴/۲۲ دیوان عالی کشور مدد می‌جوییم که چنین استنباط نموده است: «برای تحقق بزه خرید، مقصد واقعی خریدار به انجام معامله و تملک مثنی و قصد واقعی فروشنده برای فروش و تملک ثمن ضروری است.»

با عنایت به رأی مذکور نتیجه می‌گیریم که آنچه در نظر قضات دیوان عالی کشور مهم جلوه نموده است، تنها قصد خریدار و فروشنده برای انجام معامله بوده و هدف واقعی را تصاحب ثمن و مثنی از سوی آنان دانسته است که در این صورت خرید مصداق می‌یابد.

از طرفی در جائیکه مأموران انتظامی با انجام مانورهایی در جهت کشف جرم و شناخت مجرمین خود را خریدار یا فروشنده مواد مخدر معرفی نموده و پس از انجام معامله موفق به دستگیری مرتکبین شده‌اند را، دیوان عالی کشور با این اعتقاد که چون قصد انشاء خرید و فروش و تملک ثمن و مثنی وجود نداشته، عمل را فروش ندانسته است.

با توجه به آراء صادره به نظر می‌رسد که نظر قانون‌گذار از ذکر کلمات خرید یا فروش در قانون مبارزه با مواد مخدر، با ضابطه کلی خرید و فروش در قانون مدنی مغایرت داشته و در ثانی هدف قانون‌گذار از به کار بردن عنوان فروش در قانون مبارزه با مواد مخدر صرفاً تمایز انتقال واقعی مواد مخدر از نوع صوری آن می‌باشد، لذا چنانچه عنوان دیگری نظیر «انتقال مواد مخدر به هر نحوی» مورد تصویب قرار می‌گرفت، از عنوان «فروش مواد مخدر» مندرج در قانون فعلی مناسب‌تر می‌بود. در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷، قانون‌گذار صرف عمل خرید یا فروش مواد مخدر را مجرمانه تلقی نموده بود و آن را مستوجب مجازات می‌دانست، لیکن در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و با عنایت به مفاد ماده ۴۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ که مقرر داشته است: «ساخت، تولید، خرید، فروش، ارسال، نگهداری، ورود، صدور، مصرف و حمل مواد ممنوع حسب مورد برای مصارف پزشکی، تحقیقاتی و صنعتی با مجوز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از مشمول این قانون مستثنی است» لذا یک نوآوری در زمینه خرید یا فروش مواد مخدر صورت گرفته و آن توجه به انگیزه خریدار یا فروشنده است و چنانچه اهداف خریدار و فروشنده و انگیزه آنان از جمله موارد مندرج در ماده ۴۱ قانون فوق‌الذکر بوده باشد، اعمال آنان مجرمانه نبوده و از مشمول مقررات کیفری خارج خواهد بود.

۳-۱۹-۱-۳-۴- در معرض عرضه قرار دادن مواد مخدر و روانگردان

عبارت عرضه به معنای آشکار ساختن، نشان دادن، نمایش، ارائه و پیشنهاد آمده است و در اصطلاح عرضه مواد مخدر عبارت است از نشان دادن یا ارائه مواد مخدر و روانگردان و همچنین پیشنهاد آن‌ها به دیگری. در این‌جا منظور فروش مواد مخدر و روانگردان نبوده بلکه فقط آشکار کردن و نشان دادن مدنظر قانون‌گذار می‌باشد که عمل مرتکب را مشمول مقررات کیفری می‌نماید. قانون‌گذار در ماده ۴ و ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ در معرض عرضه قرار دادن این‌گونه مواد را جرم‌انگاری نموده و برای آن ضمان اجرای کیفری در نظر گرفته است.

۳-۱۹-۱-۳-۵- نگهداری و اخفاء مواد مخدر و روانگردان

نگهداری در لغت به معنای محافظت، مواظبت و حراست آمده است و در اصطلاح عبارت است از اینکه مقداری ماده مخدر توسط شخصی نگهداری و یا نزد وی کشف گردد. مفهوم این عبارت بلافاصله یکی دیگر از عناوین مجرمانه را به ذهن متبادر می‌نماید و آن عبارت «اخفاء» می‌باشد که در واقع به معنای پوشیدن و نپهان کردن است. علی‌الظاهر به نظر می‌رسد که این دو عبارت به‌آسانی قابل تفکیک باشد، لیکن همان‌گونه که مورد توجه قانون‌گذار هم قرار گرفته، اعمال مجرمانه اخفاء و نگهداری کاملاً از یکدیگر متفاوت بوده و از جهات مختلفی با یکدیگر متمایز هستند.

از آنجائی که لازمه هر نوع اخفائی نگهداری مواد مخدر نیز هست لیکن این امکان وجود دارد که موادی توسط مجرم نگهداری شود ولی عمل وی اخفاء تلقی نگردد. پس می‌توان گفت که اخفاء مواد مخدر و روانگردان یک نوع نگهداری مواد محسوب می‌شود که در آن مواد از دید سایرین به دور است و در واقع اخفاء یک نوع نگهداری پنهانی مواد می‌باشد که لازمه آن انجام یک سلسله اقدامات توسط فاعل جرم، در جهت پوشاندن و مخفی نمودن مواد مخدر است که به‌منظور در معرض دید قرار نگرفتن مواد، صورت می‌گیرد.

با عنایت به اینکه نگهداری مواد مخدر مقدمه تمامی جرایم مرتبط با مواد مخدر می‌باشد، لذا به نظر می‌رسد آنچه جرایم مواد مخدر مانند ورود، خرید، فروش، توزیع را از همدیگر تفکیک می‌نماید مقصد مرتکب از انجام عمل است. مثلاً چنانچه مرتکب قصد فروش و یا ورود این مواد را داشته باشد، عملاً بایستی قبل از ارتکاب اعمال فوق این مواد را برای مدت زمانی در اختیار داشته و چنانچه بتواند آن مواد را به فروش برساند و یا آن‌ها را به کشور وارد، یا توزیع کند به اتهام جرایم اخیرالذکر تعقیب و مجازات خواهد شد.

پس چنانچه عمل مرتکب مشمول عناوین خرید، فروش، عرضه برای فروش یا ورود مواد مخدر و روانگردان قرار نگرفته و مواد نیز در اختیار متهم بوده باشد، با احراز این امر که مواد توسط وی از محلی به محل دیگر منتقل گردیده، عمل وی را می‌توان حمل مواد تلقی نمود.

حمل مواد مخدر و روانگردان به شیوه‌های گوناگون صورت می‌گیرد، در بعضی موارد مشاهده گردیده که افراد مواد را پس از تحویل گرفتن از مبدأ با استفاده از وسایل نقلیه و یا حیوانات، آن را به مقصد منتقل نموده‌اند یا در مواردی دیده شده که حمل مواد، توسط خود مرتکب صورت گرفته و آن را همراه خود به نقطه دیگر انتقال داده است. لازم به ذکر است که در تمامی این موارد مقصد مرتکب فقط حمل مواد مخدر و انتقال این مواد به نقطه دیگر بوده است و مأموریت آنان پس از تحویل مواد در مقصد پایان یافته و هیچ‌گونه دخالتی در عمل فروش و یا توزیع این مواد ندارند.

قانون‌گذار در بند ۳ ماده ۱ و ماده ۵ و ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ نگهداری و اخفاء مواد مخدر و روانگردان را جرم‌انگاری نموده است.

۳-۱۹-۱-۳-۶- وارد کردن و صادر کردن مواد مخدر و روانگردان

ورود به معنای داخل شدن، آمدن و دخول است و در اصطلاح عبارت است از اینکه مرتکب مواد مخدر و روانگردان را از خارج از کشور به درون کشور انتقال می‌دهد.

قانون‌گذار در مواد ۴ و ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ برای ورود مواد مخدر بسته به میزان و نوع آن ضمانت اجرای کیفری تعیین نموده است. قانون‌گذار با ایجاد نوآوری در ماده ۴۱ قانون جدیدالتصویب، ورود مواد مخدر و روانگردان به منظور بهره‌برداری‌های پزشکی، تحقیقاتی و صنعتی را با مجوز وزارت بهداشت و آموزش پزشکی عملی مجاز دانسته است. در تصویب این ماده به قصد و انگیزه وارد کننده توجه شده است که این امر با مفاد کنوانسیون ۱۹۸۸ همسو و هماهنگ است.

عبارت صادر کردن مواد مخدر و روانگردان به معنای آن است که این مواد از داخل کشور به نقطه‌ای در خارج از مرزهای کشور فرستاده شود.

ماده ۲۹ قانون امور گمرکی صادر کردن کالا را این‌گونه تعریف نموده است: «چنانچه کالایی با انجام تشریفات گمرکی و رعایت مقررات مربوط به خارج از کشور حمل شود این عمل صادر کردن کالا می‌باشد.» با عنایت به تعریف فوق‌الذکر این چنین استنباط می‌شود که چنانچه کالایی به صورت غیرمجاز به خارج از کشور حمل شود این عمل خارج کردن کالا می‌باشد و با صادر کردن کالا متفاوت است. با در نظر داشتن این مطلب که در حال حاضر در قوانین ایران امکان صادر کردن مواد مخدر با عنایت به قانون امور گمرکی امری غیرممکن است. لذا به نظر می‌رسد، آنچه در نظر تدوین‌کنندگان قانون جدید به عنوان صادر کردن مواد مخدر معنا و مفهوم یافته است، در واقع عمل غیرقانونی خروج مواد مخدر بوده که تحت عنوان خارج کردن مصداق می‌یابد و به جاست که در اصطلاحات یا قوانین بعدی قانون‌گذار به این مهم توجه نموده و آن را مدنظر قرار دهد. قانون‌گذار در مواد ۴ و ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ ضمانت اجرای عمل صادر کردن انواع مواد مخدر و روانگردان را بسته به میزان و نوع این مواد در نظر گرفته و برای مرتکبین تعیین کیفر نموده است.

از نوآوری‌های قانون جدید پیرامون این بحث می‌توان به ارسال مواد مخدر اشاره نمود که در قوانین سابق عبارت «مواد مخدر و روانگردان» به چشم نمی‌خورد. عبارت ارسال مواد مخدر و روانگردان به معنای آن است که این مواد از نقطه‌ای به نقطه دیگر فرستاده شود. از آنجائی که چند سالی است که بازارهای قاچاق مواد مخدر در جابه‌جایی و فرستادن این مواد از یک نقطه به نقطه دیگر با استفاده از حیوانات و یا پست اقدام می‌نمودند، لذا قانون‌گذار ایران ضمن در نظر داشتن مراتب مذکور و در راستای هماهنگی بیشتر با مفاد کنوانسیون ۱۹۸۸ ارسال مواد مزبور را عملی مجرمانه تلقی نموده و آن را مستوجب کیفر دانسته است.

قانون‌گذار در مواد ۴ و ۸ قانون جدید ضمانت اجرای ارسال مواد مخدر را بسته به نوع و میزان این مواد در نظر گرفته و برای آن مجازات تعیین کرده است.

۳-۱۹-۱-۳-۷- استعمال مواد مخدر و روانگردان

برابر بند ۵ ماده‌یک از قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ استعمال مواد مخدر و روانگردان به هر شکلی و طریقی جرم بوده مگر در مواردی که قانون استثناء نموده باشد و در مورد مواد روانگردان مگر در مواردی که با مجوز پزشکی باشد.

در قانون جدید، استعمال مواد مخدر توسط شخص معتاد و غیرمعتاد جرم بوده و مستوجب مجازات است هرچند که این امر نیز در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۶۷ مقرر گردیده بود، لیکن یکی از نوآوری‌های قانون جدید در مورد جرم‌انگاری اعتیاد می‌باشد که در ماده ۱۵ این قانون به تصویب رسیده است.

به‌موجب ماده ۱۵ این قانون «معتادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد درمان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند، معتادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نماید، چنانچه تظاهر به اعتیاد نماید از تعقیب کیفری معاف می‌باشد، معتادانی که مبادرت به درمان یا ترک اعتیاد ننمایند، مجرمند.»

۳-۲۰- جرایم مرتبط با آلات و ادوات تولید، ساخت و استعمال مواد مخدر

و روانگردان

قانون‌گذار در بند ۶ از ماده ۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹، تولید، ساخت، خریدوفروش و نگهداری آلات و ادوات و ابزار مربوط به استعمال مواد مخدر را جرم دانسته و در ماده ۲۰ این قانون مجازات‌هایی را برای مرتکبین جرایم مذکور مقرر داشته است.

از مقایسه موارد مندرج در بند ۶ ماده ۱ قانون جدید و قانون سابق، چنین به ذهن متبادر می‌گردد که جرایم ساخت، خرید، فروش و نگهداری آلات و ادوات مربوط به استعمال مواد مخدر و روانگردان، یک نوع نوآوری در زمینه جرایم می‌باشد. اما از آنجائی که قانون تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر مصوب ۱۳۵۹، در ماده ۱۰ جرایم ساخت، وارد کردن، نگهداری و اخفاء و خریدوفروش آلات و ادوات استعمال مواد مخدر را به‌طورکلی ممنوع و برای آن مجازاتی معادل دو الی سه سال حبس جنجه‌ای مقرر نموده بود و از طرف دیگر به‌موجب ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون ۶۷، آن قسمت از قانون تشدید مجازات سال ۵۹ که با قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۶۷ مغایر نباشد، به قوت خود باقی خواهد بود.

از طرف دیگر با امعان نظر در مفاد ماده ۲۰ قانون اخیرالتصویب استنباط می‌نماییم که صادرات آلات و ادوات مخدر و همچنین حمل این وسایل از نظر قانون‌گذار دور مانده و فاقد ضمانت اجراست که لزوم بازنگری و اصلاح قوانین مصوب یا تصویب قوانین جدید از ناحیه قانون‌گذار را می‌طلبد. (آقایی، ۱۳۸۴)

۳-۲۰-۱- قرار دادن مواد مخدر و روانگردان یا آلات و ادوات استعمال در محلی به قصد متهم کردن دیگری

قانون‌گذار در بند ۹ از ماده ۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ قرار دادن مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیرداروئی یا آلات و ادوات استعمال در محلی به قصد متهم کردن دیگری را جرم دانسته است که این امر در ماده ۲۶ قانون سال ۱۳۶۷ نیز جرم‌انگاری شده بود. (آقایی، ۱۳۸۴)

۳-۲۰-۲- ساخت یا تعبیه‌سازی جهت حمل مواد مخدر و روانگردان در وسایل نقلیه

قانون‌گذار جرایم مرتبط با مواد مخدر را در ماده ۱ قانون اخیرالتصویب بیان داشته و در سایر موارد کیفیت، چگونگی و ضمانت اجرای این جرایم را مقرر نموده است. در ماده ۳۰ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ و در تبصره این ماده، قانون‌گذار اقدام به یک جرم‌انگاری نموده و عمل ساخت یا تعبیه و جاسازی جهت حمل مواد مخدر و روانگردان در وسایل نقلیه را مجرمانه دانسته است که یک نوآوری در این قانون محسوب می‌گردد.

مستنبط از مفاد تبصره ماده ۳۰ اینکه، در صورت وقوع بزه شخصی که اقدام به ساخت و جاسازی جهت حمل مواد مخدر و روانگردان نموده باشد، در حکم معاون جرم بوده و مجازات مقرر در این تبصره نیز برای فاعل جرم مقرر گردیده است که به نظر می‌رسد عنوان مجرمانه معاون به فاعل چنین عملی بدین جهت است که تعبیه و جاسازی در وسایل نقلیه جهت حمل مواد مخدر به نوعی همکاری و یاری نمودن مباشر با فاعل اصلی جرم می‌باشد. (آقایی، ۱۳۸۴)

۳-۲۰-۳- ترانزیت مواد مخدر

یکی از نوآوری‌های قانون جدید، جرم‌انگاری عمل ترانزیت مواد مخدر و روانگردان است که در واقع به معنای عبور کالا و مال‌التجاره از مملکتی به مملکت دیگر بدون تأدیه حق گمرک و مالیات می‌باشد. قانون‌گذار در بند ۳ از ماده ۱ قانون اخیرالتصویب ترانزیت مواد مخدر را جرم تلقی نموده، لیکن از توجه به سایر موارد نتیجه می‌گیریم که هیچ‌گونه ضمانت اجرایی برای

مرتکب آن مقرر ننموده است که تصویب این مطلب (برقراری مجازات) در اصلاحات و یا قوانین بعدی امری لازم و ضروری می‌باشد.

ترانزیت مواد مخدر و روانگردان از نقطه‌ای خارج از مرزهای کشور انجام شده و سپس این مواد به کشور داخل و از نقطه‌ای دیگر از مرزهای کشور خارج می‌گردد، لذا هدف مرتکب از ارتکاب این عمل، انتقال مواد از یک کشور به کشور دیگر است. در نتیجه این عمل، مواد در داخل کشور توزیع و یا به فروش نخواهند رسید. از همین جا می‌توان به تفاوت این عمل با صدور مواد مخدر پی برد، زیرا در صدور مواد مخدر، مواد از مبدأ داخل کشور به خارج از کشور انتقال می‌یابد.

با عنایت به ماده واحده الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب ۱۹۸۸ که در تاریخ ۷۰/۹/۳ نیز به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، درمی‌یابیم که قانون‌گذار ایران به تبعیت از بند (الف) از ماده ۳ کنوانسیون که در آن ارسال مواد به صورت ترانزیت جرم قلمداد گردیده، ترانزیت مواد مخدر را در ایران جرم انگاشته است ولی همان‌گونه که فوقاً اشاره گردید، هیچ‌گونه مجازاتی به‌عنوان ضمانت اجرا، برای مرتکبین ترانزیت مواد مخدر در قانون لاحق در نظر گرفته نشده که لزوم بازنگری قانون‌گذار در این مورد نیز ضروری است. (آقایی، ۱۳۸۴)

۳-۲۰-۴- کشف خشخاش، کوکا و شاهدانه

مطابق بند ۱ ماده ۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ کشف خشخاش و کوکا مطلقاً و کشت شاهدانه به‌منظور تولید مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی جرم می‌باشد و مطابق ماده ۲ همین قانون هرکس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند و یا برای تولید مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی به کشت شاهدانه بپردازد علاوه بر امحای کشت، برحسب میزان کشت به مجازات مقرر در ماده ۲ محکوم خواهد شد و طبق تبصره همین ماده، «هرگاه ثابت شود کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه به دستور مالک و یا مستأجر ملک و یا قائم مقام قانونی آن‌ها صورت گرفته است، شخص دستور دهنده که سبب بوده است به شرط آنکه اقوی از مباشر باشد، به مجازات‌های مقرر در این ماده محکوم می‌شود و مباشر که متصدی کشت بوده است، به ۱۰ تا ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی و پانزده تا چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

۳-۲۰-۵- نگهداری، اخفاء و حمل بذر خشخاش، کوکا و یا شاهدانه

به‌موجب ماده ۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹، نگهداری و اخفاء و حمل بذر یا گرز خشخاش یا بذر یا برگ کوکا و یا بذر شاهدانه جرم بوده و مرتکب به یک‌میلیون تا سی میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

۳-۲۱- آئین دادرسی و شیوه رسیدگی به جرائم مرتبط با مواد روانگردان و

مخدر

صلاحیت در لغت به معنی شایستگی و توانایی می‌باشد و در اصطلاح صلاحیت جزایی به این معناست که در رسیدگی به جرایم و پرونده‌های کیفری کدام دادگاه برای رسیدگی و صدور حکم صالح است. تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که بر کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت گیرد.

استقلال و بی‌طرفی دادگاه دو وجه اساسی دارد. یکی استقلال و عدم وابستگی به دیگر قوای حاکم و دیگری عدم وابستگی به اطراف دعوی. دادگاه مستقل و بی‌طرف چنان از ثبات و صلابتی برخوردار است که به‌دوراز هر نوع محدودیت، توصیه، مداخله و فشار مستقیم و غیرمستقیم، تصمیمات خود را صرفاً بر واقعیات موجود در پرونده و مقررات حاکم بر آن واقعیت استوار می‌سازد.

استقلال و بی‌طرفی دادگاه امری است که لازمه کار قضا می‌باشد و عدالت نیز همین را اقتضاء می‌کند.

طبق ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵ رسیدگی به کلیه جرایم مواد مخدر در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد و در ارتباط باصلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده به جرایم مربوط به مواد روانگردان طبق قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ رسیدگی به این جرایم نیز، از این به بعد از صلاحیت دادگاه عمومی خارج و در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب قرار گرفته است.

در زمینه جرایم مواد مخدر و روانگردان تنها مرجعی که عملاً به‌عنوان ضابط وظیفه کشف جرم را بر عهده دارد معاونت مبارزه با مواد مخدر می‌باشد که زیرمجموعه نیروی انتظامی شهرستان است، البته دو مرجع دیگر یعنی رؤسا و معاونین زندان و نیروهای مقاومت بسیج نیز در این امر به شکلی محدود فعالیت دارند. در حال حاضر معاونت مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی حسب مفاد قانون آئین دادرسی کیفری در برخورد با جرایم مواد مخدر و روانگردان به دو شکل مجزا عمل می‌کنند. در خصوص جرایم غیرمشهود به‌محض اطلاع از وقوع جرم مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستورات لازم به مقام ذی‌صلاح قضایی (دادیاران و بازپرسان) اعلام می‌کند که شکایت خصوصی زن و شوهر، والدین و فرزندان علیه همدیگر و نیز گزارش مخبرین و گزارشات مردمی از جمله طریق اعلام این جرایم می‌باشند. در خصوص جرایم مشهود یعنی جرایمی که مشمول ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری می‌باشد، ضابطین دادگستری تمامی اقدامات لازم را به‌منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار

متهم و یا تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند.

پس از مرحله کشف جرم که توسط ضابطین دادگستری صورت می‌گیرد مقامی که تعقیب امور جزایی را شروع می‌کند دادستان می‌باشد و پس از اقامه دعوی توسط دادستان داریاران و بازپرسان وارد رسیدگی تحقیقاتی می‌شوند و پس از صدور قرار مجرمیت و ارسال پرونده به دادگاه باید به این نکته اشاره نمود که آراء صادره از دادگاه نخستین، قابلیت تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان را طبق اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر را ندارد و از این به بعد، در غیر مجازات اعدام، آراء صادره در زمینه مواد مخدر و روانگردان قطعی و در مورد اعدام نیز، صرفاً برای تأیید به دادستانی کل کشور و یا دیوان عالی کشور برای اعمال ماده ۳۲ قانون مذکور ارسال می‌گردد.

فصل چهارم:

بررسی فقهی و حقوقی مجازات اعدام با
تأکید بر مواد مخدر و روانگردان‌ها

۴-۱- اعدام

قانون مجازات اعدام را که اقصی درجه مکافات است در رأس تمام مجازات‌ها قرار داده و اعدام مخصوص بزه‌هایست که از حیث مخاطره و اهمیت حائز درجه اول می‌باشند. از بدو تاریخ مجازات اعدام در قوانین جزائی وجود داشته فقط طریقه اجرا و قلمرو اعمال آن مورد تغییرات واقع گردیده و مورد اعمال این مجازات روزبروز محدودتر شده و می‌شود. (علی آبادی، ۱۳۵۲)

در حقوق قدیم فرانسه بسلب حیات اکتفا نشده و قبل از اعدام محکوم را با طرز هولناک و رقت‌آوری مورد شکنجه و عذاب قرار می‌دادند مجموعه قوانین جزائی ۱۷۹۱ زجر و شکنجه را قدغن نموده و مقرر داشت که مجازات اعدام بغیر از سلب حیات متضمن هیچ‌قسم عذابی نخواهد بود. گرچه مجموعه قوانین جزائی ۱۸۱۰ عذاب را در حق پدرکش مجدداً برقرار نموده و بلافاصله قبل از اعدام دست راست پدرکش را قطع می‌کردند لکن این زجر آخری نیز در نتیجه اصلاح و تجدیدنظر ۱۸۳۲ موقوف و بجای آن داغ کردن برقرار گردید. امروزه در فرانسه مجازات اعدام متضمن هیچ‌گونه زجر و شکنجه نبوده و تنها مجازات بدنی می‌باشد.^۱

۴-۲- مجازات اعدام و بازدارندگی جرائم مواد مخدر و روان گردان

باید در درجه اول، مشکلی را که می‌خواهیم با مجازات اعدام حل کنیم، روشن نماییم. مشکل، عبارت است از قاچاق مواد مخدر که به سلامت و اقتصاد جامعه لطمه وارد می‌کند. در درجه دوم، دلیل توجیهی توسل به مجازات اعدام باید روشن شود. به‌طور کلی در توجیه وجود مجازات اعدام، دو نظریه اساسی وجود دارد. یکی از این نظریه‌ها، نظریه استحقاقی و نظریه دوم، نظریه بازدارندگی است. نظریه استحقاقی بر استحقاق فرد به مجازات شدن به خاطر صدمه زدن به جامعه تأکید دارد و میزان مجازات به میزان صدمه وارد شده، قصد عامل و ورود صدمه بستگی دارد.

طبق نظریه بازدارندگی، مجازات اعدام^۲، نه فقط مرتکب را از ارتکاب جرم باز می‌دارد، بلکه

^۱ - در مورد نظریه بکاریا، غالب جرم شناسان، مخالف این قبیل نوآوری‌ها خطرناک بودند، چنانکه در فرانسه بکاریا را به‌عنوان یک دیوانه تلقی می‌کرد. این جرم‌شناسی که تنها راه پیشگیری از جرائم را شدت مجازات تصور می‌نمود، در سال ۱۷۶۶ با انتشار نشریه‌ای در رد عقاید بکاریا نظر داده است. ژان ایمبرت: مجازات اعدام، ص ۱۵۴.

^۲ برخی از نویسندگان از اثر بازدارندگی مجازات اعدام دفاع کرده و می‌نویسند: «به دلایل زیر، مجازات اعدام در مورد مواد مخدر اثر بازدارندگی دارد:

الف. آمارها حمایت دارند که این مجازات قبلاً اثر بازدارندگی خود را در مورد مواد مخدر نشان داده است و در آینده نیز می‌تواند بازدارنده باشد؛

ب. ثابت شده است که مجازات حبس در مورد قاچاق مواد مخدر هیچ‌گونه اثر بازدارندگی ندارد. افراد ثروتمند و با نفوذ به علت تبانی با مسئولان زندان به اشخاص دیگر پول می‌پردازند تا به‌جای آن‌ها زندان را تحمل کنند و برخی دیگر نیز در اثر تبانی با مسئولان زندان به‌جای زندان، وقت خود را در بیمارستان می‌گذرانند و از آرامش نسبی برخوردارند و در جامعه امروزی ما، زندان

دیگران نیز با گرفتن درس عبرت، از ارتکاب جرم مستوجب اعدام، خودداری می‌کنند. به هر حال، به نظر می‌رسد که اعدام، بازدارندگی فردی ندارد^۱؛ چون صحبت از بازدارندگی فردی، جایی است که فرد در جامعه حضور داشته باشد و به لحاظ اثربخشی مجازات از تکرار جرم بپرهیزد؛ در حالی که با اعدام، فرد از جامعه حذف می‌شود و ارتکاب جرم به وسیله وی منتفی است.

پس از انقلاب اسلامی، هنوز قانون سال ۱۳۴۸ اجرایی بود تا این که در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۵۹، لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی، به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادان، توسط شورای انقلاب به تصویب رسید که اولین قانون در خصوص تعیین مجازات برای جرائم مواد مخدر پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی است. از مشخصه‌های این قانون، یکی این است که برای نخستین بار حشیش و ترکیبات دیگر آن، از قبیل بنگ و بنگاب و چرس و مانند آن‌ها، در ردیف مواد افیونی (یعنی تریاک، سوخته و شیر تریاک) قرار گرفت؛ دیگر این که مجازات و تنبیه بدنی برای جرائم مواد مخدر پیش‌بینی شد. مواد افیونی، مرفین و هروئین از مواد مخدر صنعتی و کوکائین و... تفکیک شد و برای هر یک ماده جداگانه‌ای وضع و مجازات اعدام نیز ابقا شد. (رحمدل، ۱۳۸۲)

۴-۳- تاریخ مجازات اعدام

تمدن بشریت تدریجاً اجراء مجازات اعدام را محدود و مجازات اعدام در قرن ۱۸ تحت تأثیر فلسفه راجع بانسان Philosophie Humanitaie تنزل فاحشی نمود لکن در دوره شورش فرانسه عکس العمل فلسفه مزبور به منصفه ظهور رسید.

اثر ننگ‌آوری خود را تاندازه‌ای از دست داده است و در سال‌های اخیر، برخی قاچاقچیان عمده مواد مخدر از زندان‌های بسیار محکم گریخته‌اند؛

پ. برچسب اجتماعی مربوط به مجازات اعدام، این مجازات را بازدارنده می‌سازد. با این توضیح که هیچ زنی دوست ندارد که شوهرش را در راه قاچاق مواد مخدر از دست بدهد و هیچ مادری دوست ندارد که نظاره‌گر جسد فرزند معدوم خود باشد. بنابراین داغ اجتماعی ناشی از اعمال این مجازات، اثر بازدارندگی را به دنبال دارد؛

ت. مخالفان مجازات اعدام می‌گویند اگر فقر در جامعه ریشه‌کن شود و آموزش و استخدام در جامعه مهیا شود و همه شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی که باعث پیدایش قاچاق مواد مخدر می‌شوند از بین برود، قاچاق مواد مخدر نیز از بین می‌رود. من در نظر با این حرف موافقم ولی در عمل چقدر طول می‌کشد تا ما بتوانیم به این آرمان‌ها برسیم. این آرمان‌ها ناظر به آینده است ولی ما در حال حاضر نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و کاری نکنیم و برخی مخالفان مجازات اعدام می‌گویند اگر دارائی قاچاقچیان مصادره شود این امر اثر بازدارندگی خواهد داشت. ولی به نظر من اگر این امر با مجازات اعدام همراه نباشد، اثر بازدارندگی نخواهد داشت و باید به هر نحوی که شده، انگیزه ارتکاب جرم از بین برود». (به نقل از: رحمدل، ۱۳۸۲).

^۱ لازم به ذکر است که اگر فرد مرتکب قاچاق مواد مخدر، در نیمه راه ارتکاب جرم به علت ترس از مجازات اعدام، از ادامه ارتکاب جرم منصرف شود، نباید آن را از موارد بازدارندگی فردی به شمار آورد؛ زیرا این مورد، از موارد بازدارندگی عمومی است. بازدارندگی فردی در حالتی است که شخص مرتکب پس از تحمل مجازات، از تکرار جرم بپرهیزد.

مجازات اعدام در حقوق قبل از انقلاب در ۱۱۵ مورد قابل اعمال بوده و مجموعه قوانین جزائی ۱۷۹۱ موارد را به ۳۲ مورد تنزل داد و تصویب‌نامه ۱۴ برومر سال چهارم انقلاب مجازات اعدام را برای آینده یعنی موقعی که صلح برقرار شود حذف نمود لکن تصویب‌نامه مزبور به موقع اجرا گذارده نشد تا اینکه قانون ۸ نیوز (Carpozav) سال ۱۰ مقرر داشت که مجازات اعدام در موارد مصرحه در قانون قابل اجرا خواهد بود.

در ابتدای وضع قانون جزای حاضر یعنی در ۱۸۱۰ مجازات اعدام در ۳۶ مورد ابقا و مجموعه قوانین جزائی ۱۸۱۰ مجازات اعدام را حتی درباره مرتکبین جنایاتیکه موجب سلب حیات انسانی نگردیده بودند نیز مجری دانسته بود مثلاً در مورد کسی که مرتکب ساختن سکه قلب گردیده بود لکن قانون ۲۸ آوریل ۱۸۳۲ مجازات اعدام را در ۹ مورد مثل سرقت مقرون بازار و سکه قلب از بین برد و نیز در ۱۸۳۲ قانون‌گذار بهیئت منصفه حق داد که در صورت وجود علل مخففه گناهکار را بمجازات خفیف‌تری محکوم نمایند-در سال ۱۸۴۸ طبق عقیده گیزو Guizo ماده ۵ قانون اساسی ۴ نوامبر مجازات اعدام را در مورد بزه‌های سیاسی از بین برد و بالاخره قانون ۲۹ نوامبر ۱۹۰۱ مجازات اعدام را درباره مادری که بچه خود را کشته بود الفاء نمود.^۱

امروزه اعدام فقط درباره اشخاصی مجری می‌شود که مستقیماً و یا بطور غیرمستقیم لطمه بحیات انسانی وارد آورند سوزاندن خانه که عده در آن سکونت دارند و شهادت دروغی که موجب صدور حکم محکومیت به اعدام و اجرای آن درباره شخصی گردیده است از جمله جنایاتی هستند که مجازات آن‌ها اعدام است معذک قوانین جزائی مجازات اعدام را در موارد تکرار بزه و قوانین نظامی در مورد جاسوسی نیز مجری دانسته است و امروزه برای اعدام در مجموعه قوانین جزائی ۱۴ مورد و در مجموعه خارج از مجموعه مزبور ۶ مورد یعنی مجموعاً ۲۰ مورد وجود دارد.

اجرای مجازات اعدام در زمان قدیم و دوره حاضر از حیث تعداد اختلاف فاحشی باهم دارند در قرن ۱۷ Carpozov قاضی عالیقدر فرانسه افتخار می‌نمود که بیش از بیست هزار نفر را محکوم به اعدام کرده است لکن در قرن ۱۹ عده آن‌ها تنزل فوق العاده نموده و از ۳۶۰ به ۳۳(از ۱۸۲۶-۱۸۸۰) رسید.

مجازات اعدام به کمک قوه قضائیه و مجریه نیز تنزل کرد بدین توضیح که بدو وسیله قانونی ذیل به موارد مجازات اعدام با یک طرز نامحدودی تقلیل و تنزل داده شد:

۱- حق اعدام کیفیات مخففه که در سال ۱۸۳۲ به هیئت منصفه تفویض شد و از این اختیار هیئت منصفه بیش از پیش استفاده کرد.

^۱ - گزارش رئیس انجمن بین‌المللی دفاع اجتماعی و ریاست کل دیوان عالی کشور فرانسه به کنفرانس بین‌المللی سیراکیز ایتالیا در مجله بین‌المللی حقوق جزاء سه‌ماهه سوم و چهارم سال ۱۹۸۷، انتشارات ارس، ص ۳۴۴.

۲- حق عفو که از امتیازات رئیس‌جمهور است و از این حق نیز رؤساء جمهور مخصوصاً ماک ماهون (Mac Mahon) و فلیکس فور (Felix faure) و لوبت (Lau bet) استفاده کردند. بنظر می‌رسد که مجازات اعدام که در عمل تقریباً از بین رفته بود از قانون هم حذف می‌شود لکن از رویکه پیشنهاداتی در زمینه حذف مجازات اعدام داده شد و قوانین جدیدی نیز مثل قانون ۱۸۸۵ روی نفی بلد و قانون ۱۸۹۱ راجع به تعلیق وضع شد جنایتهای زیادی بوقوع پیوست و باعث شد که هیئت منصفه عده زیادی را به مجازات اعدام محکوم نمایند و عده‌این محکومین که در ۱۹۰۲ نه نفر بود در ۱۹۰۳ به پانزده و در ۱۹۰۴ به ۱۶ رسید. گرچه در سال ۱۹۰۶ طرح قانونی راجع به حذف مجازات اعدام به مجلس پیشنهاد گردید لکن طرح مزبور در ۸ دسامبر در نتیجه نظریه غیر مساعد مسیو کروپی Cruppi به اکثریت آراء [۳۳۰ رأی در مقابل ۲۰۰ رأی] رد شد و در هشت‌ماه اول سال ۱۹۰۷ عده محکومین به اعدام بالغ بر ۵۴ گردید. فردای جنگ تعداد محکومین به اعدام زیادت‌تر شد لکن افزایش مزبور موقتی بنظر می‌رسید چنانکه عده محکومین که در سال ۱۹۲۱ شصت نفر بود در سال ۱۹۲۲ به ۴۲ و در ۱۹۲۳ به ۳۹ رسید.^۱

بالجمله تمدن و تذهیب اخلاق روزبروز تنفر بیشتری نسبت به مجازات‌های خونین نشان می‌دهد و این قبیل مجازات‌ها فقط با قوانین ابتدائی قدیمه و حالت روحیه ملل و اقوام خشن و غیر رشید وفق دارد.

مجازات اعدام در حال الغاء تدریجی است و بهمین جهت در الغاء قانونی آن چندان عجله نمی‌شود.

۴-۴- عقاید علمای حقوق در رابطه با مجازات اعدام

در قرون وسطی اجرای مجازات اعدام با اینکه به عقاید الهام شده از عیسویت برمیخورد و می‌گفتند که کلیسا از خون تنفر دارد معذک مجازات اعدام مدافعینی حتی بین بزرگان کلیسای مسیح داشت. سن‌توماداکن که معلم خداشناسی در پاریس و رم بود مجازات اعدام را وقتی مشروع می‌دانست که نگهداشتن جانی در جامعه جههٔ اصلاح خطرناک باشد سن‌توماداکن می‌گوید اشخاصی که معتقد به حمایت از یک جانی خطرناک بوده و او را در جامعه نگاه می‌دارند یک‌عده بیگناه را فدای احساسات و عقاید غلط خود می‌نمایند.

ژان‌ژاک روسو برای اثبات مشروعیت مجازات اعدام بمقررات قرارداد اجتماعی ادعائی خود استناد کرده و می‌گوید که اختیار واگذاری یا عدم واگذاری حیات یکی از اختیارات طبیعی

^۱ - برای ملاحظه لغو مجازات اعدام و برقراری مجدد آن در کشورهای جهان رک. بوزا و پنیاتل: بررسی حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۹۷۰، ج ۱ / ص ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲. ژاک لئوته: جرم‌شناسی و علم زندان‌ها، ص ۷۳۴ و نیزمارک آنسل: مجازات اعدام (گزارش سازمان ملل متحد) ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، چاپ دوم ۱۳۵۶، انتشارات آگاه و دکتر حسینی نژاد: "دادگستری در آلمان غربی" مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره ۸ و ۹ سال ۱۳۵۴، ص ۵۷.

است که اشخاص از راه قرارداد اجتماعی در دست جامعه گذاشته‌اند و این هبه را هم مجانی نکرده‌اند بلکه بخشش مزبور را در عوض تضمیناتی که از طرف جامعه (در مواردیکه زندگی آن‌ها در خطر بیفتد) شده است نموده‌اند.

بکار یا عقیده ژان ژاک روسو را قبول نکرده و معتقد نمی‌باشد که انسان پیشاپیش بتواند از حق حیات دست بکشد اگرچه مشروط هم باشد بکار یا مجازات اعدام را در دوره‌های اغتشاش سیاسی یعنی در مواقع جنک مشروع می‌داند لکن در مواقع صلح مخالف مجازات اعدام می‌باشد و این عقیده موافق با عقیده است.

اختلافات مزبور بین Positivistes نیز موجود است لومبروزو با مجازات اعدام موافق می‌باشد زیرا مجازات اعدام را وسیله حتمی برای از بین بردن جانی‌های بالفطره می‌داند. (ژرژ پیک، ص ۴۴۴)

گاروفالو از نظر تصفیه نژاد با مجازات اعدام موافق و مخصوصاً معتقد است که مجازات‌های اعدام که دسته‌دسته در در قرن ۱۶ و ۱۷ اجرا شد اثرات و نتایج خوبی داشته است بالعکس فری Ferri مخالف با مجازات اعدام است بعقیده او مجازات اعدام عبرت و ترس برای جامعه ایجاد نکرده و این اثر خوب را نخواهد داشت مگر اینکه به نسبت زیادی اجرا شود که این نسبت هم مخالف احساسات و وجدان و اخلاق قرن معاصر است.

۴-۵- چگونگی مجازات اعدام در حال حاضر

امروزه مجازات اعدام در اغلب ممالک اروپا، فرانسه و انگلستان و آلمان وجود دارد معهدنا فکر حذف مجازات اعدام در آلمان قبل از جنک بمنصه ظهور رسیده بود و امروزه در انگلستان با انرژی زیادی درصدد حذف آن می‌باشد، عده ممالکی که مجازات اعدام را عملاً از بین برده و یا از قوانین خود حذف نموده‌اند روزبروز بیشتر می‌گردند.

مجازات اعدام در دانمارک و بلژیک قبل از جنک عملاً از بین رفته و از سال ۱۸۶۲ عادت بر این جاری شده است که عملاً مجازات اعدام را اجرا نکنند اگرچه مجازات مزبور در مجموعه قوانین ۱۸۶۸ وجود دارد پادشاه بلژیک مطابق رویه مذکور در ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۳ مجازات قاتلین ستوان Graff را که آلمانی بودند یکدرجه تخفیف داد.

در ممالکی که مجازات اعدام قبل از جنک از بین رفته ممالک هلند و رومانی «از ۱۸۶۴» و مملکت پرتقال (از ۱۸۶۶) و بالاخره بعضی از کانتن‌های سویس می‌باشند. طبق ماده ۶۵ مجازات اعدام در مشروطیت فدرال ۲۶ مه ۱۸۷۴ حذف شده بود ولی در اثر مشاجرات و مباحثات زیادی برای برقراری آن مقررات جدید مشروطیتی در مه ۱۸۷۹ بوجود آمد که به کانتن‌ها حق می‌داد که دومرتبه مجازات اعدام را برای جنایات عادی برقرار نمایند و بدین نحو کانتن‌های و لوسرن Lucerne مجازات اعدام را قبول ولی کانتن‌های nef chatel ژنو آن را قبول نکردند.

در نروژ مجازات اعدام در مجموعه قوانین جزائی ۱۹۰۳ حذف شد و در اتریش از ابتدای جنگ بواسطه قانون ۳ آوریل ۱۹۱۹ از بین رفت در سوئد قانون ۱۷ ژوئن ۱۹۲۱ آنرا حذف و در جمهوری ارژانتین نیز از بین رفت.

در ایتالی که مجازات اعدام در مجموعه قوانین جزائی ۱۸۸۹ حذف شده بود مجدداً در ۲۵ نوامبر ۱۹۲۵ برقرار و مخصوص مرتکبین جنایات سیاسی گردید و طرح قانون مجازات (Rocco) دومرتبه آنرا برای جنایات خیلی بزرگ عادی (جنایات غیرسیاسی و نظامی) برقرار نمود. (بوزا و پنیاتل، ص ۴۳۹ و ۴۴۰)

در قرن شانزده اظهارات توماس موروس (Tomas Morus) تردیدی در فوائد مجازات اعدام تولید نمود ولی مخالفت حقیقی در قرن ۱۸ از طرف بکاریا (Beccaria) شروع شده و پس از قرنی مباحثه و مجادله فعلاً هم بجائی نرسیده است زیرا هنوز در معنی «مشروعیت مجازات» توافق نظری حاصل نشده است.

مخالفین مجازات اعدام برای از بین بردن آن عقاید متحدی نداشته و روی یک زمینه دفاع ننموده‌اند و خلاصه عقاید آن‌ها بشرح زیر است:

الف- عده از طرفداران الغاء مجازات اعدام عقیده خود را باین مستند می‌کنند که باید مجازات‌ها فقط باموال و حقوقی که از طرف جامعه اعطاء شده است وارد بیاید و میگویند که چون حیات را جامعه بانسان نداده نمی‌تواند آنرا هم از او بگیرد.

سن-توماواکن می‌گوید در صورتیکه عقیده فوق را بپذیریم نتیجه باید اذعان بکنیم که نه تنها مجازات اعدام مجازات نامشروعی است بلکه حبس نیز که متضمن سلب آزادی است نامشروع می‌باشد چه همانطور که حیات را جامعه نبخشیده آزادی نیز از طرف جامعه بافرد اعطا نشده است.

بشر حق آزادی دارد همانطور که حق حیات دارد لکن این حق آزادی برای حفظ حقوق سایرین محدود شده است.

ب- مخالفین مجازات اعدام بعضی نتایج حاصله از آن را مذموم و بجهت ذیل مجازات مزبور را مردود دانسته‌اند:

۱- اعدام یک مجازات غیر قابل جبرانی است بدین توضیح که ممکن است بعد از اجرای مجازات اعدام معلوم گردد که حکم محکومیت مبتنی بر خطا و اشتباه قضائی بوده است- گرچه ایراد مزبور وارد است لکن ایراد مزبور نه تنها نسبت به مجازات اعدام بلکه نسبت به مجازات‌های سلب آزادی می‌نمایند نیز وارد است چه مجازات‌های سالب آزادی نیز قابل مرمت و جبران نبوده و اقامت در زندان نیز ممکن است موجب خطر برای سلامتی و حیات محبوس باشد. در صورتیکه بجامعه حق داده باشیم که گناهکاران خطرناک و متجری را وسیله مجازات‌های ابدی طرد نموده و بدین وسیله دفع شر نمایم چه ضرر دارد که این دفع بطور ساده‌تر و کم‌خرج‌تر یعنی به وسیله اعدام انجام گیرد؟

۲- اعدام تنبیه ظالمانه و مطلقاً بوده و درد حاصله از آن متناسب با شدت بزه ارتکابیه نمی‌باشد چه آنکه اعدام حدی ندارد- لکن ایراد مزبور نسبت به مجازات‌های حبس ابد نیز وارد است.

۳- مجازات اعدام تنبیه بیفائده‌ایست ولتر (Voltaire) می‌گوید که یکنفر مصلوب وجود بی‌مصرفی است- لکن به تجربه ثابت شده است که از وجود یک‌نفر محکوم به حبس ابد نیز فائده مترصد نبوده و منافع مادی که از کار و عمله‌گی این قبیل محبوسین بدست می‌آید بمراتب نازل‌تر از مخارجی است که دولت برای نگاهداری آنان متحمل می‌شود.

موافقین الغاء مجازات اعدام می‌گویند که مجازات اعدام جنایتکاران بزرگ را ارعاب نمی‌نماید چه عده زیادی از جانیهای بزرگ قبلاً وجود داشته و در موقع اجرای مجازات اعدام نیز حضور داشته‌اند معذک مجازات مزبور در آن‌ها ایجاد بیم و هراسی ننموده است.

مخالفین مجازات اعدام می‌گویند اگر قبول بکنیم که (مجازات مشروع مجازاتی است که آسایش عامه ایجاب می‌نماید و همینکه لزوم یک مجازات از بین رفت دیگر آن مجازات مشروع نیست) باید اذعان بکنیم که در این صورت مشروعیت مجازات اعدام نیز مورد تردید است چه جای انکار نیست که حذف تدریجی قسمت زیادی از موارد اعدام که متدرجاً از ۱۱۵ فقره تنزل نموده است سبب ترقی مجرمیت خونین نگردیده بلکه تنزلی در آن مشاهده شده است در صورتیکه الغاء قسمتی از موارد اعدام نتیجه بدی نداده است نباید تصور کرد که از الغاء کلی و تمام آن اثرات سوئی حاصل خواهد شد. هیچیک از دلائل مذکور فوق دلائل قطعی بنظر نمی‌رسد زیرا هرگز نمی‌توان گفت که مجازات اعدام انسان را بوحشت نمی‌اندازد لکن باید ثابت کرد ترس و رعبی که از نظر مجازات احتمالی دوری به گناهکار مستولی می‌شود از وقوع بزه جلوگیری نموده و مجرمیت را از بین می‌برد برای اثبات این موضوع عده اشخاصی را که اصلاً منظره اجرای مجازات اعدام از عمل و رفتار بد و مجرمانه‌شان منحرف نکرده است می‌شمارم لکن عده اشخاصی را که منظره مزبور و بیم و هراس مجازات اعدام آن‌ها را از عمل بدشان منحرف کرده است نمی‌شمارم.

از طرف دیگر از ملاحظه آماری که نتایج نسخ مجازات اعدام را نشان می‌دهد نیز دلیل قطعی بر اینکه آیا بطور کلی نسخ مجازات اعدام بعده گناهکاران افزوده است یا نه بدست نمی‌آید تا نتیجه عقیده مخالفین مجازات اعدام مشعر بر اینکه «چون در ممالکی که اعدام ملغی شده است خطریکه آسایش عامه را تهدید می‌نماید شدیدتر از پیش نگردیده و سکنه درستکار و صدیق ممالک مزبور بیشتر از جاهای دیگر مورد حمله اشرار و جنایتکاران واقع نشده‌اند نباید تصور کرد که الغاء مجازات مزبور در سایر ممالک نیز متضمن مضار و نتایج سوئی خواهد بود» مورد قبول واقع گردد چه آنکه در ممالک مزبور مجازات اعدام قبل از نسخ قانونی عملاً بعلت تنزل فاحش قبلی مجرمیت از بین رفته بود.

بنظر می‌رسد که در کلیه مشاجرات و مباحثاتی که در اطراف مجازات اعدام بعمل آمده احساسات رل مهمی را عهده‌دار بوده است- مخالفین مجازات اعدام آنرا تنبیه تنفرآوری پنداشته و معتقدند که روش و عادات متمدن را لکه‌دار می‌نماید از خود سؤال می‌کنیم که آیا دفاع از جامعه و لزوم دفاع مزبور ما را مجبور نخواهد کرد که در صورت نسخ مجازات اعدام به تنبیه تنفرآوری متوسل شویم؟ رنجی که از مجازات اعدام حاصل می‌شود مختصر و کوتاه است بین این دو: [«کشتن بدون رنج دادن» و «رنج دادن بدون کشتن»] معلوم نیست که دومی تنفرآوری از اولی نباشد.

۴-۶- جانشین کردن مجازاتی بجای مجازات اعدام یا اجرای مجازات اعدام

چندین راه‌حل برای جانشین کردن مجازاتی بجای مجازات اعدام در نظر گرفته شده است:

۱- می‌توان بجای مجازات اعدام مجازات دیگری نگذاشته و در مواردیکه قانونا بایستی مجازات اعدام اجرا شود مجازاتی را که در قانون بلافاصله بعد از اعدام ذکر شده است اعمال نمود مجازات مزبور حبس مؤبد با اعمال شاقه است که جانشین مجازات اعدام می‌گردد این راه‌حل در فرانسه در سال ۱۹۲۳ موقعیکه مجازات اعدام در مورد چند جنایت حذف شده بود بنظر رسید.

ترتیب مذکور فوق نتیجه سوئی دارد و آن اینست که بمقدار خطرناکی از میزان رعب و وحشت مجازات گاسته میشود- مجازات حبس مؤبد با اعمال شاقه بقدر کفایت مرعب نمی‌باشد و این حبس ابدی نیست مگر اسما و محکوم بحبس با اعمال شاقه همیشه امیدوار است باینکه روزی مورد عفو واقع شده و یا فرار خواهد کرد.

۲- ممکن است بجای اعدام مجازات دیگری گذاشت که نسبت بمجازات حبس مؤبد با اعمال شاقه شدیدتر باشد در فرانسه در سال ۱۸۴۸ پس از آنکه مجازات اعدام در مورد تقصیرات سیاسی حذف کردند مجازات تبعید در قلاع مستحکم را بجای آن برقرار نمودند- در ممالکی که این رویه عملی شده است در مورد بزبه‌های معمولی یعنی بزبه‌های غیرسیاسی و نظامی بجای مجازات اعدام مجازات سالب آزادی که بلافاصله بعد از اعدام در ردیف مجازات‌ها ذکر شده و با یک دوره حبس مجرد تشدید گردیده است اجرا می‌شود- این دوره حبس مجرد در بلژیک ۱۰ سال و در ایتالی شش سال است. (امیر علایی، ۱۳۵۷)

در فرانسه مجازات اعدام بموجب طرحی که در سال ۱۹۰۶ پیشنهاد گردید تبدیل می‌شد بدو دوره حبس که دوره اول ۶ سال حبس مجرد و دوره دوم حبس ابد بود و در دوره دوم یعنی بعد از انقضاء مدت ۶ سال حبس مجرد هم محبوسین می‌بایستی روزها مشترکا کار کرده و شبها منفردا زندانی باشند.

این رویه مصون از ایراد نیست چه اگر منظور از حبس مجرد انفراد مطلق و حقیقی نبوده و محبوس حق ملاقات با اشخاص را داشته باشد رویه مزبور چندان شدید نخواهد بود و اگر برعکس مقصود از حبس مجرد حکومت مطلقه یک انفراد حقیقی و واقعی باشد محبوس سریعاً دیوانه شده و نتیجه اعمال رویه مذکور سخت‌تر از اجراء مجازات اعدام خواهد بود.

۴-۷-طریقه اجرای مجازات اعدام

در فرانسه به موجب ماده ۱۲ قانون مجازات باید سر محکوم از بدنش جدا شود این عمل به وسیله گیوتین اجرا می‌شود گیوتین را یکی از نمایندگان مجلس مؤسسان که اسمش گیوتین بود اختراع کرده است مشارالیه در اول دسامبر ۱۷۸۹ از ماشین خود بدین نحو تعریف می‌کند «من در یک چشم بهم زدن سر شما را از تن جدا می‌کنم که هیچ‌گونه رنج و دردی احساس ننمایید» گیوتین در ۲۰ مارس ۱۷۹۹ مورد قبول واقع شد و مخصوص است به اشخاص غیرنظامی و طریقه اعدام نظامیان تیرباران است. سابقاً در تمام موارد نظامیان محکوم به اعدام را تیرباران می‌کردند لکن قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۱۱ مقرر داشته است که نظامیانی که در حال صلح به واسطه ارتکاب به جنایات حقوق عادی محکوم به اعدام شده‌اند به دست مأمورین غیرنظامی و مانند آن‌ها به وسیله گیوتین اعدام شوند و برعکس اشخاص غیرنظامی که در موقع جنگ «حکومت نظامی» از طرف دادگاه‌های نظامی محکوم شده‌اند با ترتیبات نظامی یعنی وسیله تیرباران اعدام شوند- پس امروزه صفت محکوم و نوع بزه در تعیین طرز اجرای مجازات اعدام دخالتی نداشته بلکه نوع دادگاه صادرکننده حکم طرز مجازات اعدام را معین می‌نماید.

طرز اجرای مجازات اعدام برحسب ممالک متفاوت است در ایران و انگلستان وسیله دار و در اسپانیا وسیله خفه کردن در امریکا وسیله برق در نوادا (Nevada) از ابتدای آوریل ۱۹۲۲ وسیله خفه کردن موقعی که محکوم خوابیده است اجرا می‌شود.

۴-۸- محل اجرای مجازات اعدام

مجازات اعدام در یکی از میدان‌های عمومی شهری که در حکم دادگاه معین شده است اجرا می‌شود به استثنای روزهای یکشنبه و اعیاد ملی و مذهبی-تعیین شهر با محکمه جنائی است و معمولاً مجازات در شهری اجرا می‌شود که محکوم در آن شهر زندانی است-اعدام در حین طلوع آفتاب اجرا شده و باید علنی و بدون تشریفات باشد در فرانسه فقط درباره پدرکش مختصر تشریفات مقرر شده و این قسم قاتل را باید با پای برهنه و یک نقاب سیاه به بالای ماشین اعدام برده و پس از آنکه حکم قرائت شد مجازات اجرا گردد.

در انگلستان اجرای مجازات اعدام علنی نبوده و در داخل زندان به عمل می‌آید گرچه در فرانسه اجرای مجازات اعدام طبق قانون علنی است لکن عملاً علنی بودن آن صورت واقعی نداشته و مجازات مزبور قبل از طلوع آفتاب انجام گرفته و ماشین مجازات را هم در سطح زمین قرار می‌دهند و همه کس آن را نمی‌بیند و بعلاوه به واسطه اقداماتی که برای حفظ انتظامات به عمل می‌آید تماشاچیان دور می‌شوند.

چون اعدام علنی برای بعضی از جنایت‌کاران به منزله فرصتی است که بتوانند تا آخرین نفس بی‌شرمی خود را به منصفه ظهور رسانده و یک‌بار دیگر در مقابل جامعه عرض اندام نمایند و نیز نتایج اخلاقی و تولید عبرتی که از اعدام علنی انتظار می‌رود در عمل دیده نشده است و اجرای این مجازات در اذهان ناظرین بجای نفرت تولید ترحم شفقتی در حق محکوم می‌نماید تصور می‌رود اجرای مجازات مزبور در داخل زندان و به‌طور غیرعلنی شایسته‌تر باشد. در فرانسه جنازه کسی که مجازات اعدام درباره او اجرا شده در صورت درخواست به خانواده او داده می‌شود مشروط بر اینکه او را بدون هیچ‌گونه تشریفات دفن کنند- جنازه معدومین در صورت نبودن فامیل برای آن‌ها و یا عدم درخواست خانواده آن‌ها در لابراتوار در معرض امتحان قرار می‌گیرند. بالاخره طبق عادت که از حقوق قدیم رم باقی‌مانده است هرگاه محکوم به اعدام زن حامله بوده و حامله بودن خود را ثابت نماید تا وضع حمل مجازات او تعلیق می‌شود چه شایسته نیست که از طفل بی‌گناهی سلب حیات شود.

۴-۹- مجازات‌های تبعی اعدام

سابق بر این محکومیت به اعدام همیشه متضمن ارتداد عرفی و در بعض موارد مصرحه قانون متضمن ضبط کلیه اموال بود- ضبط اموال را فرمان سلطنتی ۱۸۱۴ و ارتداد عرفی را قانون ۳۱ مه ۱۸۵۴ الغاء نمود طبق قانون اخیرالذکر ارتداد عرفی در مجازات‌های ترهیبی به مجازات‌های تبعی ذیل تبدیل شده است: محرومیت از حقوق اجتماعی و سیاسی، حجر قانونی، عدم اهلیت برای تصرف در اموال خود و قبول هبه و صلح غیر معوض، بطلان وصیت‌نامه که قبل از محکومیت نوشته شده باشد. بدیهی است که درباره شخص محکوم به اعدام فقط دو مجازات تبعی اخیری صورت خارجی دارد: اموال معدوم مطابق قانون تقسیم شده و اگر وصیت‌نامه داشته باشد به‌موقع اجرا گذارده نمی‌شود. یک قسم مجازات تبعی دیگری نیز وجود دارد و آن عبارتست از اعلان یک نسخه از حکم محکومیت در نقاط ذیل:

۱- در حکومت‌نشین ایالت.

۲- در شهری که دادگاه در آن واقع است.

۳- در محل وقوع بزه.

۴- در محل اجرای مجازات.

۴-۱۰- عدم توفیق الگوی کیفری اعدام و کاستی‌های نظریه بازدارندگی

مجازات اعدام (مواد مخدر)

عدم توفیق الگوی کیفری و کاستی‌های نظریه بازدارندگی مجازات‌ها که در قسمت‌های پیشین به آن اشاره شده است، در یکی از معدود تحقیقات انجام شده در ایران نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. چنان‌که می‌دانیم، در اندیشه بازدارندگی، مجازات اعدام، هم نسبت به شخص بزهکار و هم نسبت به دیگران باید بیشترین تأثیر بازدارنده را داشته باشد و بنابراین حداقل تأثیر آن کاهش میزان گرایش به ارتکاب جرم از طرف دیگران (بنا به جنبه بازدارندگی عام آن) است.

در پژوهشی که درباره ارزیابی تأثیر مجازات اعدام در روند مبارزه با مواد مخدر در استان کرمان (احمدی، ۱۳۷۷) در طول سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶، یعنی دوره اجرای قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، صورت گرفت، نتایج جالب توجهی به دست آمده است که از تأیید نتایج سایر پژوهش‌های انجام شده درباره نظریه بازدارندگی حکایت دارد.

این تحقیق که تحت عنوان «تأثیر اعدام در روند مبارزه با مواد مخدر در استان کرمان (۱۳۶۷-۱۳۷۶)» انجام گرفته است (اداره کل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۷)، ضمن بررسی تأثیر مجازات اعدام بر خانواده معدومان مرتکب جرائم مواد مخدر، به ارزیابی تأثیر این مجازات «در تنبیه و عبرت‌آموزی دیگران» و نقش آن در کاهش یا عدم کاهش گرایش به ارتکاب جرائم مواد مخدر پرداخته است.

محدوده مکانی اجرای این تحقیق، استان کرمان و قلمرو زمانی اجرای آن، فاصله تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ و تشدید و الحاق موادی به آن قانون در سال ۱۳۷۶ بوده و جامعه آماری آن نیز مشتمل بر ۲۵۲ نفر معدوم و خانواده‌های آنان و به‌علاوه ۵۶۲۱ پرونده دیگر راجع به جرائم مواد مخدر بوده است که به‌طور نمونه از مجموعه پرونده‌های متشکله در فاصله سال‌های مذکور انتخاب گردیدند.

برخی از نتایج این تحقیق که درباره تأثیر بازدارندگی مجازات و به‌ویژه مجازات اعدام، به‌رغم تشدید قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۷۶ و استقبال قانون‌گذار از اجرای بیشتر مجازات اعدام، می‌تواند برای قانون‌گذاری‌های بعدی مفید واقع گردند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش «طی سال‌های ۶۷ تا ۷۶ دائماً بر تعداد مجرمان افزوده شده است؛ به‌گونه‌ای که مجرمان سال ۱۳۷۵، نه برابر مجرمان سال ۱۳۶۷ بوده‌اند» (اکبری، ۱۳۷۹: ۲۱۶) که دقیقاً حکایت از فقدان تأثیر بازدارندگی عام کیفر اعدام دارد. از جهتی دیگر نیز می‌توان به ارزیابی جنبه بازدارندگی عام این کیفر پرداخت و آن اینکه نه تنها بر تعداد مجرمان

جرائم مواد مخدر به ترتیب پیشین افزوده شده است، بلکه بر میزان جرائم ارتكابی و حجم آن نیز افزوده شده است؛ به گونه‌ای که «میزان مواد کشف شده از قاچاقچیان طی سال‌های ۵۹ تا ۷۶ دائماً افزایش یافته است. بر این اساس، میزان مواد کشف شده به‌طور میانگین از هر یک از قاچاقچیان در سال ۱۳۷۶، ۱۸/۱۶ برابر است؛ یعنی از هر قاچاقچی سال ۱۳۷۶، هجده برابر قاچاقچی سال ۱۳۵۹ مواد مخدر به دست آمده است» (همان: ۲۱۷)

یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که اجرای مجازات اعدام ۵۲٪ موجب تغییر وضع خانوادگی معدومان و بدتر شدن وضعیت اعضای خانواده شده است (همان: ۲۱۸).

علاوه بر این، در این تحقیق نشان داده شده است که «مجرمان مواد مخدر طی سال‌های ۶۷ تا ۷۶ اندکی جوان‌تر شده‌اند، بر میزان مجرمان مجرد اندکی افزوده شده است، بر حجم و نسبت مجرمان مواد مخدر سایر استان‌ها در استان کرمان افزوده شده است، محل سکونت خانواده مجرمان در سطح کشور گسترده‌تر شده، کارکنان مستقل و کارگران کشاورزی سهم بیشتری از مجرمان مواد مخدر را به خود اختصاص داده‌اند، سطح سواد مجرمان مواد مخدر در سال‌های اخیر کاهش یافته است (همان: ۲۲۳)

نکته حائز اهمیت دیگر که می‌تواند بیانگر یکی از دلایل عدم توفیق اندیشه بازدارندگی مجازات در نتیجه اجرای مجازات اعدام برای مبارزه با گسترش جرائم مواد مخدر باشد، اینکه حسب یافته‌های این پژوهش «در سال‌های اخیر بر تعداد مجرمان، نیز افزوده شده است. به‌نحوی که تعداد مجرمان در حال حاضر ۸۵۳۵۹ نفر می‌باشند. این تعداد در سال‌های ۶۷ بر اساس اطلاعات در دسترس محقق) ۱۹۴۴۷ نفر بوده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان گفت تعداد مجرمان از سال ۱۳۶۷ تاکنون ۴/۴ برابر شده است؛ در صورتی که جمعیت طی ده سال گذشته، حتی دو برابر هم نشده است» (همان: ۲۳۰)

آثار منفی اجرای حکم اعدام در زمینه موضوع تحقیق به ترتیب ذیل به‌وسیله محقق احصا شده است:

۱. تأثیر منفی بر وضع رفاهی، اجتماعی، روحی، روانی و تحصیلی بچه‌ها؛
۲. بیوه شدن زنان جوان؛
۳. از دست رفتن مشروعیت قدرت سیاسی نزد خانواده‌های اعدام شدگان؛
۴. پایین آوردن اعضای خانواده معدوم در سلسله مراتب قشربندی اجتماعی؛
۵. زدن لکه ننگ بر اعضای خانواده معدومان؛
۶. با اجرای حکم اعدام، باندهای قاچاق از بین نمی‌روند و فقط فرد مجرم حذف می‌شود و با حذف وی فرد دیگری جانشین آن می‌شود.
۷. سستی کنترل اجتماعی فرزندان، به همراه قرار گرفتن ایشان در گروه‌های همسالان با هنجارهای ناسازگار با جامعه، منجر به انحراف آنان خواهد شد.

۸ - اهداف مجازات (اصلاح و تربیت بزهکار، پیش‌گیری عمومی، پیش‌گیری فردی...) محقق نمی‌شود... پیش‌گیری عمومی صورت نمی‌گیرد، زیرا دائماً بر تعداد مجرمان افزوده می‌شود. همچنین می‌توان گفت اعدام فرد مجرم باعث آن نمی‌شود که قاچاقچیان مواد مخدر کم شوند؛ زیرا به‌قرار اطلاعات موجود در بسیاری از باندهای قاچاق مواد مخدر، پس از کشته شدن رئیس باند، پسر ارشد وی یا برادر او جانشین وی می‌شود (همان: ۲۳۲)

محقق معتقد است که این مجازات موجب تسکین افکار عمومی که یکی دیگر از اهداف مجازات است نمی‌شود؛ زیرا «مجازات مجرمان مواد مخدر از دیدگاه مردم، همسایگان و همشهریان آن‌ها بیشتر از آنکه مجازات خود آن‌ها باشد، مجازات خانواده آن‌هاست» (همان: ۲۳۳). به‌علاوه اکنون مستمراً بر تعداد مجرمان مواد مخدر و همچنین میزان مواد مخدر مکشوفه از آن‌ها افزوده می‌شود (همان: ۲۳۴)

لیکن مهم‌ترین یافته این پژوهش درباره نظریه بازدارندگی مجازات‌ها همان است که آخرین یافته این پژوهش را به‌عنوان نتیجه اجرای مجازات اعدام تشکیل می‌دهد. محقق تأکید می‌کند: «افزایش تعداد مجرمان مواد مخدر در سال‌های اخیر، مؤید این نکته است که مجازات قاچاقچیان باعث درس عبرت نشده است» (همان: ص ۲۳۵) و به‌عبارت‌دیگر، فاقد هرگونه تأثیر بازدارندگی عام بوده است.

علاوه بر یافته‌های پژوهشی فوق‌الذکر، می‌توان از یافته‌های مشابه تحقیق دیگری یاد کرد که در سال ۱۳۷۸ انجام شده است. در این پژوهش، محقق تلاش نموده تا از طریق مصاحبه با مرتکبان جرائم مواد مخدر و برخی وکلای مدافع و نیز خانواده‌های معدومین مرتکب جرائم مواد مخدر و نیز تجزیه و تحلیل آمارهای کشفیات مواد مخدر، ویژگی‌های مرتکبان جرائم مواد مخدر و... در خصوص موفقیت یا عدم موفقیت سیاست کیفری سخت‌گیرانه بیست سال اخیر اظهار نظر نماید. (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۲۱)

مطابق یافته‌های پژوهش مذکور تنها ۲۰ درصد از مصاحبه‌شوندگان موافق مجازات اعدام بوده و هفتاد درصد معتقد بودند که اعدام قاچاقچیان مواد مخدر در بازدارندگی از ارتکاب این جرائم تأثیر خیلی کمی داشته و در تعیین اثربخشی مجازات اعدام همین نکته کفایت دارد که غالب بزهکاران مواد مخدر دارای اطرافیان و نزدیکانی بوده، و می‌باشند که در زمینه مواد مخدر فعالیت داشته و اعدام شده‌اند. (همان: ۲۸۳)

۴-۱۱- تأثیر اربعایی مجازات اعدام (مربوط به مواد مخدر)

یکی از اهداف مجازات، ایجاد ترس در مجرم و سایر مردم از ارتکاب جرم در آینده است. به نظر موافقان اعدام، حیات عزیزترین دارایی شخص و بنابراین ترس از مرگ بالاترین ترس‌هاست. بدین ترتیب باید مجازات اعدام را در جهت ایجاد این رعب و هراس در دل مرتکبان بالقوه جرائم سنگین حفظ کرد. به همین دلیل است که کمتر محکوم به اعدامی از تلاش برای

تخفیف مجازات خود به حبس دائم خودداری و یا به قول «جیمز فیتز جیمز استفن» (آشوری، ۱۳۷۹: ۸۴) قاضی کیفری دوران ملکه ویکتوریا، پیشنهاد تخفیف مجازات به حبس ابد را رد می‌کند.

۴-۱۲- پیامدهای لغو اعدام در برخی کشورها

طرفداران اعدام برای اثبات ترس‌زا بودن این مجازات به این نکته اشاره می‌کنند که لغو اعدام در برخی از کشورها موجب افزایش تعداد جرائم ارتكابی در آن کشورها شده است. برای مثال، دلیل عمده مجلس اعیان انگلستان در تاریخ ۳۰ می ۱۸۱۰. برای، رد طرح مجلس عوام دایر بر لغو مجازات اعدام برای سرقت کالاهایی که کمتر از پنج شلینگ ارزش دارند، آن بود که لغو اعدام برای جرم جیب‌بری در دو سال قبل از آن تاریخ موجب افزایش ارتكاب این جرم شده بود. (دلماس مارتی، می‌ری ۱۸۳۱: ۲۱)

مخالفتان اعدام در پاسخ اظهار می‌دارند:

اولاً- اثر ترس‌زایی مجازات نسبتاً سبکی که بدون استثنا و با سرعت و به‌طور مستمر اعمال گردد بسیار بیش از مجازات زودگذر و سنگینی است که احتمال اجرای آن کم است. به قول «سزار بکاریا»: «حتمی بودن عقوبتی حتی معتدل همیشه تأثیری شدیدتر از ترس از مجازاتی موحش که امید رهایی در آن راه دارد به‌جا می‌گذارد؛ زیرا وقتی گریز از کیفر محال باشد، ملایم‌ترین رنج‌ها روح بشر را متالم می‌سازد.» (همان: ۲۴)

وی در جای دیگری می‌گوید «سختی کیفر نیست که ژرف‌ترین اثر را بر روح انسان باقی می‌گذارد، بلکه طول مدت آن است، زیرا قوای حسی ما از تأثیرات ضعیف ولی پیاپی آسان‌تر و پایدارتر از برخورد خشن ولی زودگذر متأثر می‌شود... آنچه مردمان را از ارتكاب جرائم باز می‌دارد نمایش موحش ولی زودگذر مرگ یک تبه‌کار نیست، بلکه نمونه ممتد و مستمر انسانی است محروم از آزادی... این بسیار نیرومندتر از مرگ است که مردمان همیشه دورنمای مبهمی از آن در نظر دارند» (همان: ۲۶)

به نظر «سروالترهوبرلی»، امیدی که در ذهن مجرمین بالقوه، از یک فقره عفو حاصل می‌شود بسیار بیش از ترسی است که ممکن است از بیست فقره اعدام حاصل گردد (گسن، ریموند، ۱۷۳۱: ۵۱) و با توجه به راه‌های مختلفی که در نظام‌های حقوقی برای فرار از اعدام وجود دارد، این مجازات در عمل، اثر ترس‌زایی خود را از دست داده است.

۴-۱۳- تأثیر ترس از مجازات اعدام در مجرمین بالقوه

مجرمین بالقوه معمولاً قبل از ارتكاب جرم به پیامدهای منفی عمل خود نمی‌اندیشند، بلکه تنها پس از ارتكاب جرم و چه بسا پس از دستگیری است که ترس از مجازات آنان را نگران

و مشوق می‌سازد؛ به عبارت دیگر، به نظر مخالفین، نباید موقعیت مجرمی را که به پای چوبه دار آورده شده است با موقعیت شخصی که در فکر ارتکاب جرمی است که مجازات آن اعدام می‌باشد، قیاس کرد. هرچند در مورد اول، مواجهه با مرگ باعث ترس شدید اکثر افراد می‌شود؛ لیکن در مورد دوم، یا اساساً منطق‌گرایی و محاسباتی که به وسیله طرفداران تئوری ترس زایی اعدام مفروض انگاشته می‌شود، در مجرمین بالقوه وجود ندارد و یا اینکه امید به عدم دستگیری، عدم اثبات جرم، تخفیف یافتن مجازات و نظایر آن، هرگونه ترس از اعدام را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. برای مثال «در انگلستان نسبت دستگیری‌ها به قتل‌ها ۱ به ۶ و نسبت اعدام‌ها به قتل‌ها ۱ به ۱۲ بوده است که اگر قاتلینی را که مرتکب خودکشی شده‌اند نیز به حساب آوریم، ارقام مذکور به ترتیب ۱ به ۶ و ۱ به ۳ می‌شود. (گسن، ریموند، ۱۳۷۱: ۵۴)

به علاوه، برخی از اشخاص، مثل قاچاقچیان مواد مخدر و گانگسترها، به اعدام به عنوان ریسک شغل خود می‌نگرند که تنها اثر آن بالا بردن نرخ فعالیت آن‌هاست. (آشوری، محمد، ۱۳۷۹: ۴۲ - ۳۹)

۴-۱۴- آثار مخرب اعدام در اجتماع

مخالفین مجازات اعدام در اثبات ترس‌زا نبودن این مجازات به موارد دیگری نیز اشاره می‌کنند، مثل اینکه اولین اسکناس جعلی در انگلستان چند روز پس از تعیین مجازات اعدام برای جرم جعل منتشر شد و یا آنکه در قرن نوزدهم، از ۱۶۷ محکوم به اعدام، ۱۶۴ نفر آن‌ها قبلاً ناظر برگزاری اعدام‌های علنی بوده‌اند. (دلماس مارتی، می‌ری ۱۸۳۱: ۵۷)

آن‌ها به علاوه، به گزارش منتشره از سوی کمیسیون سلطنتی که در انگلستان مأمور شده بود تا در مورد وضعیت اعدام‌های علنی تحقیق کند، استناد می‌کنند. در این گزارش به این موضوع اشاره شده است که صحنه‌های اعدام‌های علنی معمولاً بهترین مکان برای جیب‌برها بوده و ارتکاب جیب‌بری‌های متعددی در این مکان‌ها گزارش شده است.

جالب توجه آنکه اکثر این جیب‌بری‌ها درست در لحظه اعدام محکوم رخ می‌داده، یعنی بردن دست در جیب قربانی تقریباً مصادف با کشیده شدن طناب‌دار توسط مأمور اجرای حکم بوده است؛ چرا که در این لحظه، سرها کاملاً رو به بالا و حواس‌ها متوجه صحنه اعدام می‌باشد.

اهمیت این گزارش از آنجا بیشتر می‌شود که توجه داشته باشیم که در آن ایام، جرم جیب‌بری خود مجازات اعدام را در پی داشت. (همان) به دنبال انتشار این گزارش که اقلیت تهیه‌کنندگان آن موافق لغو مجازات اعدام به‌طور کلی بوده‌اند اجرای علنی مجازات اعدام در انگلستان متوقف گشت. علت دیگری که موجب صدور چنین توصیه‌ای از سوی تهیه‌کنندگان این گزارش شد، آن بود که مطابق برخی از گزارش‌ها پس از اجرای اعدام‌های علنی گاهی جرائم مشابهی در

سطح جامعه ارتکاب می‌یافتند. این مؤید آن بود که اعدام‌های علنی موجب آشنا شدن مجرمین بالقوه با جرائم جدید بوده و خود یکی از طرق اشاعه جرم در جامعه می‌باشد. به‌علاوه، در برخی از موارد و برای بعضی از تماشاچیان، شخص محکوم به اعدام همچون قهرمان یک نمایشنامه حزن‌انگیز جلوه می‌کند و آن‌ها در آینده سعی در تقلید کردن از او می‌کنند. (همان: ۵۷)

برای مثال گفته است که یک مرد انگلیسی به نام «مارجرام» دختری را فقط به این انگیزه که اعدام شده و معروف شود کشته بود و دلیل ایجاد این انگیزه در وی نیز آن بوده است که او قبلاً یک صحنه اعدام را مشاهده کرده و فرد محکوم در نظر وی همچون قهرمانی بزرگ جلوه کرده بوده است. (همان: ۶۰)

مخالفین اعدام در ردّ ترس‌زا بودن مجازات اعدام و اینکه عواملی چون احتمال دستگیری و نظایر آن در این مورد تأثیری بیشتری دارند، به مثال مشهوری استناد می‌کنند و آن اینکه دو نفر، مردی را در ایالت نیوهمپشایر کانادا (که مجازات اعدام در آن لغو شده بود) ربوده و سپس با گذشت از دو ایالت دیگر (که در آن‌ها نیز مجازات اعدام لغو شده بود) وی را در ایالت چهارم (که در آنجا مجازات قتل عمد اعدام بود) به قتل رسانیدند. دلیل آن‌ها برای انتخاب این ایالت آن بوده که در این ایالت احتمال دستگیری آن‌ها کمتر بوده است. (همان: ۶۲)

به نظر مخالفین اعدام، موافقین نمی‌توانند اثبات نمایند که لغو مجازات اعدام برای جیب‌بری در انگلستان موجب افزایش ارتکاب این جرم در آن کشور شده است، بلکه آمار موجود تنها می‌تواند این موضوع را نشان دهد که تعداد جیب‌بریهایی که توسط پلیس مورد تعقیب قرار گرفته و نیز تعداد افرادی که به دلیل ارتکاب این جرم محکوم گشته‌اند افزایش داشته است. (همان)

این امر می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد، از قبیل اینکه با لغو مجازات اعدام برای این جرم، قربانیان بیشتری تمایل به گزارش کردن ارتکاب جرم به پلیس و پیگیری موضوع پیدا کرده‌اند. چه بسا این افراد قبلاً به این دلیل که نمی‌خواستند دیگری را در معرض مجازات مرگ قرار دهند از این کار ابا داشته‌اند.

به‌علاوه، شهود نیز به همین دلیل از ادای شهادت علیه متهم خودداری کرده و اعضای هیات منصفه هم چون حکم دادن به اعدام فرد به دلیل ارتکاب یک جرم کوچک با وجدانشان ناسازگار بوده است، به‌طور کلی حکم به برائت متهم می‌داده‌اند. بنابراین، به نظر مخالفین اعدام، لغو این مجازات برخلاف آنچه موافقین اظهار می‌دارند باعث شده است که مجرمین بیشتری به سزای اعمال خود برسند.

مخالفین اعدام به‌نوبه خود، با ذکر آمارها و گزارش‌های متعدد، مثل گزارش کمیسیون سلطنتی انگلستان، (همان: ۶۵) اظهار می‌دارند که هیچ دلیلی وجود ندارد که نشان دهد لغو اعدام برای قتل عمد در کشورهای مختلف موجب افزایش این جرم در آن کشورها شده است.

برای مثال، مطابق گزارش ارائه شده توسط اف. بی. آی. (پلیس فدرال آمریکا) میزان نسبی قتل عمد در ایالات جنوبی آمریکا از ایالات شمالی بیشتر است یا اینکه تقریباً کلیه ایالات جنوبی مجازات اعدام را حفظ کرده‌اند در حالی که این مجازات مدت‌هاست که در ایالات شمالی لغو شده است. (گسن، ریموند، ۱۷۳۱: ۶۷) آمار زیر در این زمینه قابل توجه می‌باشند. (همان: ۶۸)

۴-۱۵-آمار مقایسه‌ای تأثیر لغو مجازات اعدام

با توجه به مطالبی که پیش از این ارائه شد نکته قابل ذکر در مورد ارائه آمار برای اثبات یا رد تأثیر لغو مجازات اعدام در افزایش جرم آن است که به‌طور کلی چنین شیوه‌ای نمی‌تواند چندان صحیح و قابل‌اعتماد باشد، چرا که آمار مقایسه‌ای به یکی از سه صورت زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد که هر یک از صور مذکور دارای اشکالاتی است:

الف-مقایسه بین کشورهایی که مجازات اعدام را لغو کرده‌اند و کشورهایی که آن را حفظ کرده‌اند. این شیوه به‌هیچ‌وجه مقبول نیست؛ زیرا افزایش یا کاهش جرم علاوه بر شدت مجازات بستگی به عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی، قضایی، روانی و نظایر آن‌ها دارد که این عوامل در کشورهای مختلف متفاوت هستند. به همین دلیل در دورانی که مجازات قتل عمد در انگلستان اعدام بود، میزان نسبی این جرم در این کشور از میزان آن در کشورهای اسکاندیناوی که اعدام را لغو کرده بودند کمتر و در نقطه مقابل، از ایالت ویسکونسین (اکبری، حسین ۱۳۷۹: ۴۱) در آمریکا که آن‌هم اعدام را لغو کرده است بیشتر بود. برعکس، میزان نسبی قتل در ایالت اخیرالذکر از میزان آن در بسیاری از ایالات دیگر آمریکا که مجازات اعدام را حفظ کرده‌اند کمتر است.

ب-مقایسه بین تعداد جرائم در یک کشور، قبل و بعد از لغو مجازات اعدام. این روش هرچند از روش اول معقول‌تر است اما خود دارای اشکالاتی است که از دقت آن می‌کاهد. اولاً: کشورهایی که اعدام را به‌طور رسمی لغو کرده‌اند معمولاً این کار را پس از یک دوره نسبتاً طولانی لغو عملی انجام داده‌اند. مثلاً در کشور نروژ، آخرین اعدام در سال ۱۸۷۶ م، اجرا شد، در حالی که این مجازات رسماً در سال ۱۹۰۵ م، لغو گردید. (همان)

با وجود چنین وقفه‌ای بین زمان لغو عملی و لغو رسمی، تعیین تاریخ دقیقی که از آن تاریخ مجازات اعدام تهدیدی جدی به شمار نمی‌رفته است کاری بس دشوار می‌باشد؛ به‌عبارت‌دیگر، این موضوع را نمی‌توان با موضوعی مثل مقایسه میزان آلودگی هوا قبل و بعد از ممنوعیت استفاده از بنزین سرب‌دار خودروها قابل قیاس دانست.

نکته دوم اینکه، حتی در صورت امکان تعیین چنین تاریخی، اثری که لغو اعدام بر تعداد جرائم ارتكابی می‌گذارد تنها در طول یک دوره نسبتاً طولانی قابل مشاهده و بررسی است و ظرف این مدت سایر عوامل مؤثر در میزان ارتكاب جرم تغییر کرده‌اند و این امر باز مقایسه ما را غیر

دقیق می‌سازد. همان‌گونه که «گولد» در نامه‌ای تحت عنوان «آیا باید مجازات اعدام لغو گردد؟» (همان) به نشریه «لیسنر» می‌نویسد: «بعید است بتوان تصور کرد که در یک کشور متمدن تعدادی قاتل بالقوه صف بسته و برای ارتکاب قتل فقط منتظر لغو مجازات اعدام باشند و یا بالعکس» (همان: ۸۰)

ج- مقایسه بین تعداد جرائم در کشورهای همسایه‌ای که از هر نظر به یکدیگر شبیه هستند ولی بعضی مجازات اعدام را لغو و برخی آن را حفظ کرده‌اند. این شیوه از دو شیوه فوق بهتر و مورد اطمینان‌تر است؛ اما یافتن کشورهای که همه عوامل مؤثر در ارتکاب جرم در آن‌ها کاملاً مشابه بوده و در عین حال برخی مجازات اعدام را حفظ و بعضی دیگر آن را لغو کرده باشند، مشکل می‌باشد. به علاوه، آمارهای محدود موجود در این زمینه گاهی با یکدیگر متناقض هستند. بدین ترتیب می‌توان گفت که استفاده از روش آماری برای اثبات ترس‌زا بودن یا نبودن مجازات اعدام صحیح و قابل قبول به نظر نمی‌رسد. جهت روشن شدن بیشتر موضوع مثالی می‌زنیم: نتیجه‌ای که می‌توان از این بحث در مورد تأثیر اربعی مجازات اعدام گرفت آن است که با توجه به اینکه مجازات اعدام، عزیزترین سرمایه انسان را از او می‌گیرد، نمی‌توان اثر اربعی آن را نادیده گرفت؛ لیکن این تأثیر، بنا به دلایل مختلفی که به برخی از آن‌ها در این پایان‌نامه اشارتی رفت، مطلق نمی‌باشد و در نتیجه دولت‌ها، علاوه بر دقت در اجرای این مجازات که غیرقابل بازگشت می‌باشد، نباید با تکیه بر آن، وظایف خود را در یافتن عوامل جرم‌زا و مبارزه با آن‌ها به فراموشی بسپارند و تصور کنند که تعیین مجازات اعدام برای جرائم می‌تواند مجرمان بالقوه را از ارتکاب آن‌ها باز دارد.

بطلان این تصور در جرایمی مثل قاچاق مواد مخدر که در برخی از کشورها از جمله ایران برخوردارهای سنگینی، مثل اعدام، با مرتکبان آن‌ها صورت گرفته است، کاملاً به اثبات رسیده است.

۴-۱۶- دلایل موافقان و مخالفان مجازات اعدام

۱- دلیل اعتقادی و فلسفی:

در بین حقوق دانان و فلاسفه موافق اعدام این عقیده وجود دارد که هرگاه زندگی بزهکاران قدر برای جامعه زیان بخش باشد که سود حاصله از اصلاح وی راتحت الشعاع قرار دهد اعدام او مشروع و پسندیده است ولی مخالفین مجازات اعدام از لحاظ فلسفی ایراد کرده اند که جامعه حیات بخش نیست تا صلاحیت قطع حیات داشته باشد. حیات عطیه و ودیعه ای الهی است که از جانب باری تعالی به ابناء بشر بخشیده شده و به همین دلیل فقط پروردگار خالق انسان است که می‌تواند آنچه را که در اثر لطف و مرحمت خویش به انسان ارزانی داشته است هر لحظه که بخواهد از وی سلب نماید. در این زمینه یکی از نویسندگان اظهار می‌دارد:

« بنظر من قاعده اصلی آن است که کشتن انسانها غلط می باشد. البته اقرار می کنم که در شرایط خاصی کشتن یک فرد می تواند خیرالشرین باشد ولی در هر حال شر است. این اعتقاد مبتنی بر آن نیست که حیات بشری را مقدس می دانم، چرا که معتقدم زندگی تنها نفس کشیدن نیست بلکه باید به کیفیت زندگی اهمیت داده شود. به نظر من بسیاری از مردم - اعم از قاتلین و غیر آنها - به دلیل اشاعه شروفساد در اطراف خود اگر بمیرند بهتر است، اما فکر می کنم که برای رسیدن به این مقصود بهتر است منتظر یک حادثه خوشحال کننده باشیم نه این که خود گامهایی برای از بین بردن آنها برداریم» (صادقی میر محمد، ۱۳۸۶، ص ۳۷۲)

در جواب این ایراد طرفداران ابقاء اعدام آن را از لحاظ فلسفی بی اعتبار دانسته و قبول آن را مستلزم نفی کلیه مجازات های سالب آزادی در جامعه می دانند. سن توماس آکویناس (داکن) معتقد است: «اگر جامعه برای زندگی نوع بشر ضرورت داشته باشد باید از تمام حقوق لازمه برای حفظ وصیانت آن از گزند اشخاص برخوردار باشد، استدلال مخالفین مجازات اعدام صحیح به نظر نمی آید و نتیجه آن لغو تمام مجازات های سالب آزادی است؛ زیرا جامعه به انسان آزادی عطا کرده، بلکه ذاتاً و فطرتاً انسان آزاد خلق شده است. البته انسان حق صیانت و تمتع از آزادی که یک نعمت خدادادی است را دارد ولی این دو حق محدود است به حق حیات سایرین و رعایت آزادی آنان و چنانچه از حد خود تجاوز نماید از او سلب می شود و متجاوز باید به کیفر خود برسد» (علی آبادی ۱۳۸۵، ص ۱۹)

حقیقت این است که انسان همان طور که حق آزادی دارد، حق حیات نیز دارد؛ ولی اگر جامعه از مجازات کسانی که نظم داخلی را مختل می سازد، خودداری کند، در فاصله ای کم هرج و مرج جامعه را فرا خواهد گرفت. بنابراین حق آزادی و حیات منوط به رعایت حق آزادی و حیات دیگران است. اما جامعه هم نباید به هر بهانه ای و برای مجازات هر جرمی به سلب حیات افراد متوسل شود. ۲- اجرای عدالت:

طرفداران مجازات اعدام معتقدند که این مجازات تضمین کننده عدالت نسبی بشری است. برای مجرمی که با سنگدلی و قساوت جان فرد دیگری را گرفته، اعدام تنها مجازاتی است که با توسل به آن می توان امیدوار بود که عدالت اجرا گردیده است. چرا که در این صورت مجرم به عنوان کفاره گناه خود همان چیزی را از دست می دهد که از دیگری سلب نموده است.

پروفسور گاروپس از پذیرفتن اعدام برای قتل عمد در انطباق آن با اجرای عدالت می نویسد: «در چنین صورتی مجازات اعدام قطعاً با مفهوم عدالت منطبق است، زیرا با اهمیت جرم و گناه مجرم و استحقاق او به چنین کیفری مطابقت دارد» (گارو، ترجمه نقابت، ص ۱۲۸) به نظر مخالفین مجازات اعدام، کفاره هدف واقعی مجازات نیست بلکه هدف از مجازات بهبودی حال محکوم است که به وسیله سازمان های تأدیبی، اصلاح بزهکاران را عملی سازند.

به نظر مخالفین اعدام، سلب حیات مجرم خود قتل عمد است و فرشته عدالت با انجام این عمل خود مرتکب فعلی شده که قبیح می داند، حتی قبیح تر از عمل مجرم. زیرا قاتل ممکن است که

دراثر تحریک مقتول یا اجبار ناشی از شهوت و خشم و هیجان و غیره مرتکب قتل شود، یعنی در یک حالت غیر عادی، اما جامعه باخونسردی تمام و آگاهی کامل به این عمل دست می زند. همچنین اینکه مقتول به هیچ عنوان از مرگ خود اطلاعی ندارد و قتل وی در یک آن و ناگهانی اتفاق می افتد، اما مجرم نگون بخت بعضی اوقات باید ماهها و سالها در انتظار مرگ باشد و هیچ چیز عذاب آورتر و دهشتناک تر از این حالت نمی تواند باشد. موافقین اعدام در پاسخ به این ایراد می گویند که انگیزه فرشته عدالت از ارتکاب این قتل و آدم کشی تنبیه فردی بوده که نظم و تعاون اجتماعی را به هم زده است، از طرف دیگر مجرم با فعلی که مرتکب شده است جامعه را مورد تهاجم و حمله قرار داده است و این حق طبیعی جامعه است که در برابر آن از خود دفاع کرده و حمله را دفع نماید، تاجایی که حتی می تواند فرد مهاجم را معدوم نماید. زیرا تهاجم نفی حق است و دفاع نفی این نفی پس اجرای حق است (نوریهایی، تا، ص ۲۷۷) لذا جامعه ای که از طرف مجریان و خاطیان، یا نادیده گرفتن مقررات و قوانین آن مورد حمله قرار گرفته است به طریق اولی می تواند با توسل به مجازات هایی همانند اعدام از خود دفاع نماید.

هر چند شرط تجویز دفاع در برابر حمله، قریب الوقوع بودن حمله و لزوم دفاع در همان لحظه تهاجم، می باشد ولی با توجه به اینکه برای جامعه امکان اینکه چنان بر رفتار اعضای خود تسلط و نظارت داشته باشد که بلافاصله پس از ارتکاب جرم عکس العمل مناسب از خود نشان دهد، وجود ندارد، لذا این حق برای وی پس از ارتکاب عمل ایجاد می شود. فقط شرط آن برقراری محاکمه و دادرسی عادلانه می باشد (همان، ص ۴۷)

مخالفان همچنین اظهار می دارند که مجازات مناسب و صحیح آن است که فقط بر شخص مرتکب جرم تأثیر داشته و خانواده و اطرافیان وی مصون از تأثیرات آن باشند، در حالی که در مجازات اعدام، خود معدوم فقط چند ثانیه بیشتر مجازات نمی شود ولی اطرافیان وی پدر و مادر، همسر و فرزندان با دیدن صحنه اعدام دچار عذاب می گردند. همچنین شیرازه خانواده محکوم به هم ریخته و اعدام وی باعث سرگردانی اعضای خانواده شده به طوری که ممکن است هر کدام از آنها در آینده تبدیل به مجرمی شوند و این برخلاف اصلی است که به موجب آن نباید دیگری را به خاطر گناه کسی مجازات کرد. به این ایراد نیز چنین پاسخ داده شده است که، اولاً نمی توان به دلیل آثار منفی مجازات اعدام، از اعدام قاتلین چشم پوشی کرد. دوم، اینکه خود قاتل نیز با کشتن مقتول شیرازه زندگی وی را به هم زده و باعث رنج و عذاب خانواده وی گردیده و بالاخره اینکه مجازات جایگزین اعدام نیز که به طور معمول حبس دائم می باشد، واجد چنین آثار منفی خواهد بود. برخی از طرفداران اعدام در توجیه موافقت خود با این مجازات به ذکر نمونه هایی از جرایم هولناکی که ارتکاب یافته است پرداخته و تنها مجازات متناسب با این گونه جرایم را اعدام دانسته اند. برای مثال لردگودارد، که در فاصله سالهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۸ بالاترین سمت قضایی را در انگلستان عهده دار و از طرفداران مجازات اعدام و تنبیه بدنی بوده است، در سخنانی که در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۴۸ در مجلس اعیان این کشور ایراد نموده به ذکر دو نمونه از این نوع

جرایم که شخص وی متهمین به ارتکاب آنها را محاکمه می کرده پرداخته است. وی در بخشی از سخنان خود می گوید: (صادقی، ۱۳۸۶: ص ۳۸۰)

« اجازة می خواهم تا با ذکر دو مثال که به خدمت آقایان قضات ارائه می دهم نظر خود را دایر براین که برخی از قاتلین باید نابود شوند توجیه نمایم.

در نوامبر سال گذشته متهمی را در شهر بریستول محاکمه می کردم که خوشبختانه انگلیسی نبود. وی اهل لهستان بود اما سالها در کشور ما زندگی کرده بود. بنابر اقرار شخص متهم وی پس از اتمام عصرانه اش، که در اثنای آن مقدار کمی مشروب نوشیده بود، میل شدیدی به ایجاد رابطه جنسی پیدا کرده و چون در داخل دهکده محل اقامتش دختر جوانی را نیافته بود به اطراف ده رفته و وارد خانه پیرزن هفتاد و شش ساله ای شده بود و پس از ارتکاب تجاوز جنسی و اعمال شنیع دیگر پیرزن را به قتل رسانیده بود.

در دعوی دیگری، که متهم بیست و دو ساله آن متاسفانه انگلیسی بوده و در دادگاه استیناف جزایی مورد محاکمه قرار می گرفت، متهم پس از صرف مقدار کمی مشروبات الکلی - نه به میزانی که موجب مستی وی شود - در راه به پیرزنی برخورد کرده بود. پس از مشاجره لفظی بین آن دو، آن مرد پیرزن را تا حد مرگ کتک زده و در حالی که قربانی در حال جان کندن بوده به وی تجاوز کرده بود.

مخالفین اعدام در پاسخ به این گونه نظرات اظهار می دارند که در مورد چنین مجرمینی مجازاتهای دیگر، مثل حبس دائم، می تواند به اندازه کافی زجرآور باشد. به علاوه اگر معتقد باشیم که عدالت، کشتن قاتل را به طور حتم ایجاب می نماید باید حکم قصاص را در کلیه ابعاد آن بپذیریم، در حالی که امروز، در نظامهای حقوقی غیرمذهبی چنین حکمی پذیرفته نشده است (خزایی، ۱۳۵۷، ص ۱۱۴)

۳- مجازات اعدام و ارباب مجرمین:

موافقین مجازات اعدام معتقدند که این مجازات از هر مجازات دیگری برای ارباب اشخاصی که مقاصد جنایی دارند موثرتر است و جامعه را از جنایات جدیدی که محکوم ممکن است مرتکب شود مصون نگه می دارد.

مطابق این نظریه که نظریه سودمندی یافایده گرایی مجازات نامیده می شود و بنام از طرفداران آن است مجازات اعدام با ایجاد رعب و وحشت در افراد دیگر، این فایده را خواهد داشت که آنها دست خود را با ارتکاب جرایم به ویژه جنایت آلوده نسازند، همان گونه که مونتین می گوید: کسی را که اعدام می کنند، اصلاح نمی کنند، بلکه افراد دیگری را با اعدام جنایت کار اصلاح می کنند (گورگانوس، ۱۳۸۱) به نظر موافقین اعدام، نزد انسانها هیچ چیز عزیزتر و شیرین تر از حیات نمی باشد و هر فرد ذی شعوری در حفظ و ایمن نگه داشتن آن بیشترین سعی و تلاش را بکار می برد. بنابراین تهدید به سلب چنین حقی بالاترین اثر را بر افراد خواهد گذاشته و مانع ارتکاب جرم از طرف آنان خواهد گردید.

امروزه با تأکید بر همین اثر اعدام بسیاری از متخصصین علوم جزایی و جرم‌شناسی برای اثبات آن به آمارها و داده‌های جنایی متوسل شده و کوشش می‌نمایند فرضیه‌های خود را با استناد به داده‌ها اثبات نمایند، اسحاق اریش اقتصاددان آمریکایی با استفاده از جداول آماری جرم و جنایت برای اثبات تئوری عرضه و تقاضا در مورد جنایت در سال ۱۹۷۵ به این نتیجه رسید که در برابر هر فردی که به اعدام محکوم می‌شود در حدود هشت نفر از ارتکاب جرم به دلیل ترس از مجازات منصرف می‌شوند و می‌گویند، به دلیل ۳۴۱۱ اعدامی که بین سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۶۱ در آمریکا صورت گرفت جانینان بالقوه فراوانی به وحشت افتادند به طوری که حدود ۲۷۰۰۰ قربانی نجات یافتند (بکاریا، ۱۳۷۷، ص ۷۱) ده سال بعد در سال ۱۹۸۵ تحقیق مشابه دیگری که توسط استفان ک. لیسن استاد دانشگاه کارولینای شمالی انجام گرفت، نشان داد که اعدام هر قاتل، ۱۸ نفر را از ارتکاب قتل بازمی‌دارد لذا افزایش یک درصدی در تعداد احکام اعدام باعث منع ۱۰۵ قاتل از ارتکاب قتل خواهد گردید

تحقیق دیگری در آمریکا نشان داد، که متجاوزین به اماکن خصوصی در شب به این دلیل با خود اسلحه حمل نمی‌نمایند، که اگر دستگیر شدند دوست ندارند اعدام شوند (چون مجازات این جرم در صورت حمل اسلحه در بعضی ایالات آمریکا اعدام است). همچنین حامیان برای اثبات اثر اعدامی این مجازات به این نکته اشاره می‌کنند که لغو اعدام از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶ زمانی که هیچ مجازات اعدام در آمریکا اجرا نگردید افزایش چشم‌گیری پدید آمد به نحوی که تعداد قتل‌ها از ۲۰۶۰۰ در سال ۱۹۷۳ به بیش از ۲۴۰۴۰ مورد در سال ۱۹۹۱ رسید به طوری که حتی پس از برقراری مجازات اعدام تا بازگشت مجدد اثر اعدامی آن در جامعه تعداد جرایم همچنان سیر صعودی طی می‌کرد تحقیق دیگری در آفریقای جنوبی صورت گرفت که استدلال جالبی برای تأیید اثر اعدامی عنوان می‌نماید، به این شرح که در آفریقای جنوبی که در سال ۱۹۹۷ دارای بیشترین آمار زنا به عنف نسبت به اشخاص بالغ بود (۱۲۰۶ مورد برای هر هزار نفر) ناگهان گرایش زیادی از ناحیه مجرمان به طرف تجاوز به کودکان صورت گرفت دلیل آن این بود که در بین زنان بزرگسال ویروس ایدز گسترش زیادی پیدا کرده بود، لذا مجرمان از ترس مبتلا شدن به ایدز که در کشور آفریقای جنوبی شیوع فراوانی داشت، بیشتر کودکان خردسال را که هنوز احتمال مبتلا شدن به ایدز در آنان پایین بود، به عنوان قربانیان خود انتخاب می‌نمودند. لذا این مورد نشان دهنده آن است که جانینان خطرناک نیز ارزش زیادی برای زندگی خود قایل هستند و از ارتکاب اعمالی که آن را به مخاطره اندازد پرهیز می‌نمایند، بنابراین اگر این مجازات اعدام همانند ویروس ایدز فراگیر شده و متوقف نشود و اجداد اثر اعدامی بسیار بالایی خواهد بود در تأیید اثر اعدامی اعدام تحقیقات و مطالعات بسیار دیگری نیز صورت گرفته و اساتید حقوق و جرم‌شناسی اظهار نظرهای بسیار در این زمینه نموده‌اند که پرداختن به همه آنها در اینجا میسر نمی‌باشد لذا ما به همین اندازه بسنده می‌نماییم.

مخالفتان مجازات مرگ عنوان می نمایند که برخلاف تأکید بسیار طرفداران این مجازات بر اثراربابی آن ردمجامه، این مجازات اثری در ارباب و عبرت دیگران ندارد و دلایل ارتکاب جرایم مسلم گردیده که لااقل در اکثر موارد نفع طلبی نمی باشد، تا مجرم با سنجش سود و زیان حاصل از ارتکاب جرم، به دلیل شدت مجازات از ارتکاب آن منصرف گردد. بکار یادر نفی اثراربابی اعدام می گوید: تجربه همه قرون نشان می دهد که اعدام هرگز مردمانی را مصمم به آسیب رساندن به جامعه بوده اند منصرف نکرده است (مظلومان، ۱۳۵۵، ص ۴۸)

لگنل لاواستین و استانسو معتقدند که: اعمال کیفر شدید حتی مجازات مرگ به هیچ وجه ترسی ایجاد نمی کند، زیرا از روزی که خلقت بشری آغاز شده تاکنون همیشه قاتل به مرگ محکوم شده و مجازات به سخت ترین وجه درباره وی اجرا شده، در حالی که نه تنها از تعداد قتلها کاسته نشده، بلکه روبه افزایش نیز نهاده است. مثلاً در اروپا برای مقابله با ولگردی گذشته از شکنجه های وحشتناکی که نسبت به آنان صورت می گرفت، دسته دسته از ولگردان را اعدام می کردند. فقط در زمان هانری هشتم ۱۲ هزار ولگرد اعدام شدند ولی علی رغم این همه خشونت تغییری در وضعیت جامعه ایجاد نگردید (زابو، ص ۴۲) از طرف دیگر اگر واقعاً مجازات بتواند اربابی ایجاد نماید، فقط بر مردمان عادی است که می تواند موثر باشد در حالی که باید دانست این افراد حتی بدون آنکه نیازی به ترساندن و ارباب داشته باشند، به دلیل تعهد و التزام اخلاقی که نسبت به منهیات جامعه دارند، هیچ گاه مرتکب اعمال بزهکارانه نمی شوند. لذا این ارباب باید در نهادکسانی موثر باشد که گرایشی بزهکارانه دارند، یا قبلاً در دام بزهکاری افتاده اند، که اینان نیز تحقیقات جرم شناسان ثابت نموده است که در زمان ارتکاب جرم به هیچ عنوان به فکر مجازاتی که روبروی آنهاست نمی باشند. جان بارک روایت جرم شناس آمریکایی می نویسد: هیچ گاه افزایش خشونت و تشدید کیفر نتوانسته است مانع وقوع جرایم شود. وی می افزاید عشق به ثروت در برخی از طبقات و نزد برخی اقوام همیشه از ترس از نتایج شوم جسمانی قوی تر و تواناتر بوده است. جویندگان طلا که به آلاسکا رفته بودند بدون توجه به اجساد بیخ بسته و منجمد از روی آنها رد می شدند تا به طلا برسند (هوگو، ۱۹۹۷: ص ۱۴۲، به نقل از جعفری، ۱۳۸۱: ص ۵۳)

علاوه بر این اظهار نظرهای مخالف در باب اثراربابی مجازات مرگ، مخالفان حمله شدیدی نیز به استناد طرفداران این ویژگی اعدام برداده های آماری می کنند و نهایتاً خود با اتکا به بعضی از تحقیقات آماری و غیره ثابت می نمایند که اعدام تأثیری در انصراف مجرمان ندارد. در ایراد به تحقیق اسحاق ارلیش مخالفان عنوان می نمایند که: اولاً، ایشان در تحلیل خود سایر عوامل موثر بر ارتکاب جرایم شامل افزایش یا کاهش جمعیت، افزایش تبعیضات طبقاتی و غیره را نادیده گرفته است. ثانیاً، اینکه تحقیق وی به طور کلی و در سطح ایالات متحده، بدون توجه به افزایش تعداد جرایم دریالتی که اعدام دارد، یا کاهش آن دریالتی که اعدام را حذف نموده، صورت گرفته است. ثالثاً، اینکه ایشان در تحقیق خود بی طرفانه عمل نکرده و بیشتر متمایل به جمع آوری

آمارهایی بوده که فرضیه وی را اثبات نماید و نهایتاً این که در نتیجه نهایی تحقیقات ایشان تناقض هایی وجود دارد بعضی از مدل های آماری وی مثبت اثر اربابی اعدام بوده و بعضی دیگر چنین نبوده است (ژرژ پیکا، ص ۴۴۴ به نقل از خزانی همان، ص ۷۳)

درباره افزایش آمار جنایت بعد از لغو اعدام که موافقان به استناد آمار جنایی بعضی از کشورها، آن را دلیلی بر اثر اربابی بالای اعدام می دانند، دقیقاً مخالف آن را طرفداران الغاء اعدام با تکیه بر آمار جنایی کشورهای مثل اسکاتلند و واتریش و بعضی از کشورهای آمریکای لاتین که پس از لغو اعدام نه تنها افزایشی در آمار جرایمی که قبلاً مستوجب اعدام بودند صورت نگرفت، بلکه در مواردی کاهش نیز داشته، عنوان می نمایند.

همچنین به عقیده مخالفان اعدام، از روزی که علنی بودن اجرای مجازات اعدام در کشورها لغو گردید، اعتبار ارباب و عبرت جمعی آن نیز دچار خدشه گردید به گفته آلبر کامو: اگر بخواهند مجازات اعدام باعث عبرت شود باید ماشین اعدام را در میادین پر جمعیت شهرها بگذارند و تمام مردم را دعوت کنند و تشریفات اعدام را به وسیله تلویزیون برای غایبان نشان بدهند در غیر این صورت بحث از اثر عبرت در اعمال کیفر را باید متوقف سازند (هوگو، ۱۹۹۷، ص ۳۴۸) همچنین مخالفان مجازات مرگ معتقدند که حتی اگر مجازات مرگ واجد اثر سازنده باشد، مجازات جایگزین مرگ نیز می تواند چنین اثری داشته باشد بسیاری از مجرمین قسی القلبی هستند که هیچ ترسی از مرگ ندارند و گاهی اوقات به خاطر این که توسط حکومت اعدام شوند، مرتکب جرم می شوند. اینان کسانی هستند که تمایل به خودکشی دارند ولی جرأت انجام آن را ندارند. لذا برای چنین افرادی مجازات طولانی حبس ابد به نظر سخت تر و شدیدتر خواهد بود و بیشتر از اعدام اثر بازدارندگی خواهد داشت. دکتر لوئیس وست رئیس موسسه روان شناختی کالیفرنیا اظهار می دارد: برخی از مردم فقط به این دلیل که حکومت آنها را اعدام خواهد کرد، مرتکب جرم می شوند. برای نمونه گری گیل مور از دولت یوتا خواسته بود که وی را اعدام کند و حتی به تلاشهای الغاگران برای جلوگیری از اعدام وی اعتراض کرد.

۴- امکان اشتباه در اجرای مجازات:

مخالفین اعدام بر این عقیده اند: از آنجا که هر انسانی ممکن است دچار خطا و لغزش شود چه بسا که دستگاه دادگستری در کار خود دچار اشتباه شده و فردی گناهی را به ناحق مجازات کند. در این صورت هرگز اشتباه قابل جبران نخواهد بود، علاوه بر این عواملی چون میل صدمه زدن به دیگری یا رفع اتهام از خود و یا از میان بردن رقیب یا شهادت دروغ، دلایل ساختگی، نادرست بودن نظر کارشناس و... می توانند در اشتباه قضایی دخیل باشند.

مخالفین برای توجیه دلایل خود به اعدام های متعددی که به اشتباه اجرا شده و راهی برای جبران آن وجود ندارد، استناد می کنند.

در ایالات متحده آمریکا فقط در ظرف ۲۰ سال اخیر ۴۸ مورد اشتباه قضایی قبل از پایان دادرسی کشف گردید، که اگر طبق روال معمول دادرسی به صدور حکم منتهی می شد، قطعاً بسیاری

از متهمان بی گناه این پرونده ها به کام مرگ کشیده می شدند. البته اینها مواردی بوده که کاملاً اتفاقی پی به وجود اشتباه در آن برده اند و شاید پرونده های بسیاری اشتباهاً رسیدگی و منجر به اعدام متهم بی گناه نیز شده باشد. علاوه بر این محققان آمریکایی از سال ۱۹۰۰ تا کنون ۲۳ مورد پرونده یافته اند که در آنها افرادی گناهی اشتباهاً اعدام شده اند (برنالند لندکهن، ۱۳۵۳ ص ۹۱، به نقل از جانی پور، ۱۳۷۸، ص ۹۱)

یکی از قضات دادگاه عالی بلکبرن درباره خطراشتباه می گوید: سیستم عدالت کیفری ما به دقت یک ماشین نمی تواند عمل کند و احتمال اشتباه در رسیدگی های کیفری همیشه جود دارد، و هر آن ممکن است بی گناهی همانند مجرم و گناهکار مجازات گردد، حتی دندانهای ماشین نیز گاهی اوقات صحیح عمل نمی کنند. پس چگونه می توان به دستگاه عدالت کیفری که گردانندگان آن به دلیل طبیعت انسانی همواره در معرض خطا و اشتباه هستند، حق اعمال کیفر سهمگینی همانند اعدام داد.

طرفداران اعدام در جواب به این ایراد عنوان می نمایند، که اولاً، اشتباه قضایی تا آنجا که منتهی به اعدام اشخاص بی گناه شود در عمل نادر است. ثانیاً، به فرض امکان هم، دلیل حفظ مصالح اجتماعی، اشتباه مزبور قابل اغماض می باشد، زیرا بشر طبیعتاً جایز الخطاست و نمی تواند بدون امکان احتمال خطا دست به هیچ عملی بزند و گرنه بسیاری از افعال انسانی به دلیل احتمال وجود خطا و اشتباه باید تعطیل گردد و نهایتاً اینکه خطراشتباه در مجازات های جایگزین اعدام نیز وجود دارد و از این لحاظ فرقی بین این دو مجازات نمی باشد. موافقین اعدام به این ایراد این طور پاسخ می دهند که اولاً، اشتباه قضایی تا آنجا که منتهی به اعدام اشخاص بی گناه شود در عمل نادر است. ثانیاً، اشتباه قضایی فقط در مورد کیفر اعدام قابل تصور نیست، بلکه این ایراد در مورد مجازات ها، از جمله سالب آزادی نیز صادق است و آثار سوء ناشی از اشتباه قضایی در مورد سایر مجازاتها نیز غیر قابل جبران است و محکوم سلامت روحی و جسمی خود را در اثر حبس های طولانی از دست خواهد داد. همچنین نمی توان به صرف امکان اشتباه در اجرای مجازات، خواهان لغو آن شد و راههای دیگری وجود دارد که می توان احتمال اشتباه را از بین برد. از جمله سخت تر کردن شرایط و روش های اثبات جرم، آموزش قضات، استفاده از تکنولوژی پیشرفته و اعطای حقوق بیشتر به متهم مانند حق سکوت، حق انتخاب وکیل، حق تجدیدنظرخواهی و غیره.

موافقین مطرح می کنند که در هر مورد که اشتباه به محکومیت شخص بی گناهی منتهی می شود هر چند دردناک است، ولی در مقابل اشتباهاتی که در صورت اتخاذ روش معارض پیش می آید چندان مهم نیست این یک عدالت خواهی دروغین و آزادی فراهم نشدن است که صدها منافع حالی و واقعی جامعه را با از بین بردن شخصی که یک حیوان مضر نمی باشد تأمین نکنیم تا احتمالاً از مجازاتی که ممکن است بر شخص نامعین در آینده ای نامعلوم تحمیل شود، جلوگیری کرده باشیم، این درست به آن می ماند که بگوییم جامعه باید از منافع نیروی برق چشم پوشد، زیرا ممکن است شخصی را برق بگیرد، و یا وسایل حمل و نقل از آن جهت که برخی

مواقع در خیابان هاموجب هلاک اشخاص می شود باید ممنوع گردد. این مسخره است که گفته شود هنگامی که قاتل شناخته شده ای آزادی می گردد، هیچ خطری را برای افرادی گناهی که ناشناخته هستند و ممکن است طعمه وی قرار گیرند، ایجاد نمی کند (علی آبادی، ۱۳۸۵، ص ۲۱)

۵- احساسات و لطائف قلبی:

گمان می رود، احساسات و ظرائف قلبی در قضاوت مجازات اعدام نقش مهمی داشته است مخالفین اعدام آن را برخلاف آداب و رسوم اشخاص متمدن می دانند ولی باید توجه داشت که چنانچه مجازات اعدام لغو شود ناگزیر می شوند از جهت صیانت اجتماعی مجازات هایی که بیشتر نفرت انگیز است وضع نمایند زیرا تبعی که در مجازات اعدام دامن گیر مجرم می شود کوتاه است و برعکس در مجازات های سالب آزادی جنایی طویل المدت می باشد، بین کشتن بدون رنج دادن و دنج دادن بدون سلب حیات معلوم نیست اولی کمتر مقرون به اصول انسانیت باشد» (خزایی، ۱۳۵۷، ص ۳۹۱)

همچنین موافقین اعدام معتقدند که اعدام تحت تأثیر احساسات لطیف انسانی قرار می گیرد و فقط لحظه ارتکاب اعدام را در نظر می گیرد که به نظر آنها قبیح و زشت می آید و این واقعیت مسلم را که همین مجرم چه ظلم ها و خشونت ها نسبت به مقتول در مانده رواداشته را از یاد می برند. لذا اگر ناظر کلیه اعمالی که مجرم انجام داده می بودند لحظه ای در موافقت با بقای اعدام درنگ نمی کردند.

۶- هزینه های زندان:

موافقین اعدام معتقدند که با اعدام مجرم جامعه از بار سنگین هزینه های زندان رهایی می یابد و مجبور نیست برای عضو فاسد و خاطی جامعه حاصل دسترنج سایر افراد پرهیزگار و صالح را استفاده نماید. لذا با اعدام که هزینه زیادی نمی خواهد و با طناب و یک قطعه چوب انجام می شود، هم به هدف خود که طرد مجرم است رسیده، هم از تحمیل فشارهای مالی به مردم اجتناب می نمایند.

مخالفین اعدام معتقدند که با توجه به غیر قابل بازگشت بودن مجازات اعدام، اجرای آن نیاز به دقت و توجه بسیار و رعایت تشریفات خاصی دارد که هزینه رعایت اینگونه تشریفات در کلیه مراحل دادرسی و اجرای حکم صادره کمتر از هزینه زندانهای طویل المدت نیست از طرفی دیگر از نظر مخالفین یا ایجاد امکان اشتغال به کار زندانیان، فرد زندانی عمده هزینه خود و خانواده اش را شخصاً تأمین می کند. (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۴-۳۷۶)

۷- اعدام و اعمال تبعیض در اجرای آن

به نظر مخالفین اعدام این مجازات در اکثر کشورهایی که آن را اعمال می کنند بیشتر بر علیه فقرایی که امکان مالی برای استخدام وکلای مبرز را ندارند یا اقلیتهای نژادی که ذهنیت قضات، اعضای هیأت منصفه و یا سایر مأمورین مربوطه مخالف آنها است به کار می رود. برای مثال، سازمان عفو بین الملل در گزارشی که در نوزدهم فوریه ۱۹۸۷ منتشر کرده اجرای مجازات اعدام را در آمریکا توأم با تبعیض های نژادی و حشتناک دانسته و آنرا به قمار خطرناکی تشبیه

کرده است که در آن سیاست، ثروتِ نژاد و مکان ارتکاب جرم مهمترین عامل در اعدام شدن یا اعدام نشدن مجرم می باشند. یکی از نمونه هایی که در این مورد قابل ذکر است محاکمه اُ-جی-سیمپسون ورزشکار سابق آمریکایی است که علیرغم ادله قوی ای که علیه وی وجود داشت از اتهام قتل همسر سابقش تبرئه شد و این کار به لطف وکلای مدافع مبرز وی صورت گرفت. محاکمه وی ۹ میلیون دلار هزینه دربرداشت که ۳ میلیون دلار آن مربوط به هزینه پذیرایی از هیأت منصفه بود.

عفو بین الملل در ادامه گزارش خود می افزاید سیاهانی که متهم به قتل عمد می باشند بیش از سایر طبقات مجرمین در معرض مجازات اعدام قرار دارند. در نقطه مقابل، سفیدها خیلی به ندرت به اتهام کشتن یک فرد سیاه پوست محکوم به اعدام شده اند. بنابر این گزارش، در فاصله سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۶، علیرغم این که عدد مقتولین سیاه و سفید تقریباً مساوی بوده است، حدود نود درصد از اعدام شدگان به اتهام کشتن سفید پوست ها محکوم شده اند.

برطبق تحقیق دیگری، از سال ۱۹۳۰ تا سال ۱۹۷۲ (یعنی سال انجام تحقیق) در مجموع ۳۸۵۹ نفر به دلیل ارتکاب قتل عمد در آمریکا اعدام شده اند که ۲۰۶۶ نفر از آنها سیاه پوست، ۱۷۵۱ نفر سفیدپوست و ۴۲ نفر از سایر گروههای نژادی بوده اند. به عبارت دیگر، ۵۳/۵ درصد از اعدامیها سیاه پوست و ۱/۱ درصد از میان سایر گروهها بوده اند، در حالی که جمعیت سیاهان هیچگاه بیش از ۱/۸ کل جمعیت آمریکا نبوده است. رمزی کلارک، دادستان پیشین آمریکا، با ذکر این مطلب و نیز این که علیرغم تجاوزات جنسی متعددی که در آمریکا رخ می دهد تنها ۴۵۵ نفر به این اتهام اعدام شده اند که ۴۰۵ نفر (یعنی ۸۹ درصد) از آنها سیاه پوست بوده اند، این واقعیات را نشانگر وجود منفورترین و سیاهترین نوع نژادپرستی در جامعه آمریکا دانسته است.

در تحقیق دیگری که دانشجویان رشته حقوق دانشگاههای میامی و فلوریدا در مورد محکومین به ارتکاب تجاوز جنسی در طول مدت ۲۵ سال انجام داده اند، آمار زیر به چشم می خورد: در طول این مدت ۲۸۵ مورد محکومیت به تجاوز وجود داشته است؛ به این صورت که ۱۳۲ مرد سفیدپوست (یعنی ۴۶ درصد کل محکومین) برای تجاوز به ۱۲۵ زن سفیدپوست و ۶ زن سیاه پوست؛ ۱۵۲ مرد سیاه پوست (یعنی ۵۴ درصد کل محکومین) برای تجاوز به ۸۴ زن سفیدپوست و ۶۸ زن سیاه پوست؛ و یک هندی برای تجاوز به یک زن سفید پوست محکوم شده اند. در حالی که هیچ مرد سفید پوستی برای تجاوز به یک زن سیاه به اعدام محکوم نشده است. در نقطه مقابل در ۸۴ مورد محکومیت، ۴۵ متهم سیاه پوست (یعنی ۵۳ درصد) برای تجاوز به زنان سفیدپوست به اعدام محکوم شده اند که ۲۹ نفر آنها عملاً اعدام گشته اند. در ۶۸ پرونده راجع به تجاوز مردان سیاه به زنان سیاه نیز (۲۶ نفر از آنها کودکان زیر ۱۴ سال بوده اند) تنها سه نفر به مرگ محکوم شده اند که در زمان تهیه گزارش هنوز اعدام نشده و چه بسا بنا به معاذیر قانونی از مرگ رهایی یافته باشند. با توجه به این واقعیات این گزارش در انتها

نتیجه می‌گیرد که فقط سیاهان برای ارتکاب تجاوز جنسی اعدام می‌شوند آن هم در صورتی که قربانی سفیدپوست باشد.

سیاهان، علاوه بر آن که بیش از افراد سفیدپوست به اعدام محکوم می‌شوند، نسبت به آنها از شانس کمتری هم برای استفاده از عفو برخوردارند. توضیح آن که در فلوریدا هیأت عفو متشکل از برخی از مقامات دولتی وجود دارد که به تقاضای عفو محکومین به اعدام رسیدگی کرده و می‌تواند مجازات آنها را تخفیف دهد. برطبق گزارش فوق‌الذکر، در تصمیمات این هیأت نیز عامل نژاد تأثیری فوق‌العاده دارد. برای مثال در سال ۱۹۶۵ به تقاضای ۳۸ متجاوز جنسی محکوم به اعدام رسیدگی شده که از ۴ متقاضی سفیدپوست تقاضای ۳ نفر مورد موافقت قرار گرفته ولی تقاضای ۳۲ نفر از ۳۴ متقاضی سیاه پوست رد شده است. در گزارش دیگری نیز که در سال ۱۹۶۷ منتشر شد، ضمن ذکر آمار مشابهی، شانس رهایی سفیدپوستان از مجازات اعدام چندبرابر سیاهان دانسته شده است.

به نظر می‌رسد که علاوه بر عامل نژاد، مکان محاکمه متهم نیز در محکومیت یا عدم محکومیت وی به مجازات اعدام موثر باشد. دو نویسنده بنامهای «بالق» و «گرین» نظر سکنه سه ناحیه مجاور در ایالت کالیفرنیا آمریکا را در مورد مجازات اعدام بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که هرگاه متهم در ناحیه سن مائو، که در آن سطح زندگی مردم به نسبت بالا است، یا در سانفرانسیسکو مورد محاکمه قرار گیرد، احتمال محکوم شدن وی به اعدام کم است. در حالی که در ناحیه آلامدا که منطقه ای صنعتی و کارگری است عکس قضیه صادق می‌باشد.

همچنین در گزارش مورخ نوزدهم فوریه ۱۹۸۷ سازمان عفو بین‌الملل گفته شده است که از سال ۱۹۷۷ تا آن تاریخ بیش از ۳/۲ کلیه اعدامها در سه ایالت جورجیا، فلوریدا و تگزاس صورت گرفته‌اند.

موافقین مجازات اعدام در پاسخ به این اعتراضات مخالفین اظهار می‌دارند که این نیز ناشی از شیوه محاکمه و مجازات مجرمین است و می‌تواند در مورد سایر انواع مجازاتها نیز صادق باشد و ربطی به مجازات خاص اعدام ندارد. برای جلوگیری از این نوع بی‌عدالتیها باید به اصلاح دستگاه قضایی دست زد، نه این که مجازات اعدام را به طور کامل کنار گذاشت. (صادق، همان ص. ۳۷۶)

۸- اعدام وعدم توجه به امکان اصلاح مجرم

مخالفین مجازات اعدام اظهار می‌دارند که هیچ فردی را نمی‌توان ذاتاً غیرقابل اصلاح دانست، در حالی که با اعدام مجرم امکان اصلاح و بازگشت وی به جامعه از بین می‌رود و درواقع به جای حل مسأله، صورت می‌آله پاک می‌شود.

موافقین اعدام در پاسخ می‌گویند، اولاً این که هدف اصلی مجازاتها را اصلاح مجرمین بدانیم محل شک و تردید است. برای مجازات مجرم اهداف مهمتری مثل اجرای عدالت و حفظ اجتماع

از جرایم مشابه (به وسیله ایجاد ترس در مجرم و سایر مجرمین بالقوه) نیز وجود دارد. ثانیاً ، آمار موجود نشان می دهد که اکثر قاتلین تحت شرایط خاصی مرتکب قتل شده و مجدداً مرتکب قتل نمی شوند. بنابراین چنانچه اصلاح مجرم هدف اصلی ما در مجازات کردن قاتلین باشد اساساً در بسیاری از موارد نیازی به مجازات قاتل نیست. به علاوه تجربه ثابت کرده است که برخی از مجرمین غیرقابل اصلاح هستند یا لاقلاً اصلاح آنها برای ما، با ابراز و شیوه های موجود، ممکن نیست. مسلماً این امر دلیلی برای عدم مجازات آنها نمی باشد. (صادقی، ص ۳۷۸)

۹- اعدام و عدم توجه به عوامل اجتماعی جرم

به نظر مخالفین مجازات اعدام، با اجرای این مجازات، دولتها خود را از شر مجرم رها می سازند بدون آن که نیازی به تلاش در جهت از بین بردن عوامل جرم را احساس نمایند. در پاسخ به این اشکال گفته می شود که، اولاً این ایراد در مورد همه مجازات ها قابل طرح است و اختصاصی به مجازات اعدام ندارد. ثانیاً ، این که ارتکاب جرم را تنها ناشی از عوامل اجتماعی بدانیم و در این زمینه مسئولیت مجرم را نادیده انگاشته و به عبارت دیگر قوه اراده و اختیاری برای وی قائل نشویم به هیچ وجه قابل توجیه نیست. به کرات مشاهده شده است که افرادی از لحاظ وضعیت اجتماعی و خانوادگی مشابه یکدیگر بوده اند ولی برخی از آنان مرتکب جرم می شوند، در حالی که بعضی دیگر فاقد کمترین سوء سابقه کیفری هستند. اگر فقر را علت ارتکاب جرایم مالی بدانیم باید همه فقرا مجرم بوده و در نقطه مقابل هیچ ثروتمندی مرتکب جرم نشود؛ در حالی که چنین نیست. درست است که ثروت معمولاً انگیزه ای در فرد برای ارتکاب جرایمی چون سرقتها معمولی و غارت مغازه ها و دکاکین باقی نمی گذارد اما نمی توان از این واقعیت نتیجه گیری کرد که فقر « علت » ارتکاب این گونه جرایم است. آب آتش را خاموش می کند اما فقدان آن موجب آتش نیست. آنهايي که معتقدند جرم را تنها می توان از طریق مبارزه با عوامل جرم را از بین برد درست مثل مامور آتش نشانی هستند که از خاموش کردن آتش به این بهانه که موثرترین و بهترین راه برای کاستن از تعداد آتش سوزیها از بین بردن علت حریق است خودداری می کند. به علاوه، تجربه های روزمره نشان می دهد که ، حتی در مورد جرایم کوچکی مثل جرایم راهنمایی و رانندگی، نیز شدت یا ضعف میزان مجازات رابطه مستقیم با کاهش یا افزایش تعداد جرایم مذکور دارد. مثلاً اگر جریمه گذشتن از چراغ قرمز جریمه اندکی باشد مسلماً رانندگان زیادی به راحتی مرتکب این جرم خواهند شد بدون آن که ترسی از مجازات به خود راه دهند. (صادقی، ۳۷۸-۳۷۹)

۱۰- اعدام و قساوت در اجرای آن

به نظر مخالفین، علاوه بر این که گرفتن جان یک انسان به خودی خود عملی وحشیانه و یادگار دوران بربریت است، اجرای مجازات اعدام باعث قساوت قلب مامورین اجرای حکم و حتی مردم عادی شده و آنان را از خوی انسانی دور می سازد. به نظر سزاریکاریا « مجازات اعدام به دلیل درس خونخوارگی که به انسانها می آموزد، مفید نیست.»

نشریه اسپیکتاتور در یکی از سرمقاله های خود در سال ۱۸۳۱ ضمن انتقاد از اجرای اعدام در ملاء عام اظهار می دارد که در یک مورد مردم زیادی برای تماشای اعدام کسی که بنا بود اعدام شود حاضر شده بودند. وقتی چند دقیقه از ساعت اعلان شده برای اجرای حکم اعدام گذشت و مجرم به صحنه آورده نشد افراد حاضر شروع به سوت و دست زدن ممتد کرده و خواستار آغاز برنامه بودند، درست مثل اینکه در سالن نمایش یا سینمایی نشسته اند و در شروع نمایش یا فیلم تاخیر شده است. این گونه بی صبری در مشاهده جان دادن یک انسان دیگر نشانگر آن است که اعدامهای علنی می تواند به تدریج روحیه رحم و شفقت رادرسانی که شاهد آنها هستند. از بین ببرد. این نکته یادآور صحنه هایی است که در سالهای اخیر در حین اعدام جنایتکارانی مثل « خفاش شب » در کشور خودمان شاهد بوده ایم که برای « تماشای » صحنه اعدام وی، بنا به گزارش جراید، تعداد ۵۰ هزار نفر در سحرگاهان به محل اجرای حکم رفته اند و فروشندگان مواد غذایی نیز با استفاده از این فرصت به عرضه متاع خود به جمعیت بیکار تماشا کننده مشغول بوده اند. آیا این گونه اشتیاق برای مشاهده یک صحنه اعدام در یک جامعه سالم قابل توجیه است؟ (صادقی، ۳۷۹)

۱۱- تحمیل دردورنج فراوان به محکومین به اعدام

نکته دیگری که مخالفین مجازات اعدام برآن تکیه می کنند آن است که محکوم معمولاً در اثنای اجرای مجازات اعدام درد ورنج بسیاری را تحمل می کند، و با توجه به این که تنها هدف از اجرای اعدام گرفتن جان محکوم است، تحمیل این درد ورنج به محکوم به هیچ وجه قابل توجیه نبوده و عملی غیرانسانی است. سازمان عفو بین الملل، در گزارشی که قبلاً شرح آن گذشت، نمونه هایی از درد ورنجی را که محکومین به اعدام در اثنای اجرای مجازات تحمل می کنند ذکر کرده است. بنابراین گزارش در سال ۱۹۸۳ در ایالت آلباما کشتن محکومی به وسیله سندلی الکتریکی قریب چهارده دقیقه به طول انجامیده که در اثنای این مدت دود از سروپاهای وی متصاعد بوده است. محکوم دیگری که در همان سال در میسی سی پی به وسیله اتاق گاز اعدام شده در اثنای اجرای مجازات برای مدت هشت دقیقه تشنج داشته است. در سال ۱۹۸۴ نیز محکوم دیگری که در تگزاس به وسیله تزریق سم اعدام می شده برای مدت ده دقیقه از درد شکایت می کرده است.

موافقین مجازات اعدام این ایرادات را نیز بدون پاسخ نگذاشته اند. آنها در مورد ایراد اول اظهار می دارند که هیچ گاه نمی توان کشتن انسانهای دیگر را به طور مطلق وبدون استثنا غلط و غیرقابل توجیه دانست. بی تردید حتی مخالفین اعدام نیز ارتکاب قتل در مقام دفاع از سرزمین یا جان خود شخص یا دیگران را نه تنها عملی غیرانسانی نمی دانند بلکه آن را عملی متهورانه که شایسته تمجید و ستایش هم می باشد، محسوب می دارند. در مورد تاثیر منفی اعدام شدن مجرمین بر حس رحم و شفقت مردم نیز اظهار شده است که این ایراد عمدتاً تنها متوجه اعدامهای علنی است، که چه بسا مورد قبول بسیاری از طرفداران اعدام هم باشد. به

عبارت دیگر بسیاری از طرفداران مجازات اعدام هم اجرای آن را در ملاء عام به ویژه در کوچه و بازار و میادین و درمقابل چشم کوچک و بزرگ، پیرو جوان وزن و مرد غیرقابل قبول و مضر می دانند.

در مورد تحمیل درد ورنج به محکومین به اعدام هم این گونه پاسخ داده شده است که هرچند هدف اصلی در اعدام، محروم کردن مجرم از زندگی و در نتیجه حفظ جامعه و حمایت از آن می باشد و یافتن سریعترین و آسانترین راه برای کشتن محکومین مورد حمایت بسیاری از طرفداران مجازات اعدام نیز هست، لیکن هیچ دلیلی وجود ندارد که تا یافتن چنین راهی اجرای مجازات اعدام را مسکوت و در نتیجه حمایت از اجتماع را تنها به این بهانه که محکوم ممکن است برای چند دقیقه متحمل درد شود فراموش نماییم. بادر نظر آوردن درد ورنج بدون دلیلی که مقتولین در هنگام جان دادن تحمل کرده اند، چند دقیقه احساس درد قاتلین (که تعداد قابل توجهی از اعدام شدگان را تشکیل می دهند) حس ترحم ما را برنخواهد انگیخت.

به علاوه ، موافقین اعدام با اشاره به آمارهای متعددی که در مورد میزان جنون و خودکشی در زندانها وجود دارد اظهار داشته اند که حبس ابد می تواند به اندازه اعدام خشن و توام با قساوت باشد(صادقی، ۳۸۹-۳۹۰)

۱۲- اعدام و نمایش قبح جرم از دیدگاه جامعه

بدیهی است که یکی از اهداف مجازاتها تاثیر نمادین آنها است؛ به این معنی که چگونگی و میزان مجازات درجه قبح عمل مجرمانه را از نظر جامعه منعکس کرده و می تواند در دراز مدت بر قضاوت افراد جامعه در مورد هر جرم خاص اثر گذارد. برای مثال، عدم تعیین مجازاتهای سنگین برای بسیاری از انواع جرایم و روابط جنسی در کشورهای غربی موجب آن است که این گونه روابط در نظر افراد آن جوامع چندان قبیح جلوه نکند. برعکس، تعیین مجازاتهای سنگین برای این نوع اعمال در نظام حقوقی اسلام، باعث شده است که قبح آنها در نظر مسلمانان بسیار عظیم جلوه نماید. همین موضوع عیناً در مورد جرم قتل و مجازات اعدام نیز صادق است. در نتیجه به نظر طرفداران مجازات اعدام دلیل عمده این که بسیاری از مردم دنیا قتل را زشت ترین جرم می دانند آن است که از قدیم الایام مجازات این جرم در جوامع مختلف قصاص یعنی کشتن مجرم بوده است. گزارش کمیسیون سلطنتی انگلستان، که تحقیقاتی در مورد مجازات اعدام انجام داده است، در این زمینه اشعار می دارد:

« به نظر ما باید معتقد باشیم که اثر مجازات اعدام نه تنها از این نظر که بر اندیشه افرادی که در صدد ارتکاب قتل عمد می باشند تاثیر اربابی باقی می گذارد، بلکه از نظر آن که در دراز مدت در اذهان افراد جامعه نفرت خاصی نسبت به جرم قتل ایجاد می کند از اهمیت برخوردار است . این حقیقت که افراد به دلیل ارتکاب قتل به دار آویخته می شوند یکی از دلایل عمده منفور شمرده شدن قتل عمد می باشد.»

مخالفین اعدام در پاسخ اظهار می دارند که عواملی بسیار مهمتر از میزان مجازات بر دیدگاه افراد جامعه نسبت به جرایم خاص اثر می گذارند. برای اثبات صحت این ادعا می توان به قتل‌هایی که توسط انقلابیون در کشورهای ارتکاب می یابند که رژیم‌های آنها از محبوبیت عمومی برخوردار نیستند اشاره کرد. قتل سردمداران این گونه رژیم‌ها، حتی اگر منجر به اعدام قاتلین شود، نه تنها ایجاد نفرت نسبت به اعمال قاتلین در عامه مردم نمی کند بلکه چه بسا موجب خوشحالی آنها شده و قاتلین را در نظر آنها همچون قهرمانانی شجاع و بی باک جلوه گر نماید (۳۹۰)

۴-۱۷- آیا الغاء مجازات اعدام برای اجتماع مفید است یا خیر؟

مختصر مقدمه تاریخی- در سیر پیشرفت و تحول جوامع بشری همیشه مجازات اعدام به عنوان یکی از شدیدترین تنبیهات قانونی برای تضمین اجرای نظم و انضباط شناخته شده است. مجازات مزبور تنها یادگار مجازات‌های بدنی است که سیر ترقی و تمدن نتوانست آن را به طور کلی از صفحه قوانین جاریه کشورهای متمدن محو و نابود سازد.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، از چند قرن پیش‌بین دانشمندان و فلاسفه و متخصصین حقوق جنائی راجع بالغاء این مجازات بحث و جدال موجود بوده و کتب و رسالاتی در این باره انتشار یافته است. به موجب شواهد تاریخی ثابت شده پیدایش فکر الغاء مجازات اعدام و یا استقرار آن همیشه تحت تأثیر وقایع و پیشامدهای تاریخی و تحولات اجتماعی هر کشور قرار گرفته است.

آنچه در این تحول‌ها جلب نظر می کند این است که هیچ‌گاه کشورهای نیرومند جهان از قبیل کشورهای متحده آمریکای شمالی و روسیه و انگلستان و فرانسه و آلمان نخواستند به طور کلی از نگهداری مجازات اعدام صرف نظر کنند مع الوصف در طول دو قرن اخیر از تعداد موارد مجازات اعدام به طریق محسوسی کاسته شد. (قناد، ۱۳۷۹: ۸۹)

در کشور انگلستان بیش از سایر کشورها تمایل عمومی نسبت بالغاء مجازات اعدام پیشرفت نمود مخصوصاً بعد از جنگ جهانی اخیر بحث راجع بالغاء مجازات به حداعلای شدت خود رسید و ثمره این بحث و انتقاد وضع قانونی است که در سال گذشته از تصویب مجالس مقننه گذشت و در نتیجه فعلاً در کشور مزبور جز در موارد نادر از اجرای مجازات اعدام اثری باقی نیست. (قناد، ۱۳۷۹: ۸۹)

۴-۱۶-۱- دلایل طرفداران الغاء مجازات اعدام

۱. نفس گرفتن جان آدمی و ریختن خون انسان ذاتاً عملی است مذموم و احساسات انسانی و مدنیت را جریحه دار می سازد.

۲. حیات یک ودیعه الهی است که خداوند بزرگ به بنی نوع انسان ارزانی فرموده و فقط ذات باری تعالی است که می‌تواند آنچه را که داده پس بگیرد مجریان نظم و عمال قدرت حاکمه حق ندارند بنام هیئت اجتماع این ودیعه مقدس را باز ستانند.

۳. اعدام یک مجازات مطلقه و ظالمانه‌ای است که قابل توزین و سنجش با ماهیت عمل ارتكابی و شدت و ضعف جرم نیست.

۴. کیفر اعدام یک مجازات قاطع و غیرقابل جبران است، بهترین و شایسته‌ترین قضات در مقام دادرسی دچار اشتباه می‌شوند. (قناد، ۱۳۷۹: ۱۴۹ - ۱۳۹)

جراحاتی که بر اثر اشتباهات قضائی بر پیکر اجتماع وارد می‌شود به هیچ‌وجه قابل التیام نیست و ثبوت بی‌گناهی شخص معدوم سال‌های دراز روح انسان‌های حساس را زجر و شکنجه داده و افکار عمومی را نسبت به دستگاه عدالت بدبین می‌سازد.

۵. هدف اجرای مجازات در حقوق کیفری مدرن فاقد جنبه انتقامی است و فقط جنبه افاده اجتماعی آن مدنظر است اجرای مجازات اعدام نه تنها متضمن فایده‌ای برای اجتماع نیست بلکه برعکس روح مجرمین را علیه جامعه برانگیخته و نامبردگان را نسبت به هیئت اجتماع بی‌رحم‌تر و جری‌تر می‌سازد.

۶. اجرای مجازات اعدام موجب ارباب و تنبه نیست و حتی مشاهده منظره اجرای حکم اعدام نیز باعث وحشت مجرمین نمی‌شود. در ضمن تحقیقات و بررسی‌های علمی در احوال و سوابق زندگی مجرمین کاشف به عمل آمد که اشخاصی قبل از ارتکاب جرم ناظر و شاهد مناظر اجرای مجازات اعدام محکومین دیگر بوده‌اند مع‌الوصف دیری نپائید که همان تماشاچیان خود مرتکب نظیر همان جرم شده‌اند.

خلاصه آنکه نظر طرفداران الغاء مجازات اعدام این است که از لحاظ اجتماعی اجرای مجازات مزبور تأثیری در کاهش یا ازدیاد جرائم نداشته و از این جهت فایده‌ای برای اجتماع دربر ندارد.

۷. در کشورهایی که مجازات اعدام، ملغی گردیده آمار جنایات به وضع قابل توجهی تنزل یافته است و این خود یکی از قرائن مشهودی است که مفید بودن و ضرورت الغاء مجازات اعدام را ثابت می‌نماید. (قناد، ۱۳۷۹: ۱۸۸ - ۱۷۷)

۴-۱۷-۲-دلائل مخالفین الغاء مجازات اعدام

مخالفین الغاء مجازات اعدام جمیع دلائل و استدلالات مذکور در بالا را رد می‌کند و اعتقاد دارند که طرفداران الغاء مجازات مزبور تحت تأثیر احساسات و تخیلات فلسفی و شاعرانه قرار گرفته‌اند.

نظریات دسته اخیر به شرح زیر خلاصه می‌شود.

۱. حیات فردی در مقابل حیات اجتماعی قابل اهمیت نیست و بنابراین کسانی که با اعمال خود حیات و نظام اجتماع را برهم می‌زنند بایستی نابود شوند.
- شرف جان و آزادی افراد محدود و مقید به حق زندگی و آزادی دیگران است. اگر کسی به جان و آزادی دیگران و به نظامات اجتماعی وقعی نهد جان و آزادی او نیز احترامی ندارد.
۲. جنایت‌کاران مانند میکروب‌هایی هستند که به سلامت جامعه آسیب می‌رسانند. میکرب را باید از بین برد تا هیئت اجتماع از نعمت سلامت برخوردار شود.
۳. اگر به‌طور کلی به‌ضرورت وجود مجازات در یک جامعه منظم «اعم از اعدام و حبس و غرامت و غیره» معتقد شدیم دیگر در آثار وضعی اجرای آن مجازات‌ها نمی‌توان فرقی قائل شد زیرا اگر فرض کنیم که هیئت اجتماع حق گرفتن جان افراد خاطی را نداشته باشد بهمان دلیل حق گرفتن آزادی آن‌ها را نیز نخواهند داشت بنابراین استدلال طرفداران الغاء کیفر اعدام یک بام و دو هوا است.
۴. اگر اجرای مجازات اعدام در مورد اشتباهات قضائی غیرقابل جبران است معلوم نیست که این وضعیت در مورد حبس‌های با اعمال شاقه و سایر مجازات‌ها سالب حق آزادی صادق نباشد. چه بسا اشخاصی که در خلال مدت زمانی که هنوز بی‌گناهی آن‌ها کشف و ثابت نشده دچار ضایعات بزرگ جسمی و روحی، اخلاقی، اجتماعی و مالی شده‌اند و این ضایعات هیچ‌گاه ترمیم نشده‌اند از دست دادن حیات قابل مرمت و جبران‌ناپذیر نبوده است.
۵. کسانی که طرفدار الغاء مجازات اعدام هستند در عین حال اظهار عقیده می‌کنند که حبس ابد با اعمال شاقه باید جانشین مجازات اعدام گردد.
- مجازات حبس ابد با اعمال شاقه از لحاظ نداشتن حداقل و اکثر و یکنواخت بودن آن شباهت تام با مجازات اعدام دارد بنابراین همان اشکالی را که از لحاظ عدم قابلیت سنجش و عدم انعطاف کیفر اعدام ذکر می‌شود در مورد مجازات حبس ابد نیز صادق است.
۶. موضوع سنجش و توزین مجازات‌ها با اعمال مجرمانه و تشخیص تناسب بین مجازات و افعال مجرمین از اموری است که تاکنون از لحاظ حقوق جنائی حل نشده و دانشمندان حقوق کیفری نتوانسته‌اند راه حل مناسبی برای این مشکل پیدا کنند و با الغاء مجازات اعدام نیز این مشکل حل نخواهد شد.
۷. طرفداران اجرای مجازات اعدام به آمار ادعائی مخالفین خود دائر به تنزل ارقام جنایت در کشورهایی که مجازات مزبور الغاء کرده‌اند اعتماد و اطمینان ندارند و در صورت صحت این ادعا نیز تنزل آمار جنایت را معلول الغاء اعدام نمی‌دانند. (قناد، ۱۳۷۹: ۲۲۵ - ۲۱۸)
- در تأیید مراتب فوق‌الاشعار اضافه می‌کنند که طبق سوابق تاریخی موجود در کشورهایی که مجازات اعدام را ملغی کرده‌اند ثابت و مسلم است که تصمیم بالغاء کیفر مزبور وقتی جامعه عمل پوشید که آمار جنایات خودبه‌خود به حداقل ممکنه رسیده بود و این تنزل به‌طور خلق‌الساعه ایجاد نگردید بلکه نقصان ارتکاب جنایات در طول مدت زمانی تحقق یافته که

هنوز مجازات اعدام الغاء نشده بود؛ بنابراین مراتب هیچ‌گونه رابطه علیت و سببیت بین الغاء مجازات و نقصان و کاهش آمار جنایات موجود نمی‌باشد.

۸. اگر به‌زعم نظریه طرفداران الغاء مجازات اعدام نفس کشتن محکوم یک عمل غیرانسانی فرض شود بچه دلیل زندان دائم با مشقت از این قاعده مستثنی باشد. بسیاری از افراد هستند که مجازات اعدام را بر حبس با اعمال شاقه ترجیح می‌دهند؛ زیرا زجر و شکنجه اعدام چند دقیقه بیشتر نیست ولی شکنجه حبس ابد -مادام‌العمر و دائمی است.

۹. قطع نظر از جرائمی که مجازات آن اعدام است جرائم دیگری وجود دارد که قانون‌گذار رأساً برای آن‌ها مجازات حبس ابد را پیش‌بینی نموده و بالغاء مجازات اعدام و تنزیل آن به مجازات حبس ابد یک نوع اختلال و بی‌نظمی در تناسب موجود بین جرائم و مجازات‌ها به عمل خواهد آمد و بعبارة اخری بدو جرم که شدت و اهمیت آن‌ها یکسان نیست یک مجازات داده خواهد شد. (قناد، ۱۳۷۹)

این بود عقاید و آراء بعضی از دانشمندان و متخصصین حقوق جنائی راجع به مجازات اعدام، اینک باید فهمید کدام‌یک از طرفین در بیان عقاید خود مصاب هستند و اجرای کدام‌یک از این دو طریقه مفید به حال اجتماع می‌باشد.

بدون تردید انگیزه طرفداران الغاء مجازات اعدام در ترویج عقاید خود ناشی از تجلیات روح آدمیت و اصول انسانی است و این طریقه در حکومت اخلاق و عالم گذشت و احسان بهترین سرمشق انسانیت است.

فصل پنجم
مبانی فقهی مجازات اعدام در
جرایم مواد مخدر

۵-۱- فقه و مواد مخدر

از لحاظ فقهی جرایم مواد مخدر از مسائل مستحدثه محسوب می‌شود. در خصوص حکم تکلیفی و حکم وضعی، گروهی از فقها، نفس مواد مخدر را ملاک قرار داده و آن‌ها را در حکم سموم مهلکه دانسته و احکام آن را بر مخدرات جاری کرده‌اند. برخی، آثار شخصی و اجتماعی مواد مخدر را مدنظر قرار داده و از باب ضرر شخصی و اضرار اجتماعی درباره آن حکم کرده و فتوی داده‌اند. در هر حال چه نفس مواد مخدر و چه آثار مترتبه را ملاک قرار دهیم، می‌توان هریک از موضوعات فوق را از مصادیق و صغریات یک یا چند قاعده فقهی تلقی نمود، مانند:

۱- قاعده لاضرر؛

۲- قاعده حرمت اعانت برائتم و عدوان؛

۳- قاعده حرمت مقدمه حرام؛

۴- قاعده غرور؛

۵- قاعده نفی سبیل.

از همین رو می‌توان از طریق تطبیق این قواعد، حکم وضعی و تکلیفی موضوعات فوق را استنباط نمود.

۵-۲- تبیین و تشریح مبانی فقه

برای اثبات حرمت مخدرات از جنبه‌های مختلف استدلال شده است. برخی از نویسندگان از چهار دلیل و منبع مهم استفاده احکام شرعی، قرآن، سنت، اجماع و عقل برای حرمت این پدیده استدلال نموده‌اند.

در اینجا مهم‌ترین دلایل حرمت مخدرات، از شریعت اسلامی با استفاده از فتاوی فقهای اسلامی و مستندات فقهی به بحث گذاشته می‌شود. چنان‌که اشاره شد با توجه به جدید بودن پدیده مواد مخدر، در این مورد نص شرعی خاص و مشخصی وجود ندارد. بنابراین نه در قرآن و نه در سنت به‌عنوان مواد مخدر با تعریفی که امروزه از آن داریم، وجود ندارد، اما این پدیده بدین معنی نیست که نمی‌توان از مطلقات شریعت و برخی از قواعد شرعی استفاده نمود.

۴-۲-۱- کتاب و سنت

نص صریحی درباره حرمت مواد مخدر در قرآن نیامده است، البته در احادیث نصوصی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها بر حرمت مواد مخدر استدلال نمود. زیرا در آن‌ها وصف جامع مواد مخدر که از آن جمله یکی صفت تخدیر است به‌صراحت مورد بحث قرار گرفته است ولی نصوص، به‌طور عموم وارد شده‌اند که می‌توان از آن‌ها بر حرمت مواد مخدر استدلال کرد. ائمه اطهار در زمان خود، به علت عدم وجود مواد مخدر و این‌که در مورد آن‌ها از ائمه معصومین (ع)

سؤالی نشده است، روی این مواد بحث نکرده‌اند؛ زیرا اغلب روایات از ائمه اطهار (ع) در پاسخ به سؤالاتی ارائه شده‌اند که در عصر آنان مطرح بوده است، ولی از زمان پدید آمدن آن‌ها در قرن ششم، علما و فقها روی آن به‌طور کامل بحث کرده‌اند (باصری، ۱۳۸۶: ۱۲).

۵-۲-۲- کتاب

استعمال تریاک و اعتیاد به آن، در زمان بعثت پیامبر اسلام گزارش نشده است، پس ما نباید توقع داشته باشیم آیه صریحی در این زمینه در قرآن کریم داشته باشیم ولی درعین حال، در قرآن کریم به آیات بی‌شماری برخورد می‌کنیم که ما را به دوری جستن از هرگونه آلودگی فراخوانده و انجام هر عملی که به بهداشت جان و روح آسیب رساند، ناروا دانسته است. تعدادی از آیاتی که دلایلی بر حرمت مواد مخدر می‌باشد به شرح زیر بازگو می‌کنیم (مدنی، ۱۳۵۱: ۹۳).

خمر که از مسکرات قبل از بعثت حضرت رسول اکرم (ص) در بسیاری از بلادها، از جمله سرزمین حجاز مصرف می‌شده است؛ بنابراین آیات متعددی درباره حرام بودن و مضرات آن نازل شده است از قبیل: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، «ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بتها و تیره‌های قرعه پلیدند او [از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید» (مائده / ۹۰).

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ، «درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند بگو در آن دوگناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است و [الی] گناهشان از سودشان بزرگتر است» (بقره / ۲۱۹).

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ»، «همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند» (مائده / ۹۱)

از جمله آیات دیگری که در قرآن کریم مشاهده می‌شود:

۱- اگر بخواهیم هزینه کردن و استعمال مواد مخدر را از باب تبذیر و اسراف که آیه در جهت نهی از ارتکاب اسراف و تبذیر در قرآن کریم به‌طور صریح داریم، بررسی کنیم؛ نتیجه می‌گیریم که هزینه و استعمال مواد مخدر منهدم کننده است و حرام می‌باشد (همایش بین‌المللی سیاست جنایی در قبال مواد مخدر: ۸۸).

۲- «لاضرر» موارد غیر عمد و «لاضرار» مواد عمد را شامل می‌شود و ضرر و ضرار هم اعم است از زیان رساندن به خود و غیر خود «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا أَنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره / ۱۹۵).

۳- در باب اطعمه و اشربه، در بسیاری از کتب فقهی و حدیث از جمله خبائث، بنگ افیون را آورده‌اند؛ آیه مبارک «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ»، «و از کار ناپسند باز می‌دارد

و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند» (اعراف / ۱۵۷) مؤید و مستند این باب می‌باشد. مصرف مواد مخدر ضرر، اضرار تهلکه و قتل تدریجی نفس است. با توجه به این که ضرر، اضرار، تهلکه و قتل تدریجی نفس در اسلام حرام است، نتیجه می‌گیریم که مصرف مواد مخدر در اسلام حرام است.

۵-۲-۳- سنت معصومین (ع)

روایات مشهوری در این زمینه وجود دارد که عبارت مشترک این روایات، جمله معروف حرام علی امتی کل مفر و مخدر می‌باشد که رسول خدا فرموده است: «بر امت من مستی‌آورها حرام است» (نیشابوری: ۱۵۸۷).

۱- در روایاتی که از رسول خدا و ائمه معصومین (ع) نقل شده بر حرام بودن پنج یا بنگ که یکی از فرآورده‌های حشیش یا شاهدانه است، تأکید گردیده است. مانند روایت عن النبی (ص): سَلَّمُوا عَلَی الْیَهُودِ وَ النَّصَارِیِّ وَ لَا تَسَلَّمُوا عَلَی أَكْلِ الْبَنْجِ». پیامبر (ص) فرمود: بر یهود و نصاری سلام کنید ولی برخوردارنده بنگ سلام نکنید. با روایت قال رسول الله (ص): «من احتقر ذنب البنج فقد كفر»، رسول گرامی اسلام فرموده است: کسی که گناه بنگ را کوچک شمارد کافر است (نوری طبرسی: ۱۴۵).

در جایی دیگر پیامبر (ص) فرموده‌اند: کسی که بنگ را می‌خورد مثل این است که هفتاد مرتبه کعبه را خراب کرده است؛ هفتاد فرشته مقرب را کشته است؛ هفتاد پیامبر مرسل را کشته است؛ او حتی کتاب آسمانی را به آتش کشیده است؛ هفتاد سنگ به سوی خدا پرتاب کرده است؛ او حتی نسبت به کسی که شراب می‌نوشد از رحمت خدا دورتر است و حتی نسبت به رباخواری؛ زناکاری و سخن‌چین (مجلسی: ۱۸۱).

۵-۳- بررسی مبانی فقهی اسلام پیرامون مواد مخدر

۵-۳-۱- بیان مستندات فقهی در مورد مواد مخدر

از آنجاکه مواد مخدر در زمان‌ها و دوره‌های گوناگون وضعیت خاصی دارد و مصادیقی که امروز در مواد مخدر پیدا شده است در زمان شارع مقدس به این گستردگی نبوده است لذا باید با مراجعه به کتب فقهی، حکم مصادیقی را که ذکر نشده‌اند از منابع فقهی به دست بیاوریم. در کتب فقهی از کلمه تریاک با نام «افیون» ذکر شده است. فقها در چند جهت در زمینه مواد مخدر بحث کرده‌اند یکی در ارتباط با استعمال که آیا مواد مخدر حلال است یا حرام؟ و دیگری در ارتباط با خرید و فروش مواد مخدر. (میراثی آشتیانی، ۱۳۸۸)

فقه‌های شیعه و اهل سنت از دو جهت استعمال مواد مخدر را تحریم کرده‌اند:

یکی از جهت ضررها و زیان‌هایی که برای مصرف‌کننده دارد، خواه این مواد مسکر باشند یا مسکر نباشند. برای اینکه نفس اضرار به بدن، از نظر شرع حرام بوده و جایز نیست و اگر کسی

بخواهد به بدن خودش ضرر وارد آورد از نظر عقل و شرع عملی که انجام می‌دهد، حرام است و لذا بعضی از فقهای معاصر می‌فرمایند:

اگر کسی افیون استعمال بکند و ضرر زیادی بر بدن وارد آورد، مرتکب عمل حرامی گشته است. مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در کتاب «وسیله النجات» می‌فرماید: اگر کسی خواسته باشد از افیون استفاده بکند به طوری که او را معتاد کند عمل او حرام است. بعضی از علما گفته‌اند که علت حرمت استعمال مواد مخدر، این است که بعضی از اقسام آن موجب سکر و تسلی می‌شوند یعنی در انسان تغییر حالت به وجود می‌آورند و لذا بعضی از فقها، احکام شرب خمر را به مواد مخدر مترتب کرده‌اند و مجازات جد از برای مصرف‌کننده در نظر گرفته‌اند.

مرحوم حاج میرزا حسین نوری در کتاب «مستدرک» از پیغمبر (ص) نقل کرده است که: زمانی خواهد آمد و عده‌ای از امت من استعمال بنج می‌کنند و من از این افراد بیزارم همچنان که آنان از من بیزار هستند.

در مورد هروئین هم فقها معتقدند که از دو جهت ممکن است حرام باشد. جهت اول اینکه مضر است و جهت دوم اینکه مستی در انسان به وجود می‌آورد و عقل انسان را زایل می‌کند چراکه استفاده از چیزهایی که عقل انسان را زایل می‌کند، حرام است. گذشته از اینکه مفاسد اجتماعی در بر دارد و انسان را از فعالیت‌های اجتماعی بازمی‌دارد و کسی را که مبتلای به مواد مخدر باشد از زندگی ساقط می‌کند، اسلام به خاطر مفاسدی که به این ماده بار می‌شود آن را تحریم کرده‌اند.

علمای اهل سنت نیز اختلافی در این مسئله ندارند که استعمال کلیه مواردی که بر روی عقل تأثیر می‌گذارند و آن را از کار می‌اندازند مثل حشیش و افیون حرام هستند. حتی بعضی از علمای مذهبی کسانی را که استعمال حشیش را جایز و حلال می‌دانند آنان را زندیق و بدعت‌گزار در دین می‌گویند. (میراثی آشتیانی، ۱۳۸۸)

در کتاب «السیاست الشرعیه» ابن تیمیه نقل می‌کند که اگر کسی حشیش استعمال کند، چون حالت مستی به وجود می‌آورد حدّ شرعی بر او جاری می‌شود.

در ارتباط با خرید و فروش مواد مخدر در مبانی فقهی و حقوق اسلام باید عنوان نمود که در فقه و حقوق اسلام برای معامله صحیح ضوابطی وجود دارد و در صورت فقدان آن شرایط معامله باطل و حرام است. تمام علمای شیعه و سنی در این مورد عباراتی مشابه به یکدیگر دارند. در روایاتی که در کتب شیعه آمده است ضابطه کلی برای جواز معامله یا عدم جواز معامله ذکر شده است. به طور مثال در کتاب «دعائم الاسلام» قاضی نعمان مصری از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمودند: بیع‌ها و خرید و فروش‌هایی حلال است از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها که قوام مردم و حیاتشان به مصرف آن‌ها بستگی دارد و صلاح و مباح است که از آن‌ها برخوردار شوند، اما آنچه را که اسلام حرام کرده و از آن نهی فرموده، بیع آن هم جایز نیست.

معاملات وقتی می‌تواند (از نظر اسلام) درست باشد که بر معامله‌ای که انجام می‌شود مصلحتی بار شود و اگر معامله‌ای انجام شود که موجب ضرر و زیان است قطعاً چنین معامله‌ای نادرست و فاسد خواهد بود که اسلام برای آن مالیت قایل نیست و این تحریم تنها اختصاص به مواد مخدر ندارد بلکه هر چیزی که برای بدن مضر است، اسلام خرید و فروش آن را منع کرده است. در این‌جا گفتاری از کتاب «الفقه علی المذاهب الاربعه» در رابطه با مواد مخدر می‌آوریم:

بعضی از مسلمان‌ها مواد مخدر را از خمر و حشیش و افیون و کوکائین در اثر درآمدهای کلانی که دارند، معامله می‌کنند و با آسان‌ترین راه به ثروت‌های فراوانی دست می‌یابند. با اینکه شریعت اسلامی آن‌ها را تحریم کرده است و گفتار پیغمبر (ص) را شاهد می‌آورد که: خداوند بیع خمر و خوک را تحریم کرده است و سپس می‌گوید عده‌ای که برای منافع شخصی خودشان دست به هر جنایتی می‌زنند و سلامتی افراد را از بین می‌برند و متلاشی می‌گردانند، جوانان را که منبع انرژی و نیرو هستند از زندگانی و فعالیت بازداشته و تمام نیروها و انرژی‌های آنان را از بین می‌برند، این‌ها را باید جنایتکاران تاریخ دانست به این خاطر که با جان مردم تجارت می‌کنند. این بدترین تجارت است که انسان بخواهد با بازی کردن با نیروهای جوان و یا حیات اجتماعی افراد، آن‌ها را از زندگی ساقط نماید.

پیغمبر (ص) در روایتی نقل فرموده‌اند:

«آن ما حَرَمَ اللهُ الانتفاع به یحرم بیعه» یعنی چیزی را که خداوند استفاده از آن را حرام و منع کرده است، بیع آن نیز حرام است و انسان مالک آن پول و مال هم نمی‌شود.

۵-۳-۲- بیان فتاوی‌ مراجع عظام در مورد مواد مخدر

آفات خانمان‌سوز و بنیانکن مواد مخدر و محرک و تأثیر نامطلوب آن بر سلامت جامعه از چنان ابعدی برخوردار است که در تمامی جوامع امکانات اقتصادی، سیاسی، امنیتی و تلاش‌های فرهنگی و علمی گسترده‌ای برای مبارزه با توسعه مصرف این مواد و درمان بیماری‌های ناشی از آن مصروف می‌شود. با هدف کمک به ساماندهی فرهنگی و ملی برای پاکسازی جامعه و با امید به تأثیرگذاری این تلاش‌ها در رهایی افراد آسیب‌دیده عده‌ای از مراجع عظام پیرامون مواد مخدر و روانگردان فتاوی بیان نموده‌اند که ذیلاً به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌نمائیم.

سؤال: استعمال مواد مخدر به‌طور مشخص تریاک، هروئین، حشیش یا مواد محرک نظیر کوکائین و قرص‌های توهم‌زا مثل LSD چه حکمی دارد؟

پاسخ آیت الله العظمی صانعی:

حرمت استعمال مواد مخدر، همانند هروئین و تریاک و حشیش که موجب مفسدگی همانند به هم خوردن کانون‌های خانوادگی و بی‌سرپرست شدن کودکان و محروم شدن آن‌ها از حقوق واجبه والدین بر آن‌ها مانند انفاق و تهیه مخارج و مسکن و تربیت و حضانت و عاطل و باطل شدن و سربار جامعه گشتن معتادان به آن مواد و همانند ده‌ها مفسده دیگر اجتماعی و

اقتصادی و سیاسی و ترک واجبات و دست زدن به هر عملی برای تهیه مواد از راه حرام و به وجود آمدن اختلال در نظام اقتصادی جامعه واضح و ظاهر می‌باشد و اما استفاده از مواد محرک و همانند آن‌ها که در سؤال آمده به خاطر آنکه مانع از رشد استعدادها و کفران نعمات الهی و بی‌بهره شدن انسان از تزکیه نفس و از بین رفتن و جوان سرزنش کننده و نفس لوامه و مانع از تکامل انسان به خاطر صبر در مقابل مصیبت‌های سازنده و پیدا کردن راه علاج و پیشگیری آن‌ها می‌گردد، حرمت آن‌ها از مذاق شرع استفاده می‌شود و حرام می‌باشد به علاوه که دلالت آیه شریفه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا» که ذات باری تعالی پس از یازده سوگند آن را بیان داشته و در آن اعلام بی‌بهره شدن و در خسران و زیان قرار گرفتن کسی که تزکیه ننماید و استعدادها را رشد ندهد به نظر می‌رسد.

به هر حال مذاق شرع خود تنها برای حرمت، کفایت می‌کند و از آن گذشته مسأله مضار اقتصادی و جانی و خطر جانی که گفته می‌شود بر استفاده از آن‌ها مترتب است نیز گویای حرمت می‌باشد.

پاسخ آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی:

استعمال مواد مخدر و هرگونه فعالیت پیرامون آن حرام و از گناهان کبیره است و استفاده از قرص‌های شادی‌آور و توهم‌زا هرگاه ضرر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد یا منشاء فسادهایی گردد، جایز نیست.

پاسخ آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی:

استعمال مواد مخدر نظیر تریاک و هروئین و حشیش جایز نیست و بعضی مواد مذکور مثل قرص‌های شادی‌آور اگر ضرر کلی داشته باشد و یا برخلاف مقررات باشد نیز جایز نیست.

پاسخ آیت‌الله العظمی نوری همدانی:

استعمال هیچ‌یک از موارد مورد سؤال جایز نیست.

پاسخ آیت‌الله مظاهری:

استعمال مواد مخدر، حرام است و از آنجا که دارای مفاسد فردی و اجتماعی بی‌شمار می‌باشد، تولید این مواد و خرید و فروش آن و ترویج آن به هر شکل و دلالی و واسطه‌گری روی آن و امثال این موارد، به کلی حرام است و گناه و معصیت آن، بسیار عظیم و بزرگ بوده و بر همه دستگاه‌ها و مسئولان ذیربط و دولت جمهوری اسلامی ایران و همگان، واجب است از این امور ممانعت نمایند و بر همگان به‌ویژه جوانان لازم است که نزدیک این بلای خانمان‌سوز نشوند چرا که دنیا و آخرت خود را بر باد خواهند داد.^۱

^۱ - سایت اینترنتی www.fegh.org

۵-۴- آراء فقهای امامیه پیرامون مجازات اعدام در قبال جرائم مواد مخدر

درباره حرام بودن مصرف مواد مخدر و مقدمات آن و همچنین نظریات صریح بعضی از مراجع در مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر، بالاخص مجازات اعدام، لازم است به فتاویٰ عده‌ای از علما و مراجع عظام تقلید هم استفاده کنیم.

۱- آیت الله اردبیلی

در مجازات، اعدام از باب فی الارض است و تعیین مجازات مقدار هرئین و تریاک از باب جلوگیری از تفاوت فاحش میان آرای قضات محترم می‌باشد. اگر مقدار و میزان مواد مخدر مشخص نباشد، ممکن است یک قاضی برای یک گرم حکم اعدام صادر کند و قاضی دیگر برای مقدار معینی کیفری غیر از اعدام در نظر بگیرد، ایشان ورود قاعده در آن را نیز منتفی دانسته‌اند.

۲- آیت الله فاضل لنکرانی

مصرف مواد مخدر اگر به منظور اعتیاد یا زمینه‌ای برای اعتیاد باشد، جایز نیست. عناوین دیگر، تابع مقررات جمهوری اسلامی ایران است و تخلف از آن جایز نیست.

به‌طور کلی استعمال مواد مخدر فی نفسه جایز نیست و این افراد لازم است ترک کنند. فقهای مثلاً مرحوم آیت الله بروجردی صریحاً فتوا می‌دهند که اعتیاد به تریاک حرام است. من خودم هم استفتایی که در این رابطه از من بیان شده حتی ظاهراً بالای منبر رفتم؛ گفته‌ام که کشیدن تریاک ولو این که اطمینان به عدم اعتیاد در آن باشد، حرام است.

چیزی که اثرش انسان را از بعد انسانیت محروم می‌کند، نمی‌تواند در شرع اسلام مجوزی داشته باشد. استعمال مواد مخدر از این جهت که ضرر مهم بر جسم انسان وارد می‌کند و هم امور متعارف، طبیعی و اجتماعی فرد را مختل می‌کند و موجب باز داشتن او از انجام واجبات و امور دینی است و همین طور به دلیل سایر مفاصدی که دارد، به هیچ وجه جایز نیست. از طرفی امور مقدماتی آن از قبیل کشت و تولید که برای این جهات باشد نیز همین حکم را دارد و برخی از عناوین که ذکر شده، از قبیل توزیع، دایر کردن محل برای استعمال و تشویق افراد چه بسا حرمت مضاعف دارد و بر مؤمنان واجب است هم اجتناب نمایند و هم دیگران، خصوصاً جوانان را غفلت و مسامحه در این نیز جایز نیست. «اما راجع به کیفیت مبارزه با این جریان، مواد مخدر را خوب همان طوری که فرمودید به نظر من یکی از معضلات نظام است. یکی از مسائل مشکل، واقعاً خیلی مشکل که چه جوری با این مواد مخدر مبارزه شود؟ ... به نظر من بهترین راهش یک کار فرهنگی است؛ این راه موفق خواهد بود. اما مسأله اعدام، اثر ندارد، فایده ندارد... مگر حالا یک مواردی که دیگر چاره‌ای نیست؛ اما استفاده از اعدام درست نیست؛ حالا نظر خودم هست» (زحمتکش، ۱۳۷۷: ۲۶۶ و ۲۶۸).

۳- نظریه آیت الله استادی

در بین گناهان، انسان وقتی اعتیاد را مطالعه می‌کند، می‌بیند که همه جور مفسده جسمی برای خود معتاد دارد، یک خانواده را به نیستی می‌کشد، یک محیط را آلوده می‌کند، وقتی افراد معتاد زیاد شوند، خدای ناکرده یک جامعه ای را به فساد و تباهی می‌کشاند. با سلام و احترام، ناروا بودن و گناه بودن برخی از کارها از نظر شرع به قدری واضح است که نیاز به دلیلی از آیات و روایات ندارد، بلکه هر مسلمان عاقلی، حرام بودن آن را می‌داند، استعمال مواد مخدر و کلیه مقدمات آن، ظلم به نفس، ظلم به خانواده، ظلم به دیگران، ظلم به جوامع اسلامی و نظام مقدس اسلامی ایران است و گناه بودن ظلم، برای همه روشن است؛ به خصوص، اگر ویرانگر باشد و ویرانگری این عمل زشت برای کسی قابل انکار نیست.

۴- حضرت امام خمینی (ره)

استعمال مواد مخدر جایز نیست، تریاک آوردن و پخش کردن بین مردم، هروئین آوردن و پخش کردن بین جوانانها، ملت ما را از بین خواهد برد. اینها قبل از این که عذاب الهی برایشان بیاید، قبل از این که شلاق الهی به اینها بخورد، خودشان ملاحظه نکنند و نکنند، ترک کنند این راه را، این جنایت است، این کشیدن جوانهای برومند ما برای از بین رفتن است، این فساد است، نسل را فاسد می‌کند.

اینها می‌خواستند که هر فکری را که احتمال بدهند، این فکر در مقابل آنها است، اگه بتواند فکر را ز ا او بگیرند فکر را چطور می‌گیرند؟ با اعتیاد به مشروبات الکلی، با اعتیاد به هروئین و امثال این مخدرات که فکر انسان را می‌گیرد، انسان را میان تهی می‌کند (همایش ابعاد بین‌المللی مواد مخدر در زمینه مسائل قضایی: ۹۱).

اعتیاد به تریاک جایز نیست.

فروش هروئین جایز نیست، پخش هروئین یک توطئه است.

پول هروئین حرام است و ارتزاق به آن جایز نیست.

نگذارید قاچاق وارد شود. خصوصاً اسلحه و قاچاق مواد مخدر که برای ملت ما مضر است.

حضرت امام خمینی (ره) ابتدا با اعدام قاچاقچیان موافق نبودند، پس از توضیحات تعدادی از مسئولین، اطلاق افساد را منحصر به شرایط ذیل می‌دانند: «مواد مخدر، پخش شود به طوری که موجب ابتلاء بسیاری شود یا به قصد این عمل یا با این علم این اثر» (همان: ۲۶۴ - ۲۶۵).

۵- حضرت آیت الله مکارم شیرازی

«مواد مخدر به هر شکل و هر صورت، استعمالش حرام است و تمام کسانی که دست اندرکاران پخش و گسترش آن به هر نحو باشند، کار آنها حرام است، معاملاتش قطعاً حرام است، در شرایط فعلی کشت مواد مخدر حرام است، هم‌چنین هم دست اندرکاران، کارشان حرام است.» اقدام به حمل مواد مخدر حرام است.

بدون شک استعمال مواد مخدر، یکی از محرمات است که ادله مختلف شرعیه بر حرکت قطعی آن دلالت دارد و بر همه مسلمانان واجب است که از این مواد پلید پرهیز و اجتناب کنند و فرزندان، بستگان و آشنایان خود را از آن‌ها شدیداً بر حذر دارند و هر کس، هرگونه کمکی به کشت، تهیه حمل و نقل و پخش این مواد کند، مشمول مجازات الهی خواهد بود و نیز هرگونه درآمدی از آن‌ها حاصل شود، حرام و نامشروع است. هم مسلمین بدانند که یکی از نقشه‌های خطرناک دشمنان، به‌ویژه برای نابود کردن ایمان جوانان، توسعه همین مواد مخدر می‌باشد. بنابراین بر حکومت‌های اسلامی و عموم مردم فرد فرد واجب است که با آن مبارزه کنند. انشاءالله روزی بیاید که مواد مخدر از سرزمین کشورهای اسلامی ریشه‌کن شود.»

من آخرین جمله‌ای که می‌خواستم عرض کنم؛ این است: اگر می‌بینید که قاچاقچیان را اعدام می‌کنند، این اعدام از نظر شرعی، یک کار جایزی است، بلکه در برخی مواقع واجب می‌شود. چرا؟ به علت این که این‌ها مصداق مفسد فی الارض هستند، مفسد فی الارض که در قرآن کریم به آن اشاره شده و متن آیه قرآن است. آن کسی می‌باشد که در یک منطقه، ایجاد فساد گسترده و وسیع کند و چه فساد عظیم‌تر از فساد است که قاچاقچیان مواد مخدر می‌کنند، وقتی مفسد فی الارض باشند، محکوم به اعدام خواهد شد. البته با شرایطی که قوانین شرعی و قانون مملکتی که متخذ از احکام شرع است آمده» (همان: ۱۳۷۹: ۱۰۰).

۵- حضرت آیه الله العظمی بهجت: مصرف هروئین و نظیر آن حرام است و آنچه در ارتباط با آن است حکم خود را دارد و خرید و فروش آن هم جایز نیست و اعتیاد به تریاک جایز نیست و مقدمات آن هم جایز نیست و احتراز لازم است. توصیه حضرت آیه الله العظمی بهجت در خصوص مواد مخدر: «شکی نیست که مصرف مواد مخدر حرام است، ضرر مرض آور است، نمی‌شود بگوئیم که حرام نیست، تریاک کشی هم همینطور است... چه ضرری! که هم در مال و هم در بدن و در همه چیز است. این را همه می‌دانند که اضرار حرام است، شما می‌توانید از همه علماء که واسط بین ما و اعلاء علیین هستند سؤال کنید. این اشتباه محض است که بعضی فکر می‌کنند اینها (مصرف مواد مخدر) لذاذ است.»

۵-۵- راهکارهای فقه برای مبارزه

در خصوص جنبه کیفری و مجازات‌های ارتکاب جرائم مربوط به مواد مخدر بر اساس همین قواعد فقهی شکی نیست که می‌توان جرم معاونت و اقدام به ایجاد مقدمه حرام بر اقدام تمام کسانی که وارد عرصه معاملات و تکسب مواد مخدر می‌شوند، منطبق نمود و آنان را مستحق تعزیر دانست، لذا در این صورت باید مقدار تعزیر شرعی آنان متناسب با نوع، دفعات ارتکاب و میزان مواد مخدر توسط حاکم تعیین گردد.

اما گاه قانون‌گذاران برای مبارزه با این پدیده، مجازات اعدام را در نظر می‌گیرند. «اعدام» مجازاتی سنگین است که در فقه ما نیز به مواردی خاص محدود گشته، زیرا امکان توبه و

بازگشت را از شخص می‌گیرد. مسلماً یکی از قواعد فقهی «حرمت دماء» مسلمانان است که قدرت اشخاص را در سلب حیات از دیگران بسیار محدود می‌کند. عده‌ای که معتقد به امکان اجرای مجازات اعدام برای مبارزه با مواد مخدر هستند به چند دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- معتقدین به جواز اعدام مرتکبین مواد مخدر از باب تعزیر
- ۲- معتقدین به جواز اعدام مرتکبین مواد مخدر از باب افساد فی الارض
- ۳- معتقدین به جواز اعدام مرتکبین مواد مخدر از باب محاربه
- ۴- معتقدین به جواز اعدام مرتکبین مواد مخدر از باب تعزیرات حکومتی

۵-۵-۱- ادله طرفداران مجازات اعدام مرتکبین مواد مخدر، از باب افساد فی الارض

۱- آیه ۳۲ و ۳۳ سوره مبارکه مائده: «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا... إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»، «از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فسادی در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته ... سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت»

۲- آیه ۲۰۵ سوره بقره «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»، «و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباهکاری را دوست ندارد»

۳- این گروه معتقدند با توجه به آیات مذکور و قرار گرفتن «واو» عاطفه، محاربه و افساد فی الارض دو جرم مستقلند. جرم در افساد فی الارض یک عنوان کلی است که یکی از مصادیق آن جرم محاربه است که مورد حکم خاص قرار گرفته است؛ رابطه این دو عموم و خصوص مطلق است و افساد فی الارض اعم از محاربه است: هر محاربه مفسد است ولی هر مفسدی محاربه نیست.

طرفداران این نظریه که مبنای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب افساد فی الارض می‌دانند، برای اثبات ادعای خود به دلایل ذیل استناد می‌کنند:

۱- طرفداران این نظریه در اثبات نظریه خود به آیه ۳۲ مبارکه مائده و آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره استناد می‌کنند، آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده می‌فرماید: بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم

نمودیم که هر نفسی را بدون حق قصاص و یا بی آن که فساد و فتنه‌ای در روی زمین کنند به قتل رسانند، مثل آن باشد که همه مردم را کشته است.

آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره نیز می‌فرماید: «و آن گاه که پشت کند روی زمین، تلاش می‌کند تا فساد کند و حاصل و نسل بشر را هلاکت کند و خداوند فساد را دوست ندارد».

مفهوم آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده که در مقام بیان جواز قتل برای مفسدین است؛ این است که: کشتن «غیرمفسد» قتل عمد و جرم محسوب می‌شود، ولی کشتن شخص مفسد جایز است و مسئولیتی ندارد. مفهوم آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره نیز این است که هر عملی موجب نابودی انسان‌ها، اموال یا غارت آن‌ها می‌شود و یا موجب ایجاد فتنه، تفرقه، آشوب در میان افراد، یا موجب گسترش فساد و انحراف اخلاقی عده‌ای از مردم به نحوی از انحاء گردد: «افساد فی الارض» می‌باشد. نتیجه‌ای که استناد به آیه مذکور به دست می‌آید این است که افساد فی الارض، مجزا و مستقل از محاربه است و دارای مبنای قرآنی و شرعی نیز می‌باشند.

بنابراین، بر اساس آیات مذکور، مجرمین جرائم مواد مخدر، عناصر تعریف فساد فی الارض را دارا می‌باشند. زیرا اعمالشان موجب تباهی حرث نسل، گسترش فساد و انحراف اخلاقی در جامعه می‌شود و سلامت عمومی جامعه را به خطر می‌اندازد، در نتیجه مجازات اعدام درباره این جرائم مجرمین آن‌ها از باب «افساد فی الارض» جایز است.

۲- محاربه و افساد جرم واحدی محسوب نمی‌شوند، بلکه دو جرم مستقل و مجزا از یکدیگر می‌باشند. برای اثبات این ادعا به آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده استناد می‌کنند که می‌فرماید: همانند کیفر آنان که با خدا و رسول او به جنگ برخیزند و در زمین به فساد بکوشند و مستند به آیه فوق، اگر افساد فی الارض همان محاربه باشد دگر نیازی به ذکر عبارت «سعیون فی الارض فساداً» نبود. به علاوه «واو عطف» که در آیه مذکور به کار رفته، بیانگر این است که محاربه و افساد فی الارض دو عنوان مجرمانه محسوب می‌باشند؛ زیرا در غیر این صورت و در صورتی که شارع در مقام بیان یک عنوان مجرمانه بود، به جای «واو عطف» باید حرف «واو» را استعمال می‌نمودند (حبیب زاده، ۱۳۷۰: ۳۶۰).

۳- دلیل دیگری طرفداران این نظریه برای صحت ادعای خود به آن استناد می‌کند «حکم عقل» است و بیان می‌دارند که: به نظر ما عقل نیز، مجزا بودن عنوان افساد فی الارض را به عنوان جرمی مستقل و جدای از محاربه، تأیید می‌کند؛ زیرا از یک طرف می‌گوییم تعزیر به مادون حد است، زیرا گناهان تعزیری به اهمیت گناهان مستلزم حد نیستند. از طرف دیگر برای جرائمی مانند مواد مخدر، به فساد کشیدن فرهنگ جامعه و انحطاط اخلاقی جوانان و ... که همگی منجر به خروج جامعه از اعتدال می‌شوند، عنوان خامی پیش‌بینی نشده است، در حالی که اهمیت آن‌ها و در درجه فساد آن‌ها به مراتب شدیدتر از بسیاری از جرائم مستلزم تعزیر یا حتی حد است. بنابراین از نظر عقل قبیح است که اعمالی که منجر به فساد در زمین می‌شوند، هم‌چنین جامعه بشری را از مسیر خود خارج می‌کنند، اعتدال آن را به هم می‌زنند، در ردیف

جرائم تعزیری است، بنابراین جرم در «افساد فی الارض»، یک عنوان کلی است که از مصادیق آن جرم، محاربه که مورد حکم خاص قرار گرفته است (آیه ۳۲ سوره مائده و ماده ۱۸۳ ق. م. اسلامی مصوب ۱۳۷۰). در غیر این موارد، به اصل کلی مراجعه می‌شود؛ یعنی فساد عنوانی مستقل از محاربه بوده و مشمول حکم آیه ۳۲ و ۳۳ سوره مائده قرار می‌گیرد. (همان: ۵۴).

۴- رابطه «محاربه» و «افساد فی الارض» عموم و خصوص مطلق است و افساد فی الارض اعم است از محاربه، بدین معنی که هر محاربه مفسد است ولی هر مفسدی محارب نیست. بنابراین کلیه گناهایی که دارای مفسده‌ی عمومی هستند (مانند جرائم مواد مخدر)، مشمول حکم «افساد فی الارض» قرار می‌گیرند و بر این اساس، محاربه یکی از مصادیق افساد محسوب می‌شود (همان: ۳۷).

۵- بالاخره آخرین دلیلی که طرفداران این نظریه بیان می‌کنند این است که اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، مبنای مجازات اعدام را از باب «افساد فی الارض» دانسته است. ماده ۹ اصلاحیه مذکور بیان می‌دارد «مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به اعدام محکوم می‌شود...» بیانگر این است که قانون‌گذار محاربه و افساد فی الارض را دو جرم تلقی کرده و مبنای اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب افساد فی الارض دانسته است.

قانون مجازات اسلامی نیز همین نظر را پذیرفته است اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۸ مبنای مجازات اعدام را از باب افساد فی الارض دانسته است. ماده ۹ این اصلاحیه بیان می‌کند: مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به اعدام محکوم می‌شود...» این ماده نشان می‌دهد قانون‌گذار محاربه و افساد فی الارض را دو جرم تلقی کرده و مبنای اعدام در جرایم مواد مخدر را از باب افساد فی الارض دانسته است.

۵-۲-۵- ادله طرفداران مجازات اعدام مرتکبین مواد مخدر از باب محاربه

طرفداران این نظریه که مبنای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب محاربه و افساد فی الارض می‌دانند، برای اثبات ادعای خود به دلایل ذیل استناد می‌کنند.

(۱) هر عملی که موجب برهم زدن آرامش، نظم و امنیت عمومی جامعه شود و ایجاد افساد در جامعه کند، مشمول محاربه قرار خواهد گرفت (میر محمد صادقی، ۱۳۷۴: ۳۸).

(۲) تجرید و تشهیر سلاح و یا به دست گرفتن اسلحه در تعریف فقها و قانون مجازات اسلامی از محاربه، جنبه حصری ندارد؛ بلکه از باب تمثیل می‌باشد. (عاملی و شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۵؛ آملی، ۱۳۸۰: ۵۸۹ و گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۲۲۲).

طرفداران این نظریه برای اثبات این ادعا به جرائمی استناد می‌کنند که در فقه و قانون وجود دارند و در آنها بدون این که «تجرید السلاح» و یا سلاح به دست گیرند، مرتکب محکوم به قتل و اعدام می‌شوند. مانند شخصی که ادعای نبوت کند، مرتد، ساحر و ... (بغدادی، ۱۴۱۳: ۷۴۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۷؛ عاملی ۱۴۱۹: ۲۴۲ و نراقی، ۱۴۲۵: ۸۴۱).

در قوانین مختلف کیفری نیز، جرائمی مقرر گشته‌اند که در آن‌ها بدون این‌که مرتکب سلاح به دست گیرند و در ارتکاب آن‌ها سلاح به کار رفته باشد، اقدام علیه امنیت کشور بوده که معادل فقهی آن محارب و مفسد فی الارض می‌باشد. موارد این جرائم، در قوانین کیفری ایران متعدد می‌باشد، به‌عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم: ماده‌ی ۳ مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی که منجر به فوت مصرف‌کننده گردد، مجازات سازنده، تهیه‌کننده و مخلوط اعدام است.

ماده‌ی ۱ قانون مجازات اخلال گران در صنایع، مصوب ۲ / ۲ / ۱۳۵۳: «هر کس عمداً به‌قصد سوء هر یک از واحدهای عمده شرکت ملی ذوب‌آهن ایران، شرکت سهامی ماشین‌سازی اراک و ... را آتش بزند یا وسیله دیگران را منهدم کند در صورتی که هر یک از جرائم مذکور منتهی به قتل نفس شود، مرتکب به اعدام محکوم می‌گردد.»

از این‌رو هر فعلی که موجب بر هم زدن امنیت و آسایش عمومی می‌شود و ایجاد هراس، رعب، وحشت و فساد در زمین نماید، مشمول حکم «محاربه و مفسد فی الارض» قرار خواهد گرفت؛ خواه به‌صورت مسلحانه انجام پذیرد و خواه به‌صورت غیرمسلحانه، حکم مزبور شامل «جرائم مواد مخدر» نیز می‌شود و از آنجاکه جرائم مربوطه به امنیت، سلامت عمومی جامعه و افراد آن لطمه وارد کرده و ایجاد فساد در روی زمین می‌نمایند، هم‌چنین اساس حکومت اسلامی را به مخاطره می‌اندازد، در نتیجه مرتکبین و مجرمین آن‌ها «محاربه و مفسد فی الارض» بوده و اعدام آن‌ها جایز است، فرق نمی‌کند که جرائم مزبور به‌طور مسلحانه انجام پذیرد و یا خیر.

۵-۳-۵- دلایل طرفداران تعزیری بودن مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر

۱- طرفداران این نظریه به‌عنوان نخستین دلیل، معتقدند که این اصل (تعزیرات باید دون الحد باشند) به این معنی نیست که تعزیرات باید کمتر و خفیف تر از حدود باشند، بلکه «دون» در لسان عرب و برخی از آیات قرآن کریم، به معنای «غیر» نیز استعمال شده است. بنابراین «دون الحد» یعنی «غیر از حد». چنان که وقتی می‌گویند «يعزر دون الحد» مراد آن است که «یودب علی غیر مثل الحد» یعنی عقوبتی که مثل حد نباشد. (معرفت، ۱۳۶۵: ۹۸).

بنابراین با استناد به این دلیل می‌توان در تعزیرات، هر مجازاتی (ولو اعدام) را اعمال نمود. از آن جا که جرائم مواد مخدر، جرائمی تعزیری می‌باشند، اگر ضرورت و مصلحت ایجاب کند در مورد مرتکبین آن‌ها به مجازات اعدام نیز می‌توان متوسل شد.

۲- با بررسی کتب فقهی می‌توان مواردی را یافت که در مجازات جرم تعزیری، قتل پیش‌بینی شده، گرچه خود فقها هنگامی که پیرامون تعزیر به‌صورت مستقل صحبت کرده‌اند، آن را دون الحد گرفته‌اند. این مطلب بیانگر این است که در تعزیرات نیز می‌توان مجازات اعدام را اعمال نمود، در نتیجه در مورد مرتکبین جرائم مواد مخدر نیز به دلیل این‌که جرائم، جرائم تعزیری هستند، می‌توان متوسل به مجازات اعدام شد (معرفت ۱۳۶۵: ۹۹).

۳- دلیل دیگر رعایت مصلحت فرد و جامعه می‌باشد. بدین معنی که در مواردی چند با زدن چند ضربه شلاق و یا جزای نقدی و یا حبس نمی‌توان فردی را که مرتکب جرائم مواد مخدر می‌شود، تنبیه و منافع، مصالح فردی و اجتماعی را رعایت نمود. بنابراین برای این که منافع جامعه تأمین شود و جامعه از شر وجود مجرمی پاک شود، اجرای مجازات اعدام لازم و ضروری است. به علاوه چنین امری موجب پیشگیری و بازدارندگی از ارتکاب جرم نیز خواهد شد.

۵-۴- دلایل طرفداران تعزیر حکومتی

عده‌ای قایلند که جرایم اعدام در مواد مخدر از باب تعزیرات حکومتی است. این گروه معتقدند که ما در اسلام تعزیری داریم به نام تعزیرات حکومتی که غیر از تعزیر مصطلح و رایج است. تعزیرات حکومتی مجازاتی است که حاکم تعیین می‌کند. به‌عنوان مثال در روایتی داریم که به امیرالمؤمنین خبر دادند شخصی جنازه‌ها را از قبر بیرون می‌آورد و به آن‌ها تجاوز می‌کند؛ حضرت مردم را خبر کردند و دستور دادند آن قدر به او لگد بزنید تا بمیرد و در پایان هم جنازه وی را آتش زدند (اسعدی، ۱۳۷۲، ص ۲۸)

۵-۶- مجازات‌های بازدارنده

مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر براساس «رعایت مصلحت و حفظ نظم عمومی جامعه است». بدین معنی این امر امکان‌پذیر است که برخلاف حدود و تعزیرات، برای رعایت مصلحت و حفظ نظم جامعه، بدون این که معصیتی واقع شده باشد، در شرح تصریحی وجود داشته باشد. فعل یا ترک فعلی که توسط حکومت قابل مجازات قلمداد شود، این جرائم مواد (مواد مخدر) در واقع مربوط به اعمالی هستند که برحسب زمان و مکان از ناحیه حکومت اسلامی ممنوع اعلام می‌شوند و ضمانت اجرایی که برای آن‌ها مقرر شده است نیز همان مجازات‌های بازدارنده می‌باشند.

۱- مبنای وضع این جرائم، ارتکاب فعل معصیت بار نمی‌باشد، بلکه صرف نظر از وجود شرایط مذکور، خطر اجتماعی و آسیب به نظم عمومی می‌باشد؛ در نتیجه به دلیل نتایج و عواقب سوء و صدماتی که مواد مخدر برای جامعه و افراد آن در پی دارد، هم‌چنین رعایت مصلحت و ضرورت حفظ نظم جامعه، اعمال مجازات اعدام را در مورد مجرمین مواد مخدر مجاز می‌سازد و لو این که در شرع چنین امری مورد تصریح قرار نگرفته باشد (ناتری، ۱۳۷۸: ۱۷۵).

۲- ماده‌ی ۱۷ ق. مجازات اسلامی مصوب، ۱۳۷۰ مؤید این ادعاست. ماده‌ی مذکور مقرر می‌دارد مجازات‌های بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌شود. از قبیل جزای نقدی، تعطیلی محل کسب، لغو پروانه ... و مانند آن.

براساس ماده‌ی فوق، «مقررات و نظامات حکومتی» می‌باشد. هم‌چنین از آنجایی که ماده مذکور برای بیان مجازات‌های مقرر، عبارت «از قبیل و مانند آن» را به کار برده است؛ بنابراین مجازات‌های مذکور حصری نبوده بلکه جنبه تمثیلی دارد. در نتیجه این مجازات‌ها می‌تواند شامل هر مجازاتی ولو مجازات اعدام بشود و رعایت مصلحت و ضرورت حفظ نظم عمومی جامعه، اعمال این مجازات در جرائم مواد مخدر را توجیه می‌کند.

۵-۷- بحث

از آنجایی که قاچاق مواد مخدر منافع و ثروت‌های کلان را برای باندهای قاچاق به دنبال دارد و با عنایت به بین‌المللی بودن این جرائم، وضع قوانین هماهنگ با کشورهای منطقه و همکاری تقنینی با آن‌ها در زمینه مقابله با شیوه‌های تطهیر پول می‌تواند به محروم نمودن دست‌اندرکاران قاچاق مواد مخدر از عواید فعالیت‌های بزهکارانه و از بین بردن انگیزه اصلی آن‌ها در مبادرت به این اعمال بینجامد.

الهام گرفتن کلیه مواد قانونی از روندی هماهنگ و منطبق با سیاستی اصولی که نشأت گرفته از تحقیقات و پژوهش‌های علمی و جهانی بوده و در آن نقطه نظرات کارشناسان علوم مرتبط نظیر جرم‌شناسان، حقوقدانان، روان‌شناسان، روان‌پزشکان، جامعه‌شناسان و متخصصین علوم زندان‌ها منعکس باشد، در مهار این پدیده شوم بسیار مؤثر خواهد بود.

اصلاحات شتاب‌زده‌ای که اخیراً در قانون مبارزه به مواد مخدر صورت پذیرفت، اگر چه به حیات بعضی از نواقص قانون سابق خاتمه داد، لیکن برخی از اشکالات قانون سابق مرتفع نگردیده. پیش‌بینی برخی از جرائم مانع بوده و قبل از ورود فرد به محدوده جرائم قاچاق مواد مخدر او را از ارتکاب جرم اصلی باز می‌دارد، می‌تواند در مبارزه‌ای کارا یاری رساند.

در این راستا، جرم‌زدایی شروع و معاونت در جرائم مواد مخدر ضروری به نظر می‌رسد. خوشبختانه، کمیته امور حقوقی ستاد مبارزه با مواد مخدر، با استمداد از مراکز علمی و دانشگاهی تلاش‌های جدیدی را جهت انطباق قوانین داخلی با مقررات بین‌المللی و تدوین قانونی جامع و مترقی شروع نموده که امید است در ماه‌های آینده شاهد پیشنهاد این مقررات به مراجع تقنینی باشیم.

در ادامه باید گفت که با وجود پویایی مستمر اندیشه‌های جزایی که منجر به ظهور و بروز دست‌کم سه الگوی مهم و تأثیرگذار کیفری، بالینی و حمایت اجتماعی شده است، بررسی نقش و تأثیر الگوی کیفری در به کارگیری راهبردهای مبارزه با بزهکاری و واکنش نسبت به بزهکاران اهمیت بسزایی دارد.

سلطه و سیطره الگوی مذکور بر انواع سیاست‌گذاری‌های جنایی (یا کیفری) از یک‌طرف و احیای مجدد آن از نیمه دوم قرن بیستم از سوی دیگر، ضرورت بررسی مبانی نظری و ارزیابی پیامدهای حاصل از اجرای آن را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

در این پژوهش، ضمن مطالعه مبانی نظری الگوی مذکور و انتقادهای وارد بر آن، یافته‌های برخی تحقیقات و پژوهش‌های ناظر به پیامدهای اجرای الگوی کیفری نیز مورد توجه قرار گرفت.

طبق نتایج به دست آمده مجرمین بالقوه معمولاً قبل از ارتکاب جرم به پیامدهای منفی عمل خود نمی‌اندیشند، بلکه تنها پس از ارتکاب جرم و چه بسا پس از دستگیری است که ترس از مجازات آنان را نگران و مشوّش می‌سازد.

اعدام‌های علنی موجب آشنا شدن مجرمین بالقوه با جرائم جدید بوده و خود یکی از طرق اشاعه جرم در جامعه می‌باشد. به علاوه، در برخی از موارد و برای بعضی از تماشاچیان، شخص محکوم به اعدام همچون قهرمان یک نمایشنامه حزن‌انگیز جلوه می‌دهند.

دولت‌ها علاوه بر دقت در اجرای مجازات اعدام که غیرقابل برگشت می‌باشد، نباید با تکیه بر آن وظایف خود را در یافتن عوامل جرم‌زا و مبارزه با آن‌ها به فراموشی بسپارند و تصور کنند که تعیین مجازات اعدام برای جرائم می‌تواند مجریان بالقوه را از ارتکاب آن‌ها باز دارد.

نتیجه‌ای که می‌توان از این بحث در مورد تأثیر اربعایی مجازات اعدام گرفت آن است که با توجه به اینکه مجازات اعدام، عزیزترین سرمایه انسان را از او می‌گیرد، نمی‌توان اثر اربعایی آن را نادیده گرفت؛ لیکن این تأثیر، بنا به دلایل مختلفی که به برخی از آن‌ها در این پایان‌نامه اشارتی رفت، مطلق نمی‌باشد.

در نتیجه دولت‌ها، علاوه بر دقت در اجرای این مجازات که غیرقابل بازگشت می‌باشد، نباید با تکیه بر آن، وظایف خود را در یافتن عوامل جرم‌زا و مبارزه با آن‌ها به فراموشی بسپارند و تصور کنند که تعیین مجازات اعدام برای جرائم می‌تواند مجرمین بالقوه را از ارتکاب آن‌ها باز دارد.

بطلان این تصور در جرایمی مثل قاچاق مواد مخدر که در برخی از کشورها از جمله ایران برخوردارهای سنگینی، مثل اعدام، با مرتکبان آن‌ها صورت گرفته است، کاملاً به اثبات رسیده است.

از آنچه تاکنون راجع به تأثیر نظام مبتنی بر بازدارندگی مجازات جهت جلوگیری از تکرار جرم گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مجازات‌ها و به‌ویژه حبس، فاقد چنان تأثیر مورد انتظاری‌اند که از دیدگاه سیاستمداران و قانون‌گذاران فوق‌العاده قاطع و بلاتردید است.

واقعیت آن است که همان‌گونه که شرح داده شد، در بسیاری از موارد، ممکن است مجازات‌ها نه تنها نقش بازدارندگی و اربعایی ایفا نکنند، بلکه می‌توانند عاملی مجدد برای بازگشت دوباره مجرم به فرایند کیفری باشند؛ فرایندی که فرض بر این بود با تحمیل مجازات بر مجرم، وظیفه آن به پایان رسیده است. در این راستا البته می‌توان به تحقیقات دیگر و نتایج آن‌ها نیز استناد کرد.

محقق معتقد است که این مجازات موجب تسکین افکار عمومی که یکی دیگر از اهداف مجازات است نمی‌شود؛ زیرا «مجازات مجرمان مواد مخدر از دیدگاه مردم، همسایگان و همشهریان آن‌ها بیشتر از آنکه مجازات خود آن‌ها باشد، مجازات خانواده آن‌هاست. به‌علاوه اکنون مستمراً بر تعداد مجرمان مواد مخدر و همچنین میزان مواد مخدر مکشوفه از آن‌ها افزوده می‌شود.

اگرچه داوری علمی درباره کارایی یا ناکارایی مدل کیفری امری آسان نیست، با توجه به یافته‌های بسیاری از پژوهش‌های جرم‌شناختی و از جمله پژوهش‌های مذکور در این مطالعه، می‌توان تأکید نمود که سیاست «شدت عمل در مقابل جرم» و شعار و آرمان «مجازات بیشتر، تکرار جرم کمتر» با موفقیت روبه‌رو نبوده است.

در این خصوص، رویکرد کیفری قانون‌گذار ایرانی درباره جرائم مواد مخدر، شاهد زنده و گویای شکست نظام کیفری در مقابل برخی پدیده‌های جنایی، از جمله جرائم مواد مخدر است. قانون‌گذاری کیفری نمی‌تواند با نادیده انگاشتن واقعیات اجتماعی، مؤثر و موفق باشد. جوامع در حال گذار و رو به توسعه که با انقطاع نسل‌ها، بحران‌های عمیق فرهنگی، ناپایداری و مرگ زودهنگام هنجارها و ارزش‌های رسمی و مورد حمایت قوانین کیفری و بسیاری از پدیده‌های مشابه روبه‌رو هستند، علاوه بر آنکه از آشفتگی هنجارها و ابهام در مبانی ارزشی خواهند بود، از تأمین وسایل کافی برای رسیدن به اهداف مورد پذیرش اجتماع نیز ناتوانند.

توسل به وسایل غیرقانونی و ارتکاب اعمال مجرمانه جهت حصول به اهداف پذیرفته شده، در چنین حالتی، افزایش میزان جرم، کاهش ضریب امنیت اجتماعی، بازگشت سریع بزهکاران به زندان و اشتغال بیش‌ازحد نهادهای کیفری را خصوصاً نسبت به برخی از انواع جرائم، همانند صدور چک بلامحل، جرائم مواد مخدر و غیره به‌دنبال دارد. در این راستا، توسل به ابزارهای کیفری و آن‌هم تشدید مجازات، گرچه آسان‌ترین راه است، مؤثرترین شیوه نیست. شدت و خشونت قوانین کیفری می‌تواند به بروز خشونت بیشتر جامعه نیز بیانجامد و ترس از این نوع مجازات‌ها را هم کم کند. هرچند همان‌گونه که در طول رساله شرح داده شد، بسیاری از مجرمین به مجازات خود هرگز فکر هم نمی‌کنند.

قوانین کیفری که اصولاً قوانینی سخت و خشن هستند، اگر با خشونت بالقوه و بالفعل افراد جوامع نیز درهم آمیزند، خود پایه‌گذار توسل به جرائم خشونت‌بار جهت حصول به اهداف مجرمانه خواهند بود. تشدید مجازات بزهکاران، بدون توجه به مبانی علمی و جرم‌شناختی و ترجیح کیفر بر پیش‌گیری از بزهکاری و اصلاح بزهکاران، می‌تواند نتایج معکوسی برای نظام عدالت کیفری به دنبال داشته باشد.

در ادامه باید به این موضوع نیز اشاره داشت که متأسفانه هنوز انسان‌های قرن ما در سیر پیشرفت تمدن به آن پایه از مدنیت معنوی نرسیده‌اند تا بتوانند بجای نظامات عرفی قوانین اخلاقی را نصب‌العین خود قرار دهند.

در همان کشورهایی که مجازات اعدام ملغی گردیده قانون جنگ یعنی تعلیم فنون آدم‌کشی مشروع به حد اعلائی شدت وجود دارد.

اگر روزی جنگ و خونریزی از صفحه جهان محو و نابود شد و مسابقات علمی و اخلاقی جایگزین مسابقات تسلیحاتی گردید و در روابط بین‌المللی تفاهم کامل و گذشت و انصاف مستقر شد در آن روز هریک از جوامع بشری خواهند توانست در قلمرو حقوق داخلی نیز قوانین خود را بر مبنای عفو و رأفت و اغماض استوار سازند. ولی مادام که این مداین فاصله در دنیای ما به وجود نیامده خودداری جامعه از اعدام، در غیر مواقعی که مستوجب تخفیف است نه تنها با اصول عدالت و نظام اجتماع وفق نمی‌دهد بلکه این عمل موجب تأثیر و طغیان و خشم افکار عمومی خواهد گردید.

راست است که در عصر کنونی هدف قوانین موضوعه در جهت اخلاق سیر می‌کند. ولی تشخیص حد متوسط اخلاق هر اجتماع کار آسانی نیست و اهمیت مقام و مسئولیت بزرگ قانونگذاران عالم در تشخیص همین قدر متوسط اخلاق اجتماع ظاهر می‌شود.

بهر حال قانون هر کشوری باید جوابگوی احساسات و تفکرات مردم آن کشور باشد و مجازات اعدام را در جایی باید الغاء نمود که سطح اخلاق عمومی در حد اعلائی ارتقاء معنوی و گذشت و اغماض و احسان و محبت و انسان‌دوستی قرار گرفته باشد و اگر در غیر موقع و محل خود بدون توجه به اوضاع و احوال در کشوری مجازات اعدام الغاء گردد مسلماً به ازدیاد جنایات بزرگ کمک خواهد کرد.

ممکن است در بعضی از کشورهای جهان سطح اخلاق و سایر خصوصیات عرفی مردم الغاء مجازات اعدام را تجویز نماید ولی آنچه مسلم است در وضع کنونی الغاء مجازات به‌طور مطلق برای کشور عزیز ما نه تنها مفید فایده نیست بلکه به‌طور قطع پیروی از این طریقه آثار مفسدات‌انگیزی را به بار خواهد آورد.

آنچه که متفق‌علیه جمیع طرفداران الغاء مجازات اعدام است اینکه در صورت الغاء مجازات مزبور حبس ابد با اعمال شاقه جانشین آن گردد. در کشور ما به علت نقص تجهیزات زندان و نداشتن مأمور کافی و عدم وجود مناطق مساعد برای انجام کارهای دسته‌جمعی زندانیان حبس با اعمال شاقه مفهوم حقیقی خود را از دست داده و در واقع می‌توان گفت اعمال شاقه مورد نظر قانون‌گذار تاکنون مصداق خارجی پیدا نکرده است.

در جریان رسیدگی به پرونده‌های کیفری با مجرمینی برخورد نمودیم که به محیط زندان مانند جایگاه همیشگی خود دلبستگی دارند و به همین جهت برای خود خانه و آشیانه تهیه نمی‌کنند؛ و هر نوبت که مدت حبس آن‌ها تمام می‌شود به قصد معاودت به زندان عمداً مرتکب جرم دیگری می‌گردند.

تأثیر انشاء الغاء مجازات اعدام در مغزهای کوچک چنین افرادی که مسئله احترام جان و مال و ناموس مردم برای آن‌ها مفهوم ذهنی و وجدانی ندارد بسیار خطرناک است.

۵-۸- نتیجه‌گیری

مجازات اعدام از قدیم در میان بشر معمول بوده و پس از متمدن شدن انسان و برقراری پاره‌ای مقررات (برای نظم اجتماعی - اقتصادی) و نزول احکام الهی و حکومت ادیان، اجرای مجازات اعدام درباره‌ی جرائم خاصی استمرار یافته است و تا اواسط قرن هفدهم میلادی، سابقه‌ای از مزمت کلی اجرای مجازات اعدام که در قانون حمورابی هم وجود داشته، در نوشته‌ها دیده نمی‌شود. جرایم مرتبط با مواد مخدر، اعم از آن که مربوط به فرایند قاچاق و عرضه باشد یا مصرف و اعتیاد، از جرایم و گناہانی نیست که در نصوص فقهی و احکام اسلامی برای آن‌ها حدود خاص، معین شده باشد و قانون‌گذار می‌تواند با توجه به ویژگی‌های مرتکب، اوضاع و احوال ملی و بین‌المللی، مقتضیات زمان و ارزش‌های فرهنگ اجتماعی، در راستای اهداف اصلاح مجرم و عبرت‌آموزی دیگران، مجازات‌های پیشگیرانه و بازدارنده، حتی بر اساس عدالت ترمیمی، برای آن مقرر کند.

در خصوص امکان تعیین مجازات‌های اعدام و توجیه فقهی آن درباره جرائم مواد مخدر، همان‌طور که در متن پژوهش به‌طور مفصل بیان شد، تنها از ۳ طریق «افساد فی الارض»، «تعزیر شرعی» و «حکم حکومتی» امکان‌پذیر است. با بررسی متون فقهی و ادله شرعی می‌توان گفت که توجیه مجازات اعدام در قالب «افساد فی الارض و تعزیر شرعی»، فاقد وجهت شرعی و غیر منطبق با موازین اسلامی است. تنها راه باقی‌مانده حکم حکومتی و رعایت مصلحت جامعه می‌باشد همان‌طور که در متن پژوهش به‌طور مفصل بیان شد، مجازات اعدام در قبال مجرمین مواد مخدر، می‌تواند از باب احکام حکومتی باشد؛ زیرا قلمرو و محدوده احکام حکومتی محدود به احکام شرعی اولیه و ثانویه نیست، بلکه فراتر از محدوده احکام شرعی می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر ولی امر، متولی همه ابعاد دین در عصر غیبت امام معصوم (ع) است و مشروعیت نظام اسلامی و اعتبار و مقررات آن به او بر می‌گردد و به تأیید و تنفیذ او مشروعیت می‌یابد. بنابراین برای حفظ دین و نظام اسلامی زمانی که مصلحت اقتضاء نماید ولی امر می‌تواند از باب احکام حکومتی مجازات اعدام پیش‌بینی کند. بنابراین بر اساس مبنای فقهی کیفر اعدام در موارد نادر، بر اساس مصلحت قابل توجیه است. البته باید در نظر داشته باشیم با توجه به این که یکی از اثرات مجازات پیشگیری از وقوع جرائم می‌باشد و یکی از هدف‌های پیش‌بینی مجازات اعدام در قبال بازمینه‌های وقوع این جرائم (مواد مخدر) پیش‌بینی مجازات اعدام در جرائم است، ولی بدون مقابله با زمینه‌های وقوع این جرائم (مواد مخدر) پیش‌بینی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر نه تنها اثری ندارد بلکه اثر این مجازات را در موارد لزوم نیز سست خواهد کرد. حتی اعمال نابجای این مجازات می‌تواند حیثیت و اعتبار بین‌المللی کشورمان را مخدوش کند. تحقیقات نشان داده که اکثر معدومین و محکومین جرائم مواد مخدر از عوامل اصلی نبوده و اغلب قربانی قاچاقچیان بزرگ و باندهای تولید و توزیع عمده

می‌باشند که به مافیای بزرگ مواد مخدر جهانی متصل‌اند و هیچ‌وقت در وسط گیرودار معرکه نبوده‌اند. از طرفی به‌وسیله کشورهای همسایه حمایت می‌شوند و دسترسی به آنان از خارج حیطه قلمرو ماست. هم‌چنین آثار سوء مجازات اعدام بر خانواده معدومین، از جمله تأثیر منفی بر وضع روحی و روانی اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان، تأثیر منفی بر وضع رفاهی، اجتماعی و اقتصادی خانواده، تأثیر منفی بر وضع تحصیلی، بی‌سرپرست شدن خانواده، بیوه شدن زنان جوان، خوردن مهر ننگ بر پیشانی اعضای خانواده، جایگزین شدن یکی از اعضای خانواده معدوم با حذف وی، نشان‌دهنده این است که اعمال کیفرهای سنگین (اعدام) که غالباً فاقد پشتوانه منطقی و توجیه عقلی است و اغلب به‌عنوان یک تدبیر احساسی در راستای حذف فیزیکی مجرم و یا تسکین افکار عمومی با ایجاد ارباب به‌منظور پیشگیری عمومی از طریق عبرت سایرین، اتخاذ می‌شود، در طول تاریخ با ناکارآمدی مواجه بوده است. زیرا کیفرهای سنگین یا عملاً اجرا نمی‌شود و یا در صورت اجرا، دارای آن‌چنان تبعات سوئی است که می‌توان مفسد آن را بر مصالح و فواید آن غالب دانست. البته مجازات اعدام می‌تواند در قبال قاچاقچیان مسلح، باندها و شبکه‌های تهیه و توزیع مواد مخدر که مصداق واقعی افساد فی‌الارض هستند و با اعمال خود جامعه را از مسیر و حد اعتدال خود خارج می‌کنند، قابلیت اعمال باشد.

اما وقتی آمار روزافزون معتادان به مواد مخدر و روان‌گردان و میزان کشت و تولید مواد مخدر را مشاهده می‌نماییم، متوجه می‌شویم که به‌رغم تمام اقدامات صورت گرفته در زمینه کنترل مواد مخدر در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی سازمان ملل متحد همچون سلف خود جامعه ملل شکست خورده است. باین‌حال اگر بخواهیم با واقع‌بینی به مسئله بنگریم باید بگوییم با توجه به سود سرشار حاصل از قاچاق مواد مخدر، ناهماهنگی میان قانون کشورها فقر و فقدان دموکراسی و عدم کارایی کنوانسیون‌های بین‌المللی به دلیل فقدان ضمانت‌های اجرایی لازم سازمان ملل متحد و دولت‌ها در زمینه کنترل مواد مخدر با شکست مواجه شده‌اند. و همچنان برخی از دولت‌ها آشکار و پنهان در صحنه قاچاق مواد مخدر بدون نگرانی از افکار عمومی و سازمان‌های بین‌المللی حضور دارند و مواد مخدر به‌عنوان تجارت سودآور در زیرپوست بعضی از حکومت‌ها جریان دارد و سؤال اینجاست که چرا حل معضل اعتیاد و قاچاق مواد مخدر برای بشر و سازمان‌های بین‌المللی به‌طور جدی میسر نشده است؟

۵-۹- پیشنهاد های کاربردی

پیشنهاداتی که برای حل این مشکل جهانی به ذهن نگارنده این رساله متبادر شده است عبارتند از:

۱- باید با مسئله جرائم سازمان‌یافته فراملی به‌عنوان یکی از مسائلی که صلح و امنیت جهانی را به خطر انداخته است، برخورد شود و مبارزه با قاچاق مواد مخدر که امروز به‌عنوان جرم سازمان‌یافته درآمده است، باید در سازمان ملل متحد تحت اقدام و نظارت شورای امنیت ملی

درآید چرا که امنیت بشر تهدید می‌شود و هرروزه در این کره خاکی انسان‌های زیادی قربانی آن می‌شوند.

۲- مجازات‌های جرائم مواد مخدر در عرصه‌های بین‌المللی و سیاست داخلی کشورها باید تحت سیاست جنایی هماهنگ و تحت نظارت محکمه بین‌المللی قرار گیرد تا هماهنگی بیشتری بین قوانین داخلی و بین‌المللی ایجاد گردد.

۳- در مفاد برخی از کنوانسیون‌ها تدابیر لازم برای نظارت هر چه بیشتر بر کشورها لحاظ نشده است و از این رو مفاد این کنوانسیون‌ها نیاز به اصلاح دارد. ارکان نظارتی در سازمان ملل متحد ناکارآمد هستند و به همین دلیل کشورها در ارائه اطلاعات در دست در زمینه آمارهایی که باید به‌طور منظم به سازمان ملل متحد ارائه کنند، اهمال می‌نمایند. می‌توان پیشنهاد کرد که کشورهای متخلف را بر طبق اصلاحاتی که در کنوانسیون‌ها لحاظ می‌شود مجازات و تحریم نمود. و باندهای قدرت‌گرای قاچاق و دولت‌های متخلف از قواعد بین‌المللی را با ابزار و امکانات بین‌المللی سرکوب نمود.

۴- نزدیک کردن دیدگاه‌های کشورهای جهان در قبال مسئله سوءمصرف مواد مخدر یکی دیگر از پیشنهادهایی است که جهت حل این معضل می‌توان ارائه نمود. زیرا نگرش‌ها و رویکردهای مختلف نسبت به این مسئله در سطح جهانی به‌طور جدی موجب عدم سنخیت شده است و قطبی شدن جهان در زمینه برخورد با مسئله مواد مخدر می‌تواند مانع جدی در تصمیمات سازمان ملل ایجاد کند.

۵- پیشنهاد دیگری که تقریباً تمام کشورهای دنیا و حتی سازمان ملل متحد مطرح کرده‌اند، راهبرد «توسعه جایگزین» می‌باشد که از اواخر دهه ۱۹۷۰ مورد استفاده قرار گرفته است. توسعه جایگزین به معنای اجرای برنامه‌های هماهنگ در زمینه توسعه انسانی، امنیت فرد و جامعه، توسعه کشاورزی روستایی و صنعتی، محو آثار خشونت و ناامنی و موفقیت در ریشه‌کنی محصولات مخدر و تداوم برنامه نابودی محصولات غیرقانونی می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر «توسعه جایگزین روندی است برای پیشگیری و نابودی کشت گیاهان حاوی مواد مخدر و مواد روانگردان از طریق تدابیر توسعه روستایی در زمینه رشد اقتصاد ملی و تلاش‌های جایگزینی محصول در کشورهای مبارزه‌کننده با مواد مخدر، با اذعان به ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی جوامع و گروه‌های هدف در چارچوب یک راه‌حل دائم و جامع برای معضل مواد مخدر غیرقانونی.»

برای آنکه توسعه جایگزین بتواند مؤثر واقع شود پیشنهاد می‌شود که زمینه‌های اقتصادی پایدار در منطقه ایجاد شود، منطقه تحت نظارت دولت و سازمان‌های بین‌المللی قرار گیرد، در قوانین انتظامی ساختارهای نظارتی لحاظ گردد و هم‌زمان با این مراحل محصولات غیرقانونی ریشه‌کن شود.

۶- باید به مردم تفهیم نمود که مواد مخدر و اعتیاد خود یکی از عوامل بزه‌زاست و برای حصول به این مقصود باید مزار اعتیاد از همان سال‌های تحصیل به نوجوانان و جوانان تفهیم شود. به عبارت دیگر بالا بردن فرهنگ کشور یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های مبارزه با مواد مخدر و روانگردان می‌باشد.

۷- مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر اگر نگوییم حذف، به لحاظ ضرورت‌های شاد و نادر به حداقل ممکن کاهش یابد. اجرای آن در مواردی همانند قاچاقچیان مسلحی که اقدام به درگیری می‌نمایند و واقعاً مصداق بارز محارب و افساد فی الارض‌اند، اعمال شود. یعنی برای شدیدترین جرائم در نظر گرفته شود.

۸- برای مجازات اعدام جایگزین مناسب از جمله: مجازات زندان توأم با کار، در نهایت می‌تواند به کار توأم با زندان تبدیل شود، در نظر گرفته شود. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود که کیفر زندان که به مجازات سلب آزادی معروف است، مورد بازنگری قرار گرفته و این مجازات از محرومیت به اصلاح «اصلاح همراه با محدودیت» تبدیل شود و از هرگونه توهین و تحقیر محکوم و از ایجاد هرگونه محرومیت کامل از ملاقات حضوری وی با نزدیکان خود و مبادله عواطف بین آنان و نیز، هرگونه بیکاری که بدون هدف اصلاحی بوده و فاقد جنبه کسب مهارت است، خودداری گردد.

۹- لازم است خانواده معدوم تحت حمایت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جدید قرار گیرد. تشکیل گروه‌های قوی مددکاری می‌تواند خانواده معدوم را تحت کنترل درآورد. در صورت امکان، محیط زندگی آن‌ها را باید عوض نمود تا از جو روانی ایجاد شده در محل زندگی پیشین رها شده و در محیطی جدید به‌طور عادی زندگی کنند.

۱۰- چون منظور از ارتکاب قاچاق مواد مخدر تحصیل اموال است و قاچاقچیان بین‌المللی، اموال حاصل از جرم را به کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای مترقی منتقل نموده و با روش تطهیر بعداً مورد استفاده قرار می‌دهند، بنابراین ضروری است با همکاری‌های بین‌المللی مطالعاتی به عمل آید و مقرراتی وضع شود که اموال حاصل از جرم در هر محلی که کشف شود، سریعاً بتوان آن را ضبط نمود و این امر میسر نیست مگر از طریق کنترل سیستم‌های بانکی.

۱۱- با توجه به اهمیت همکاری بین‌المللی در زمینه مواد مخدر، ضروری است این همکاری‌ها از طریق معاضدت قضایی و استرداد مجرمان گسترش یابد و تشریفات و اقدامات استرداد مجرمان مواد مخدر، با اصلاح مقررات مربوطه به آن آسان شود.

۱۲- مواد مخدر نباید جنبه سیاسی پیدا کند. تمامی دنیا منهای مسائل سیاسی، یک مبارزه جدی با مواد مخدر داشته باشند و بپذیرند که انسان‌ها در هر کجا که باشند، مساوی‌اند و باید موانع رشد و تکامل از سر راه آن‌ها برداشته شود.

۱۳- افزایش اقدام‌های ملی کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی با وضع قوانین منطقه‌ای، بازنگری در قوانین ملی و تبادل اطلاعات کشورها با هم زیرا هیچ کشوری به‌تنهایی نمی‌تواند در مبارزه با مواد مخدر موفق باشد. زیرا سود سالانه مواد مخدر بین ۴۰۰ الی ۶۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود و هیچ کشوری را یارای مقابله با این امکانات نیست الا با معاضدت جهانی.

۱۴- نهادینه کردن آموزش مواجهه با پدیده مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در بین خانواده‌ها و به‌خصوص نوجوانان از طریق استفاده از رسانه‌های پرمخاطب مانند صداوسیما؛ قرار دادن واحدهای درسی آشنایی با انواع مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و عوارض جسمانی و عواقب کیفری آن‌ها در متون درسی مدارس راهنمایی، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها؛ تقویت اعتقادات مذهبی نوجوانان و جوانان از طریق اجرای برنامه‌های منظم و مذهبی برای پر کردن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان به‌ویژه تفریح‌های سالم و تخلیه صحیح انرژی جوانان ایجاد فضای شادی و نشاط قابل ارائه است.

۱۵- هم‌چنین استمرار فرایند رویکرد اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها برای افزایش مشارکت مردم؛ ایجاد اشتغال و فراهم کردن فرصت‌های شغلی، متناسب با تحصیلات جوانان، فراهم کردن زمینه ازدواج آسان برای جوانان؛ ترویج ورزش در جامعه از طریق ساخت و توسعه مراکز ورزشی، توسعه پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در زمینه مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی در مورد راهکارهای پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در دانشگاه‌ها؛ مسئول سازی والدین و ساماندهی مراکز کاهش آسیب و گسترش نظام‌مند این مراکز برای کنترل بیماری‌های واگیردار، از دیگر پیشنهادها است.

۱۶- جرم‌زدایی، قضا زدایی و مجازات زدایی از جمله راه‌هایی است که می‌تواند در کاهش اعتیاد و معتاد پروری و رساندن این افراد به مرحله‌های بالاتر که در نهایت صدور حکم اعدام را در پی خواهد داشت، تأثیر به‌سزایی داشته باشد؛ چون در جهت عکس یعنی برخورد با کسی که فقط یک بار و بر اثر وسوسه‌های نفس به مواد مخدر روی آورده و روانه دادگاه و زندان ساختن وی، موجب از بین رفتن حیثیت اجتماعی فرد و راندن وی به جرگه معتادان می‌گردد.

از این‌رو تصریح به مجازات غیر معتادان در ماده ۱۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر جای تأمل بسیار دارد. به‌بیان‌دیگر، طرد نشدن معتاد از جامعه سهم به‌سزایی در ترک اعتیاد وی دارد، حال آنکه اعمال مجازات در چنین مواردی، خلاف این ایده است.

۱۷- لازم است با آموزش قوانین در مراکز آموزشی و سهل‌گیری در ترک اعتیاد و نیز همکاری بهتر با اشخاصی که داوطلبانه علاقه دارند تا جرائم مربوط به حمل‌ونقل و یا سایر جرائم مربوط به مواد مخدر را کنار بگذارند، در جهت جلب اعتماد معتادان گام‌های اساسی برداشته شود و هر معتادی و یا شخص خاطی بداند بدون هیچ دغدغه‌ای چنانچه به یکی از مراکز دولتی یا خصوصی برای ترک اعتیاد مراجعه کند، بدون تحمل هیچ مجازات و عقوبتی نهایت همکاری با وی خواهد شد و از آنجاکه مردم به دلیل بی‌اطلاعی گاه برای ترک اعتیاد به دادگاه مراجعه

می‌کنند، در ایران هم ارفاق‌های لازم برای معتادان و یا خاطیانی که جرم‌هایی در این زمینه مرتکب شده و خود حاضر به همکاری شده‌اند، در نظر گرفته شود. این در حالی است که با تصریح به جرم بودن اعتیاد در ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، معتادان از مراجعه و معرفی خود دائم در هراسند.

۱۸- برای کسانی که در کشف مواد مخدر به مأمورین کمک می‌کنند و همچنین خود مأموران، حق‌الکشف مناسبی در نظر گرفته شود تا در مقابل رشوه‌های جزئی نخواهند حمل مواد را نادیده بگیرند. این ارفاق لازم است به حدی باشد که اگر یکی از قاچاقچیان مواد مخدر هم قدمی اساسی در معرفی باند قاچاق برداشت، علاوه بر دریافت پاداش مناسب از تعقیب جزایی هم معاف گردد.

۱۹- در مورد معرفی معتاد برای ترک اعتیاد (با توجه به اینکه بسیاری از قاچاقچیان از چنین افرادی سود می‌جویند) این حرکت وی اگر حتی در مراجعه به پزشک خصوصی خود یا خانواده خویش بود هم از معافیت مجازاتی برخوردار باشد و از این نظر تصریح قانون‌گذار به معرفی به مراکز خاص در ماده ۱۵، نمی‌تواند این اطمینان خاطر را برای معالجه معتادان فراهم آورد، چون دائم از این‌که مبدا تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و در جامعه به‌عنوان معتاد معرفی شوند و منزلت خویش را از دست دهند، در هراسند و از معرفی خود طفره می‌روند. همچنین اگر معتادی به علت بی‌اطلاعی به بیمارستان دیگری مراجعه کرد، طبق ماده فوق باید ملتزم شد که اصلاً معرفی صورت نگرفته است، درحالی‌که پزشک یا دادگاهی را که به او مراجعه شده است، توان ملتزم کرد که بیمار را به بیمارستان خاص بفرستند.

۲۰- با توجه به این‌که طبق ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی وقتی جزای نقدی با دیگر تعزیرات همراه باشد، جزای نقدی قابل تعلیق نیست، مصوبه اخیر با این اشکال روبه‌روست که معتاد بی‌پول یا قاچاقچی پولدار را با جریمه مالی‌ای روبه‌رو می‌سازند که قاضی هم حق صرف‌نظر از آن را ندارد و یا تحمیل هزینه ناروا می‌شود یا کار به‌جایی می‌رسد که همیشه قاچاقچیان بخشی از درآمد را به‌عنوان جریمه در نظر گرفته و به‌سادگی پرداخت کنند و در هر صورت، اثر تربیتی نداشته باشد.

۲۱- اغوا یا استفاده از کودکان در قانون مبارزه با مواد مخدر به‌صراحت مطرح نشده و همچنین در وارد ساختن مواد مخدر به زندان، مقرراتی داریم ولی در مراکز نظامی و آموزشی که اهمیت بیشتری دارند، جای این مقررات خالی است.

تسری ارفاق‌های که برای بیماران خود معرف در نظر گرفته شده به خویشان معتاد نیز می‌تواند در معالجه وی و ترک اعتیاد سهم به‌سزایی داشته باشد، خصوصاً آن‌که بسیاری از معتادان به دلیل هراس از درگیر شدن با دادگاه، از معرفی خود یا اقدامی دیگر در این موارد طفره می‌روند.

بنابراین با توجه به مطالب بالا، چنانچه کشورهای اروپایی که عمده از بازار مصرف تولیدات افغانستان و سایر تولیدکنندگان منطقه‌اند، هم‌چنین جوامع بین‌المللی مرتبط به ایران در امر مبارزه با مواد مخدر همکاری لازم و مساعدت‌های مادی و معنوی را نداشته باشند، با وجود تلاش چشمگیر که بنا به آمار موجود بیش از ۷۸۰ میلیون دلار فقط در مرزهای شرق کشور صرف ایجاد استحکامات و ایجاد موانع شده، آن‌چنان که باید باشد، موفقیت‌های حاصل نشده است. مگر یک کشور در حال توسعه تا چه اندازه می‌تواند سپر بلای منطقه وسیعی از جهان باشد؟ امید است که این پژوهش هرچند کم و ناچیز بتواند گوشه‌ای از مشکلات مبارزه با مواد مخدر را مطرح کرده باشد.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

۱. ابو زهره، محمد. (بی تا). «الجریمه و العقوبه». بیروت: دارالفکر.
۲. احمدی، حبیب. ۱۳۷۷ «تأثیر اعدام در روند مبارزه با مواد مخدر در استان کرمان» (۶۷۳۱-۶۶۳۱) اداره کل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری. صص ۲۳۲-۴۳۲.
۳. احمدی، حبیب. ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات سمت تهران. چاپ سوم.
۴. احمدی، سید علی. ۱۳۷۸، مطالعه تأثیرات اجتماعی روند مبارزه با مواد مخدر در استان کرمان (۱۳۶۷-۱۳۷۶)، ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری: کرمان.
۵. اختشامی، علی (۱۳۸۵)، کلیات و طبقه‌بندی مواد مخدر، تهران: نشر دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
۶. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، معاضدت قضایی و استرداد مجرمین با تأکید بر جرائم مواد مخدر، تهران: انتشارات میزان. چاپ اول
۷. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۵). «حقوق جزای عمومی». تهران: میزان.
۸. اسعدی، حسن (۱۳۸۲)، پژوهشی درباره‌ی مواد مخدر، تهران: چاپ اول.
۹. اصغری، شکرالله. (۱۳۷۲). «سیستم کیفری در اسلام». تهران: کیهان.
۱۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۲۰۰۵ م). «مفردات فی غریب القرآن». بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. اکبری قزوینی، حسین (۱۳۸۴) «بررسی نقد علمی - کاربردی مجازات اعدام در قبال جرایم مواد مخدر» پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق، استاد راهنما جعفر کوشاس، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
۱۲. اکبری، حسین، (۱۳۷۹)، «مطالعه نظری-عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران. همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر»، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی). جلد اول. نشر روزنامه رسمی کشور: تهران.
۱۳. امیرعلایی، شمس‌الدین. (۱۳۵۷). مجازات اعدام، تهران: انتشارات دهخدا
۱۴. اینترنت iran.pmp.com سایت اخبار ایران، ۸۳/۴/۱۰.
۱۵. آتشین، شعله، ما، اعتیاد، جامعه (سه‌جلدی)، انتشارات گوهر منظوم، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۶. آخوندی، محمود (۱۳۷۹)، آیین دادرسی کیفری، ج ۴، قم: انتشارات اشراق.
۱۷. آذرمینا، محسن (۱۳۹۰). دید جهانی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد نسبت به پیشگیری، درمان و مراقبت سوءمصرف مواد و اچ آی وی/ایدز. کنگره علمی سم‌شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

۱۸. آشوری، محمد، (۱۳۷۹)، نتیجه‌گیری کلی همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) جلد اول، نشر روزنامه رسمی کشور، تهران.
۱۹. آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، جایگزین‌های زندان و مجازات‌های بینابین، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۰. آقای، بنی اسماعیل، «دیدگاه شرع و قانون در برخورد با جرائم مرتبط با مواد مخدر». مجله رواق اندیشه، شماره ۴۳، ص ۶۸-۹۱.
۲۱. آقای، هادی، مجله علمی و پزشکی قانونی، ارش، شماره ۱۳۸۴/۱۸.
۲۲. آنسل، مارک. (۱۳۶۵). مجازات اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات آگاه.
۲۳. باصری، علی اکبر (۱۳۸۶)، مواد مخدر در منابع فقهی و فتاوی مراجع عظام تقلید، تهران: ناشر خرسندی.
۲۴. باقرزاده میانجی، (۱۳۷۸)، احد، همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با مواد مخدر، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول، پائیز ۱۳۷۸.
۲۵. بررسی اعتیاد و بازپروری معتادان، سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۶۸، ص ۲۷.
۲۶. برنامه کنترل بین‌المللی مواد مخدر ملل متحد (UNDCP)، گزارش جهانی مواد مخدر سال ۲۰۰۰، ترجمه اداره کل روابط بین‌الملل ستاد مبارزه با مواد مخدر، نشر گرایش، زمستان ۱۳۸۰.
۲۷. برور، ج و هانتر، آ. ۱۳۷۷، تحقیق چند روشی در علوم اجتماعی: ترکیب اسلوب‌ها، ترجمه حبیب احمدی و اسفندیار غفاری نسب، زر: شیراز.
۲۸. بکاریا، سزار (۱۳۶۷)، جرایم و مجازات‌ها، ترجمه‌ی محمدعلی اردبیلی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۹. بوت، مارتین، تاریخ تریاک، ترجمه منوچهر نوایی، انتشارات صفی علیشاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۰. البوطی، محمد سعید رمضان، ۱۳۸۴، «مصلحت و شریعت». ترجمه اصغر افتخاری، گام نو: تهران.
۳۱. بولتن، ۱۳۷۲، ویژه مواد مخدر، ستاد مبارزه با مواد مخدر، شماره ۸، صص ۱ - ۴۰۰.
۳۲. کمسیون پژوهش و فن‌آوری استان فارس (۱۳۸۱) تأثیر مجازات قاچاقچیان مواد مخدر بر قاچاق مواد مخدر و خانواده‌های قاچاقچیان در استان فارس»، شیراز.
۳۳. ترجمان، امان‌الله، ماری‌جوآنا خانمان‌سوز، انتشارات مجد، چاپ ۱۳۷۷، ص ۹۹.
۳۴. جاویدی؛ مجتبی (۱۳۹۱). نیروی انتظامی، مظهر اقتدار ملی، تهران: معاونت سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی.
۳۵. جباری، منصور، حقوق بین‌الملل هوایی، انتشارات فروزش، تهران ۱۳۸۱.

۳۶. جزینی، علیرضا (۱۳۹۴). گزارش اجلاس سالروز مبارزه با مواد مخدر، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر نهاد ریاست جمهوری.
۳۷. جعفری، فریدون. ۱۳۸۱، تحلیل مجازات اعدام در جرائم مستوجب تعزیر و مجازات‌های بازدارنده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳۸. جوانفر، عباس (۱۳۷۶)، «مجازات‌های بدنی (اعلام و شلاق) در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی تهران
۳۹. جوانمرد، بهروز. ۱۳۸۸، تسامح صفر، سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرائم، میزان: تهران.
۴۰. جویس، الیزابت، موازین بین‌المللی قانون‌گذاری و تنظیم مقررات در زمینه مبارزه با پولشویی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی، ستاد مبارزه با مواد مخدر، نشر وفاق، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۴۱. حبیب زاده، محمدجعفر، (۱۳۷۰)، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، تهران: انتشارات کیهان. «گذشته و حال نظام دادرسی جرایم مواد مخدر در حقوق کیفری ایران».
۴۲. خسروی، زهره، رویکردهای عمده به اعتیاد و روش‌های پیشگیری از آن با تأکید بر نقش خانواده، مجموعه مقالات همایش علمی و کاربردی اعتیاد و خانواده، ۱۳۸۱.
۴۳. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، تحریرالوسیله، ترجمه اسلامی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه.
۴۴. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴۵. دادگران. ۱۳۸۲، افکار عمومی و شیوه‌های سنجش آن، مروارید، تهران.
۴۶. دانش، تاج زمان (۱۳۷۹)، معتاد کیست؟ مواد مخدر چیست؟ تهران: انتشارات کیهان. ص ۹۶
۴۷. دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد- وین، ارزیابی وضعیت جهانی اکستازی و آمفتامین‌ها (سال ۲۰۰۳)، ترجمه پژوهشکده ملی مطالعات مواد مخدر ایران زیر نظر محمدرضا نبوتی، انتشارات دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، چاپ اول، بهمن ۱۳۸۲.
۴۸. هوشمند ویژه، (۱۳۷۰)، محمد، فرهنگ پزشکی، نشر کلمه، ص ۴۶.
۴۹. دلماس م. ۱۳۸۱، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ایرندآبادی، انتشارات، میزان: تهران.
۵۰. دهدار زاده، فاطمه، (۱۳۸۷)، نقد و بررسی قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ نشریه حقوق دادرسی، آذر و دی، شماره ۷۱، ص ۲۱
۵۱. ذبحی، حسین. (۱۳۹۲). شرح و بررسی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، تهران: انتشارات قوه قضائیه.

۵۲. رحمدل، منصور. (۱۳۸۵). «تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر». مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲۵، ص ۱۴۹-۱۶۵.
۵۳. رحمدل، منصور، (۱۳۷۹)، حقوق کیفری مواد مخدر، جلد چهارم، انتشارات سحادانش، ص ۴۰.
۵۴. روزنامه همشهری، ۳۳۹۴، مورخ ۸۹/۳/۱۰.
۵۵. زحمت‌کش، خلیل‌الله (۱۳۷۷). «جستجوی حلقه‌های مفقوده در ۸۸ سال قانون‌گذار و شیوه‌های مبارزه با مواد مخدر»، همایش ابعاد بین‌المللی مواد مخدر در زمینه‌ی مسائل قضایی.
۵۶. زکریایی، محمدعلی، (۱۳۸۵)، «گزارش راهبردی تحلیلی بر روند مصرف مواد روانگردان، شیمیایی و صنعتی در کشور». کمیته مبارزه با مواد مخدر دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام: تهران.
۵۷. سازمان بهزیستی کشور، راهنمای پیشگیری از سوءمصرف مواد برای دست‌اندرکاران رسانه‌های گروهی، دفتر پیشگیری و امور اعتیاد، بخش اول، فصل دوم، ص ۸.
۵۸. ساکی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، جرایم مواد مخدر از دیدگاه حقوقی و داخلی و بین‌الملل، انتشارات خط سوم، چاپ اول، ص ۲۸۸.
۵۹. ساگانت، والرئ؛ شاو، مارگات (۱۳۹۲). پیشگیری از جرم و امنیت جامعه، سیر وقایع و چشم‌اندازها، گزارش بین‌الملل ۲۰۱۰، تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
۶۰. سالنامه آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹، مرکز: تهران.
۶۱. ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۷۷)، همایش ابعاد بین‌المللی مواد مخدر در زمینه‌ی مسائل قضایی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی. تهران، چاپ اول.
۶۲. ستاد مبارزه با مواد مخدر، ریاست جمهوری، گزارش همایش ابعاد بین‌المللی مواد مخدر در زمینه‌ی مسائل قضایی، انتشارات فرهنگ و ارشاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۶۳. سعیدپور، علی‌اکبر، (۱۳۴۱)، اثرات اجتماعی تریاک، انتشارات دانشگاه پلیس، چاپ اول، ص ۱۸.
۶۴. سلجوقی، محمود، (۱۳۷۰)، حقوق بین‌الملل خصوصی، انتشارات، چاپ دوم.
۶۵. اسعدی، حسن، پژوهشنامه‌ای درباره بحران جهانی مواد مخدر و... مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، پاییز ۱۳۷۲، ص ۲۸.
۶۶. شاکری، عبدالحسین، مواد مخدر و اعتیاد، چاپ اول، انتشارات حیدری، تهران، ص ۱۰۲.
۶۷. شعاع کاظمی، فاطمه، (۱۳۸۶)، بررسی استعمال و اعتیاد مواد روان‌گردان از منظر پزشکی قانونی، پایان‌نامه، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ص ۱۴.
۶۸. شهری، غلامرضا، (۱۳۷۳)، نظریات اداره‌ی حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، چاپخانه روزنامه رسمی کشور، تهران.

۶۹. شهیدی، محمدحسن، (۱۳۷۵)، مواد مخدر امنیت اجتماعی و راه و رسم، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ص ۱۱.
۷۰. طارمیان، فرهاد. ۱۳۸۹، حقایقی درباره زندگی سالم و به دور از مواد، گام نو، تهران.
۷۱. عمید، حسن، (۱۳۶۵)، فرهنگ فارسی عمید، جلد سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۵۲.
۷۲. فاضلی، عصمت، نقش افراد در زندگی و والدین و دوستان یا همسالان، سوء مصرف مواد، مجموعه مقالات همایش علمی-کاربردی اعتیاد و خانواده، ۱۳۸۱.
۷۳. فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، چاپ اول، ۱۳۴۷، ص ۲۸ و ۲۹.
۷۴. قانون اساسی.
۷۵. قانون اصلاحیه‌ی قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.
۷۶. قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲ شمسی.
۷۷. قزلباش، س. ۱۳۹۰، قصری، بررسی تأثیر نوع و میزان کاربری اراضی شهری در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری مطالعه موردی جرائم مرتبط با مواد مخدر در بخش مرکزی شهر تهران». فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳، ص ۱۷۴-۲۰۲.
۷۸. قناد، فاطمه. (۱۳۷۹). بررسی تناسب بین جرم و مجازات در جرائم مواد مخدر، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی- کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، تهران: روزنامه رسمی کشور. تهران.
۷۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار. صص. ۴۶۶-۸۵۶.
۸۰. کاظمی، مسعود. (۱۳۹۳). «تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرائم مواد مخدر و روان‌گردان». سلامت اجتماعی و اعتیاد، شماره ۴، ص ۱۰۱-۱۱۸.
۸۱. کلارکسون، سی، ام، وی. (۱۳۷۱). ترجمه حسین میرمحمدصادقی. «تحلیل مبانی حقوق جزا». انتشارات معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، تهران ص ۱۷.
۸۲. کمسیون پژوهش و فن‌آوری استان فارس، (۱۳۸۱)، «تأثیر مجازات قاچاقچیان مواد مخدر بر قاچاق مواد مخدر و خانواده‌های قاچاقچیان در استان فارس»، شیراز.
۸۳. کندوکاوی پیرامون نواقص قانون مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۹۰، اداره کل حقوقی، امور قوانین و مجلس ستاد مبارزه با مواد مخدر، تهران.
۸۴. گزارش سالانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۶: نشر روزنامه رسمی کشور: تهران.
۸۵. گسن، ر. ۱۳۷۱، بحران سیاست‌های جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰.

۸۶. گل محمد خامنه، علی، اعتیاد به مواد مخدر، پیشگیری یا سرکوبی؟ مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی کاربردی جنبه‌های مختلف سیاسی جنایی، چاپ روزنامه رسمی، تهران، ۱۳۷۹.
۸۷. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۴). «بایسته‌های حقوق جزای عمومی». تهران: نشر میزان، ص ۶۵.
۸۸. گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۲۳.
۸۹. لازار ژ. ۱۳۸۸. افکار عمومی، ترجمه مرتضی کتبی، نشر نی: تهران.
۹۰. لایتون، د. ۱۹۹۶. مواد مخدر و جرم، ترجمه اداره کل پژوهش و تألیفات معاونت آموزشی ناجا، تهران.
۹۱. مازلو، آ. ۱۳۶۷، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، آستان مقدس رضوی: مشهد.
۹۲. مجموعه مقالات همایش ابعاد بین‌المللی مواد مخدر در زمینه مسائل قضایی. ۱۳۷۷، مرکز: تهران.
۹۳. محمودی جانکی، فیروز، ۱۳۹۰، افکار عمومی و کیفرگرایی، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، شماره دوم، صص ۲۱۴.
۹۴. مقام معظم رهبری (۱۳۹۴). بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، برگرفته از سایت www.leader.ir به تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۰۶.
۹۵. مقام معظم رهبری (۱۳۹۰). بیانات در دانشگاه علوم انتظامی در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان، برگرفته از سایت www.leader.ir به تاریخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۹.
۹۶. موحدی لنگرانی، محمد فاضل (۱۴۲۲)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۹۷. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۷)، فقه الحدود التعزیرات، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الجامعه المفید رحمه الله.
۹۸. موسوی مقدم، محمد، (۱۳۸۱)، تطهیر درآمدهای ناشی از جرم پول‌شویی، انتشارات رضوانی، کرج، پائیز.
۹۹. میرائی آشتیانی، سیده هانیه، (۱۳۸۸)، تبیین مبانی فقهی و حقوقی جرائم مواد مخدر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا دانشگاه پیام نور تهران سال ص ۲۸.
۱۰۰. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۷۷)، حقوق جزای بین‌المللی، نشر میزان، چاپ اول، پائیز ۱۳۷۷.
۱۰۱. نجات، آ، ۱۳۸۰، نشریه تحلیلی-خبری ستاد مبارزه با مواد مخدر، معاونت آموزشی ناجا: تهران.
۱۰۲. نجفی ابرندآبادی، ع، ۱۳۷۹، «درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر»، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی). همایش بین‌المللی علمی-کاربردی

- جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر. جلد اول، نشر روزنامه رسمی کشور: تهران.
۱۰۳. نجفی ابرندآبادی، ع، ۱۳۸۲، درباره اصطلاح سیاست جنایی، (دیباچه) درآمدی به سیاست جنایی، کریستین لازرژ، نشر میزان: تهران.
۱۰۴. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، درآمدی بر جنبه‌های مختلف سیاسی جنایی در قبال مواد مخدر، روزنامه رسمی، جلد اول، ۱۳۷۹.
۱۰۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴) سیاست جنایی از کتاب علوم جنایی، گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران، نشر سلسبیل، جلد دوم، چاپ اول
۱۰۶. هابرماس، ی. ۱۳۸۴، دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی، ترجمه جمال محمدی، یک جلد، چاپ اول، افکار: تهران.
۱۰۷. هاری لودرمن و جان ادگانل، پلیس علمی و کشف جرائم، ترجمه: یحیی افتخارزاده، انتشارات تهران، ۱۳۷۱، ص ۳۶۲.
۱۰۸. یحیی نوری، فتوای تحریم اعتیاد و مواد مخدر، نوید نور، تهران، دی ۱۳۷۸، ص ۲۰۳.
۱۰۹. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۷) اصل تناسب جرم و مجازات، مجله نامه مفید، شماره ۶۷

ب) منابع لاتین

١. Adesugaba. S. (١٩٩٠)"The Death Penalty: Myth or Reality". In: Narcotics: Law and Policy in Nigeria. (eds). Awa U. Kalu Yemi Osinbajo. Bencod Press Limited. Federal Ministry of Justice. Lagos. pp. ٣٤٧.
٢. Hood. R. (١٩٨٩) The Death Penalty: A world wide perspective, Clarendon Press: Oxford.
٣. Okagbue. I. (١٩٩١) The Death Penalty as an Effective Deterrent to Drug Abuse and Drug Trafficking: Myth or Reality? Nigerian Institute of advanced Legal Studies: Lagos.
٤. Lopez D. and Sansfacon D (٢٢٠٥). Dommges sociaux lies a l'usage de drogues: focus sur les relation et difficiles familiales. Revue Toxibase No ٢٠ ٢e trimestre. Voir www. Toxibase. org
٥. Mohsen bin Mohammed bin Saleh al- Mikhles. (٢٠١٠) was beheaded in Damman in the east of the kingdom for trafficking in hashish according to Saudi Arabian Interior Ministry statement carried by the official SPA news agency. Sources. Agence France Presse.
٦. NIDA, (٢٠٠٤) Lessons from prevention research.

ب) مقالات و مجلات

۱. اکستازی، شادمانی برابر تیغ، فصلنامه دانشگاه پرستاری و مامائی، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۳.
۲. امامی کاشانی، محمد، رهنمون، نقد و بررسی نظریات فقهی شورای نگهبان، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره اول، تابستان ۱۳۷۱.
۳. آقای، بنی اسماعیل، دیدگاه شرع و قانون در برخورد با جرائم مرتبط با مواد مخدر، مجله رواق اندیشه، شماره ۴۳، ۱۳۸۴.
۴. آقای، هادی، مجله علمی و پزشکی قانونی، ارش، شماره ۱۳۸۴/۱۸.
۵. بررسی اعتیاد و بازپروری معتادان، سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۶۸.
۶. پیام، امیرمحمد، پرسه در ایستگاه متروک، بخش نخست، روزنامه ایران، شماره ۲۵۰۲.
۷. خسروی، زهره، رویکردهای عمده به اعتیاد و روش‌های پیشگیری از آن با تأکید بر نقش خانواده، مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی اعتیاد و خانواده، ۱۳۸۱.
۸. دهدار زاده، فاطمه، نقد و بررسی قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ نشریه حقوق دادرسی، آذر و دی ۱۳۸۷، شماره ۷۱.
۹. راهنمای پیشگیری از سوءمصرف مواد برای دست‌اندرکاران رسانه‌های گروهی، سازمان بهزیستی کشور، دفتر پیشگیری و امور اعتیاد، بخش اول، فصل دوم.
۱۰. روزنامه شرق، شماره ۸۷ مورخ ۸۲/۹/۲۰.
۱۱. روزنامه همشهری، شماره ۲۰۹۵۰۱۷۶ مورخ ۸۱/۸/۳۰.
۱۲. روزنامه همشهری، شماره ۳۳۹۴ مورخ ۸۹/۳/۱۰.
۱۳. فاضلی، عصمت، نقش افراد در زندگی والدین و دوستان یا همسالان، سوءمصرف مواد، مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی اعتیاد و خانواده، ۱۳۸۱.
۱۴. ماهنامه پیام یونسکو، شماره ۲۰۶، شهریور ۱۳۶۷.
۱۵. محمود جانکی، فیروز جرم‌زدایی به‌منزله یک تغییر، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۱، ۱۳۸۷.
۱۶. نشریه روزنامه رسمی، مجموعه قوانین سال ۱۳۷۰.
۱۷. نشریه نمایندگی دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، دفتر مطالعات و پژوهش‌ها، شماره ۶۵۰.

ج) پایان نامه‌ها

۱. افشاری، اسماعیل، مروری بر فعالیت‌های بین‌المللی کنترل امور مخدر سازمان ملل متحد، رساله ارتقاء مقام، وزارت امور خارجه (کتابخانه سیاست خارجی)، ۱۳۷۶.
۲. بالایی، ایوب، مبارزه با قاچاق بین‌المللی مواد مخدر در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۸، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۱.
۳. شعاع کاظمی، فاطمه، بررسی استعمال و اعتیاد مواد روانگردان از منظر پزشکی قانونی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۶.
۴. صدر واحدی، نازلی، مطالعه تطبیقی قوانین کیفری ایران در زمینه مواد مخدر با کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ۱۳۷۷-۱۳۷۸.
۵. مرتضوی قمی، علی، قاچاق بین‌المللی مواد مخدر و حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ۱۳۷۸-۱۳۷۹.
۶. میرایی آشتیانی، سیده هانیه، تبیین مبانی فقهی و حقوقی جرائم مواد مخدر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا دانشگاه پیام نور تهران سال ۱۳۸۸.

د) منابع اینترنتی

- ۱) www.dchq.ir
ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری
- ۲) www.unodc.org
دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل
- ۳) www.kavosh.com.mavad_ravangardau_tavahomza
- ۴) www.FEGH.org
- ۵) www.Iran.pmp.com
- ۶) www.Isfahan.com.mokhaderat_jaded.
- ۷) www.setayesh.com.mavad_mokhadere_tavahomza
- ۸) www.unic-ir.org/directory/farsi.pdf

Subject:
Legal and Judicial Study emphasized the death penalty for drug offenses and psychotropic

By:
Mohsen Moslehi

Abstract

The scourge of drug addiction as a social sinister phenomena of and regarded devastating. All human communities and most governments on this subject agree that of drugs and caused by it crimes, generations of humanity is threaten. So, pundits believe that solve these social problems in need continuous fight in the military, police and political to economic and cultural efforts. In our country one of the tools to cope with this phenomenon of and the severe penalties imposed prohibitive And capital punishment or long prison terms as examples of the Pshgyrhay are intended criminal. The purpose of this study, based on jurisprudent and juridical ideas that cope with the death penalty in narcotics offenses are obtained, Presenting strategies for preventing or at least limit its it. Objective In this research in terms of the the research, descriptive - analytic and in terms of methods of carrying out research, documentation and library. Finally, regarding the possibility of determining the legal justification for the the death penalty and on drugs offenses only from ۳ through the corruption on earth, chastising is religious and possible state decree. The literature review of jurisprudence and legal evidence can be said that the death penalty is justification for in terms of corruption on earth and religious chastising without religious basis and is not compatible with Islamic teachings. The only way to The remaining rulings expediency of society. So when deemed necessary for maintaining religion and the Islamic establishment. However, it can predict the from the laws governing of the death penalty.

Key words: Jurisprudential fundamentals, Rights principles death penalty, Drugs Offenses, Ravangardanha

I hereby declare that all information in this document has been obtained and presented in accordance with academic rules and ethical conduct. I also declare that, as required by these rules and conduct, I have fully cited and referenced all materials and results that are not original to this work.

Name, Last name: Mohsen Moslehi

Date September ۲۰۱۶

Signature

ISLAMIC AZAD UNIVERSITY
Yasouj Branch



**Faculty of Humanities, Department
of Jurisprudence and rights**
**Thesis for a master's degree in the field of jurisprudence
and Islamic principles «M.A.»**

Subject:
**Legal and Judicial Study Emphasized the Death
Penalty for Drug Offenses and Psychotropic**

Thesis Advisor:
Abdolrahman Afzalyian (Ph.D)

By:
Mohsen Moslehi

September ۲۰۱۶